

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين، و الصَّلوة والسَّلَام عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ  
«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»، وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ  
المعصومين «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ»، سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ  
حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ «صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ»، وَ لَعْنَةُ اللَّهِ  
عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ، مِنْ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.  
آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

نیره سادات علوی حسینی  
فاطمه الزهراء وليّة الله و حُجّة الله سوّمین شخصیت عالم خلقت  
ناشر: بنیاد فارس المومنین. تهران. ۱۴۰۰  
مشخصات ظاهری: ۵ جلد.

شابک: ج ۱: ۱-۳-۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۲۹-۴-۸: ۲ ج ۲: ۲-۴-۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۲۹-۵-۵: ۳ ج ۳: ۳-۵-۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۲۹-۶-۲-۴  
ج ۴: ۴-۲-۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۲۹-۷-۹: ۵ ج ۵: ۵-۷-۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۲۹-۸-۲-۴: ۶ ج ۶: ۶-۲-۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۲۹-۹-۲-۴  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
رده کنگره: BP ۲۷/۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۵۰۵۷۷

فاطمه الزهراء وليّة الله و حُجّة الله  
سوّمین شخصیت عالم خلقت  
تألیف: نیره السادات علوی حسینی  
ناشر: بنیاد فارس المومنین  
صفحه آرا: سمیه مددی  
نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۴۰۰  
شابک: ۱ - ۳ - ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۲۹-۴-۸  
شابک دوره: ۲-۴-۹۷۸-۶۲۲-۹۵۷۲۹-۵-۵

---

آدرس: تهران، خیابان کارگر شمالی، روبه روی پمپ بنزین،  
خیابان گردآفرید، پلاک ۹  
تلفن: ۶۶۹۲۳۲۳۴ - ۰۲۱

فاطمة الزهراء  
وَلِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّةُ اللَّهِ  
سومين شخصيت عالم خلقت

جلد اول (فضيلت اول تا دهم)

تأليف:

نيره السادات علوى حسينى



## فهرست

- مقدمه مؤلف ..... ۹
- فضیلت اول: وجود مقدّس زهرا سلام الله علیها مقام عصمت دارد. .... ۲۷
- فضیلت دوم: حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السّلام از نسل و ذریّه آن حضرت بهترین مخلوق خداوند متعال هستند و اشرف مخلوقات می باشند ..... ۷۳
- فضیلت سوم: حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السّلام از ذریّه و نسل آن حضرت علّت غایب خلقت می باشند. .... ۱۰۵
- فضیلت چهارم: انبیاء الهی هنگام گرفتاری به وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السّلام از ذریّه و نسل آن حضرت توسّل پیدا می نمودند و خداوند متعال را به آن ذوات مقدّسه سوگند می دادند و خداوند متعال نیز به احترام آن ذوات مقدّسه گرفتاری آن ها را برطرف می کرد و حوائج آن ها را بر آورده می نمود ..... ۱۴۹
- فضیلت پنجم: حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السّلام از ذریّه و نسل آن حضرت، سابقون و مقربون می باشند که در سوره مبارکه واقعه و مطفّفین به آن ها اشاره شده است، ..... ۲۲۱
- فضیلت ششم: حضرت زهرا سلام الله علیها و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السّلام

از ذریّه و نسل آن حضرت ابرار مدّنظر آیات شریفه سوره انسان «هَلْ أَتَىٰ - دَهْرٌ» هستند و هیجده آیه این سوره مبارکه از آیه پنجم تا آیه بیست و دوّم در شأن این ذوات مقدّسه نازل شده است..... ۲۳۳

فضیلت هفتم: موّدّت و محبّت به حضرت زهرا سلام الله علیها واجب است و آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» به این مطلب اشاره دارد..... ۲۵۹

فضیلت هشتم: حضرت زهرا سلام الله علیها کوثر است و شأن نزول سوره مبارکه کوثر درباره آن حضرت می باشد، و مژده و بشارتی است از ناحیه خداوند متعال به وجود مقدّس پیامبر اکرم که خیر کثیر و کثرت نسل را از طریق حضرت زهرا سلام الله علیها به آن حضرت «یعنی پیامبر اکرم» اعطا خواهد فرمود..... ۲۸۵

فضیلت نهم: حضرت زهرا سلام الله علیها از نور عظمت خداوند متعال خلق شده است..... ۳۲۱

فضیلت دهم: حضرت زهرا سلام الله علیها سیده نساء عالمین است..... ۳۶۱

فهرست احادیث..... ۴۰۵

منابع و ماخذ..... ۴۱۵



## مقدمه مؤلف:

قبل از پرداختن به موضوع مورد بحث، لازم است به چند مطلب اشاره شود:

۱. کتاب حاضر اصلاً در صدد این نیست که به شرح حال و زندگانی وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها بپردازد، چرا که در این رابطه بحمدالله کتب فراوانی نگاشته شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است و در این رابطه کمبودی حس نمی شود، لذا در این کتاب شریف تمام سعی و تلاش صرف این شده تا قطره ای از دریای بیکران فضائل و مناقب حضرت زهرا سلام الله علیها بیان شود، با علم به این مطلب که فضائل و مناقب آن حضرت قابل وصف و قابل بیان نیست و غیر از ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام هیچ کس نمی تواند به حقیقت و کُنه مقام والای سیده بانوان عالمین واقف شود، و این موضوع فرمایش نورانی امام صادق علیه السلام می باشد که می فرماید:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نامیده شده زیرا تمام مخلوقات از شناختن آن حضرت بازگرفته شده اند و جدا شده اند، یعنی به حقیقت و به کُنه معرفت آن وجود مقدس راه نیافته اند و قادر به رسیدن

به کنه مقام آن علیا مخدّره نمی باشند،<sup>۱</sup> همچنان که مردم قادر به شناختن وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نمی باشند و قادر به رسیدن به کنه مقام آن دو بزرگوار نیستند، و این مطلب فرمایش نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به حضرت امیر علیه السلام می باشد که می فرماید:

یا عَلِيُّ:

مَا عَرَفَ اللهُ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ،

وَ مَا عَرَفَنِي إِلَّا اللهُ وَ أَنْتَ،

وَ مَا عَرَفَكَ إِلَّا اللهُ وَ أَنَا، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی:

خدا را کسی جز من و تو نشناخت،

و مرا کسی جز خدا و تو نشناخت،

و تو را کسی جز خدا و من نشناخت.

قابل ذکر است که این قضیه در رابطه با سایر ائمه معصومین علیهم السلام نیز جریان دارد، یعنی مردم از رسیدن به کنه معرفت سایر ائمه معصومین علیهم السلام نیز عاجز و ناتوان می باشند.

یقیناً مقصود از معرفت در این احادیث نورانی و شریف، معرفت ظاهری نیست که در ظاهر، این بزرگواران را نشانند، بلکه مقصود از معرفت در این

۱. جُتَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی طباطبایی، فصل دوازدهم، صفحه ۳۱۲.

سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۷۹.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله شیخ محمدباقر کجوری مازندرانی، صفحه ۸۱۰.

جلوه نور، تألیف آیت الله حاج شیخ علی سعادت پرور، فصل ۱۲، صفحه ۱۰۴، حدیث هشتم.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۱۹۴، حدیث ۳.

احادیث شریف و نورانی، حقیقت و کُنّه مقامات آن ذوات مقدّسه می باشد که هیچ کس قادر به رسیدن به آن نمی باشد.<sup>۱</sup>

۲. مقام و منزلت وجود مقدّس صدّیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش از ائمه معصومین علیهم السّلام برتر و بالاتر می باشد، و چون مقام و منزلت ائمه معصومین علیهم السّلام از مقام و منزلت انبیاء الهی برتر و بالاتر است، لذا مقام و منزلت حضرت زهرا سلام الله علیها به طریق اولی از مقام انبیاء الهی برتر و بالاتر می باشد، و به عبارت دیگر: چون حضرت زهرا کفو و هم شأن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد، لذا حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت امیر علیه السّلام بعد از پیامبر اکرم، دوّمین شخصیت عالم خلقت می باشند، حتی اگر حضرت زهرا سلام الله علیها دوّمین شخصیت عالم خلقت نباشد، لیکن به طور قطع و یقین آن حضرت بعد از وجود مقدّس پیامبر اکرم و بعد از حضرت امیر علیه السّلام سوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد که انشاء الله تعالی در ادامه بحث به آن اشاره خواهد شد «مخصوصاً بخش مربوط به فضیلت دوّم و سوّم و چهارم و دوازدهم و چهاردهم و هیجدهم و بیست و دوّم و سی ام و سی و پنجم حضرت زهرا سلام الله علیها».

۳. حضرت زهرا سلام الله علیها در عالم خلقت یگانه بانویی است که حُجَّة الله و ولیة الله است، و گرچه آن حضرت ظاهراً منصب نبوّت و امامت ندارد «چرا که این منصب اختصاص به مردان دارد»، لیکن همانطور که ملاحظه فرمودید و ملاحظه خواهید فرمود مقام آن حضرت بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش از سایر ائمه معصومین و به طریق اولی از تمام انبیاء الهی برتر و

۱. امیرالمؤمنین علیه السّلام نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، مجلس پانزدهم، صفحه ۲۹۴.

حُجَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمّد حسن میرجهانی طباطبایی، صفحه ۳۱۲ تا ۳۱۶.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۵۲۲ «ذیل: لا اَبْلُغُ مِنَ المَدْحِ كُنْهَكُمْ»

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۱۷.

بالاتر می باشد که انشاء الله تعالی در جای خودش به آن اشاره خواهد شد. همانطور که عرض شد وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها یگانه بانویی است که حُجَّةُ الله و وِلِيَّةُ الله است، و به همین جهت است که آن علیا مخدّره غیر از پدر بزرگوارش و غیر از شوهر گرانقدرش:

بر همه مخلوقات ولایت دارد،  
واجب الاطاعه است و اطاعت از آن حضرت بر تمام مخلوقات واجب است،  
علم به گذشته و آینده دارد،  
در رحم مادر با مادر بزرگوار خویش سخن می گوید،  
بلافاصله پس از تولد، شهادتین بر زبان خویش جاری می کند، و ویژگی های دیگری که انشاء الله تعالی در محل خویش مورد بحث واقع خواهد شد و به آن ها اشاره خواهد گردید.

۴. بسیاری از فضائل و مناقبی که برای حضرت زهرا سلام الله علیها نقل شده با فضائل و مناقب ائمه معصومین علیهم السّلام مشترک می باشد، یعنی همه ائمه معصومین علیهم السّلام آن فضائل را دارا می باشند، مانند:

دارا بودن مقام عصمت،  
واجب الاطاعه بودن،  
علم غیب داشتن و...

لیکن وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها فضائلی دارند که اختصاص به آن حضرت دارد و مختص ایشان می باشد، از قبیل:

کفو بودن آن حضرت با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام، چرا که حضرت امیر علیه السّلام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مقرب ترین مخلوق در پیشگاه خداوند متعال می باشد و مقام آن حضرت از همه مخلوقات الهی برتر و بالاتر است و کفو و شبیه و نظیر ندارد مگر وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها، و اگر خداوند متعال حضرت امیر علیه السّلام را خلق نمی فرمود از زمان خلقت حضرت آدم تا روز قیامت هیچ کس شایستگی و لیاقت همسری حضرت زهرا سلام الله علیها را نداشت

چرا که کفو و هم‌رتبه آن حضرت نبود.

از دیگر فضائل اختصاصی حضرت زهرا سلام‌الله علیها این است که آن علیا مخدّره رکن حضرت امیر علیه‌السلام بود همانگونه که وجود مقدّس پیامبر اکرم رکن حضرت امیر بود، که انشاءالله تعالی در محل خویش مورد بحث واقع خواهد شد.

از دیگر فضائل اختصاصی حضرت زهرا سلام‌الله علیها این است که خداوند متعال در آسمان آن حضرت را به عقد حضرت امیر علیه‌السلام درآورده است، و فضائل دیگری که انشاءالله تعالی بعداً به آن اشاره خواهد شد.

۵. با توجه به این که احادیث صادره از ناحیه ائمه معصومین علیهم‌السلام در رابطه با بیان فضائل و مناقب حضرت زهرا سلام‌الله علیها بعضاً طولانی و مفصل می‌باشند لذا جهت سهولت در یادگیری فقط به قسمتی از احادیث شریف که مرتبط با بحث می‌باشد اشاره می‌گردد تا یادگیری و احیاناً حفظ نمودن آن‌ها آسان گردد، ضمن این که ذیل هر حدیث به منابع و مآخذ آن اشاره می‌گردد تا چنانچه افرادی تمایل به مطالعه و اطلاع از همه حدیث را دارند به سهولت قادر به دسترسی به آن حدیث شریف باشند.

در پایان این مقدمه از خداوند متعال عاجزانه مسئلت می‌نمائیم که:

خداوندا:

بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَ آيِبَهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا، مَا رَا مَشْمُولِ رَحْمَتِ وَاسِعَةٍ خَوْشِ قَرَارِ بَدَه،  
و نام ما را در زمره شیعیان و محبّین و ارادتمندان و خادمین آن علیا مخدّره

ثبت و ضبط بفرما.

و صلّ اللّٰهُمَّ عَلٰی مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطّٰهَرِيْنَ

نیره‌السادات علوی حسینی



همانطور که در مقدمه کتاب شریف ملاحظه فرمودید غیر از ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام همه مردم از رسیدن به کنه مقام حضرت زهرا سلام الله علیها عاجز و ناتوان می‌باشند و قادر به رسیدن به حقیقت و به کنه مقام آن بزرگوار نمی‌باشند و به همین جهت از احصاء و شمارش فضائل و مناقب آن بزرگوار نیز ناتوان می‌باشند، لذا آنچه که از فضائل و مناقب آن علیا مخدّره نقل می‌شود قطره‌ای از دریا است.

قابل ذکر است که ائمه معصومین علیهم السلام نیز این ویژگی را دارا می‌باشند، یعنی غیر از ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام هیچ‌کس نمی‌تواند فضائل و مناقب آن بزرگواران را احصاء و شمارش نموده و آنها را بیان و توصیف نماید.

خداوند متعال در آیه ۲۷ سوره لقمان می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ، یعنی:

اگر همه درختان روی زمین قلم شوند و دریا مرکب گردد «جوهری که با آن می‌نویسند» و هفت دریا به آن دریا افزوده شود، این قلم‌ها و این مرکب‌ها تمام می‌شوند اما کلمات خداوند متعال پایان نمی‌گیرد «تمام نمی‌شود»، به درستی که خدا عزیز و حکیم است.<sup>۱</sup>

وجود مقدس امام هادی علیه السلام در رابطه با این آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي

۱. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۸۳.

الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ، مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةٌ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ - آیه ۲۷. سوره لقمان» فرمودند:

نَحْنُ الْكَلِمَاتُ الَّتِي لَا تُدْرِكُ فَضَائِلُنَا وَ لَا تُسْتَقْصَى، یعنی:

ما هستیم آن کلمات الله که فضائلمان درک نمی گردد و زرفای وجودمان فهمیده نمی شود.

این حدیث شریف را یحیی بن اکثم از وجود مقدس امام هادی سلام الله علیه نقل نموده است.<sup>۱</sup>

همچنین در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه مقدسه امام هادی علیه السلام صادر شده هنگام زیارت ائمه معصومین علیهم السلام به آن ذوات مقدسه عرضه می داریم:

مَوَالِيَّ لَا أَحْصِي ثَنَائِكُمْ، یعنی:

ای موالی ما «موالی جمع مولی یعنی آقا»، من نمی توانم مدح شما را شمارش نمایم، یعنی:

ای امام و مولای من:

من نمی توانم مدح و ثنای شما را به طور کامل شمارش کرده و احصاء نمایم، چرا که مدح و ثنای شما به قدری زیاد است که من قادر به شمارش آنها نیستم، زیرا:

مدح و ثنای هر فرد مبتنی بر فضیلت آن فرد می باشد، و چون فضائل شما بیش از تصور ما می باشد لذا شمارش مدح و ثنای شما نیز ممکن نیست و غیر از خداوند متعال هیچ کس قادر به شمارش و احصاء فضائل شما نمی باشد، برای این که پی بردن به فضائل شما مستلزم بر معرفت به شما است، بنابراین:

۱. احتجاج طبرسی، جلد دوم، صفحه ۵۴۱، حدیث ۳۳۱.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۰۰، حدیث ۴ «ذیل آیه ۲۷ سوره لقمان».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۸۱۵، حدیث ۹۲ «حدیث ۸۷۴۸» «ذیل آیه ۲۷ سوره لقمان».



چون معرفت و شناخت ما نسبت به شما محدود است، لذا قادر به درک فضائل شما نیستیم،

و چون فضائل شما را نمی‌شناسیم لذا مدح و ثنای شما را نیز نمی‌توانیم شمارش کرده و احصاء نمائیم، و به عبارت دیگر:

مدح و ثنای شما را نمی‌توانیم شمارش کنیم چرا که فضائل و مناقب شما را نمی‌شناسیم،

و فضائل و مناقب شما را نمی‌شناسیم چرا که معرفت و شناخت ما در رابطه با شما بسیار محدود و اندک می‌باشد.

در ادامه زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره به محضر مقدس ائمه معصومین علیهم السلام عرض می‌کنیم:

وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، یعنی:

هر قدر در مدح و ثنای شما بکوشم نمی‌توانم حق مطلب را بیان کنم، زیرا مدح و ستایش هنگامی کامل و تمام است که مدح‌کننده به حقیقت وجود مدح‌شونده واقف باشد یعنی مادح به کُنّه ذات ممدوح واقف باشد،

و چون شناخت امام به طور کامل برای ما مقدور نیست، لذا مدح امام نیز به طور کامل برای ما مقدور نمی‌باشد.

در ادامه زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره به محضر مقدس ائمه معصومین علیهم السلام عرض می‌کنیم:

وَمِنْ الْوَصْفِ قَدْرُكُمْ، یعنی:

قدرت و توان بیان قدر و منزلت شما را ندارم، یعنی:

هرچه درباره شما بگویم دون‌شان شما است و کمتر از مقام و منزلت شما می‌باشد، زیرا مراتب صفات شما نامتناهی است چرا که مظهر اتم و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال می‌باشید، لذا هر اندازه در وصف شما بکوشیم حق

مطلب را ادا نکرده‌ایم، برای این که وقتی موصوف شناخته نشود وصف او نیز میسر نخواهد بود، و خلاصه کلام این که:

هرچه وصف شما را بگوییم ناچیز است و در شأن شما نیست، چرا که وصف ما در حدّ و اندازه فهم و درک و معرفت ما است نه در حدّ و اندازه قدر و منزلت شما.<sup>۱</sup>

بنابراین وقتی ما نمی‌توانیم فضائل و مناقب ائمه معصومین علیهم السلام را احصاء و شمارش نموده و آن‌ها را بیان نماییم «چرا که معرفت و شناخت ما به آن ذوات مقدّسه بسیار محدود و اندک می‌باشد» به طریق اولی قادر به احصاء و شمارش فضائل و مناقب وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز نخواهیم بود چرا که مقام و منزلت آن علیا مخدّره بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و بعد از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از بقیه ائمه معصومین علیهم السلام برتر و بالاتر می‌باشد، بنابراین:

آنچه که در این کتاب شریف از فضائل و مناقب حضرت زهرا سلام الله علیها نقل و بیان می‌شود فقط اشاره‌ای به آن مقامات است و به منزله قطره‌ای است در مقابل دریا.

اهمّ فضائل و مناقب وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که در کتاب حاضر به آن اشاره خواهد شد به ترتیب به قرار ذیل می‌باشد:

- ۱- حضرت زهرا سلام الله علیها مقام عصمت دارد.
- ۲- حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السلام از ذریه و نسل آن حضرت بهترین مخلوق خداوند متعال هستند و اشرف مخلوقات می‌باشند.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۵۲۱-۵۲۲.  
شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سید حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۵۸۲.

۳- حضرت زهرا سلام الله عليها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین عليهم السلام از ذریه و نسل آن حضرت علت غایی خلقت می باشند.

۴- انبیاء الهی هنگام گرفتاری به حضرت زهرا سلام الله عليها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین عليهم السلام از ذریه و نسل آن حضرت توسل پیدا می نمودند و خداوند متعال را به آن ذوات مقدسه سوگند می دادند و خداوند متعال نیز به احترام آن ذوات مقدسه گرفتاری آنها را برطرف می نمود و حوائج آنها را برآورده می کرد.

۵ - حضرت زهرا سلام الله عليها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین عليهم السلام از ذریه و نسل آن حضرت سابقون و مقربون می باشند که در سوره مبارکه واقعه و مطففین به آنها اشاره شده است.

۶ - حضرت زهرا سلام الله عليها و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین عليهم السلام از ذریه و نسل آن حضرت ابرار مدنظر آیات شریفه سوره هل آتی «انسان» هستند و هیجده آیه این سوره مبارکه از آیه پنجم تا آیه بیست و دوم در شأن این ذوات مقدسه نازل شده است.

۷- مودت و محبت به حضرت زهرا سلام الله عليها واجب است و آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» به این مطلب اشاره دارد.

۸ - حضرت زهرا سلام الله عليها کوثر است و شأن نزول سوره مبارکه کوثر درباره آن حضرت است و مژده و بشارتی است از ناحیه خداوند متعال به وجود مقدس پیامبر اکرم که خیر کثیر و کثرت نسل از طریق حضرت زهرا سلام الله عليها به آن حضرت «یعنی پیامبر اکرم» اعطا خواهد فرمود.

۹- حضرت زهرا سلام الله عليها از نور عظمت خداوند متعال خلق شده است.

- ۱۰- حضرت زهرا سلام الله عليها سيده نساء عالمين است.
- ۱۱- حضرت زهرا سلام الله عليها حُجَّةُ الله است.
- ۱۲- حضرت زهرا سلام الله عليها وُلِّيَّةُ الله است و دارای مقام ولایت کلیه می باشد و مانند پیامبر اکرم و حضرت امیر علیهما السلام بر همه مخلوقات ولایت دارد.
- ۱۳- حضرت زهرا سلام الله عليها حُجَّةُ الله و وُلِّيَّةُ الله است، لذا نام مبارک آن حضرت در ردیف نام مبارک ائمه معصومین علیهم السلام آمده است، گرچه آن حضرت منصب امامت ندارد.
- ۱۴- حضرت زهرا سلام الله عليها حُجَّةُ الله و وُلِّيَّةُ الله است، لذا مانند سایر ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام واجب اطاعه است و خداوند متعال اطاعت از آن حضرت را بر همه مخلوقات واجب فرموده است «غیر از پیامبر اکرم و حضرت امیر سلام الله علیهما».
- ۱۵- حضرت زهرا سلام الله عليها حُجَّةُ الله و وُلِّيَّةُ الله است و از پیروان آن حضرت به عنوان شیعیان آن حضرت یاد می شود همچنان که در رابطه با ائمه معصومین علیهم السلام گفته می شود.
- ۱۶- حضرت زهرا سلام الله عليها حُجَّةُ الله و وُلِّيَّةُ الله است، لذا مانند سایر ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام مخزن علم خداوند است و به گذشته و آینده علم دارد و از آن آگاه است.
- ۱۷- حضرت زهرا سلام الله عليها حُجَّةُ الله و وُلِّيَّةُ الله است، لذا در رحم مادر با مادر بزرگوار خویش سخن می گوید و مانند سایر ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام بلافاصله پس از تولد شهادتین را بر زبان مبارک خویش جاری می سازد.
- ۱۸- حضرت زهرا سلام الله عليها کفو امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السَّلَام می باشد و این مقام و منزلت مقام و منزلتی است انحصاری که مختص به آن بزرگوار می باشد، زیرا در عالم خلقت فقط وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر حضرت امیر علیه السَّلَام تفوق و برتری دارد و حضرت امیر علیه السَّلَام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقرب ترین مخلوق خداوند متعال در پیشگاه الهی است و دوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد و شبیه و نظیر ندارد مگر وجود مقدس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها، و به همین جهت است که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین ساعات عمر مبارک خویش، دست مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها را در دست مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام قرار داد و به آن حضرت فرمود:

یا عَلِيُّ:

أَنْفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةَ، یعنی:

ای علی:

هر دستوری که فاطمه به تو داد انجام بده.<sup>۱</sup>

البته این بدان معنا نیست که مقام حضرت زهرا سلام الله علیها برتر و بالاتر از مقام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام می باشد، بلکه هر دو بزرگوار حُجَّةُ الله و وِلِيُّ الله «وَلِیَّةُ الله» هستند، اما بعد از پیامبر اکرم حضرت امیر علیه السَّلَام جانشین پیامبر اکرم و امام واجب الاطاعه بود و همگان از جمله حضرت زهرا سلام الله علیها موظف به اطاعت از آن حضرت بودند، لیکن چون حضرت زهرا نیز حُجَّةُ الله و وِلِیَّةُ الله است و کفو حضرت امیر علیه السَّلَام می باشد به همین جهت پیامبر اکرم به حضرت امیر فرمود که هر چه فاطمه به تو دستور داد انجام بده.

۱. جنّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمّد حسن میرجهانی طباطبائی، فصل هفدهم، صفحه ۴۷۷، حدیث دوّم. تحقیقی درباره زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سیّد محمّد کاظم قزوینی، صفحه ۱۸۱. فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله احمد رحمانی همدانی، فصل چهارم، صفحه ۹۲، حدیث ۳.

۱۹- حضرت زهرا سلام الله علیها رکن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد و این فضیلت نیز از فضائل اختصاصی آن حضرت می باشد.  
 ۲۰- در علو مقام حضرت زهرا سلام الله علیها و عظمت آن حضرت و بی نظیر بودن آن بزرگوار «بعد از پدر بزرگوار و شوهر گرانقدرش» همین بس، که:

پیامبر اکرم دست آن حضرت را می بوسید و به او می فرمود:  
 فِدَاها أَبُوها

۲۱- در علو مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که:  
 حضرت امیر علیه السلام به آن حضرت می فرمود:  
 بِأَبِي أَنْتِ وَأُمِّي

۲۲- در علو مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که:  
 حضرت زهرا سلام الله علیها اولین فردی است که وارد بهشت می شود، و هنگامی که آن حضرت در بهشت مستقر شد همه انبیاء الهی از آدم تا خاتم علیهم السلام به زیارت آن بزرگوار می روند.

۲۳- در علو مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که:  
 نامگذاری آن حضرت به وسیله خداوند متعال صورت گرفته است.  
 ۲۴- در علو مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که:  
 خداوند متعال آن حضرت را در آسمان به عقد حضرت امیر علیه السلام در آورده است.

۲۵- در علو مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که:  
 شب زفاف آن حضرت، جبرئیل و میکائیل با هفتاد هزار فرشته به زمین آمدند تا آن وجود مقدس را به منزل حضرت امیر علیه السلام ببرند.  
 ۲۶- در علو مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که:

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جبرئیل کراراً به محضر مقدّس حضرت زهرا سلام الله علیها شرفیاب می شد و آن حضرت را تسلی می داد و با آن حضرت سخن می گفت.

۲۷- در علوّ مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که: روز قیامت آن حضرت سوار ناقه ای می شود که مهار ناقه را جبرئیل در دست دارد.

۲۸- در علوّ مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که: تا زمانی که آن حضرت در قید حیات بودند ازدواج با زنان دیگر برای حضرت امیر علیه السلام حرام بود، و حتی در آخرت و در بهشت نیز حورالعین خدمتکار حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیها می باشند، نه این که حورالعین همسر حضرت امیر علیه السلام باشند.

۲۹- در علوّ مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که: آن حضرت به لیله قدر تأویل شده است، لذا غیر از ذوات مقدّسه معصومین علیهم السلام هیچ کس قادر به شناختن و رسیدن به کنه مقام آن علیا مخدّره نمی باشد.

۳۰- در علوّ مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که: *فَاطِمَةُ هِيَ الصِّدِّيقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلِيٌّ مَعْرِفَتُهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى*، یعنی: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها صدّیقه کبری است، و امت های گذشته به معرفت و شناخت آن حضرت باقی بوده اند «قرون و اعصار گذشته بر معرفت و شناخت آن علیا مخدّره دور زده است».

۳۱- در علوّ مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که:

*إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِيغْضَبَ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِيَرْضَاهَا*، یعنی:

خداوند متعال به غضب فاطمه زهرا سلام الله علیها غضب می کند و به خشنودی آن حضرت خشنود می شود، زیرا:  
حضرت زهرا سلام الله علیها مظهر اتم و اکمل جلال و جمال خداوند متعال و جلوه نور الهی است.

۳۲- در علو مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که:  
خداوند متعال در سوره هَلْ أَتَى «انسان» از نعمات فراوانی یاد نموده که در بهشت به ابرار یعنی به خمسه طیبه «محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السّلام» و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام اعطا می شود، لیکن چون یکی از ابرار مورد نظر آیات شریفه این سوره مبارکه «سوره هَلْ أَتَى» حضرت زهرا سلام الله علیها می باشد لذا خداوند متعال به احترام آن علیا مخدّره از حورالعین نام نبرده است.

۳۳- در علو مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که:  
روز قیامت اولین دیوانی که گشوده می شود دیوان حضرت زهرا سلام الله علیها است در رابطه با کسانی که به آن حضرت و ذریّه و اولاد آن حضرت ظلم نمودند،  
و اوّل انتقامی که کشیده می شود از ظالمینی است که به آن حضرت و ذریّه و اولاد آن حضرت ظلم نمودند.

۳۴- در علو مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که:  
در حدیث شریف کساء خداوند متعال آن حضرت را محور قرار داده و در معرفّی اهل کساء می فرماید:

هُمُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ،  
هُمُ فَاطِمَةٌ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا

۳۵- در علو مقام حضرت زهرا سلام الله علیها همین بس، که:



مقام آن حضرت بعد از پیامبر اکرم و بعد از حضرت امیر سلام الله علیهما از مقام یازده امام معصوم از ذریه خویش «از امام مجتبی تا امام زمان سلام الله علیهما» برتر و بالاتر می باشد،

و چون مقام ائمه معصومین علیهم السلام از مقام انبیاء الهی برتر و بالاتر می باشد، لذا به طریق اولی مقام حضرت زهرا سلام الله علیها از مقام تمام انبیاء الهی برتر و بالاتر است، یعنی آن حضرت سومین شخصیت عالم خلقت می باشد، و به عبارت دیگر:

حضرت زهرا سلام الله علیها کفو و هم رتبه و هم شأن مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد، لذا مقام آن دو بزرگوار و آن دو حجت عظمای خداوند متعال بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از همه انبیاء الهی برتر و بالاتر می باشد، و بلافاصله بعد از آن دو بزرگوار یازده امام معصوم از نسل و ذریه آن دو بزرگوار واقع شده اند، و بعد از این چهارده وجود مقدس و معصوم سلام الله علیهم اجمعین، انبیاء الهی قرار گرفته اند.

پس از ذکر عناوین سی و پنج فضیلت از فضائل و مناقب بی شمار وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها، اینک می پردازیم به توضیح و تشریح این فضائل سی و پنجگانه.



## فضیلت اوّل

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها مقام عصمت دارد.

خداوند متعال در آیه ۳۳ سوره احزاب می فرماید:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً

ترجمه:

به درستی که خداوند متعال می خواهد پلیدی و گناه را فقط و فقط از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد و به شما عصمت اعطا فرماید.

به عبارت دیگر:

خداوند متعال اراده فرموده تا رجس و پلیدی را فقط و فقط از شما اهل بیت پیامبر اکرم دور کند و شما را پاک نماید، پاک کامل «اعطای مقام عصمت»<sup>۱</sup>.

إِنَّمَا = إِنَّمَا در این آیه شریفه انحصار را می رساند.

این که این انحصار مربوط به چیست و إِنَّمَا انحصار چه چیزی را می رساند انشاءالله تعالی بعداً به عرض خواهد رسید.

رِجْسٌ = مطلق پلیدی و ناپاکی، چه از نظر عقل و چه از نظر شرع.

اگر رِجْسٌ به معنی گناه، شرک، ظلم، بُخْل، حسد، اعتقاد باطل و نظایر اینها

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۰۹.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۷۵-۱۷۶.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۱۰.

بیان شده و تفسیر گردیده به این جهت است که گناه، شرک، ظلم، بُخل، حسد و... از مصادیق آشکار پلیدی هستند، و گرنه رَجُسْ مفهومی عام و فراگیر دارد و همه پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها و گناهان را در بر می‌گیرد.

الف و لام که با رَجُسْ آمده «الرَّجْسُ» الف و لام جنس می‌باشد، لذا الرَّجْسُ یعنی همه پلیدی‌ها، همه ناپاکی‌ها، همه گناهان، و به‌طور کلی هر عملی که رضایت خداوند متعال در آن نباشد.

اهل البیت = به اتفاق همه علمای اسلام اعم از شیعه و سنی اشاره به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

این که منظور از اهل بیت پیامبر اکرم چه کسانی هستند انشاء الله تعالی در ادامه بحث و در بخش حدیث مشخص خواهد شد.

اِذْهَابِ رَجْسٍ = دور کردن پلیدی‌ها و گناهان، بردن پلیدی‌ها و گناهان.  
تَطْهِيرٍ = پاک کردن، پاک ساختن.

آوردن کلمه تطهیر در این آیه شریفه تأکیدی است بر مسئله اذهابِ رَجْسِ،

یعنی:

وقتی خداوند متعال می‌فرماید که:

من اراده کرده‌ام تا همه پلیدی‌ها و گناهان را از اهل این خانه «خانه پیامبر اکرم» دور کنم، یعنی دادن مقام عصمت به اهل این خانه، یعنی دادن مقام عصمت به اهل بیت پیامبر اکرم، لذا:

وقتی خداوند متعال در این آیه شریفه جمله يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا را می‌آورد تأکید مجددی است بر اِذْهَابِ رَجْسِ «دور کردن پلیدی‌ها و گناهان»، از اهل بیت پیامبر اکرم.<sup>۱</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۰۹.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۷۵-۱۷۶.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۱۵-۳۱۶.

أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً = خداوند متعال اراده فرموده تا رِجْس و پلیدی یعنی همه پلیدی‌ها و زشتی‌ها و همه گناهان را فقط و فقط از شما اهل بیت پیامبر اکرم دور کند و شما اهل بیت پیامبر اکرم را پاک نماید، پاک کامل.

کلمه اَتَمَّا در این آیه شریفه انحصار اراده و مشیت خداوند متعال را می‌رساند در تطهیر اهل بیت پیامبر اکرم،

همچنین انحصار عصمت فقط و فقط برای اهل بیت پیامبر اکرم، یعنی: اراده حتمی و مستمّر خداوند متعال بر این تعلق گرفته تا فقط و فقط اهل بیت پیامبر اکرم را از رِجْس و پلیدی و گناه دور نماید و فقط به اهل بیت پیامبر اکرم مقام عصمت اعطا فرماید.

معنی این انحصار این است که این اِذْهَابِ رِجْس «دور کردن همه پلیدی‌ها و گناهان» فقط و فقط مربوط به اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می‌باشد تا غیر از اهل این خانه داخل در حکم نشوند. قابل ذکر است که:

اراده در این آیه شریفه «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب «اراده تکوینی است نه تشریحی، یعنی: مربوط به اراده و مشیت خداوند متعال است در عالم تکوین، و اراده تکوینی به معنی خلقت و آفرینش می‌باشد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

صدها روایت و حدیث از منابع شیعه و سنی نقل شده که آیه تطهیر «آیه ۳۳

۱. مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۰۹.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۱.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۱۵ تا ۳۱۷ - ۳۲۰ - ۳۲۶ و ۳۲۷.

سوره احزاب» درباره پنج نفر می باشد، یعنی وجود مقدّس محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلّم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، فاطمه زهرا سلام الله علیها، امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین سیدالشهداء علیه السلام،

و قضیه از این قرار است که وقتی این پنج وجود مقدّس و مبارک در زیر عبا و کساء قرار گرفتند، وجود مقدّس پیامبر اکرم دست به دعا برداشته و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ عِزَّتِي، فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:  
خداوندا:

این ها «علی، فاطمه، حسن و حسین» اهل بیت من و خاندان من هستند، پس آن ها را از هرگونه رجس و پلیدی و ناپاکی و گناه دورکن و آن ها را کاملاً پاک و طاهر قرار بده، پاک کامل.

بعد از این دعا و درخواست پیامبر اکرم بود که به امر خداوند متعال جبرئیل علیه السلام این آیه شریفه را «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً - آیه ۳۳ سوره احزاب» به پیامبر اکرم آورد.

قابل ذکر است که یکی از علمای بزرگ اهل تسنّن به نام حاکم حسکانی در کتاب خویش به نام شواهد التنزیل بیش از یکصد و سی حدیث با سندهای مختلف نقل نموده که آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» در رابطه با حضرت محمّد، علی، فاطمه زهرا، حسن و حسین علیهم السلام می باشد.<sup>۱</sup>

ذیلاً به چند حدیث نورانی اشاره می شود که صراحتاً بیان می فرمایند که مقصود از کسانی که خداوند متعال به آن ها عصمت اعطا فرموده وجود مقدّس خمسه طیّبه یعنی حضرت محمّد، علی، فاطمه زهرا، حسن و حسین

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۱۰، ۱۱۱.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۲ تا ۳۲۵.

علیهم السّلام می‌باشند، همچنین نه امام از ذرّیه امام حسین علیه السّلام از امام سجّاد علیه السّلام تا بقیّة الله الاعظم حجّة بن الحسن القائم المهدی صلوات الله و سلامه علیه.

این احادیث نورانی و شریف صراحتاً به مقام عصمت حضرت صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها اشاره دارند که در این کتاب شریف به عنوان اولین فضیلت از فضائل بی‌شمار آن علیا مخدّره یاد شده است.

### حدیث اوّل:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در روز شورا، اعضاء شورا را مورد خطاب قرار داده و به آنها فرمود:

شما را به خداوند متعال سوگند می‌دهم که:

آیا در میان شما کسی غیر از من هست که خداوند متعال آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً، آیه ۳۳ سوره احزاب» را در مورد او و همسر و فرزندان او به پیامبر اکرم نازل کرده باشد.

حضرت امیر علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

در آن روز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عبا و کساء خیبری را برداشته و من و همسر فاطمه و حسن و حسین را زیر آن عبا و کساء جمع نمود و به خداوند متعال عرض کرد:

اللّهُمَّ هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ عِزَّتِي، فَادْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

خداوندا:

این‌ها «علی، فاطمه، حسن و حسین» اهل بیت من و خاندان من هستند، پس هرگونه رجس و پلیدی و ناپاکی و گناه را از آنها دور کن و آنها را پاک و طاهر قرار بده، پاکِ کامل.

اعضاء شورا به محضر حضرت امیر علیه السّلام عرض کردند:

خیر، غیر از رسول الله و شما و همسر و فرزندان شما کسی آنجا نبود.<sup>۱</sup>

### توضیح:

عمر بن خطاب در آخرین روزهای عمر خویش شش نفر را تعیین کرد تا پس از مرگ او از بین خودشان یک نفر را به عنوان خلیفهٔ مسلمین انتخاب نمایند، لیکن انتخاب اعضاء این شورای شش نفره به نحوی بود که به هیچ وجه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام انتخاب نمی شد.

حضرت علی علیه السلام در چنین روز و چنین شورایی قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب خویش را بیان فرمودند که یکی از آنها اشاره به آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» و شأن نزول آن بود که عرض شد.

اعضاء این شورای شش نفره عبارت بودند از:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، عثمان بن عفان، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، و عبدالرحمن بن عوف.

در بین اعضاء شش نفره شورا فقط زبیر بود که تمایل به علی بن ابیطالب علیه السلام داشت و طلحه و سعد بن ابی وقاص و عبدالرحمن بن عوف تمایل به عثمان داشتند و نهایتاً نیز عثمان به عنوان خلیفهٔ مسلمین انتخاب شد.

امامت که امری انتصابی از جانب خداوند متعال می باشد به امری انتخاباتی تبدیل شد و امام منصوب از ناحیهٔ خداوند متعال یعنی مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام کنار گذاشته شد و افراد دیگری انتخاب شدند.

۱. خصال شیخ صدوق، جلد دوم، صفحه ۳۴۲، باب خصال چهل گانه و بیشتر، حدیث ۱۸.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۵.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۱۳ و ۴۲۵، حدیث ۱۰ و ۲۴.

تفسیر نورالتقلین، جلد ششم، صفحه ۹۱، حدیث ۹۰ «حدیث ۸۹۱۸».



**حدیث دوم:**

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ایام خلافت عثمان بن عفان در مدینه و در جمع مهاجرین و انصار فرمودند:

ای مردم:

آیا می دانید که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً، آیه ۳۳ سوره

احزاب».

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش خویش جمع حاضر را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

ای مردم:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، من و فاطمه و حسن و حسین را جمع نموده و عبا و کساء خویش را روی ما انداخته و به خداوند متعال عرضه داشت:

اللَّهُمَّ هُوَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَعِزَّتِي، فَادِّهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

خداوندا:

اینها «علی، فاطمه، حسن و حسین» اهل بیت من و خاندان من هستند، پس هرگونه رجس و پلیدی و ناپاکی و گناه را از آنها دور کن و آنها را پاک و مطهر قرار بده، پاک کامل،

و پس از این دعای پیامبر اکرم بود که خداوند متعال آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» را نازل فرمود.

ام سلمه «یکی از همسران پیامبر اکرم» که در آنجا حضور داشت به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله:

آیا من هم در زمره این‌ها «اهل بیت تو» هستم.

پیامبر اکرم به امّ سلمه فرمود:

أَنْتِ عَلِيٌّ خَيْرٌ «تو بر خیر و نیکی هستی، یعنی تو خوبی» و عاقبت به خیر

می‌باشی، امّا:

آیه تطهیر درباره من و برادرم علی بن ابیطالب و دخترم فاطمه و دو فرزندم حسن و حسین و نه فرزندم از نسل و ذریه حسین نازل شده است و هیچ کس غیر از ما در زمره ما نخواهد بود و مشمول این آیه شریفه «آیه ۳۳ سوره احزاب» نیست.

مهاجرین و انصار که فرمایشات امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را شنیدند همگی اظهار داشتند:

یا علی:

ما شهادت می‌دهیم که امّ سلمه نیز این قضیه را همین‌گونه برای ما بیان نمود، و ما این مطلب را از محضر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کردیم و آن حضرت نیز مطلب را همانگونه که شما بیان فرمودید بیان فرمودند.<sup>۱</sup>

### حدیث سوّم:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هفتاد فضیلت و منقبت خودشان را بیان فرمودند که یکی از آن‌ها این بود که آن حضرت فرمود:

رسول خدا مرا و همسرم فاطمه را و دو فرزندم حسن و حسین را زیر عبا و کساء قرار داد، و در همین حال بود که جبرئیل نازل شد و آیه تطهیر را «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ يُدْهِبْ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيراً - آیه ۳۳ سوره احزاب»

۱. کمال الدین و تمام النعمه، جلد اول، صفحه ۵۲۰، باب ۲۴، حدیث ۲۵.

احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۳۰۹، حدیث ۵۶.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۳، حدیث ۹۲ «حدیث ۸۹۲۰».

از طرف خداوند متعال آورد.<sup>۱</sup>

### حدیث چهارم:

احتجاج صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها بر ابوبکر و عمر. بلافاصله بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عده‌ای از مسلمانان در سقیفه بنی ساعده گرد آمده و ابوبکر بن ابی قحافه را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب کردند.

یکی از کارهایی که در همان روزهای اوّل پس از رحلت پیامبر اکرم صورت گرفت غصب فدک بود که پیامبر اکرم در زمان حیات خویش به امر خداوند متعال به دخترش فاطمه زهرا سلام الله علیها هبه کرده بود «بخشیده بود». حضرت زهرا سلام الله علیها به منظور بازپس گیری فدک در حضور عده‌ای از مردم مدینه غاصبین فدک و جمع حاضر را مورد خطاب قرار داده و به آنها فرمود:

آیا نشنیدید که پدرم رسول خدا فرمود:

إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، یعنی:

به درستی که دخترم فاطمه سیده بانوان بهشت است.

همه افرادی که آنجا حضور داشتند عرض کردند:

ای دختر پیامبر، به خدا قسم این سخن را از پیامبر اکرم شنیدیم.

حضرت زهرا سلام الله علیها جمع حاضر و غاصبین فدک را مورد خطاب

قرار داده و فرمودند:

آیا سیده بانوان بهشت ادّعی باطل و بی اساس می کند و می خواهد چیزی را

۱. خصال صدوق، جلد دوم، باب خصال چهل گانه و بیشتر، صفحه ۳۶۸، حدیث ۲۲، «شماره ۷۰».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۱۹، حدیث ۱۳.

تفسیر نورالتقلین، جلد ششم، صفحه ۹۳، حدیث ۹۱ «حدیث ۸۹۱۹».

تملک و تصاحب کند که متعلق به او نیست.  
وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها مجدّداً جمع حاضر و غاصبین فدک را مورد خطاب قرار داده و به آنها فرمود:  
اگر دو نفر شهادت بدهند که من مرتکب سرقت شده‌ام، آیا شما شهادت آن دو نفر را تصدیق می‌کنید.

یکی از غاصبین فدک در پاسخ به سؤال حضرت زهرا سلام الله علیها گفت:  
بله، شهادت آن دو نفر را تصدیق کرده و بر تو حد جاری می‌کنیم.  
حضرت زهرا سلام الله علیها به او فرمود:  
زمانی می‌توانی شهادت این دو نفر را تصدیق کنی و بر من حد جاری نمایی که از دین و شریعت پدرم محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم خارج شوی،

برای این که اگر کسی به سیده بانوان بهشت نسبت گناه بدهد و بخواهد بر او حد جاری کند چنین شخصی ملعون و کافر است، زیرا کسانی که خداوند متعال در شأن و منزلت آنها آیه تطهیر را نازل فرموده «آیه ۳۳ سوره احزاب» و هرگونه رجس و پلیدی و گناه را از آنها دور کرده و آنها را طاهر و پاک نموده شهادت بر علیه آنان جایز نمی‌باشد، چرا که آنها معصوم هستند و پاک و مطهر از هر عیب و گناه و آلودگی می‌باشند.

حضرت زهرا سلام الله علیها مجدّداً یکی از غاصبین فدک را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:

مرا به آیه تطهیر آگاه کن. «آیه ۳۳ سوره احزاب»،

آیا اگر گروهی از مردم نسبت به کسانی که آیه تطهیر در شأن آنها نازل شده نسبت گناه بدهند و شهادت بدهند که مرتکب گناه شده‌اند آیا به آنها حد جاری می‌شود؟

او در پاسخ به فرمایش حضرت زهرا سلام الله عليها گفت:  
بله، زیرا اینها «اهل بیت پیامبر اکرم» با سایر مردم تفاوتی ندارند و با آنها  
در یک سطح و یک ردیف می باشند.

حضرت زهرا سلام الله عليها به او فرمود:

تو کافر شدی و دروغ می گویی، زیرا اهل بیت پیامبر اکرم و کسانی که آیه  
تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» درباره آنها نازل شده با سایر مردم در یک سطح  
و در یک ردیف نیستند، چرا که خداوند متعال به آنها عصمت اعطا فرموده و  
درباره عصمت و طهارت آنها آیه تطهیر را نازل نموده و آنها را از هر رجس  
و پلیدی و گناه دور نموده است.

وجود مقدس حضرت زهرا سلام الله عليها در پایان فرمایش خویش او را  
مورد خطاب قرار داده و فرمود:

هرکس به اهل بیت پیامبر اکرم خطایی نسبت بدهد و هرکس این خطا را  
تصدیق کند همانا خدا و رسول خدا را تکذیب نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث پنجم:

وجود مقدس امام سجاد علیه السلام فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت علی و فاطمه  
و حسن و حسین علیهم السلام را زیر کساء فدکیه «کساء بافت فدک که از آن  
به عنوان عبا و کساء خیبریه و یا عبا و کساء فدکیه یاد می شود» جمع نموده و  
به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ عِثْرَتِي، فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

خداوندا:

اینهایی که زیر کساء جمع شده اند اهل بیت من و عترت و خاندان من هستند،

۱. کتاب فاطمه زهرا سلام الله عليها، سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله احمد رحمانی همدانی، صفحه ۴۰۰ - ۴۰۱.

خداوندا:

هرگونه رجس و پلیدی و ناپاکی و گناه را از آنها دور کن و آنها را کاملاً پاک و مطهر گردان.

پس از این دعا و درخواست پیامبر اکرم بود که به امر خداوند متعال جبرئیل نازل شد و آیه تطهیر را «آیه ۳۳ سوره احزاب» به پیامبر اکرم آورد.

امّ سلمه که قصد نزدیک شدن به آن جمع را داشت به پیامبر اکرم عرض کرد: یا رسول الله:

آیا من هم در زمره اهل بیت شما هستم.

پیامبر اکرم به امّ سلمه فرمود:

كُونِي مَكَانَكَ يَا أُمَّ سَلَمَةَ، أَنْتِ إِلَى خَيْرٍ، أَنْتِ مِنْ أَزْوَاجِ نَبِيِّ اللَّهِ، يَعْنِي:

ای امّ سلمه:

در همان جایی که هستی باش «داخل کساء نشو»، تو در زمره اهل بیت پیامبر

اکرم نمی باشی، تو از همسران پیامبر اکرم هستی و تو عاقبت به خیر هستی.<sup>۱</sup>

### حدیث ششم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً - آیه

۳۳ سوره احزاب» درباره حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام

می باشد و در شأن آنها نازل شده است.

پیامبر اکرم در منزل امّ سلمه «یکی از همسران پیامبر اکرم»، حضرت علی و

فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را زیر عبای خویش قرار داد و سپس به

خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۲۲، حدیث ۲۲.

این‌ها اهل بیت من هستند، هرگونه رجس و ناپاکی و گناه را از اهل بیت من دور کن و آن‌ها را کاملاً پاک و مطهّر نما.  
پس از این دعا و درخواست پیامبر اکرم بود که خداوند متعال آیه تطهیر را نازل فرمود.

اُمّ سلمه به پیامبر اکرم عرض کرد:

آیا من از اهل بیت تو نیستم.

پیامبر اکرم به اُمّ سلمه فرمود:

تو به خیر و نیکی هستی «عاقبت به خیر هستی»، اما اهل بیت من این‌ها هستند. این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث هفتم:

وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

این آیه شریفه «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً - آیه ۳۳ سوره احزاب» در شأن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام نازل شده است، و این قضیه در منزل اُمّ سلمه همسر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق افتاد.  
وجود مقدّس پیامبر اکرم، حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام را زیر کساء خیبری قرار داد و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ عِزَّتِي، فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

خدایا:

این‌ها اهل بیت من هستند، آن‌ها را از هرگونه رجس و پلیدی و گناه دور کن

۱. المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۶۵ «ذیل آیات ۵۹ تا ۷۰ سوره نساء».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۴ - ۳۳۵.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۰۷، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۵، حدیث ۹۷ «حدیث ۸۹۲۵».

و آنها را کاملاً پاک و مطهّر گردان.

بعد از این دعای پیامبر اکرم بود که خداوند متعال آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» را نازل فرمود.

امّ سلمه به پیامبر اکرم عرض کرد:

آیا من هم در زمره اهل بیت شما هستم.

پیامبر اکرم به امّ سلمه فرمود:

تو به خیر و نیکی هستی و عاقبت به خیر هستی، اما در زمره اهل بیت من نمی باشی.

این حدیث را ابو جارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث هشتم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «انّما یریدُ اللهُ لیذهبَ عنکُمُ الرّجسَ اهلَ البیتِ و یطهّرکم تطهیراً - آیه ۳۳ سوره احزاب» در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و حضرت فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.

این حدیث را عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۲، حدیث ۳۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۸۹، حدیث ۸۴ «حدیث ۸۹۱۲».

۲. علل الشرایع، جلد اول، صفحه ۶۶۵، باب ۱۵۶، حدیث ۲.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۶.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۱۱ - حدیث ۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۵، حدیث ۹۴ «حدیث ۸۹۲۲».



**حدیث نهم:**

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وقتی که با ابوبکر بیعت کردند او فردی را به سرزمین فدک روانه نمود و به او دستور داد تا نماینده و وکیل حضرت زهرا سلام الله علیها را از آنجا اخراج کند. پس از این قضیه حضرت زهرا سلام الله علیها نزد ابوبکر آمده و به او فرمود:

چرا مرا از ارث پدری محروم کردی و نماینده و وکیل مرا از فدک اخراج نمودی، در حالی که پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم به دستور خداوند متعال به من واگذار کرده بود.

پس از وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها، وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به مسجد النّبی وارد شد و به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

به چه علّت حضرت زهرا سلام الله علیها را از میراث پدری او محروم ساختی، در حالی که حضرت زهرا سلام الله علیها در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مالک فدک شده بود.

از جمله مطالبی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به ابوبکر فرمود این بود که آن حضرت به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

آیا قرآن خوانده ای و به آن اقرار داری.

ابوبکر جواب داد:

آری خوانده ام و به آن اقرار دارم.

حضرت امیر علیه السّلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

آیا این آیه شریفه «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب» درباره ما و در شأن ما نازل شده است یا درباره شما و در شأن شما.

ابوبکر پاسخ داد:

این آیه شریفه درباره شما و در شأن شما نازل شده است.

حضرت امیر علیه السلام به ابوبکر فرمود:

اگر دو نفر مسلمان شهادت دهند که حضرت زهرا سلام الله علیها مرتکب گناهی شده چه خواهی کرد.

ابوبکر پاسخ داد:

بر او حد جاری می کنم همانگونه که بر دیگر زنان مسلمان گنهکار حد جاری می کنم.

حضرت امیر علیه السلام به ابوبکر فرمود:

در این صورت تو در نزد خداوند متعال از کافران شمرده می شوی.

ابوبکر پرسید: چرا؟

حضرت امیر علیه السلام به ابوبکر فرمود:

برای این که تو شهادت خداوند متعال را رد کرده و شهادت غیر خدا را پذیرفته ای، زیرا خداوند متعال در این آیه شریفه «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب» به عصمت و طهارت حضرت زهرا سلام الله علیها شهادت و گواهی داده است،

لذا وقتی تو شهادت خداوند متعال را رد نموده و شهادت غیر خدا را می پذیری نزد خداوند متعال کافر هستی.

این حدیث را هم حماد بن عثمان و هم ابن ابی عمیر از امام صادق

عليه السلام نقل نموده اند.<sup>۱</sup>

### حدیث دهم:

وجود مقدس امام حسن مجتبی علیه السلام پس از صلح با معاویه در مجلسی که معاویه هم آنجا بود بر بالای منبر جلوس نموده و فرمودند:

ما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستیم و از گوشت و خون و جان آن حضرت می باشیم، و خداوند متعال این آیه شریفه را «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب» در شأن ما نازل فرموده است.

وجود مقدس امام مجتبی علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در منزل ام سلمه عباى خيبرى را روى من و برادرم و مادرم و پدرم انداخت و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي،

اللَّهُمَّ اذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، يعنى:

خداوندا:

اینها اهل بیت من هستند، اینها را از هرگونه رجس و پلیدی و گناه دور کن و اینها را کاملاً پاک و مطهر گردان، و پس از این دعای پیامبر اکرم بود که خداوند متعال آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» را نازل فرمود.

ام سلمه به پیامبر اکرم عرض کرد:

۱. علل الشرایع صدوق، جلد اول، صفحه ۶۱۹، باب ۱۵۱، حدیث ۱.

احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۲۱۴، حدیث ۴۷.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۱۹، حدیث ۱۴.

تفسیر نورالتقلین، جلد ششم، صفحه ۹۳، حدیث ۹۳ «حدیث ۸۹۲۱».

تفسیر نورالتقلین، جلد ششم، صفحه ۹۷، حدیث ۹۹ «حدیث ۸۹۲۷».

آیا من هم در زمرة اهل بیت شما هستم.

پیامبر اکرم به امّ سلمه فرمود:

تو به خیر و نیکی هستی، اما این آیه شریفه «آیه ۳۳ سوره احزاب» مخصوص

من و اهل بیت من می باشد.

این حدیث را هم عبدالرحمن بن کثیر و هم زاذان نقل نموده اند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

روایات و احادیثی که از ناحیه وجود مقدّس پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام در رابطه با آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» و شأن نزول آن صادر شده و این که این آیه شریفه در رابطه با خمسه طیّبه «حضرت محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السّلام» و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد به قدری زیاد است که بسیاری از محققین آن را متواتر می دانند. منابع و راویان احادیثی که دلالت بر انحصار آیه تطهیر بر خمسه طیّبه و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام می نماید به قدری زیاد است که برای هیچ کس جای تردید باقی نمی گذارد که آیه تطهیر فقط و فقط به خمسه طیّبه و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام اختصاص دارد، یعنی مصداق انحصاری آیه تطهیر فقط و فقط وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می باشند و لا غیر.

در کتاب احقاق الحق قاضی نورالله شوشتری به بیش از هفتاد منبع از منابع معروف اهل سنت اشاره شده، و منابع شیعه در این زمینه از هزار هم می گذرد. در کتاب غایة المرام بحرانی و کتاب عباقت به طور مشروح و مبسوط به این احادیث نورانی اشاره شده است.

همچنان که قبلاً به عرض رسید یکی از علمای معروف اهل سنت به نام

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۲۸، حدیث ۲۶.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۳۷، حدیث ۲۷.

حاکم حسکانی در کتاب خویش به نام شواهد التَّنزیل بیش از یکصدوسی حدیث نقل نموده که آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» در رابطه با حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السَّلام می باشد.

همچنین در روایات و احادیث فراوان دیگری آمده که:

بعد از نزول آیه تطهیر وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مدّت چند ماه هنگامی که برای نماز صبح از کنار خانه فاطمه زهرا سلام الله علیها می گذشت کنار درب خانه آن علیا مخدّره صدا می زد:

الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا،

یعنی:

هنگام نماز است ای اهل بیت، خداوند متعال اراده فرمود تا هرگونه رجس و پلیدی و گناه را از شما دور نماید و شما را کاملاً پاک و مطهّر سازد و به شما مقام عصمت اعطا فرماید.

برخی از اصحاب اظهار نموده اند که به مدّت چهار ماه شاهد این قضیه بوده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هر روز صبح به درب منزل حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما آمده و این مطلب را بیان می فرمود: الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا، بعضی از اصحاب تا شش ماه و بعضی از اصحاب تا نه ماه شاهد این قضیه بوده اند.

تداوم و تکرار این قضیه برای مدّت نه ماه و یا بیشتر در کنار خانه فاطمه زهرا سلام الله علیها برای این است که:

مطلب کاملاً روشن شود و مشخص گردد و در آینده برای هیچ کس جای تردید باقی نماند که آیه تطهیر فقط و فقط در شأن خمسه طیّبه «همچنین سایر ائمه معصومین علیهم السَّلام» نازل شده و خداوند متعال فقط و فقط به این

چهارده وجود مقدّس مقام عصمت اعطا فرموده است و لا غیر.<sup>۱</sup> همانطور که به عرض رسید و ملاحظه فرمودید احادیث صادره از ناحیه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمّه معصومین علیهم السّلام در رابطه با آیه تطهیر و اختصاص آن به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام بسیار زیاد است و به حدّ تواتر رسیده است که به عنوان نمونه به تعدادی از آنها اشاره شد.

در منابع اهل سنّت و در کتب و تفاسیر معروف و معتبر اهل سنّت نیز به آیه تطهیر و شأن نزول آن و اختصاص آن به خمسه طیّبه اشاره شده که به عنوان نمونه به تعدادی از این احادیث نورانی و شریف اشاره می شود.

### حدیث اوّل:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:  
 نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «أِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب» فی خَمْسَةِ:  
 فِي وَ فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ، یعنی:  
 وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

این آیه شریفه «آیه ۳۳ سوره احزاب» درباره پنج نفر نازل شده، درباره من و علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین «علیهم السّلام».

این حدیث شریف را ابوسعید خدری از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده و در سه کتاب معتبر اهل سنّت یعنی در تفسیر ثعلبی، در المنثور، و در کتاب

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۰۳ «پاورقی مترجم» و صفحه ۱۱۳.

المیزان، جلد سی و دوّم، صفحه ۱۹۰.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۱ تا ۳۲۵.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۶.

شواهد التّنزِيل آمده است.<sup>۱</sup>

### حدیث دوم:

ثعلبی در تفسیر خویش از امّ سلمه نقل می کند که پیامبر اکرم در خانه امّ سلمه بود که به دخترش فاطمه زهرا علیها سلام فرمود:

همسر و دو پسرت را صدا کن تا نزد من حاضر شوند، و پس از این که آن ها حاضر شدند، پیامبر اکرم عبا را بر روی علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام انداخت و به خداوند متعال عرض کرد:

اللّهُمَّ هُوَلاءِ اَهْلِ بَيْتِي وَ عِزَّتِي، فَادْهَبِ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً،

و پس از این قضیه بود که خداوند متعال این آیه شریفه را «انّما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً - آیه ۳۳ سوره احزاب» نازل فرمود.

امّ سلمه می گوید:

خدمت پیامبر اکرم عرض کردم:

یا رسول الله:

آیا من هم در زمره اهل بیت شما هستم.

وجود مبارک پیامبر اکرم به من فرمود:

ای امّ سلمه:

تو به خیر و نیکی هستی «عاقبت به خیر می شوی»، اما در زمره اهل بیت من

نیستی.<sup>۲</sup>

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۱۰ - ۱۱۲.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۸۸.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۵.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۰، حدیث ۴۵.

تفسیر نور الثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۰۱، حدیث ۱۰۷ «حدیث ۸۹۳۵».

۲. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۱۱.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۸۸. ←

**حدیث سوّم:**

ثعلبی در تفسیر خویش از فردی به نام مُجمَع نقل می کند که گفت:  
من به همراه مادرم نزد عایشه رفتم و مادرم از عایشه درباره علی بن ابیطالب  
علیه السلام سؤال کرد.

عایشه به مادرم پاسخ داد:

از من درباره کسی سؤال کردی که او و همسرش فاطمه محبوب ترین مردم  
نزد رسول خدا بودند.

عایشه در ادامه صحبت خود گفت:

من روزی دیدم که پیامبر اکرم، علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین  
«علیهم السلام» را جمع نمود و عبایی بر روی آنها انداخت و به خداوند متعال  
عرض کرد:

اللَّهُمَّ هُوَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَ حَامَتِي، فَادِّهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:  
خداوندا:

اینها اهل بیت من و خواص من هستند، پس اینها را از هرگونه رجس و  
پلیدی و گناه دور کن و اینها را کاملاً پاک و مطهر نما.

عایشه می گوید به پیامبر اکرم عرض کردم:

آیا من هم از اهل بیت شما هستم.

پیامبر اکرم به من فرمود:

در جای خود بمان «دور شو».<sup>۱</sup>

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۲.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۳ و ۴۵۱، حدیث ۳۳ و ۴۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۰۱، حدیث ۱۰۵ «حدیث ۸۹۳۳».

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۱۱ و ۱۱۲.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۲.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۱، حدیث ۴۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۰۱، حدیث ۱۰۶ «حدیث ۸۹۳۴».



**حدیث چهارم:**

ثعلبی در تفسیر خویش از واثله بن اسقع نقل می کند که واثله بن اسقع گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین «علیهم السلام» را زیر عبا قرار داد و این آیه شریفه را «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً - آیه ۳۳ سوره احزاب» تلاوت فرمود و سپس به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي، يَعْنِي:

خداوندا:

این ها اهل بیت من هستند.<sup>۱</sup>

**توضیح:**

این حدیث را احمد بن حنبل «از علمای معروف اهل تسنن» نیز از واثله بن اسقع نقل نموده است.<sup>۲</sup>

**حدیث پنجم:**

ثعلبی در تفسیر خویش از ابو حمراء نقل می کند که گفت: من نه ماه در مدینه اقامت داشتم و هر روز شاهد بودم که پیامبر اکرم به درب خانه حضرت علی و فاطمه سلام الله علیهما می آمد و می فرمود: بشتابید به سوی نماز، و سپس این آیه شریفه را «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً - آیه ۳۳ سوره احزاب» تلاوت می فرمود.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۲، حدیث ۴۹.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۴ و ۴۴۷، حدیث ۳۴ و ۳۸ و ۳۹.

۳. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۳، حدیث ۵۱.

### حدیث ششم:

در کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری «دو کتاب از شش کتاب معتبر اهل سنت» از صفیه بنت شیبه نقل شده که او از عایشه نقل می کند که عایشه گفت: یک روز پیامبر اکرم عبایی را بر روی علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین «علیهم السلام» انداخت و سپس این آیه شریفه را «أَنَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُدْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً - آیه ۳۳ سوره احزاب» تلاوت فرمود.<sup>۱</sup>

### توضیح:

قابل ذکر است که اهل سنت شش کتاب بسیار معتبر و معروف دارند که به صحاح سته مشهور می باشند که دو کتاب از این شش کتاب معتبر یعنی صحیح مسلم و صحیح بخاری این حدیث را از عایشه نقل نموده اند.

### حدیث هفتم:

در مُسند احمد بن حنبل از امّ سلمه نقل شده که او گفت: پیامبر اکرم در خانه من بود که به حضرت فاطمه فرمود: شوهر و دو پسر را صدا کن، و وقتی آنها حاضر شدند پیامبر اکرم عبای خیبری را بر روی آنها انداخت و سپس دستش را از زیر عبا بیرون آورد و به طرف آسمان بلند کرد و به خداوند متعال عرض نمود:  
 اللَّهُمَّ هُوَ لَأَهْلِ بَيْتِي وَ حَامَتِي فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:  
 خداوندا:

اینها اهل بیت من و خواص و حامیان من هستند، پس اینها را از هرگونه رجس و پلیدی و گناه دور کن و اینها را کاملاً پاک و مطهر نما،

۱. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۸۹.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۹، حدیث ۴۲.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۴، حدیث ۵۳.

و پس از این قضیه بود که خداوند متعال این آیه شریفه را «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً - آیه ۳۳ سوره احزاب» نازل فرمود.

امّ سلمه می گوید:

پس از این قضیه به پیامبر اکرم عرض کردم:

آیا من هم در زمره اهل بیت شما هستم.

پیامبر اکرم به من فرمود:

تو در مسیر خیر و نیکی هستی «تو عاقبت به خیری».

این حدیث را چند نفر از جمله ابو معدّل عطیه طفاوی، عطاء بن ابی ریح،

شهر بن حوشب و... از امّ سلمه نقل نموده اند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

این حدیث در یکی از تفاسیر معتبر اهل سنت به نام درّالمتثور سیوطی نیز به طرق مختلف از امّ سلمه نقل شده است.<sup>۲</sup>

### حدیث هشتم:

موفق بن احمد که در میان اهل تسنن به أَخْطَبُ الْخُطَبَاءِ معروف می باشد در

کتاب خویش به نام مناقب از ابوسعید خدری نقل می کند که او گفت:

پیامبر اکرم به مدّت نه ماه به درب منزل حضرت علی و حضرت فاطمه

سلام الله علیهما می آمد و می فرمود:

بشتابید به سوی نماز، خداوند متعال شما را مورد رحمت خویش قرار دهد،

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۵، حدیث ۳۵.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۵، حدیث ۳۶.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۶، حدیث ۳۷.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۸، حدیث ۴۱.

۲. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۸۷.

و سپس این آیه شریفه را «**أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً** - آیه ۳۳ سوره احزاب» را تلاوت می فرمود.<sup>۱</sup>

### توضیح:

این حدیث را در المثنور سیوطی نیز از ابوسعید خدری نقل نموده است، ضمن این که حاکم حسکانی در شواهد التنزیل و ثعلبی در تفسیر خویش این حدیث را از انس بن مالک نقل نموده اند.<sup>۲</sup>

### حدیث نهم:

حاکم ابوالقاسم حسکانی در شواهد التنزیل از زاذان و او از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل می کند که وقتی آیه تطهیر: «**أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً** - آیه ۳۳ سوره احزاب» نازل شد، پیامبر اکرم من و برادرم و پدر و مادرم را زیر کساء خبیری ام سلمه قرار داد و به خداوند متعال عرض کرد:

**اللَّهُمَّ هُوَ لَأَهْلِ بَيْتِي وَعِترَتِي،** یعنی:  
خداوندا:

این ها اهل بیت من و عترت من هستند.<sup>۳</sup>

خلاصه کلام و نتیجه بحث این است که:

۱. وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها مقام عصمت دارد و خداوند متعال اراده فرموده تا هرگونه رجس و پلیدی و ناپاکی و گناه را از آن بزرگوار دور نماید «همچنین از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۸، حدیث ۶۱.

۲. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۶، حدیث ۵۶.

۳. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۱۲.

تفسیر نور الثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۰۳، حدیث ۱۰۹ «حدیث ۸۹۳۷».

آله و سلم و ائمه معصومين عليهم السلام».

۲. وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله عليها از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم می باشد، بلکه آن حضرت و حضرت امیر علیهما السلام در صدر اهل بیت پیامبر اکرم واقع شده و افضل از دیگر ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.

۳. وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله عليها از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم می باشد و مقام عصمت دارد، و احادیث صادره از ناحیه مقدسه پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام در این رابطه به قدری زیاد است که علما و محققین آن را متواتر می دانند و شیعه و سنی آن را نقل نموده اند که به عنوان نمونه و به عنوان مشتکی از خروار به ده حدیث از شیعه و نه حدیث از اهل سنت اشاره شد.

۴. وقتی که حضرت زهرا سلام الله عليها طبق احادیث فراوانی که به حدّ تواتر رسیده در زمره اهل بیت پیامبر اکرم قرار گرفت، و بلکه به همراه حضرت امیر علیه السلام در صدر اهل بیت پیامبر اکرم واقع شد، در این صورت هر فضیلتی که برای اهل بیت پیامبر اکرم و آل محمد علیهم السلام نقل شود حضرت زهرا و حضرت امیر علیهما السلام در صدر صاحبان این فضائل خواهند بود، چرا که این دو بزرگوار مقامشان از دیگر ائمه معصومین علیهم السلام برتر و بالاتر می باشد، و به عبارت دیگر این دو بزرگوار در صدر اهل بیت پیامبر اکرم واقع شده اند.

به عنوان نمونه به دو حدیث از احادیث بی شماری که در فضیلت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم نقل شده اشاره می شود.

### ۱- حدیث ثَقَلَيْنِ

حدیث ثَقَلَيْنِ از مسلمات است و در واقع فوق حدّ تواتر می باشد و تمام علمای اسلام از جمیع فرق «تمام فرقه های مسلمین» این حدیث را نقل نموده اند، و شاید مشهورتر از حدیث ثَقَلَيْنِ حدیثی نباشد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده باشد.

متن حدیث شریف ثَقَلَيْنِ این است که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ،

كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي،

مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا،

لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ،

و وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

من شما را ترک می کنم و در میان شما دو چیز گرانبها به یادگار می گذارم،

یکی کتاب خدا «قرآن کریم»،

و دیگری عترت و اهل بیتم،

مادامی که به این دو «قرآن کریم - اهل بیت پیامبر اکرم» تمسک و اعتصام

نمایید هرگز و ابداً گمراه نخواهید شد،

این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا این که کنار حوض کوثر به من

ملحق شوند.

قابل ذکر است که علمای حدیث، راویان حدیث ثَقَلَيْنِ را تا حدود سی و

پنج نفر عنوان نموده اند.

حدیث شریف ثَقَلَيْنِ از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، فاطمه

زهرا، امام حسن مجتبی، امام باقر، امام صادق و امام رضا سلام الله علیهم اجمعین

نقل شده است.

اسامی تعدادی از صحابه که این حدیث شریف را نقل کرده‌اند به قرار ذیل می‌باشد.

انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، حذیفة بن یمان، خزیمة بن ثابت، زید بن ارقم، زید بن ثابت، سلمان فارسی، عبدالله بن عباس، ابو ایوب انصاری، ابو سعید خدری، ابو هیثم بن تیهان، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف، عمر بن خطاب، عمرو عاص، ابوهریره و...

اسامی تعدادی از کتاب‌هایی که حدیث شریف ثقلین را نقل کرده‌اند عبارتند از:

معانی الاخبار	شیخ صدوق،
عیون اخبار الرضا علیه السلام	شیخ صدوق،
احتجاج	طبرسی،
اقبال	سید بن طاووس،
احقاق الحق	قاضی نورالله شوشتری،

تفاسیر قمی، عیاشی، صافی، برهان و ... .

در کتب معتبر و معروف اهل سنت نیز به حدیث شریف ثقلین اشاره شده که اسامی تعدادی از آنها را ملاحظه می‌فرمایید.

جامع الصحیحین	ترمذی
مستدرک	حاکم
صحیح	مسلم
ینابیع المودّه	قندوزی
معجم الکبیر	طبرانی
مناقب	خطیب خوارزمی

جامع الاصول

ابن اثیر

درالمنثور

سیوطی

حلیة الاولیاء

ابونعیم و...<sup>۱</sup>

ملاحظه فرمودید که حدیث ثَقَلَيْنِ از احادیث متواتر و بلکه فوق حدّ تواتر می باشد و تمام علمای اسلام اعم از شیعه و سنّی آن را نقل نموده اند، و مضمون این حدیث شریف این است که پیامبر اکرم فرمودند:

من دو چیز گرانبها در میان شما به یادگار می گذارم، یکی قرآن کریم،

و دیگری عترت و اهل بیتم.

در احادیث ذیل آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» صراحتاً عنوان شده که مقصود از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت زهرا و حضرت امیر علیهما السلام و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار می باشند که خداوند متعال به آنها عصمت اعطا فرموده است.

در توضیحات ذیل آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» نیز ملاحظه فرمودید که آیه تطهیر انحصار بر خمسه طّیبه «حضرت محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام» و دیگر ائمّه معصومین علیهم السلام دارد،

و مقصود از اهل بیت پیامبر اکرم که خداوند متعال به آنها عصمت اعطا فرموده فقط و فقط حضرت زهرا و حضرت امیر علیهما السلام و یازده امام معصوم از نسل این دو بزرگوار می باشند و احادیثی که مبین و موید این معنا هستند به قدری زیاد هستند که به حدّ تواتر رسیده اند، لذا:

وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها طبق صدها حدیث که به حدّ تواتر رسیده در زمره اهل بیت پیامبر اکرم می باشد، و بلکه به همراه حضرت امیر علیه السلام در صدر اهل بیت پیامبر اکرم واقع شده است،

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۴ تا ۲۹۸ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۲۲۳ تا ۲۲۹.



بنابراین:

وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها یکی از ثَقَلَیْنِ می باشد که پیامبر اکرم به مردم دستور فرموده تا به آن علیا مخدّره اعتصام و تمسّک نموده و از آن حضرت اطاعت و تبعیّت نمایند.

همانطور که قبلاً نیز به عرض رسید هر حدیثی که متضمّن یکی از فضائل اهل بیت پیامبر اکرم باشد، و یا هر حدیثی مردم را به اطاعت از اهل بیت پیامبر اکرم امر فرموده باشد به طور مسلّم شامل حضرت زهرا سلام الله علیها نیز می شود و حضرت زهرا سلام الله علیها به طریق اولی آن فضیلت را دارا می باشد، مثل حدیث ذیل که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ:

إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ حَبْلَيْنِ...، إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا، یعنی:

من دو ریسمان محکم برای شما به یادگار می گذارم که اگر به هر دو آنها چنگ بزنید و تمسّک نمایید هرگز گمراه نخواهید شد، یکی از آنها قرآن کریم است که از آسمان به زمین کشیده شده و دیگری عترت و اهل بیت من،

این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا کنار حوض کوثر به من وارد شوند «به من ملحق شوند»<sup>۱</sup>.

بنابراین:

طبق این حدیث شریف و حدیث ثَقَلَیْنِ و حدیث سفینه که به آن اشاره خواهد شد وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به مردم دستور می فرماید که به قرآن کریم و اهل بیت آن حضرت یعنی به امیرالمؤمنین علی

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۹ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».  
تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۸ «ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».

بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از ذریه و نسل آن دو بزرگوار اعتصام و تمسک نموده و از آن ذوات مقدسه اطاعت و تبعیت نمایند تا فائز و رستگار شوند.

## ۲- حدیث سفینه

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ،

مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زُجَّ فِي النَّارِ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ فِي بَيْنِ شَمَا مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ اسْتِ «مَثَلُ كَشْتِي حَضْرَتِ

نوح است»،

که هرکس به آن پناه بُرد نجات یافت،

و هرکس تخلف نمود به آتش پرتاب شد.<sup>۱</sup>

در حدیث دیگری که از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل شده آمده است که

آن حضرت فرمودند:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ،

مَنْ رَكِبَهَا نَجَا فَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ «در بعضی از نسخه‌ها آمده که: مَنْ تَخَلَّفَ

عَنْهَا هَلَكَ»، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ اسْتِ «مَثَلُ كَشْتِي نُوحٍ اسْتِ»، که هرکس

به آن پناه ببرد نجات می‌یابد،

و هرکس از آن تخلف کند غرق می‌شود: «هرکس از آن تخلف کند هلاک

می‌شود».

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم، باب ۳۱ «اخبار مجموعه» صفحه ۱۰، حدیث ۱۰.  
تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۴۸۵، حدیث ۹۹ «حدیث ۴۷۰۴» «ذیل آیه ۴۲ سوره هود».

این حدیث را ابوذر از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.  
قابل ذکر است که:

حدیث شریف سفینه علاوه بر منابع شیعه «از قبیل وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی، بحار الانوار مجلسی و...» در منابع معتبر اهل سنت نیز آمده که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می فرمایید.

عیون الاخبار	ابن قتیبہ دینوری
معجم الکبیر	حافظ طبرانی
مستدرک	حاکم نیشابوری
تاریخ الخلفاء	سیوطی
مناقب	ابن مغزلی
میزان الاعتدال	ذهبی
فرائد السمطین	حموینی و... <sup>۱</sup>

#### توضیحاتی پیرامون حدیث سفینه:

حدیث سفینه از احادیث بسیار معروفی است که از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره اهل بیت آن حضرت صادر شده و به طور گسترده در کتب معروف و معتبر شیعه و سنّی آمده که در سطور قبل به تعدادی از کتب اهل سنت که این حدیث شریف را نقل نموده اند اشاره گردید.

این حدیث شریف را شش نفر از صحابه، هشت نفر از تابعین، سه نفر از علمای قرن دوّم، هشت نفر از علمای قرن سوّم، چهارده نفر از علمای قرن چهارم و... نقل نموده اند.

در کتاب عبقات الانوار حدیث سفینه از نود و دو کتاب که به وسیله نود و دو نفر از علمای معروف اهل سنت تألیف شده نقل گردیده است.

۱. تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۱۳۵ و ۱۳۶ «ذیل آیه ۴۰ تا ۴۳ سوره هود».

تمام علمای اسلام اعم از شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که حدیث شریف سفینه از احادیث صحیحه است که نزدیک به حدّ تواتر می باشد، و تعداد زیادی از حافظان و راویان حدیث و اهل سیره و تواریخ در تألیفات خویش آن را نقل نموده اند که تعداد آن ها بالغ بر یکصد نفر می شود و همگی آن ها این حدیث را به عنوان حدیثی مورد قبول پذیرفته اند.

شش نفر از صحابه حدیث شریف سفینه را از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده اند که ذیلاً به اسامی آن ها اشاره می شود. ابوذر غفاری، ابوسعید خدری، ابن عباس، عامر بن واثله، انس بن مالک، و سلمة بن اکوع.

در صفحات قبل به حدیثی که ابوذر غفاری از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده بود اشاره گردید، و اینک به یک حدیث دیگر که از طریق صحابه پیامبر اکرم نقل شده اشاره می شود.

ابن مغزلی شافعی در کتاب مناقب از ابن عباس و همچنین از سلمة بن اکوع نقل می کند که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ،

مَنْ رَكِبَهَا نَجَىٰ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ مَنْ فِي بَيْنِ شِمَا مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، که:

هرکس به آن پناه ببرد و به آن تمسک نماید اهل نجات است،

و هرکس از آن تخلف و نافرمانی نماید اهل هلاک است و به هلاکت

می رسد.

## مفاد حدیث سفینه:

در توضیحات ذیل آیه ۴۲ سوره هود «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ...» آمده است که:

به دستور خداوند متعال درهای آسمان با آبی فراوان گشوده شد و از زمین نیز آب‌های زیادی فوران نمود و طوفان و سیلاب همه جا را فراگرفت و در خود فروبرد، و فقط یک نقطه نجات باقی ماند و آن یک نقطه نیز سفینه نوح «کشتی نوح» بود که خداوند متعال سرنشینان آن را از غرق شدن و به هلاکت رسیدن نجات داد.

در ادامه آیه ۴۲ سوره هود آمده که:

حضرت نوح به پسرش فرمود:

يَا بُنَيَّ اِرْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ، یعنی:

پسرم، همراه ما سوار کشتی شو و با کافران مباش.

پسر نوح چون ایمان نداشت لذا از سوار شدن به کشتی امتناع نمود و به

پدرش گفت:

سَأَوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ، یعنی:

من به کوهی پناه می‌برم که مرا از آب حفظ کند «مرا از غرق شدن حفظ

کند.»

حضرت نوح به پسرش گفت:

لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَ حَالٌ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ، یعنی:

امروز هیچ حافظ و پناهگاهی در برابر خداوند متعال نیست، مگر آن کس

که خداوند متعال به او رحم کند «اشاره به مؤمنینی که سوار بر کشتی نجات

شده بودند»،

و در همین حال امواج خروشان میان نوح و پسرش حائل شد و پسر نوح

غرق شد و در زمره غرق شدگان قرار گرفت.

تشبیه اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار» به سفینه نوح و به کشتی نجات بسیار پر معنی است و به ما می آموزد که:

۱- بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلم طوفان‌هایی اُمت اسلام را فراخواهد گرفت و فتنه‌هایی به پا خواهد شد که بسیاری از مردم را غرق می‌کند و آن‌ها را به هلاکت می‌رساند، و برای رهایی از این طوفان‌ها و فتنه‌ها تنها یک نقطه امید و تنها یک محل امن وجود دارد و آن نیز کشتی نجات اهل بیت پیامبر اکرم می‌باشد که در این حدیث شریف «حدیث سفینه» به سفینه نوح تشبیه شده است.

۲- هرکس سوار سفینه نوح شد از مؤمنین بود و هرکس از سوار شدن به کشتی نوح امتناع ورزید در زمره کافرین قرار گرفت، به همین لحاظ حضرت نوح به پسرش گفت:

همراه ما سوار کشتی شو و از کافران مباش، همچنین:

حضرت نوح به پسرش گفت:

امروز هیچ حافظ و پناهگاهی در برابر فرمان خداوند متعال نیست، مگر آن کس که خداوند متعال به او رحم کند و مشمول رحمت خداوند سبحان قرار بگیرد «اشاره به مؤمنینی که سوار کشتی نوح شدند»، یعنی:

هرکس سوار کشتی نوح شد مشمول رحمت خداوند متعال واقع شد. و در

زمره مؤمنین است،

و هرکس از سوار شدن به کشتی نوح امتناع ورزید در زمره کافرین است و

اهل جهنم می‌باشد، بنابراین:

با توجه به تشبیه اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم به سفینه نوح، نتیجه این می شود که:

هرکس به اهل بیت پیامبر اکرم یعنی به حضرت زهرا و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السلام از ذریه آن دو بزرگوار پناه ببرد و مطیع محض دستورات آن بزرگواران باشد مشمول رحمت خداوند متعال واقع شده و در زمره مؤمنین است،

و هرکس از آن ذوات مقدسه فاصله بگیرد و از دستورات آنها تخلف و سرپیچی نماید در زمره کافرین است و اهل جهنم می باشد.

۳- آنچه که باعث نجات امت اسلام است و باعث نجات امت اسلام خواهد بود پذیرش ولایت آن بزرگواران و اطاعت و پیروی محض از آن ذوات مقدسه می باشد، لذا در این حدیث شریف «حدیث سفینه» عنوان شده که:

مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ، يَا:

مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ، يَعْنِي:

هرکس از دستورات اهل بیت پیامبر اکرم تخلف و سرپیچی نماید اهل هلاک می باشد، بنابراین:

آنچه که باعث رستگاری و نجات امت اسلام است، اطاعت و پیروی و تبعیت محض و بی قید و شرط از اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم و تبری و بیزاری از دشمنان آن ذوات مقدسه می باشد.

۴- حدیث شریف سفینه تفسیری است بر این حدیث معروف که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

سَتَفَرِّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً،

فِرْقَةٌ نَاجِيَةٌ وَ الْبَاقُونَ فِي النَّارِ، يَعْنِي:

امت من بعد از من هفتاد و سه فرقه می شوند که فقط یک فرقه از این هفتاد

و سه فرقه اهل نجات است و به بهشت می‌رود و هفتاد و دو فرقه دیگر اهل آتش می‌باشند و به جهنم می‌روند،  
بنابراین:

طبق حدیث شریف سفینه و طبق این حدیث نورانی که به عرض رسید «هر دو حدیث را کثیری از علمای معروف اهل سنت نقل نموده‌اند»، فرقه ناجیه «فرقه‌ای که اهل نجات هستند و به بهشت می‌روند» گروهی هستند که به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اعتصام و تمسک نموده و ولایت آن‌ها را پذیرفته و از آن بزرگواران اطاعت و تبعیت می‌نمایند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یکی از ثقلین می‌باشند که تمسک به این ثقل و تمسک به ثقل دیگر یعنی قرآن کریم باعث هدایت انسان است و مانع ضلالت و گمراهی او، ضمن این که این دو ثقل هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند و همواره قرین یکدیگر می‌باشند تا کنار حوض کوثر به پیامبر اکرم ملحق شوند.

همچنین ملاحظه فرمودید که اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کشتی نجات هستند و به سفینه نوح تشبیه شده‌اند، لذا پذیرش ولایت آن بزرگواران و اطاعت و تبعیت محض از آن ذوات مقدسه باعث نجات انسان است و انسان را به بهشت می‌برد،

و اعراض از آن بزرگواران و نپذیرفتن ولایت آن ذوات مقدسه و سرپیچی از دستورات آن‌ها باعث هلاکت انسان است و او را به جهنم می‌برد.

در ابتدای بحث به عرض رسید که وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها از اهل بیت پیامبر اکرم می‌باشد و مقام عصمت دارد، و احادیث

۱. پیام قرآن، جلد نهم، امامت و ولایت در قرآن کریم، تألیف آیت الله مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، صفحه ۸۱ تا ۸۶.



صادره از ناحیه مقدّسه پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام در این رابطه به قدری زیاد است که علماء و محققین این احادیث را متواتر می‌دانند و شیعه و سنّی آن را نقل نموده‌اند.

به‌عنوان حُسن ختام این بحث به قسمتی از حدیث شریف کساء اشاره می‌شود که طیّ این حدیث شریف نه‌تنها حضرت زهرا سلام‌الله علیها از اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم قلمداد شده بلکه آن حضرت محور و مرکز و نقطه کانونی اهل بیت پیامبر اکرم معرّفی شده است.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام‌الله علیها فرمودند:

وقتی که پدرم پیامبر اکرم و شوهرم علی بن ابیطالب و دو فرزندم حسن و حسین و خودم زیر عبا قرار گرفتیم، وجود مقدّس پیامبر اکرم طرفین عبا را گرفته و دست راست خود را به طرف آسمان بلند کرد و به خداوند متعال عرضه داشت:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰؤُلَاءِ اَهْلُ بَيْتِيْ وَ خَاصَّتِيْ وَ حَامَّتِيْ،

لَحْمُهُمْ لَحْمِيْ وَ دَمُهُمْ دَمِيْ،

يُوَلِّمُنِيْ مَا يُوَلِّمُهُمْ وَ يَحْزِنُنِيْ مَا يَحْزِنُهُمْ،

اَنَا حَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَهُمْ وَ سَلَمٌ لِّمَنْ سَالَمَهُمْ،

وَ عَدُوٌّ لِّمَنْ عَادَاهُمْ وَ مُحِبٌّ لِّمَنْ اَحَبَّهُمْ،

اِنَّهُمْ مِنِّيْ وَ اَنَا مِنْهُمْ،

فَاَجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ رَحْمَتَكَ وَ عُفْرَانَكَ وَ رِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِمْ،

وَ اَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

این‌ها «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السّلام» اهل بیت من و خاصان

من و یاوران من هستند،

گوشت این‌ها گوشت من و خون این‌ها خون من است،

هرچه این‌ها را بیازارد مرا آزرده است و هرچه موجب رنجش این‌ها شود موجب رنجش من هم خواهد بود «هرچه این‌ها را محزون و غمناک کند مرا هم محزون و غمناک می‌کند»،

هرکس با این‌ها بجنگد با من جنگیده است و هرکس با این‌ها در صلح و صفا باشد با من در صلح و صفا است،

هرکس با این‌ها دشمنی ورزد با من دشمنی ورزیده و هرکس این‌ها را دوست بدارد مرا دوست داشته است،

من از این‌ها هستم و این‌ها از من هستند.

خداوندا:

سلام و درود و برکات و رحمت و آمرزش خود را بر من و بر این‌ها قرار بده، و هرگونه رجس و پلیدی و گناه را از این‌ها دور کن و این‌ها را پاک و مطهر گردان، پاک کامل.

آنگاه خداوند عزوجل ملائکه و اهل آسمان‌ها را مورد خطاب قرار داده و

فرمود:

ای ملائکه من و ای اهل آسمان‌های من:

من آسمان‌ها را برنیفراشتم و زمین را نگسترانیدم و ماه را روشن قرار ندادم و خورشید را درخشان نکردم مگر به خاطر دوستی و محبت این پنج نفر که در زیر عبا هستند.

جبرئیل به خداوند متعال عرض کرد:

يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ، یعنی:

ای پروردگار من:

چه کسانی زیر عبا هستند؟

خداوند عزّ و جل فرمود:

هُمُ أَهْلُ بَيْتِ التُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ،

هُمُ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا، يَعْنِي:

خداوند عزّ و جل فرمود:

آن‌ها اهل بیت نبوت و معدن رسالت هستند،

آن‌ها:

فاطمه است و پدر فاطمه،

فاطمه است و شوهر فاطمه،

فاطمه است و دو فرزند فاطمه.

جبرئیل به خداوند متعال عرض کرد:

ای پروردگار من:

آیا به من اجازه می‌فرمایی که به زمین بروم و نفر ششم این پنج نفر باشم؟

خداوند متعال به جبرئیل فرمود:

به تو اجازه دادم.

جبرئیل پس از کسب اجازه از خداوند متعال به زمین فرود آمد و به محضر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ،

جبرئیل پس از سلام دادن به پیامبر اکرم به آن حضرت عرض کرد:

خداوند علیّ اعلیّ به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

من آسمان را برنیفراشتم و زمین را نگسترانیدم و ماه را نورافشان قرار ندادم

و خورشید را درخشان نکردم مگر به خاطر شما پنج نفر،

و خداوند متعال به من نیز اجازه فرموده که زیر عبا بیایم و یکی از شما باشم.

آنگاه جبرئیل به پیامبر عرض کرد:

فَهَلْ تَأْدَنْ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، یعنی:

آیا به من اجازه می فرمایید که داخل شوم؟  
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جواب سلام جبرئیل  
را داده و به او فرمود:

ای امین وحی خدا، به تو اجازه دادم.

جبرئیل پس از کسب اجازه داخل شد و زیر عبا قرار گرفت و به پیامبر اکرم  
عرض کرد:

خداوند متعال به شما وحی فرستاده و می فرماید:

«أَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً - آیه ۳۳ سوره  
احزاب».

این حدیث را جابر بن عبدالله انصاری از وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله  
علیها نقل نموده است.<sup>۱</sup>

حدیث شریف طولانی تر از این است که ملاحظه فرمودید، فقط قسمتی از  
حدیث شریف که مرتبط با بحث بود نقل شد.

ملاحظه فرمودید که خداوند متعال در پاسخ به سؤال جبرئیل «که از خداوند  
متعال سؤال کرده بود که این پنج نفر که زیر عبا هستند و عالم را به خاطر آنها  
خلق فرموده ای چه کسانی هستند» فرمود:

هُمُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدِنُ الرَّسَالَةِ،  
هُمُ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا.

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۵۴ «مجلس هشتم».  
زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمد کاظم قزوینی، صفحه ۶۱ تا ۶۳.  
حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمد علی گرامی، صفحه ۹۶ و ۹۷.  
فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، صفحه ۳۷۶ تا ۳۸۰.  
شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۲۳۴ «ذیل عنوان: سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ».  
خصائص فاطمیة، تألیف آیت الله محمد باقر کجوری مازندرانی، صفحه ۷۴۰.

ملاحظه می فرمایید که خداوند متعال در معرفی این ذوات مقدسه، حضرت زهرا سلام الله علیها را محور قرار داده و فرموده:

این پنج نفر که عالم را به خاطر آنها خلق کرده ام عبارتند از: فاطمه و پدر فاطمه و شوهر فاطمه و دو فرزند فاطمه.

می شد که خداوند متعال در معرفی این پنج وجود مقدس بفرماید: این پنج نفر عبارتند از:

حضرت محمد و داماد حضرت محمد و دختر حضرت محمد و دو سبط حضرت محمد،

یا می شد که بفرماید:

این پنج نفر عبارتند از:

علی و پدر همسر علی و همسر علی و دو فرزند علی، یا می شد که بفرماید:

این پنج نفر عبارتند از:

حسن و حسین و جد حسن و حسین و پدر حسن و حسین و مادر حسن و حسین، لیکن خداوند متعال اراده فرمود که این پنج وجود مقدس را اینگونه معرفی بفرماید که این پنج نفر عبارتند از:

هُمُ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا، یعنی:

این پنج نفر که علت غایی خلقت هستند و اگر به خاطر اینها نبود عالم را خلق نمی کردم عبارتند از:

فاطمه و پدر فاطمه و شوهر فاطمه و دو فرزند فاطمه، و این یعنی عظمت وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و قدر و منزلت آن علیا مخدّره در پیشگاه خداوند متعال، و در واقع رجوع ضمائر به حضرت زهرا سلام الله علیها خود مزید شرف است بر شرف.

اشتباه نشود که خدای ناکرده ما خیال کنیم مقام آن حضرت از مقام پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیهما السلام بالاتر است، زیرا پیامبر اکرم اولین شخصیت عالم خلقت می باشد و مقرب ترین مخلوق الهی در پیشگاه خداوند متعال است، و پس از ایشان وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در جایگاه دوّم قرار گرفته، صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو و هم شأن حضرت امیر علیه السلام می باشد، لذا حضرت زهرا سلام الله علیها یا به همراه حضرت امیر علیه السلام دوّمین شخصیت عالم خلقت است، و یا این که به طور قطع و یقین آن حضرت بعد از پیامبر اکرم و بعد از حضرت امیر علیهما السلام سوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد، و پس از ایشان یازده امام معصوم از نسل و ذریّه حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما واقع شده اند و پس از آن ذوات مقدّسه انبیاء الهی قرار گرفته اند.<sup>۱</sup>

اما این که خداوند متعال در معرفی این پنج وجود مقدّس، حضرت زهرا سلام الله علیها را محور قرار داده حاکی از عنایت ویژه حق تعالی به این علیا مخدّره می باشد و مبین این مطلب است که اطاعت از این بانوی بزرگوار و مودّت و محبّت داشتن به ایشان به مثابه اطاعت از پیامبر اکرم و حضرت امیر و سایر ائمّه معصومین علیهم السلام می باشد، تا روز قیامت برای هیچ کس عذر و بهانه ای نباشد که بگویند ما واقف و آشنا به مقامات حضرت زهرا سلام الله علیها نبودیم.

آیت الله محمّد علی گرامی در کتاب خویش تحت عنوان «درباره حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ» درباره محوریت حضرت زهرا سلام الله علیها در حدیث کساء می گوید:

برخی روایات مربوط به حدیث کساء، حضرت زهرا سلام الله علیها را محور

۱. «جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، صَفْحَةُ ۳۰۶ و ۳۰۸».

قرار می دهد،

و اصل حدیث کساء حکایت از آن دارد که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را زیر پارچه‌ای «کساء، عبا، رداء، و یا...» جمع کرده و آن‌ها را اهل بیت خویش معرفی فرموده و در حق آن‌ها دعا نموده، و این حدیث از احادیث قطعی و مسلم است و شیعه و سنی آن را نقل نموده‌اند.

بسیاری از روایات، نزول آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» را نیز در همین زمینه می‌دانند به نحوی که بیش از یکصد نفر از محدثین اهل سنت همین را گفته‌اند.

برخی روایات از این پنج وجود مقدس اینچنین تعبیر می‌کند که این‌ها فاطمه و پدرش و شوهرش و فرزندانش هستند، یعنی در این تعبیر وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها محور قرار گرفته است.

همچنین در بعضی از ادعیه نیز وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها محور قرار گرفته و آمده است که:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا، يَا  
إِلَهِي بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا.<sup>۱</sup>

پس از اشاره‌ای کوتاه و گذرا به اولین فضیلت از فضائل سی و پنجگانه حضرت زهرا سلام الله علیها می‌پردازیم به توضیح مختصری در رابطه با دومین فضیلت از فضائل سی و پنجگانه آن علیا مخدّره.

در مقدمه کتاب به عرض رسید که فضائل و مناقب حضرت زهرا سلام الله علیها غیر قابل احصاء و غیر قابل شمارش می‌باشد و غیر از ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام هیچ کس نمی‌تواند به حقیقت و کنه مقام آن بانوی بزرگوار برسد،

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۷۰ و ۷۱ مجلس سوم». درباره حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی، صفحه ۹۶ تا ۹۹.

لذا در این کتاب به سی و پنج فضیلت از فضائل بی شمار آن حضرت به عنوان قطره‌ای از دریا اشاره می‌شود، که به اولین فضیلت آن حضرت اشاره شد و توضیحات مختصری ارائه گردید، و اینک می‌پردازیم به فضیلت دوّم.



## فضیلت دوّم

حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السلام از نسل و ذریّه آن حضرت بهترین مخلوق خداوند متعال هستند و اشرف مخلوقات می باشند.

خداوند متعال در آیه ۳۴ و ۳۵ سوره بقره می فرماید:

وَ اِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِیْسَ، اَبٰی وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكٰفِرِیْنَ  
«آیه ۳۴»

وَ قُلْنَا يَا اٰدَمُ اسْكُنْ اَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كَلَامِنَهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا، وَ لَا تَقْرَبَا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُوْنَا مِنَ الظّٰلِمِیْنَ «آیه ۳۵»، یعنی:  
خداوند متعال می فرماید:

هنگامی که به ملائکه گفتیم که به آدم سجده کنید، همگی سجده کردند جز ابلیس که امتناع کرد و تکبر ورزید و از کافران شد «آیه ۳۴»  
گفتیم ای آدم تو و همسرت حوا در بهشت آرام بگیرید «تو با همسرت در بهشت سکونت کن»، و هر چه می خواهید از نعمت های آن گوارا بخورید ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمین «ستمکاران» خواهید بود «خواهید شد» «آیه ۳۵»!

۱. مجمع البیان، جلد اوّل، صفحه ۱۲۵ - ۱۳۱.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۲۲۲ - ۲۲۴.

## شرح لغات و توضیحات

سَجْدَه: کلمه سجده در اصل به معنای خضوع و اظهار ذلت است، سپس آن را در عبادت و خضوع برای خداوند متعال به کار برده‌اند، و در اصطلاح اسلام قرار دادن پیشانی است بر روی زمین و یکی از ارکان نماز می‌باشد.

ابلیس: اسم خاص است و اشاره به همان شیطانی است که حضرت آدم علیه‌السلام را فریب داد و اکنون هم با لشکریان خویش و با ذریّه و نسل خویش در کمین آدمیان است، لیکن:

شیطان به هر موجود سرکش و متمرّد و منحرفی اطلاق می‌شود که همواره سعی دارد تا مردم را از راه راست منحرف کند و بین مردم اختلاف و دو دستیگی ایجاد نماید، بنابراین:

شیطان اسم عام است و به هر موجود خبیث و متمرّد و منحرف‌کننده گفته می‌شود، اعم از انسان یا جن.

ابی: امتناع کرد - به شدّت امتناع کرد.

إِبَاء: امتناع کردن شدید.

اسْتَكْبَر: استکبار ورزید - خود را بزرگ دانست.

إِسْتِكْبَار: خود بزرگ بینی - خود را بزرگ پنداشتن - اظهار بزرگی کردن در

حالی که لایق و سزاوار آن نباشد.

رَغَد: ۱- فراوان؛ ۲- گوارا!

## توضیح:

خداوند متعال پس از این که حضرت آدم را خلق کرد به همه ملائکه امر فرمود

۱. مجمع‌البیان، جلد اوّل، صفحه ۴۱-۱۲۵-۱۳۶-۱۲۷.

المیزان، جلد اوّل، صفحه ۳۸-۳۹.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۵۴، ۲۲۷-۲۳۴-۲۳۵.

مفردات راغب.

تا به حضرت آدم سجده کنند، که همه ملائکه فرمان خداوند متعال را اجرا کرده و به حضرت آدم سجده نمودند، غیر از ابلیس که از فرمان خداوند متعال امتناع و سرپیچی کرد و استکبار ورزید و از سجده کردن به حضرت آدم خودداری نمود، و به خاطر همین سرپیچی و نافرمانی از دستور خداوند متعال بود که از کافران شد.

قابل ذکر است که سجده ملائکه به حضرت آدم سجده پرستش نبود، زیرا سجده به منظور پرستش فقط برای خداوند متعال است و بس، چرا که در جهان هیچ معبودی غیر از خداوند متعال نیست، و معنی توحید عبادت این است که غیر از خداوند متعال هیچ کس را پرستش نکنیم، بنابراین:

سجده ملائکه سجده به خداوند متعال بود به عنوان سجده پرستش،  
و سجده به حضرت آدم بود به عنوان احترام و خضوع.<sup>۱</sup>

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که تواضع و احترام همه ملائکه به حضرت آدم و سجده در مقابل او «سجده خضوع و احترام نه سجده پرستش» به خاطر اشرف و افضل مخلوقات بود که در صلب حضرت آدم بودند، یعنی:

سجده ملائکه به حضرت آدم به خاطر پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل ذریّه آن دو بزرگوار بود که بهترین مخلوق خداوند متعال و اشرف و افضل مخلوقات هستند و این موضوع صریحاً در حدیث اوّل بیان شده است.

۱. مجمع البیان، جلد اوّل، صفحه ۱۲۶.

المیزان، جلد اوّل، صفحه ۲۳۲ تا ۲۳۴.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۲۲۳.

### حدیث اول:

وجود مقدس امام سجّاد علیه السلام از پدر بزرگوارش سیّد الشهداء سلام الله علیه و آن حضرت از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

وقتی خداوند متعال اشباح ما را «محمّد و آل محمّد علیهم السلام» از فراز عرش به صُلب حضرت آدم منتقل فرمود، حضرت آدم انوار فروزانی را در صُلب خویش مشاهده نمود و به خداوند متعال عرضه داشت:

خداوندا:

این انوار چیستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

من این انوار را از شریف ترین بقعه های عرشم «شریف ترین جای عرشم» به صُلب تو «پُشت تو» منتقل نمودم و از این جهت به ملائکه فرمان دادم تا تو را سجده کنند «به خاطر این انوار بود که به ملائکه امر کردم تا به تو سجده کنند»، زیرا:

تو ظرف و جایگاه این انوار هستی.

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

ای کاش آن ها را برای من نمایان می ساختی.

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

ای آدم، به فراز عرش «بالای عرش» نگاه کن.

حضرت آدم به بالای عرش نگاه نمود و اشباح ما را «اشباح محمّد و آل

محمّد علیهم السلام» مشاهده کرد.

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

این اشباح چیستند.

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

این‌ها اشباح افضل مخلوقات «بهترین مخلوقات» و آفریدگان من هستند که نام آن‌ها را از نام خودم مشتق نموده‌ام،  
 من حمید و محمود هستم و او محمّد است،  
 من علیّ عظیم هستم و او علی است،  
 من فاطر هستم و خالق آسمان و زمین می‌باشم و دشمنانم را از رحمتم دور می‌کنم و او فاطمه است،

من محسن هستم و این دو حسن و حسین هستند.

سپس خداوند متعال حضرت آدم را مورد خطاب قرار داده و فرمود:

ای آدم:

این‌ها بهترین مخلوقات من و گرامی‌ترین آفریدگانم هستند که اسامی آن‌ها را از اسم خودم مشتق نموده‌ام.

ای آدم:

به خاطر این‌ها سلب می‌کنم،

به خاطر این‌ها می‌بخشم و اعطا می‌کنم،

به خاطر این‌ها مجازات می‌کنم،

به خاطر این‌ها پاداش می‌دهم،

پس ای آدم:

به وسیله این‌ها به من متوسّل شو،

و اگر حادثه‌ای ناگوار به تو روی داد این‌ها را به درگاه من شفیع قرار بده

که من به ذات خودم سوگند حقّی خورده‌ام که هیچ یک از امیدواران این‌ها را

ناامید نکنم،

و هیچ سائلی را که بوسیله این‌ها به من متوسّل شود بی‌پاسخ نگذارم و رد نکنم.<sup>۱</sup>

شَبَّخُ: سایه، سیاهی که از دور به نظر می‌رسد «جمع شَبَّخ می‌شود اشباح»  
أَفْضَلُ: برتر، بهتر، فاضل‌تر، با فضیلت‌تر.

### حدیث دوم:

وجود مقدّس امام رضا سلام‌الله علیه فرمودند:

وقتی که خداوند متعال حضرت آدم را خلق فرمود و به همه ملائکه دستور داد تا به حضرت آدم سجده کنند «سجده احترام و خضوع نه سجده پرستش و عبادت» و بدین‌وسیله او را گرامی داشت، حضرت آدم در دل خویش با خود گفت:

آیا خداوند متعال بشری افضل از من «بهتر و برتر از من» خلق فرموده است.  
در این هنگام خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:  
ای آدم:

سرت را بلند کن و به ساق عرش نگاه کن.

حضرت آدم سرش را بلند نمود و به ساق عرش «پایه عرش» نگاه کرد و دید که آنجا نوشته شده:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ،

عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

۱. تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۶۲ و ۱۶۳ «ذیل آیه ۳۴ سوره بقره».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۹۰، حدیث ۱۳.

«ذیل آیات ۳۷ و ۳۸ سوره بقره».

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۲۹۲ و ۲۹۳.

وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، یعنی:

خدایی جز الله نیست،

محمد رسول خدا است،

علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین است و همسرش فاطمه سیّده و سرور بانوان

عالم است،

و حسن و حسین سیّد و سرور جوانان بهشت هستند.

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

يَا رَبِّ مَنْ هُوَآءِ، یعنی:

خداوندا:

این‌ها کیستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

هُوَآءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ،

هُم خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي،

لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ،

فَإِيَّاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ فَأُخْرِجُكَ مِنْ جَوَارِي، یعنی:

ای آدم:

این‌ها از نسل تو از ذریّه تو می‌باشند «از فرزندان تو هستند»،

این‌ها از تو و از همه مخلوقاتم بهتر و برتر می‌باشند،

اگر این‌ها نبودند تو و بهشت و جهنّم و آسمان و زمین را خلق نمی‌کردم

«یعنی همه مخلوقات و همه عالم را به خاطر این‌ها خلق کردم»،

پس ای آدم:

مبادا به دیده حسد به آن‌ها نگاه کنی «مبادا به آن‌ها حسادت کنی»، که در این

صورت تو را از جوار خودم بیرون خواهم کرد.

اما آدم به آن‌ها به چشم حسد نگریست و مقام و منزلت آن‌ها را آرزو نمود و در نتیجه شیطان «ابلیس» بر او مسلط شد تا این‌که آدم از آن درختی که نهی شده بود تناول کرد «از میوه آن درخت تناول نمود»،

حوّا نیز به حضرت فاطمه به چشم حسد نگاه کرد و در نتیجه شیطان «ابلیس» بر او نیز مسلط شد و او نیز مانند حضرت آدم از میوه آن درخت تناول نمود و در نتیجه خداوند متعال هر دو را از بهشت بیرون کرد و آن دو را از جوار خویش به زمین فرستاد.

این حدیث را عبدالسلام بن صالح هروی از وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

با توجّه به این‌که حسد فعل حرام است و انبیاء الهی مقام عصمت دارند، لذا مقصود از حسد در این حدیث شریف «حدیث دوّم» غبطه می‌باشد، یعنی حضرت آدم و حوّا به مقام و منزلت خمسه طیّبه «حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام» و دیگر ائمه علیهم‌السلام غبطه خوردند و تمنّای منزلت خمسه طیّبه را نمودند و همین امر باعث هبوط آن‌ها از بهشت شد.<sup>۲</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که در حدیث اوّل و دوّم تصریح شده که خمسه طیّبه یعنی فاطمه زهرا سلام‌الله علیها و پدربزرگوارش و شوهر گرانقدرش و دو فرزند عزیزش و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام از ذرّیه و نسل آن علیا مخدّره

۱. المیزان، جلد اوّل، صفحه ۲۶۷، ۲۶۸ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۶۵، ۱۶۶ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۲۷۶ - ۲۷۷، حدیث ۱۳ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۱۴۳، حدیث ۱۱۲ «حدیث ۲۲۶» «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

کلیات حدیث قدسی، تألیف شیخ حرّ عاملی، صفحه ۴۳۹، حدیث ۴۰۹ - ۸۰.

۲. المیزان، جلد اوّل، صفحه ۲۶۸، ۲۶۹.

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۶۴.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت‌الله کجوری مازندرانی، صفحه ۳۷۶.



افضل مخلوقات یعنی برترین و بهترین مخلوقات خداوند متعال می باشند و مقرب ترین مخلوقات الهی هستند و مقام آن ها از مقام همه انبیاء و ملائکه الهی برتر و بالاتر می باشد،

همچنین ملاحظه فرمودید که خداوند متعال اسامی خمسه طیبه را از اسامی مبارک خویش مشتق نموده و همه عالم را به خاطر آن ذوات مقدسه خلق فرموده است.

همانطور که عرض شد در این دو حدیث شریف تصریح شده که وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و دو فرزند عزیزش یعنی حسنین سلام الله علیهما افضل مخلوقات الهی می باشند و خداوند متعال در حدیث اول صراحتاً به حضرت آدم می فرماید که این ها «خمسه طیبه علیهم السلام» افضل مخلوقات من و بهترین و گرامی ترین آفریدگانم هستند که اسم آن ها را از اسم خودم مشتق نموده ام، و در حدیث دوم نیز خداوند متعال صراحتاً به حضرت آدم می فرماید که:

هُم خَيْرُ مَنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي،

لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ، یعنی:

ای آدم:

این ها «خمسه طیبه علیهم السلام» که فاطمه زهرا یکی از آن بزرگواران می باشد» از تو و از همه مخلوقاتم بهتر و برتر می باشند، و اگر این ها نبودند تو و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی کردم، یعنی همه عالم را به خاطر این ذوات مقدسه خلق نموده ام.

همچنین در حدیث دیگری که از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام نقل شده آمده است که خداوند متعال به آدم و حوا فرمود:

مبادا به حجت های من «خمسه طیبه علیهم السلام» به چشم حسادت نگاه کنید

که من آنها را به شما دو نفر و به همه مخلوقاتم برتری داده‌ام.<sup>۱</sup>

### حدیث سوّم:

در جلسه مناظره امام رضا علیه‌السلام در مرو با فرقه‌های مختلف اسلامی که با حضور علمای آنها صورت گرفت و مأمون ملعون نیز در آن جلسه شرکت داشت در خصوص تفاوت بین اهل بیت پیامبر اکرم با سایر مسلمین بحث شد، و طی آن از محضر مبارک امام رضا علیه‌السلام سؤال شد که آیا اهل بیت پیامبر اکرم بر سایر مسلمین فضیلت و برتری دارند یا خیر، و آیا در قرآن کریم به این موضوع اشاره‌ای شده است یا نه.

وجود مقدّس امام رضا صلوات الله و سلامه علیه در پاسخ به این سؤال فرمودند:

غیر از آنچه که در باطن قرآن کریم «تأویل آیات شریفه قرآن کریم» راجع به اصطفاء و برگزیده شدن اولیاء خداوند متعال مطالبی مطرح شده در ظاهر قرآن کریم در دوازده موضع این قضیه بیان شده است، و سپس، وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام این مواضع را بیان نموده و فرمودند:

اما موضع سوّم آنجا است که خداوند متعال بندگان پاک و مطهّر خویش را از سایر مخلوق خویش جدا نموده و در آیه مباهله «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتِنَا وَنِسَاءَكُمُ وَنِسَاءَنَا وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهُلْ فَنَجْعَلْ لِعَنَةِ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» - آیه ۶۱ سوره آل عمران» به پیامبرش حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم دستور فرموده که به همراه آنها با نصاری نجران مباهله نماید.

علمای فریق «فرقه‌ها» مختلف اسلامی که در جلسه حضور داشتند از امام

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۱۴، حدیث ۳.

«ذیل آیات ۲۲ تا ۲۴ سوره اعراف».

رضا عليه السلام درباره این آیه شریفه توضیح بیشتری درخواست نمودند. وجود مقدّس امام رضا عليه السلام فرمودند:

منظور از انفسنا در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» فقط و فقط وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عليه السلام می باشد که نفس و جان پیامبر اکرم است،

منظور از ابناء در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» حسن و حسین علیهما السلام هستند،

و منظور از نساء در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد.

وجود مقدّس امام رضا عليه السلام در پایان فرمایشات خویش فرمودند:

اینها امتیازات و ویژگی های این ذوات مقدّسه است «خمس طیبه علیهم السلام» که هیچ کس بر آنها سبقت و پیشی نخواهد گرفت، و فضیلتی است که هیچ بشری به آن نخواهد رسید،

و شرافتی است که قبلاً نیز هیچ انسانی به آن نرسیده است.

این حدیث شریف را ریّان بن صلت از امام رضا عليه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

**الف) شصت نفر از نصارای نجران وارد مدینه شده و به محضر مبارک پیامبر**

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب ۲۳ مناظره امام رضا علیه السلام با مأمون «فرق بین اهل بیت پیامبر اکرم و عترت آن حضرت با امت»، صفحه ۴۶۸ تا ۴۹۶، حدیث ۱.  
 المیزان، جلد ششم، صفحه ۶۸ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».  
 تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۹ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».  
 تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۵ و ۷۶، حدیث ۷ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».  
 تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۴۹، حدیث ۱۶۳ «حدیث ۱۵۰۸» «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

اکرم شرفیاب شدند و آن حضرت نصارای نجران را به اسلام دعوت فرمود لیکن آن‌ها از پذیرش اسلام خودداری نموده و کماکان به عقیده باطل خویش اصرار ورزیدند، و اینجا بود که خداوند متعال آیه ۶۱ سوره آل عمران را نازل فرموده و به پیامبر اکرم دستور دادند تا نصارای نجران را به مباحله دعوت نماید. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با اهل بیت خویش یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن و امام حسین علیهما السلام برای مباحله با نصارای نجران حاضر شدند، لیکن نصارای نجران از مباحله ترسیدند و حاضر به پرداخت جزیه شدند.<sup>۱</sup>

**مباحله:** لعن و نفرین کردن دو نفر یا دو گروه برای هلاکت و نابودی یکدیگر.

ب) وجود مقدس امام رضا علیه السلام در مرو در جلسه‌ای که مأمون ملعون نیز شرکت داشت و علمای فرقه‌های مختلف اسلامی نیز حضور داشتند به دوازده آیه از آیات شریفه قرآن کریم استناد فرمودند که گوشه‌ای از فضائل و مناقب اهل بیت پیامبر اکرم را بیان می‌فرماید و افضلیت آن‌ها را بر تمام مخلوقات الهی اعلام می‌نماید که یکی از این آیات شریفه آیه ۳۳ سوره احزاب «آیه تطهیر» می‌باشد که در توضیحات مربوط به اولین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها که عصمت آن حضرت را بیان می‌فرماید به این آیه شریفه «آیه ۳۳ سوره احزاب» اشاره شد و توضیحات مختصری ارائه گردید.

آیه شریفه دیگری که وجود مقدس امام رضا علیه السلام در مناظره خویش با علمای فرق اسلامی به آن استناد فرمودند آیه مباحله است «آیه ۶۱ سوره آل

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۶۷، ۶۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۶، حدیث ۱.

تفسیر نورالتقلین، جلد اول، صفحه ۷۴۵، حدیث ۱۵۷ «حدیث ۱۵۰۲».

عمران»، و ملاحظه فرمودید که امام رضا علیه السلام پس از اشاره به این آیه شریفه و آیات شریفه دیگر، در رابطه با اهل بیت پیامبر اکرم یعنی حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار فرمودند:

اینها امتیازات و ویژگیهای این ذوات مقدسه است که هیچ کس بر آنها سبقت و پیشی نخواهد گرفت، و فضیلتی است که هیچ بشری به آن نخواهد رسید و شرافتی است که قبلاً نیز هیچ انسانی به آن نرسیده است، یعنی: این ذوات مقدسه اشرف و افضل مخلوقات خداوند متعال هستند و بهترین و برترین مخلوقات الهی میباشند.

انشاء الله تعالی در پایان این بخش و در انتهای حدیث ششم به طور اختصار راجع به مباحثه پیامبر اکرم با نصاری نجران توضیحاتی ارائه خواهد شد.

### حدیث چهارم:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

لَوْ عَلِمَ اللَّهُ تَعَالَى أَنَّ فِي الْأَرْضِ عِبَادًا أَكْرَمَ مِنْ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ  
لَأَمَرَنِي أَنْ أَبَاهِلَ بِهِمْ،  
وَلَكِنْ أَمَرَنِي بِالْمُبَاهَلَةِ مَعَ هَؤُلَاءِ،  
وَ هُمْ أَفْضَلُ الْخَلْقِ،  
فَعَلَيْتُ بِهِمُ النَّصَارَى، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر خداوند متعال می دانست که در روی زمین بندگانی بهتر از علی و فاطمه و حسن و حسین یافت می شوند «اگر در روی زمین بندگانی بهتر از علی و فاطمه و حسن و حسین یافت می شدند» همانا امر می فرمود تا در معیت آنها به مباحثه برخیزم،

لیکن خداوند متعال به من امر فرمود تا به همراه این‌ها «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السّلام» با نصاری مباحله نمایم، زیرا این‌ها افضل مخلوقات الهی و برترین مخلوق خداوند متعال می‌باشند و به همین جهت در مباحله با نصاری پیروزی از آن من شد.

این حدیث شریف را یکی از علمای معروف اهل تسنن به نام شیخ سلیمان حنفی قندوزی در کتاب خویش ینابیع المودّه از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

قابل ذکر است که این حدیث شریف نیز مانند حدیث قبل «حدیث سوّم» به آیه ۶۱ سوره آل عمران «آیه مباحله» اشاره دارد و صراحتاً اعلام می‌فرماید که فاطمه زهرا سلام‌الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و دو فرزند عزیزش افضل مخلوقات متعال می‌باشند و بهترین و برترین مخلوق خداوند متعال هستند.

### حدیث پنجم:

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السّلام فرمودند:

خداوند متعال ارواح را دو هزار سال قبل از اجسام خلق فرمود، و ارواح حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام را عالی‌ترین و برترین و شریف‌ترین آن ارواح قرار داد و آنگاه ارواح این ذوات مقدّسه را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه نمود و نور آن بزرگواران همه جا را فراگرفت، و سپس خداوند متعال، به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها فرمود:

هُؤْلَاءِ أَحِبَّائِي وَ أَوْلِيَائِي وَ حُبَّجِي عَلَي خَلْقِي وَ أُمَّةٌ بَرِيَّتِي،  
مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ،

۱. کتاب فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف: آیت‌الله احمد رحمانی همدانی، صفحه ۷۷، حدیث ۲۳.

وَلِمَنْ تَوَلَّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتِي،  
 وَ لِمَنْ خَالَفَهُمْ وَ عَادَاهُمْ خَلَقْتُ نَارِي،  
 فَمَنْ ادَّعَى مَنَزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ عَظْمَتِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ  
 وَ جَعَلْتُهُ مَعَ الْمُشْرِكِينَ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنْ نَارِي، یعنی:

خداوند متعال به آسمانها و زمین و کوهها «یعنی به همه مخلوقات» فرمود:  
 اینها «حضرت زهرا و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام  
 معصوم از نسل و ذریه اش» دوستان من، اولیاء من و حجت های من بر مخلوقاتم  
 می باشند و امامان و پیشوایان مخلوقات من هستند.

هیچ مخلوقی را نیافریده ام و خلق نکرده ام که بیشتر از اینها دوستش بدارم  
 «یعنی این ذوات مقدسه محبوب ترین مخلوق الهی هستند و خداوند متعال  
 آنها را از همه مخلوقاتش بیشتر دوست دارد»،

بهشت را برای آنها و محبتین آنها خلق کرده ام،  
 و جهنم را برای دشمنان آنها و مخالفین آنها خلق نموده ام،  
 هرکس مقام و منزلتی را که آنها نزد من دارند به خود نسبت بدهد و مقام  
 و منزلت آنها را ادعا کند او را آنچنان عذاب کنم که احدی را آنگونه عذاب  
 نکرده باشم و او را همراه با مشرکین در پایین ترین و بدترین نقطه جهنم قرار  
 می دهم.

حدیث شریف طولانی تر از این است که ملاحظه فرمودید، فقط به  
 قسمت هایی از حدیث شریف که به بحث مرتبط بود اشاره شد.

این حدیث را مفصل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. معانی الأخبار صدوق، جلد اول، صفحه ۲۵۴، باب ۴۳، حدیث ۱.  
 کلیات حدیث قدسی تألیف شیخ حرّ عاملی، صفحه ۴۴۳، حدیث «۴۱۲ - ۸۳».  
 تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۶۴ «ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب».  
 تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۱۰، حدیث ۲ «ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب».  
 تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۷۷، حدیث ۲۵۹ «حدیث ۹۰۸۶» «ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب».

ملاحظه می فرمایید که این حدیث شریف قدسی صراحتاً بیان می فرماید که روح مطهر صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و ارواح مطهر دیگر معصومین علیهم السّلام عالی ترین و برترین و شریف ترین ارواح می باشند، لذا این ذوات مقدّسه اشرف مخلوقات و برترین و بهترین مخلوقات خداوند متعال هستند، همچنین ملاحظه فرمودید که خداوند متعال فرمودند:

مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ، یعنی:

هیچ مخلوقی را نیافریده‌ام و خلق نکرده‌ام که از محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام بیشتر دوستش بدارم. بدیهی است محبوب ترین افراد نزد خداوند متعال مقرب ترین و بافضیلت ترین انسان‌ها می باشند، لذا حضرت زهرا سلام الله علیها و دیگر معصومین علیهم السّلام اشرف و افضل مخلوقات الهی هستند.

همچنین در پایان این قسمت از حدیث شریف خداوند متعال فرمودند: هرکس مقام و منزلتی را که آن‌ها نزد من دارند به خود نسبت بدهد و مقام و منزلت آن‌ها را ادّعا کند او را آنچنان عذاب کنم که احدی را آنگونه عذاب نکرده باشم و او را همراه با مشرکین در پایین ترین و بدترین نقطه جهنّم قرار می دهم، یعنی:

مقام و منزلت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش در پیشگاه خداوند متعال آنچنان رفیع است که نه تنها هیچ کس این مقام را ندارد، بلکه طبق صریح این حدیث شریف هرکس «دَقَّتْ بفرمایید هر کس» این مقام و منزلت را به خودش نسبت بدهد و یا این که این مقام و منزلت را ادّعا نماید، خداوند متعال آن کس را آنچنان عذاب می کند که احدی را آنگونه عذاب نکرده و نمی کند، و او را همراه با مشرکین در پایین ترین و بدترین نقطه جهنّم قرار می دهد، و



خلاصه کلام این که:

وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش افضل و اشرف مخلوقات خداوند متعال می باشد و سوّمین شخصیت عالم خلقت است و بعد از ایشان یازده امام معصوم از نسل و ذریّه آن حضرت واقع شده اند و پس از این ذوات مقدّسه انبیاء عظام الهی قرار گرفته اند.<sup>۱</sup>

### حدیث نهم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: در بهشت عدن منزلی برتر و نزدیک تر به مقام قرب خداوند متعال از منزل من وجود ندارد و ما چهارده نفر در این منزل هستیم، من و برادرم علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام از اولاد حسین، که خداوند متعال هرگونه رجس و پلیدی و ناپاکی را از ما دور کرده و ما را کاملاً پاک و مطهّر کرده است. این حدیث را عبدالله بن جعفر از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۲</sup> ملاحظه می فرمایید که این چهارده وجود مقدّس که صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز یکی از آن بزرگواران می باشد در بهشت عدن الهی در مکانی استقرار یافته اند که برتر از آن و نزدیک تر از آن به مقام قرب حق تعالی مکانی در بهشت وجود ندارد، و معنی این حدیث شریف این است که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش افضل و اشرف مخلوقات الهی هستند و مقرب ترین مخلوق خداوند متعال در پیشگاه الهی هستند، و به همین جهت در

۱. جنّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، صفحه ۳۰۶ تا ۳۰۸.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۴۳۸ تا ۴۴۰.

۳. اثبات الهداة، تألیف شیخ حرّ عاملی، جلد سوّم، فصل ۷۱، صفحه ۱۱۳، حدیث ۸۴۹. خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۳۴۷، خصیصه سی و دوّم.

بهشت عدن الهی منزلی برتر و نزدیک‌تر به مقام قرب الهی از منزل آن ذوات مقدّسه وجود ندارد.

همانگونه که قبلاً به عرض رسید و انشاءالله تعالی در مباحث بعد نیز به آن اشاره خواهد شد وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و بعد از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام سوّمین شخصیت برتر عالم خلقت می‌باشد و بعد از آن حضرت یازده امام معصوم از نسل و ذرّیه آن حضرت واقع شده‌اند، و خلاصه کلام این‌که: این چهارده وجود مقدّس و معصوم علیهم‌السلام اشرف و افضل مخلوقات خداوند متعال هستند و بهترین و برترین مخلوق خداوند متعال می‌باشند و روایات در این باب از حدّ شمارش خارج است که به‌عنوان نمونه فقط به شش حدیث نورانی اشاره شد.

آیت‌الله سیّد محمدحسن میرجهانی در کتاب *جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ* «صفحه ۱۶۸ و ۱۶۹» می‌فرماید:

حضرت زهرا سلام‌الله علیها غیر از پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش از تمام انبیاء و مرسلین و ملائکه مقرّبین افضل است و همه آن‌ها به شفاعت حضرت زهرا سلام‌الله علیها نیازمند می‌باشند، طبق اخبار و احادیث مستفیض صادره از مصادر وحی و تنزیل،

و اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را خلق نمی‌فرمود هم‌تا و کفو و همسری برای آن علیا مخدّره از آدم تا خاتم و تا روز قیامت پیدا نمی‌شد، و این نیز یکی از دلایل افضلیت حضرت زهرا سلام‌الله علیها بر همه انبیاء و مرسلین می‌باشد، غیر از پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش.<sup>۱</sup>

۱. *جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ*، تألیف آیت‌الله سیّد محمدحسن میرجهانی، صفحه ۱۶۸ و ۱۶۹، ۳۰۶ و ۳۰۸ «خصیصه پانزدهم و هیجدهم».

توضیحی پیرامون مباحله پیامبر اکرم با نصارای نجران:

گفته شده که حدود هشتاد آیه از آیات شریفه سوره آل عمران درباره مسیحیان نجران و نمایندگان آنها نازل شده که جهت تحقیق درباره دین اسلام به مدینه وارد شده بودند.

نجران محلی است در مناطق شمالی یمن در فاصله ده منزلی صنعا که اراضی آن متعلق به قبیله همدان بوده است.

نصارای نجران که به مدینه وارد شدند شصت نفر بودند که چهارده نفر آنها از اشراف و سران نجران بودند و سه نفر از این چهارده نفر سمت ریاست داشتند.

این گروه شصت نفره مسیحیان نجران به مدینه آمده و وارد مسجدالنبی شده و طبق مذهب خویش نماز به جای آوردند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آنها فرمود:  
به آئین اسلام درآیید و تسلیم خداوند متعال شوید.

یکی از آن سه نفر به نمایندگی از طرف دیگر مسیحیان به پیامبر اکرم عرض کرد:

ما پیش از تو اسلام آورده ایم «قبل از تو تسلیم خداوند شده ایم».

وجود مبارک پیامبر اکرم به آنها فرمود:

شما چگونه بر آئین حق هستید و چگونه اظهار تسلیم بودن به پیشگاه خداوند متعال می نمایید در حالی که اعمال شما خلاف گفته های شما را ثابت می کند، زیرا:

برای خداوند متعال فرزند قائل هستید و حضرت عیسی را پسر خداوند متعال می دانید و این مسئله مخالف آئین حق می باشد.

آنها به پیامبر اکرم عرض کردند:

پس شما ما را به چه چیز دعوت می کنید.

وجود مبارک پیامبر اکرم به آن‌ها فرمود:

شما را دعوت می کنم:

۱- به سوی خداوند متعال و این که خدایی نیست جز خداوند یگانه

۲- به این که من رسول خدا هستم

۳- و این که حضرت مسیح «عیسی بن مریم» مخلوق و بنده خدا است و

حالات بشری داشت، یعنی:

می خورد و می آشامید و از او حَدَث سر می زد «بول و غائط نمودن».

یکی از آن سه نفر به نمایندگی از طرف نصارای نجران به پیامبر اکرم عرض

کرد:

اگر عیسی مسیح پسر خدا نیست پس پسر کیست «یعنی پدر عیسی مسیح

چه کسی است»؟

پس از این سؤال بود که خداوند متعال آیه ۵۹ سوره آل عمران را نازل

فرموده و جواب نصارای نجران را دادند.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، یعنی:

مثل حضرت عیسی و کیفیت خلقت او در نزد خداوند متعال همچون مثل

حضرت آدم است و شبیه به کیفیت خلقت حضرت آدم می باشد که خداوند

متعال او را «حضرت آدم را» از خاک آفرید و فرمود:

كُنْ، یعنی:

موجود باش،

و حضرت آدم نیز بلافاصله موجود شد، یعنی بلافاصله خلق شد.

معنی جمله قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ این است که:

خداوند متعال در خلقت موجودات احتیاج به اسباب ندارد و به محض این که بفرماید موجود باش بلافاصله موجود می شود.

خداوند متعال با این استدلال کوتاه لیکن بسیار قوی و منطقی و محکم به مسیحیان نجران فرمود:

اگر عیسی بدون پدر به دنیا آمد هیچ جای تعجب ندارد و این قضیه دلیل بر این نمی شود که شما مسیحیان، حضرت عیسی را پسر خدا و یا خود خدا بدانید، زیرا:

خلقت حضرت آدم نیز همینگونه بود و بلکه شگفت انگیزتر، یعنی: حضرت آدم نه پدر داشت و نه مادر، لذا:

اگر حضرت عیسی را پسر خدا می دانید باید حضرت آدم را نیز پسر خدا بدانید، و اگر حضرت عیسی را خدا می دانید باید حضرت آدم را نیز خدا بدانید. با توجه به این که مسیحیان نسبت به حضرت آدم چنین تصویری ندارند، یعنی حضرت آدم را نه خدا می دانند و نه پسر خدا، لذا:

باید قبول کنند و بپذیرند که حضرت عیسی نیز نه خدا است و نه پسر خدا. با نزول این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره آل عمران» و این استدلال قوی و محکم، متأسفانه مسیحیان نجران حاضر به قبول حق نشده و کماکان به عقیده باطل خویش اصرار ورزیدند، و اینجا بود که خداوند متعال آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه مباهله را نازل فرموده و به پیامبر اکرم دستور دادند تا نصارای نجران را به مباهله دعوت نماید.<sup>۱</sup>

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» به پیامبر اکرم

۱. مجمع البیان، جلد سوم، صفحه ۲۲۴ و ۲۲۵ «ذیل آیات اول تا پنجم سوره آل عمران». المیزان، جلد پنجم، صفحه ۲۴ و ۲۵ «بحث روایتی ذیل آیه اول تا ششم سوره آل عمران». المیزان، جلد ششم، صفحه ۴۱ تا ۴۳ «ذیل آیه ۵۹ سوره آل عمران». تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۴۸۰ و ۴۸۱ «ذیل آیه اول تا چهارم سوره آل عمران». تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۶۸ - ۶۶۹ «ذیل آیه ۵۹ سوره آل عمران».

می فرماید:

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتِكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَائِكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

بعد از آنکه از طریق وحی به احوال عیسی بن مریم علم و آگاهی پیدا کردی، چنانچه کسانی در رابطه با حضرت عیسی با تو مُحَاجَّه و ستیزه کنند به آن‌ها بگو:

بیایید ما فرزندان خودمان را دعوت کنیم شما هم فرزندان خودتان را،  
ما زنان خودمان را دعوت کنیم شما هم زنان خودتان را،  
ما نفوس‌های خودمان را دعوت کنیم شما هم نفوس‌های خودتان را،  
آنگاه مباحله کنیم،

و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.<sup>۱</sup>  
مُحَاجَّه: مخاصمه و جدال و ستیز دو نفر یا دو گروه با یکدیگر به منظور  
این‌که طرف مقابل را از راه و دلیلش منصرف نماید.

تَعَالَوْا: بیایید

دعو، دُعَاء: خواندن، یاری خواستن، درخواست کردن، دعوت کردن.  
ابن: پسر.

جمع ابن می شود «ابناء» و «بنون».

نَفْس: جان، روح.

نَفْس گاهی معنای شخص نیز می دهد.

نساء: زنان.

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۹۸.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۱.

اِبْتِهَال: یکدیگر را لعن کردن، لعن و نفرین کردن برای هلاک و نابودی یکدیگر.

مباهله: لعن و نفرین کردن دو نفر یا دو گروه برای هلاکت و نابودی یکدیگر.<sup>۱</sup> قابل ذکر است که منظور از مباهله این نبوده که پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت از یک طرف و مسیحیان نجران از طرف دیگر در یک محل جمع شده و یکدیگر را لعن و نفرین نموده و سپس متفرق شوند، زیرا این عمل به تنهایی هیچ فایده و ثمری نمی توانست داشته باشد، بلکه هدف اصلی و واقعی مباهله این بوده که:

پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت و نصارای نجران در یک محل جمع شده و یکدیگر را لعن و نفرین نمایند، به نحوی که آثار نفرین ظاهر شده و آنهایی که دروغگو هستند و راه باطل را طی می کنند گرفتار عذاب الهی شده و به هلاکت برسند.

در واقع مباهله به عنوان آخرین حربه در نظر گرفته شد، یعنی: پس از این که منطق و استدلال موثر واقع نشد و نصارای نجران حق را نپذیرفتند مباهله به عنوان آخرین حربه در نظر گرفته شد تا گروه دروغگو و گروه باطل به هلاکت برسند.

وجود مبارک پیامبر اکرم پس از نزول آیه ۶۱ سوره آل عمران «معروف به آیه مباهله» طبق دستور خداوند متعال نصارای نجران را به مباهله دعوت نموده و به آن ها فرمود:

بیایید مباهله نماییم، اگر من راستگو بودم لعنت الهی بر شما نازل شود و شما از بین بروید،

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۹۹ تا ۱۰۳.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۱.

مفردات راغب.

و اگر من دروغگو بودم لعنت الهی بر من نازل شود و من از بین بروم. نزاری نجران فرمایش پیامبر اکرم را پذیرفته و به آن حضرت عرض کردند: به انصاف سخن گفتمی «سخن منصفانه‌ای است»، و بدین نحو قرار شد مباحله صورت بگیرد.

رؤسای نزاری نجران وقتی از محضر پیامبر اکرم مرخص شدند به مشورت با یکدیگر پرداخته و به این نتیجه رسیدند که:

اگر پیامبر اکرم با جمعی از مسلمانان به مباحله آمد با او مباحله می‌کنیم، اما اگر فقط با اهل بیت خویش به مباحله آمد با او مباحله نخواهیم کرد، زیرا:

کسی که اهل بیت خویش را به مباحله می‌آورد حتماً صادق و راستگو می‌باشد، زیرا تا انسان به حقایق خویش یقین نداشته باشد اهل بیتش را به خطر نمی‌اندازد.

صبح روز بعد وقتی نزاری نجران در محلّ معین شده برای مباحله حاضر شدند مشاهده کردند که پیامبر اکرم به همراه یک مرد و یک زن و دو کودک برای مباحله حاضر شده است.

نزاری نجران سؤال کردند که این افراد چه کسانی هستند. به آن‌ها گفته شد که:

آن مرد، پسر عم و داماد و وصی پیامبر اکرم می‌باشد و نامش علی بن ابیطالب است،

آن زن فاطمه است و دختر پیامبر اکرم است،

و آن دو کودک حسن و حسین هستند و فرزندان دخترش فاطمه می‌باشند.

نزاری نجران وقتی وضع را اینگونه دیدند به پیامبر اکرم عرض کردند:

ما را از مباحله معاف بدار که تو را راضی خواهیم نمود، و پیامبر اکرم نیز با



آن‌ها مصالحه فرمود که جزیه «مالیات» پردازند و آن‌ها نیز پذیرفتند.<sup>۱</sup>  
در حدیث است که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم  
فرمودند:

اگر مسیحیان نجران با من مباحله می‌کردند بیابان بر مسیحیان نجران به وادی  
آتش تبدیل می‌شد و یک نفر از آن‌ها جان سالم به در نمی‌برد و همگی آن‌ها  
هلاک می‌شدند.<sup>۲</sup>

اجماع علمای اسلام و احادیث فراوانی که از طریق شیعه و سنی به دست  
ما رسیده تصریح دارد که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای مباحله با نصارای  
نجران غیر از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه  
زهرا سلام الله علیها و حسنین سلام الله علیها فرد یا افراد دیگری را به همراه  
خویش نبردند،

و وقتی که پیامبر اکرم با این ذوات مقدسه برای مباحله حضور یافت به  
خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

این‌ها اهل بیت من هستند.<sup>۳</sup>

همانطور که عرض شد علمای اسلام اعم از شیعه و سنی اجماع دارند که

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۶۷ - ۶۸.  
تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۹ - ۳۰.  
تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۶، حدیث ۱.  
تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۴۵، حدیث ۱۵۷ «حدیث ۱۵۰۲».

۲. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۸ - ۲۹.  
تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۹ - ۸۰، حدیث ۱۶.  
۳. تفسیر قمی، جلد اول «مقدمه مؤلف»، صفحه ۶۵ - ۶۶.  
المیزان، جلد ششم، صفحه ۵۹ و ۶۰ - ۸۱.  
تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۹ تا ۶۸۱.

وجود مقدّس پیامبر اکرم برای مباحله با نصارای نجران فقط اهل بیت خودشان را آوردند، یعنی:

فقط امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسنین سلام الله علیهما در محضر پیامبر اکرم بودند و لاغیر، و صدها حدیث و روایت موید این موضوع می باشد.

سید بن طاووس در کتاب سعد السعود نقل می کند که:

خبر مربوط به مباحله پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت با نصارای نجران به پنجاه و یک طریق از صحابه و غیر صحابه نقل شده است که اسامی تعدادی از آنها بدین قرار است:

عثمان بن عفان، سعد بن ابی وقاص، طلحه، زبیر، عبدالرحمن بن عوف، عبدالله بن عبّاس، انس بن مالک و...

قاضی نورالله شوشتری در کتاب احقاق الحق اسامی حدود شصت نفر از علما و مفسّرین اهل سنّت را آورده که این افراد در کتابهای خویش تصریح نموده اند که آیه مباحله درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسنین سلام الله علیهما نازل شده و آن ذوات مقدّسه مصادیق انحصاری و منحصر به فرد آیه مباحله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» می باشند.

ذیلاً اسامی تعدادی از علما و مفسّرین بزرگ و معروف اهل سنّت را ملاحظه می فرمایید که صراحتاً اعلام نموده اند که آیه مباحله درباره خمسه طیّبه می باشد و لاغیر (المیزان، جلد ششم، صفحه ۷۱ تا ۸۰ و تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۷ تا ۶۷۹).

#### ۱. مسلم بن حجّاج نیشابوری صاحب صحیح<sup>۲</sup>

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۷۷.

۲. جلد هفتم، صفحه ۱۲۰، چاپ مصر.

۲. ترمذی صاحب صحیح
۳. احمد بن حنبل در مُسند<sup>۱</sup>
۴. حاکم در مستدرک<sup>۲</sup>
۵. واحدی نیشابوری در اسباب النّزول<sup>۳</sup>
۶. ابن اثیر در جامع الاصول<sup>۴</sup>
۷. ابن جوزی در تذکرة الخواص<sup>۵</sup>
۸. ابن حجر عسقلانی در الاصابه
۹. ابن صبّاغ در الفصول المهمّة<sup>۶</sup>
۱۰. ترمذی در سنن
۱۱. ابونعیم در حلیة الاولیاء
۱۲. ابن مغزلی در مناقب
۱۳. سیوطی در درّالمنثور
۱۴. ثعلبی در تفسیر معروفش
۱۵. طبری در تفسیر خویش<sup>۷</sup>
۱۶. فخر رازی در مفاتیح الغیب
۱۷. قاضی بیضاوی در تفسیر خویش<sup>۸</sup>
۱۸. آلوسی در روح المعانی<sup>۹</sup>

---

۱. جلد اوّل، صفحه ۱۸۵، چاپ مصر.
۲. جلد سوّم، صفحه ۱۵۰، چاپ حیدرآباد دکن.
۳. صفحه ۷۴، چاپ مصر.
۴. جلد نهم، صفحه ۴۷۰، چاپ مصر.
۵. صفحه ۱۷، چاپ نجف.
۶. صفحه ۱۰۸، چاپ نجف.
۷. جلد سوّم، صفحه ۱۹۲، چاپ مصر.
۸. جلد دوّم، صفحه ۲۲، چاپ مصر.
۹. جلد سوّم، صفحه ۱۶۷، چاپ منیریه مصر.

۱۹. طنطاوی در الجواهر<sup>۱</sup>

۲۰. زمخشری در کشاف<sup>۲</sup>

۲۱. قرطبی در تفسیر خویش<sup>۳</sup>

مفسر بزرگ اهل سنت به نام زمخشری در تفسیر معروفش به نام تفسیر کشاف ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران عنوان نموده که:

این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران معروف به آیه مباحله» قوی‌ترین دلیلی است که فضیلت اهل کساء «خمسه طیبه» را ثابت می‌کند.<sup>۴</sup>

به عنوان نمونه به یک حدیث که سعد بن ابی وقاص از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده و در معتبرترین کتب اهل سنت آمده اشاره می‌شود.

روزی معاویه بن ابی سفیان به سعد بن ابی وقاص گفت:  
چرا ابو تراب «علی بن ابیطالب علیه السلام» را دشنام نمی‌دهی و به او ناسزا نمی‌گویی.

سعد بن ابی وقاص به معاویه گفت:

درباره علی بن ابیطالب سه مطلب از پیامبر اکرم شنیدم که اگر یکی از آنها درباره من بود در نظر من از شتران نجیب و اصیل «کنایه از تمام چیزهای خوب دنیا» بهتر و باارزش تر بود.

یکی این که، در یکی از جنگ‌ها پیامبر اکرم او را در مدینه جانشین خویش قرار داد و او را همراه خود به جنگ نبرد.

علی بن ابیطالب به پیامبر اکرم عرض کرد:

آیا مرا با زن‌ها و بچه‌ها می‌گذاری.

۱. جلد دوم، صفحه ۱۲۰، چاپ مصر.

۲. جلد اول، صفحه ۱۹۳، چاپ مصر.

۳. جلد سوم، صفحه ۱۰۴، چاپ مصر.

۴. المیزان، جلد ششم، صفحه ۷۱ تا ۸۰.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۷ تا ۶۷۹.

پیامبر اکرم به علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:  
 آیا راضی نیستی که نسبت به من مثل هارون به موسی باشی، با این تفاوت  
 که بعد از من پیامبری نخواهد آمد «هارون برادر موسی بن عمران و جانشین  
 او بود».

دوم این که، هنگام جنگ خیر پیامبر اکرم فرمود:  
 فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد «کسی را به فرماندهی سپاه مسلمین  
 منصوب خواهم کرد» که آن کس خدا و رسول خدا را دوست دارد، و خدا و  
 رسول خدا نیز او را دوست دارد.

سعد بن ابی وقاص می گوید:  
 همه ما انتظار داشتیم که آن شخص ما باشیم، لیکن پیامبر اکرم پرچم را به  
 دست علی بن ابیطالب داد و خداوند متعال فتح را به دست علی بن ابیطالب  
 نصیب مسلمانان نمود.

سوم این که، وقتی آیه مباحله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» نازل شد پیامبر اکرم  
 علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین «علیهم السلام» را طلبید و به خداوند  
 متعال عرض کرد:

خداوندا:

این ها اهل بیت من هستند.

این حدیث شریف در کتب معتبر اهل سنت از قبیل:  
 صحیح مسلم، صحیح ترمذی، مُسند احمد بن حنبل، حلیة الاولیاء ابونعیم  
 و... آمده است.<sup>۱</sup>

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۷۳.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحات ۶۷ و ۷۰ و ۷۹، حدیث ۱ و ۵ و ۱۴ و ۱۵.

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که علمای اسلام اعم از شیعه و سنی اجماع دارند که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم برای مباحله با نصاری نجران فقط اهل بیت خویش یعنی امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام، صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسنین علیهما السلام را به همراه آوردند.

دوّمین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها که در این کتاب شریف فاطمی مورد بحث می باشد این است که:

حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و دو فرزند عزیزش حسنین علیهما السلام «یعنی خمسه طیّبه علیهم السلام»، همچنین دیگر ائمه معصومین علیهم السلام افضل مخلوقات الهی «بهترین و برترین مخلوق خداوند متعال» و اشرف مخلوقات خداوند متعال می باشند.

ذیل این بحث شش حدیث نورانی نقل شد که خمسه طیّبه و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام افضل و اشرف مخلوقات الهی هستند، یعنی بهترین و برترین مخلوق خداوند متعال می باشند و مقام و منزلت آنها از همه مخلوقات الهی و از همه انبیاء و ملائکه برتر و بالاتر می باشد.

دو حدیث از این شش حدیث شریف در رابطه با موضوع مباحله می باشد «حدیث سوّم و چهارم»، و این دو حدیث شریف صراحت دارند که خمسه طیّبه اشرف و افضل مخلوقات الهی هستند که به عنوان یادآوری به اختصار به این دو حدیث شریف اشاره می شود.

وجود مقدّس امام رضا علیه السلام در مناظره‌ای که در مرو با علمای فرق مختلف اسلامی داشتند در حضور مأمون ملعون ضمن بیان گوشه‌ای از فضائل و مناقب اهل بیت پیامبر اکرم و استناد به آیات شریفه قرآن کریم، به آیه مباحله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» اشاره نموده و فرمودند:

در جریان مباحله پیامبر اکرم با نصارای نجران فقط اهل بیت پیامبر اکرم یعنی فقط علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم السّلام همراه آن حضرت بودند و لاغیر.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در پایان فرمایشات خویش فرمودند: این ذوات مقدّسه «حضرت زهرا و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و دو فرزند عزیزش یعنی خمسه طیّبه علیهم السّلام» امتیازات و ویژگی هایی دارند که:

هیچ کس بر آنها سبقت و پیشی نخواهد گرفت،

و هیچ بشری به آن نخواهد رسید،

و قبلاً نیز هیچ انسانی به آن نرسیده است.

و در حدیث چهارم نیز ملاحظه فرمودید که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اگر خداوند متعال می دانست که در روی زمین و در عالم خلقت بندگانی

بهتر از علی و فاطمه و حسن و حسین وجود دارند همانا امر می فرمود تا در معیت آنها با نصارای نجران مباحله نمایم،

لیکن خداوند متعال به من امر فرمود تا به همراه اینها «علی و فاطمه و

حسن و حسین» با نصارای نجران مباحله نمایم،

زیرا اینها افضل مخلوقات الهی و برترین مخلوق خداوند متعال می باشند،

و به همین جهت در مباحله با نصاری پیروزی از آن من شد.





## فضیلت سوّم

حضرت زهرا سلام الله عليها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السلام از ذریّه و نسل آن حضرت علّت غایی خلقت می باشند.<sup>۱</sup>

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی.

صفحه ۱۵۹، ذیل عنوان: وَ مَسَاكِنِ بَرَکَةِ اللهِ.

صفحه ۲۰۱، ذیل عنوان: وَ السَّادَةِ الْوَلَاةِ.

صفحه ۴۳۵، ذیل عنوان: فَبَلَغَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ.

صفحه ۴۴۰، ذیل عنوان: حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُّقْرَّبٌ.

صفحه ۵۲۵ تا ۵۳۴، ذیل عنوان: بِكُمْ فَتَحَ اللهُ وَ بِكُمْ يُخْتَمُ.

صفحه ۵۵۱، ذیل عنوان: طَا طَا كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرِيفِكُمْ.

صفحه ۵۶۰، ذیل عنوان: ذِكْرُكُمْ فِي الدَّاكِرِينَ.

صفحه ۵۶۲، ذیل عنوان: فَمَا أُخْلِیَ أَسْمَائِكُمْ.

صفحه ۵۶۸، ذیل عنوان: كَيْفَ أَصْفُ حُسْنِ ثَنَائِكُمْ.

صفحه ۵۸۶، ذیل عنوان: وَ الدَّرَجَاتِ الرَّفِيعَةِ وَ الْمَقَامِ الْمُحْمُوْدِ.

صفحه ۶۰۲، ذیل عنوان: فَبِحَقِّي مَنِ اتَّمَمْتُمْ عَلَي سِرِّهِ.

فضائل فاطمه زهرا سلام الله عليها، تألیف علامه امینی، موضوع اوّل، حضرت زهرا عليها سلام، یکی از علل آفرینش، صفحه ۱۴۵ تا ۱۵۱.

حدیث لولا فاطمة، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی.

صفحه ۱۱ و ۱۲، ذیل عنوان: اشکال ادبی به متن حدیث لولا فاطمة و جواب آن.

صفحه ۳۰ تا ۳۳، ذیل عنوان: خلقت عالم به طفیل وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام.

صفحه ۹۸، ذیل عنوان: فاطمه عليها سلام غایت آفرینش.

صفحه ۱۰۳ تا ۱۰۸، ذیل عنوان: واسطه فیض بودن معصومین علیهم السلام.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل نهم، عظمت حضرت زهرا عليها سلام نزد پروردگار، صفحه ۷۶ تا

۷۹، حدیث ششم و توضیحات ذیل حدیث شریف.

خداوند متعال در آیه ۳۴ و ۳۵ سوره بقره می فرماید:

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ، أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ  
 (آیه ۳۴).

وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كَلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا، وَ لَا تَقْرَبَا  
 هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (آیه ۳۵)، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

هنگامی که به ملائکه گفتیم که به آدم سجده کنید، همگی سجده کردند جز ابلیس که امتناع کرد و تکبر ورزید و از کافران شد (آیه ۳۴).

گفتیم ای آدم تو و همسرت حوّا در بهشت آرام بگیرید «ای آدم تو با همسرت در بهشت سکونت کن»، و هر چه می خواهید از نعمت های آن گوارا بخورید، ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمین و ستمکاران خواهید بود «خواهید شد» (آیه ۳۵)!

### شرح لغات و توضیحات

سَجَدَ: کلمه سجده در اصل به معنای خضوع و اظهار ذلت است، سپس آن را در عبادت و خضوع برای خداوند متعال به کار برده اند، و در اصطلاح اسلام قرار دادن پیشانی است بر روی زمین و یکی از ارکان نماز می باشد.

ابلیس: اسم خاص است و اشاره به همان شیطانی است که حضرت آدم علیه السلام را فریب داد و اکنون نیز با لشکریان خویش و با ذریّه و نسل خویش در کمین آدمیان است، لیکن:

شیطان به هر موجود سرکش و متمرد و منحرفی اطلاق می شود که همواره سعی دارد تا مردم را از راه راست منحرف کند و بین مردم اختلاف و دو

۱. مجمع البیان، جلد اوّل، صفحه ۱۲۵ - ۱۳۱.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۲۲۲ - ۲۲۴.

دستگي ايجاد نمايد، بنا بر اين:

شيطان اسم عام است و به هر موجود خبيث و متمرّد و منحرف کننده گفته مي شود، اعم از انسان يا جن.

أبي = امتناع كرد، به شدّت امتناع كرد.

اباء = امتناع كردن شديد.

اَسْتَكْبَرَ = استكبار ورزيد، خود را بزرگ دانست.

استكبار = خود بزرگ بيني، خود را بزرگ پنداشتن، اظهار بزرگي كردن در حالي كه لايق و سزاوار آن نباشد.

رَعْد = ۱- فراوان؛ ۲- گوارا!

### توضيح:

خداوند متعال پس از اين كه حضرت آدم را خلق كرد به همه ملائكه امر فرمود تا به حضرت آدم سجده كنند، كه همه ملائكه فرمان خداوند متعال را اجرا کرده و به حضرت آدم سجده نمودند، غير از ابليس كه از فرمان خداوند متعال امتناع و سرپيچي كرد و استكبار ورزيد و از سجده كردن به حضرت آدم خودداري نمود، و به خاطر همين سرپيچي و نافرمانی از دستور خداوند متعال بود كه از كافران شد.

قابل ذكر است كه سجده ملائكه به حضرت آدم سجده پرستش نبود، زيرا سجده به منظور پرستش فقط براي خداوند متعال است و بس، چرا كه در جهان هيچ معبودی غير از خداوند متعال نيست، و معنی توحيد عبادت اين است كه غير از خداوند متعال هيچ كس را پرستش نكنيم، بنا بر اين:

۱. مجمع البيان، جلد اول، صفحه ۴۱-۱۲۵ تا ۱۲۷.

الميزان، جلد اول، صفحه ۳۸ - ۳۹.

تفسير نمونه، جلد اول، صفحه ۵۴ - ۲۲۷ - ۲۳۴ - ۲۳۵.

مفردات راغب.

سجده ملائکه، سجده به خداوند متعال بود به عنوان سجده پرستش، و سجده به حضرت آدم بود به عنوان احترام و خضوع<sup>۱</sup>.

### حدیث اول:

وجود مقدّس امام رضا سلام الله علیه فرمودند:

وقتی که خداوند متعال حضرت آدم را خلق فرمود و به همه ملائکه دستور داد تا به حضرت آدم سجده کنند و بدین وسیله او را گرامی داشت، حضرت آدم در دل خویش با خود گفت:

آیا خداوند متعال بشری افضل از من «بهتر و برتر از من» خلق فرموده است. در همین حال خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:  
ای آدم:

سرت را بلند کن و به ساق عرش نگاه کن.

حضرت آدم سرش را بلند نمود و به ساق عرش «پایه عرش» نگاه کرد و

دید که آنجا نوشته شده:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ،

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،

یعنی:

خدایی جز الله نیست،

محمد رسول خدا است،

---

۱. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۱۲۶.

المیزان، جلد اول، صفحه ۲۳۲ تا ۲۳۴.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۲۳.

علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین است و همسرش فاطمه سیّده و سرور بانوان عالم است،

و حسن و حسین سیّد و سرور جوانان بهشت هستند.

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

يَا رَبِّ مَنْ هُوَ لَاءِ، یعنی:

خداوندا:

این‌ها کیستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

هُوَ لَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ،

هُم خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي،

لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ،

فَإِيَّاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَأُخْرِجُكَ مِنْ جَوَارِي، یعنی:

ای آدم:

این‌ها از نسل تو و از ذریّه تو می‌باشند «از فرزندان تو هستند»،

این‌ها از تو و از همه مخلوقاتم بهتر و برتر می‌باشند،

ای آدم:

اگر این‌ها نبودند، تو و بهشت و جهنّم و آسمان و زمین را خلق نمی‌کردم

«یعنی همه مخلوقات و همه عالم را به‌خاطر این‌ها خلق نموده‌ام»،

پس ای آدم:

مبادا به دیده حسد به آن‌ها نگاه کنی «مبادا به آن‌ها حسادت کنی»، که در این

صورت تو را از جوار خودم بیرون خواهم کرد.

اما حضرت آدم به آن‌ها به چشم حسد نگریست و مقام و منزلت آن‌ها را

آرزو نمود و در نتیجه شیطان «ابلیس» بر او مسلط شد تا این‌که حضرت آدم از

آن درختی که نهی شده بود تناول کرد «از میوه آن درخت تناول نمود»،  
 حوّا نیز به حضرت فاطمه به چشم حسد نگاه کرد و در نتیجه شیطان  
 «ابلیس» بر او نیز مسلط شد و او نیز مانند حضرت آدم از میوه آن درخت تناول  
 نمود و در نتیجه خداوند متعال هر دو را از بهشت بیرون کرد و آن دو را از  
 جوار خویش به زمین فرستاد.  
 این حدیث را عبدالسلام بن صالح هروی از وجود مقدّس امام رضا  
 علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

با توجه به این که حسد فعل حرام است و انبیاء الهی مقام عصمت دارند، لذا  
 مقصود از حسد در این حدیث شریف غبطه می باشد، یعنی:  
 حضرت آدم و حوّا به مقام و منزلت خمسه طیبّه «حضرت محمّد و علی و  
 فاطمه و حسن و حسین» و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام غبطه خوردند و  
 همین امر باعث هبوط آنها از بهشت شد.<sup>۲</sup>

### حدیث دوّم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:  
 خداوند متعال ارواح را دو هزار سال قبل از اجسام خلق فرمود و ارواح  
 حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و دیگر ائمه

۱. کلیات حدیث قدسی، «ترجمه جواهر السنیه»، تألیف شیخ حرّ عاملی، صفحه ۴۳۹، حدیث ۴۰۹ - ۸۰.  
 المیزان، جلد اوّل، صفحه ۲۶۷ - ۲۶۸ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».  
 تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۶۵ - ۱۶۶ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».  
 تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۲۷۶ - ۲۷۷، حدیث ۱۳ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».  
 تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۱۴۳، حدیث ۱۱۲، حدیث ۲۲۶ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».  
 ۲. المیزان، جلد اوّل، صفحه ۲۶۸ - ۲۶۹ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».  
 تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۶۴ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».  
 خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۳۷۶.

معصومین علیهم السّلام را عالی ترین و برترین و شریف ترین آن ارواح قرار داد، و آنگاه ارواح این ذوات مقدّسه را «ارواح چهارده معصوم علیهم السّلام» را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمود و نور آن ذوات مقدّسه همه جا را فراگرفت، و سپس خداوند متعال به آسمانها و زمین و کوهها فرمود:

هُؤْلَاءِ اِحْبَائِي وَ اَوْلِيَائِي وَ حُجَجِي عَلٰى خَلْقِي وَ اَئِمَّةٌ بَرِيَّتِي،  
 مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ اَحَبُّ اِلَيَّ مِنْهُمْ،  
 وَ لِمَنْ تَوَلَّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتِي،  
 وَ لِمَنْ خَالَفَهُمْ وَ عَادَاهُمْ خَلَقْتُ نَارِي، یعنی:

خداوند متعال به آسمانها و زمین و کوهها «یعنی به همه مخلوقات» فرمود: اینها «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» دوستان من، اولیاء من و حجت های من بر مخلوقاتم می باشند، و امامان و پیشوایان مخلوقات من هستند.

هیچ مخلوقی را نیافریده ام و خلق نکرده ام که بیشتر از اینها دوستشان بدارم، «یعنی چهارده معصوم علیهم السّلام محبوب ترین مخلوق الهی نزد خداوند متعال می باشند و خداوند متعال آن ذوات مقدّسه را از همه مخلوقاتش بیشتر دوست می دارد»،

بهشت را برای آنها و محبّین آنها خلق کرده ام، و جهنّم را برای دشمنان آنها و مخالفین آنها خلق نموده ام. در ادامه فرمایشات امام صادق علیه السّلام آمده است که: وقتی خداوند متعال حضرت آدم و حوّا را در بهشت ساکن نمود، به آنها فرمود:

هرچه می خواهید از هر کجای بهشت بی هیچ زحمتی بخورید، لیکن به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمین و ستمکاران خواهید بود.

آدم و حوّا جایگاه و مقام و منزلت حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام و امامان پس از آن‌ها را دیدند، و مشاهده کردند که جایگاه آن بزرگواران بهترین و عالی‌ترین جایگاه‌های بهشت می‌باشد، لذا از خداوند متعال سؤال کردند که این جایگاه رفیع از آن کیست.

خداوند متعال به آدم و حوّا فرمود:

سرهای خودتان را بالا بگیرید و به ساق عرش من نگاه کنید.

آدم و حوّا به ساق عرش نگریسته و اسامی مبارک محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر ائمه معصومین علیهم السّلام را دیدند که با نوری از انوار خداوند جبار جلّ جلاله نوشته شده است، پس به خداوند متعال عرض کردند: پروردگارا:

صاحبان این منزلت و جایگاه در درگاهت چه بسیار گرامی هستند و چه قدر نزد تو محبوب می‌باشند.

خداوند متعال به آدم و حوّا فرمود:

لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ،

هُؤُلَاءِ خَزَنَةُ عِلْمِي وَ أَمْنَائِي عَلَى سِرِّي،

إِيَّاكُمْ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ وَ تَتَمَيَّنَا مِنْزِلَتَهُمْ عِنْدِي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ كَرَامَتِي فَتَدْخُلَا بِذَلِكَ فِي نَهْيِي وَ عِصْيَانِي فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ، یعنی:

اگر این‌ها «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» نبودند شما دو نفر را خلق نمی‌کردم،

این‌ها خزانه‌داران علم من و امینان سِرّ من هستند «مورد اعتماد من برای سپردن اسرارم به آن‌ها»،

برحذر باشید از این‌که با چشم حسادت به آن‌ها نگاه کنید،

و مبادا مقام و منزلتی را که آنان نزد من دارند آرزو کنید که در این صورت



از ظالمین و ستمکاران خواهید بود.

حدیث شریف طولانی تر از این است که ملاحظه فرمودید، فقط به قسمتی از حدیث شریف اشاره شد که اگر صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السلام از ذریه و نسل آن حضرت نبودند خداوند متعال آدم و حوّا را خلق نمی فرمود. این حدیث را مفصل بن عمر از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث سوّم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: وقتی که خداوند متعال حضرت آدم ابوالبشر را خلق فرمود، حضرت آدم به طرف راست عرش نگاه کرد و مشاهده نمود که پنج نور سرگرم عبادت هستند و در حال سجده و رکوع می باشند.

حضرت آدم پس از مشاهده این صحنه به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

آیا من نخستین مخلوق تو از خاک می باشم، یا قبل از من کسی را از خاک خلق فرموده ای؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

نه، نیافریده ام «قبل از تو کسی را از خاک خلق نکرده ام».

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

۱. معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد اول، صفحه ۲۵۴، باب ۴۳، حدیث ۱.  
کلیات حدیث قدسی، «ترجمه جواهر السنیه» تألیف شیخ حرّ عاملی، صفحه ۴۴۳، حدیث ۴۱۲ - ۸۳.  
تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۶۴ «ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب».  
تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۱۰، حدیث ۲ «ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب».  
تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۷۷، حدیث ۲۵۹ «حدیث ۹۰۸۶» «ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب».  
فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۱۳۳ تا ۱۳۷.

پس این پنج شَبَّح که آن‌ها را در هیئت و صورت، همانند خودم می بینم چه کسانی هستند؟ (شَبَّح = سایه، سیاهی که از دور به نظر می رسد).

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

هُؤْلَاءِ خَمْسَةٌ مِنْ وُدِّكَ،

لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ،

هُؤْلَاءِ خَمْسَةٌ شَقَّقْتُ لَهُمْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِي،

لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ،

وَ لَا الْعَرْشَ وَ لَا الْكُرْسِيَّ،

وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ،

وَ لَا الْمَلَائِكَةَ وَ لَا الْإِنْسَ وَ لَا الْجِنَّ،

فَأَنَا الْمَحْمُودُ وَ هَذَا مُحَمَّدٌ،

وَ أَنَا الْعَالِي وَ هَذَا عَلِيٌّ،

وَ أَنَا الْفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَةٌ،

وَ أَنَا الْإِحْسَانُ وَ هَذَا الْحَسَنُ،

وَ أَنَا الْمُحْسِنُ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ،

آلَيْتُ بِعِزَّتِي أَنْ لَا يَأْتِيَنِي أَحَدٌ بِمِثْقَالِ ذَرَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ بُغْضِ أَحَدِهِمْ إِلَّا أُدْخِلُهُ نَارِي

وَ لَا أَبَالِي.

يَا آدَمُ:

هُؤْلَاءِ صَفْوَتِي،

بِهِمْ أَنْجِيهِمْ وَ بِهِمْ أَهْلِكُهُمْ،

فَإِذَا كَانَ لَكَ إِلَيَّ حَاجَةٌ فَبِهِؤْلَاءِ تَوَسَّلْ.

فَقَالَ النَّبِيُّ:

نَحْنُ سَفِينَةُ النَّجَاةِ،

مَنْ تَعَلَّقَ بِهَا نَجَى وَ مَنْ حَادَ عَنْهَا هَلَكَ،

فَمَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَسْأَلْ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، یعنی:

خداوند متعال در پاسخ به سؤال حضرت آدم به او فرمود:

این پنج نفر از اولاد تو هستند،

اگر آن‌ها نبودند تو را خلق نمی‌کردم «این پنج نفر علت غایی خلقت می‌باشند

و خَلَقَ تو به یمن وجود این پنج نفر است»،

این‌ها پنج نفری هستند که پنج نام از نام‌های خودم را جدا نموده و بر آن‌ها

نهادهام «نام‌های آن‌ها را از نام‌های خودم مشتق نموده و به آن‌ها نهادهام»،

اگر این پنج نفر نبودند:

نه بهشت را خلق می‌کردم و نه جهنم را،

نه عرش را خلق می‌کردم و نه کرسی را،

نه آسمان را خلق می‌کردم و نه زمین را،

نه ملائکه را خلق می‌کردم و نه انسان و جن را «یعنی این پنج وجود مقدس

علت غایی خلقت هستند و خداوند متعال همه عالم را به خاطر این ذوات

مقدسه خلق فرموده است»،

من محمود هستم و این محمد است،

من عالی هستم و این علی است،

من فاطر هستم و این فاطمه است،

من احسان هستم و این حسن است،

من محسن هستم و این حسین است.

به عزت‌م سوگند:

هرکس اگر به مقدار دانه خردل «یعنی به مقدار یک ذره بسیار کوچک»

نسبت به هر کدام از این پنج نفر بغض و کینه داشته باشد او را داخل آتش جهنم

می‌کنم، بی‌آنکه شفاعت شافعی را بپذیرم.

ای آدم:

این پنج نفر برگزیدگان از مخلوقاتم هستند و نجات و هلاک هرکس وابسته به حبّ و بغضی است که به این پنج نفر دارد.

ای آدم:

هر وقت از من حاجتی داشتی به این پنج نفر متوسّل شو تا حاجت تو برآورده شود.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

ما کشتی نجات هستیم،

هرکس با ما باشد اهل نجات است «هرکس به ما تمسّک نماید اهل نجات است»<sup>۱</sup>

و هرکس از ما اعراض کند و از ما روی بگرداند هلاک می‌شود، پس: هرکس حاجتی از خداوند متعال می‌خواهد بوسیله ما اهل بیت از خداوند متعال مسئلت نماید «اگر حاجتی از خداوند متعال داشتید به ما اهل بیت متوسّل شوید و از خداوند متعال مسئلت نمایید».

این حدیث شریف را بحرانی در غایة المرام، قاضی نورالله شوشتری در احقاق الحق، حموینی در فرائد السّمطین، عبدالله حنفی در ارجح المطالب و خطیب خوارزمی در مناقب نقل نموده‌اند.<sup>۱</sup>

---

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع اوّل، حضرت زهرا علیها سلام یکی از علل آفرینش، صفحه ۱۴۵ تا ۱۵۱.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل سوّم، صفحه ۵۳ و ۵۴، حدیث ۱.

## توضیح:

ملاحظه فرمودید که صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و دو پسر عزیزش «یعنی خمسه طیبه علیهم السلام» و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام علت و سبب آفرینش می باشند و خداوند متعال همه عالم را به خاطر این ذوات مقدسه خلق فرموده است و این موضوع در احادیث شریفی که نقل شد صریحاً بیان شده است، به نحوی که در حدیث اول خداوند متعال در رابطه با خمسه طیبه به حضرت آدم فرمود:

لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَلَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ، یعنی:

ای آدم:

اگر این پنج نفر نبودند، تو و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی کردم.

در حدیث دوم خداوند متعال در رابطه با خمسه طیبه و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام به آدم و حوا فرمود:

لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكُمَا، یعنی:

ای آدم:

اگر این پنج نفر و دیگر ائمه از نسل و ذریه این پنج نفر «یعنی چهارده معصوم علیهم السلام» نبودند شما دو نفر را خلق نمی کردم.

در حدیث سوم خداوند متعال در رابطه با خمسه طیبه یعنی در رابطه با حضرت فاطمه و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و دو پسر عزیزش به حضرت آدم فرمود:

اگر این پنج نفر نبودند،

نه بهشت را خلق می کردم و نه جهنم را،

نه عرش را خلق می کردم و نه کرسی را،

نه آسمان را خلق می‌کردم نه زمین را،  
 نه ملائکه را خلق می‌کردم و نه انسانها و اجنه را.  
 علامه امینی در صفحه ۱۴۵ کتاب خویش «فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها»  
 در رابطه با این موضوع که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها یکی از علل  
 آفرینش می‌باشد چنین می‌نویسد:

در این موضوع اخبار بسیاری از فریقین «شیعه و سنی» روایت شده است که  
 به موجب آنها ثابت می‌شود که صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها علت  
 و سبب آفرینش عالم بوده است، همانگونه که پدر بزرگوارش پیامبر اکرم و  
 شوهر گرانقدرش حضرت امیر و دو پسر عزیزش حسن و حسین علیهم السلام  
 علت خلقت بوده‌اند.

علامه امینی پس از نقل این حدیث «حدیث سوم که از وجود مبارک پیامبر  
 اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شد» در صفحه ۱۴۸ و ۱۴۹ کتاب خویش  
 می‌افزاید:

از این حدیث شریف می‌توان به شش مطلب و یا شش منقبت پی برد که  
 هر یک از این پنج وجود مقدّس در آن مناقب و فضائل به‌طور یکنواخت و  
 هم‌ردیف مشترک هستند، و این شش فضیلت و منقبت عبارتند از:

۱- خلقت این پنج وجود مقدّس قبل از خلقت حضرت آدم بوده، و در  
 برخی از روایات آمده که این پنج وجود مقدّس دو هزار سال قبل از خلقت  
 حضرت آدم خلق شده‌اند.

۲- این پنج وجود مقدّس علت و سبب آفرینش می‌باشند.

۳- اسامی این پنج وجود مقدّس از اسامی خداوند متعال مشتق شده است.

۴- جزا و کیفر دشمنی با این پنج وجود مقدّس ورود و دخول در جهنّم و  
 سوختن در آتش قهر الهی است.

۵- این پنج وجود مقدّس برگزیدگان خداوند متعال هستند، و نجات و هلاک هر انسانی وابسته به حُبّ و بُغْضی است که نسبت به آن ذوات مقدّسه دارد.

۶- هر انسانی هنگام حاجت خواستن از خداوند متعال باید آن ذوات مقدّسه را وسیله استجاب دعا قرار دهد و به آن بزرگواران متوسّل شود. علامه امینی سپس اضافه می کند که:

با توجّه به این شش مطلب که بیان شد، این پنج وجود مقدّس و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام برگزیدگان خداوند متعال و علّت غایی خلقت می باشند که خداوند متعال در ابتدای خلقت حضرت آدم به او نشان داد و به او فرمود:

این پنج نفر «و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام» علّت و سبب خلقت تو و اولاد تو می باشند و اگر حاجتی داری باید به در خانه این ها بروی، این ها برگزیدگان من هستند و خودم این ها را نامگذاری نموده ام. علامه امینی سپس نتیجه گیری می کند که:

این پنج وجود مقدّس یعنی خمسه طیّبه علیهم السّلام در شش منقبت مذکور هیچ فرقی با یکدیگر ندارند، و در این مورد هیچ تفاوتی میان پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین و حسنین علیهم السّلام با صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها وجود ندارد و هر پنج نفر در این مناقب هم رتبه و یکنواخت و هم درجه هستند، اگرچه از جهات و اعتبارات دیگر ممکن است قائل به فضیلت و برتری برخی از این ذوات مقدّسه بر دیگری باشیم، مثلاً پیامبر اکرم منصبی دارد که دیگر معصومین ندارند.

علامه امینی در صفحه ۱۵۰ کتاب خویش اضافه می کند که:

اگر در شأن این پنج وجود مقدّس غیر از این شش منقبت، منقبت دیگری

نبود هم‌ردیف بودن این پنج وجود مقدّس در این مناقب نشان می‌دهد که: هر یک از این پنج وجود مقدّس از همه پیامبران و از همه صدیقین از آدم تا خاتم، و خلاصه کلام از جمیع مخلوقات خداوند متعال افضل و برتر می‌باشند، زیرا اگر این ذوات مقدّسه خلق نمی‌شدند این عالم خلق نمی‌شد و این سفره خلقت گسترده‌تر نمی‌شد، یعنی:

هر بزرگی، هر شریفی، هر پیامبری، هر وصیی و هر عالمی که خلق شده در حقیقت کنار سفره رحمت آن ذوات مقدّسه نشسته و از وجودشان برخوردار گشته و نان‌خور و پرورش یافته و عائله رحمت و برکت این پنج وجود مقدّس بوده‌اند، و به همین جهت است که وجود مقدّس امام سجّاد علیه‌السلام در یکی از ادعیه شریفه‌اش ائمه معصومین علیهم‌السلام را اینگونه معرفی می‌فرماید:

نَحْنُ رَحْمَةٌ مِّنْ اسْتَرْحَمَكَ وَ غَوْثٌ مِّنْ اسْتَعَاثَ بِكَ، یعنی:

ما هستیم رحمتی که مردم از تو می‌طلبند، و ما هستیم غوث و پناه کسی که از تو پناه می‌جوید، لذا:

این ذوات مقدّسه در پیشامدها پناه مردم هستند و در طلب حوائج ملجأ همه انسان‌ها می‌باشند، و به همین جهت انبیاء الهی هنگام مشکلات و طلب حاجت به آن بزرگواران متوسّل شده‌اند و از آبرومندی آنان در نزد خداوند متعال حاجت‌روا گشته‌اند.

علامه امینی در پایان سخن خویش می‌گوید:

با توجّه به این‌که این پنج وجود مقدّس «خمس طیبه علیهم‌السلام» در شش منقبتی که ذکر شد هم‌درجه و هم‌ردیف می‌باشند، لذا صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها در این شش منقبت کوچک‌ترین فرقی با پدر بزرگوارش ندارد.<sup>۱</sup>

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها، تألیف علامه امینی، موضوع اوّل، ذیل عنوان: حضرت زهرا علیها سلام یکی از علل آفرینش، صفحه ۱۴۵ تا ۱۵۱.



**حدیث چهارم:**

حدیث شریف قدسی است که خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

یا اَحْمَدُ:

لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا، يَعْنِي:

ای احمد:

اگر تو نبودی، افلاک «جهان و جهانیان، آسمانها، کرات، مدار سیارات»

را خلق نمی کردم،

و اگر علی نبود تو را خلق نمی کردم،

و اگر فاطمه نبود شما دو نفر «تو و علی» را خلق نمی کردم.

این حدیث شریف قدسی را جابر بن عبدالله انصاری از وجود مبارک پیامبر

اکرم نقل نموده است.

جابر بن عبدالله انصاری پس از نقل این حدیث شریف قدسی عنوان نموده

که:

هَذَا مِنْ أَسْرَارِ النَّبِيِّ أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِكِتْمَانِهِ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ،

یعنی:

این حدیث شریف از اسراری است که وجود مبارک پیامبر اکرم ما را امر به

کتمان آن کرده، مگر برای اهلش.<sup>۱</sup>

ملاحظه فرمودید که در این حدیث شریف قدسی وجود مقدس صدیق کبری

فاطمه زهرا سلام الله علیها علت و سبب خلقت عالم معرفی شده است.

آیت الله محمدعلی گرامی در صفحات ۱۱ و ۱۲ کتاب خویش که در رابطه

۱. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل یازدهم، صفحه ۳۰۲ - ۳۰۳.

حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی، صفحه ۱۱ تا ۱۵.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل نهم، صفحه ۷۶ - ۷۷، حدیث ششم.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، صفحه ۱۵ و ۲۶ «مقدمه مؤلف» صفحه ۲۰۱.

فصل پانزدهم، ذیل عنوان: نامهای حضرت فاطمه علیها سلام.

با حدیث قدسی لَوْلَا فَاطِمَةُ نگاشته عنوان فرموده که:

تنها این حدیث شریف نیست که حضرت زهرا سلام الله علیها را غرض از خلقت عالم معرفی کرده است، احادیث دیگری هم داریم که دلالت بر این موضوع دارد.

همچنین در صفحه ۹۸ کتاب خویش عنوان فرموده که:

فقط ذیل روایت لَوْلَا فَاطِمَةُ نیست که حضرت زهرا سلام الله علیها را غایت آفرینش قرار داده است و در این رابطه روایات دیگری هم هست. آیت الله محمدعلی گرامی در صفحه ۱۲ کتاب خویش در رابطه با این که وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام هدف از خلقت و علت غایی آفرینش هستند عنوان نموده که:

روایات فراوانی درباره پیامبر اکرم و یا درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیهما السلام و یا درباره خمسه طیبه «حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام» و یا درباره پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده که این ذوات مقدسه هدف از خلقت و علت غایی خلقت می باشند، و این دسته روایات، متعدّد و مکرّر و مستفیض و بلکه متواتر می باشند.

توضیحاتی پیرامون قسمت اول این حدیث شریف از کتاب آیت الله گرامی: قسمت اول این حدیث شریف قدسی «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» درصدد بیان این مطلب است که وجود مبارک پیامبر اکرم هدف از خلقت می باشد و در واقع هدف بودن شخص پیامبر اکرم را می رساند.

این قسمت از حدیث شریف در بسیاری از کتب معتبر شیعه و سنی از قبیل بحار الانوار، الغدیر، مدینة المعاجز، فرائد السمّین، مناقب خطیب خوارزمی، مستدرک حاکم، شفاء القام، شرح مواهب، دلائل النبوه، معجم الصغیر، وفاء الوفاء، فرقان القرآن و بسیاری از کتب دیگر آمده است.

احادیث شریف دیگری نیز نقل شده که تعبیر «لَوْلَاکَ» و «لَوْلَا أَنْتَ» آمده که هدف از خلقت بودن پیامبر اکرم را بیان می‌فرماید. گاهی در این احادیث شریف تعبیر لَوْلَا أَنْتُمَا آمده که خطاب به پیامبر اکرم و حضرت امیر علیهما السلام می‌باشد و هدف از خلقت عالم بودن این دو بزرگوار را بیان می‌فرماید.

گاهی در این احادیث شریف تعبیر لَوْلَا أَنْتُمْ آمده که خطاب به خمسه طیبه و یا خطاب به چهارده معصوم علیهم السلام می‌باشد و این ذوات مقدسه را علّت و سبب آفرینش معرفی می‌فرماید.

گاهی در این احادیث شریف، مورد خطاب حضرت آدم ابوالبشر می‌باشد و تعبیر لَوْلَا هُوَ لَأَمَدَه که مقصود از هُوَ لَأَمَدَه، خمسه طیبه و یا چهارده معصوم علیهم السلام عنوان شده است.

از همه این احادیث نورانی و شریف یقین قطعی و مسلم حاصل می‌شود که وجود مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام غایت و هدف همه عالم می‌باشند، یعنی:

هدف از خلقت همه عالم وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام می‌باشند. در میان این احادیث شریف، دو یا سه روایت هم هست که در میان خود پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت نیز ترتیبی ذکر کرده است.

این دو سه روایت می‌فهماند که با خلقت پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین و حسنین علیهم السلام هنوز نور مطلق تحقق نیافته بود، لذا حضرت زهرا سلام الله علیها خلق شد، یعنی غایت خلقت همگی حضرت زهرا سلام الله علیها می‌باشد، یعنی:

پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین و حسنین علیهم السلام نیز قدم آخر نیستند و ماقبل آخر می‌باشند، و مقدمه آخرین می‌باشند که آن نیز وجود مقدس فاطمه

زهرا سلام الله عليها می باشد.

در میان روایات یک روایت هم به این ترتیب نقل شده که:

اگر پیامبر اکرم نبود عالم نبود،

اگر حضرت علی نبود، پیامبر اکرم نبود،

و اگر فاطمه زهرا سلام الله عليها نبود پیامبر اکرم و حضرت علی نبودند.<sup>۱</sup>

آیت الله نقوی در رابطه با این که وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام

علّت غایی خلقت هستند عنوان نموده که:

نور مقدّس محمّد و آل محمّد علیهم السّلام یک نور هستند که در چهارده

قالب در دنیای مادّه تجلّی نموده اند، و این ذوات مقدّسه قبل از تمام موجودات

خلق شده اند و علّت غایی خلقت سایر موجودات می باشند، و خداوند متعال

دنیا و آنچه را که از مخلوق در آن است به خاطر آن ذوات مقدّسه خلق نموده

و در این رابطه به پیامبر اکرم فرموده: لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ.<sup>۲</sup>

توضیحاتی پیرامون قسمت دوّم این حدیث شریف قدسی «لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا

خَلَقْتُكَ» از کتاب آیت الله گرامی:

مشخصه حضرت امیر علیه السّلام مسئله امامت و ولایت است، همچنانکه

مشخصه حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم مسئله رسالت و نبوت

۱. حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمّدعلی گرامی، صفحه ۱۱ تا ۱۵، ذیل عنوان: اشکال ادبی به متن حدیث شریف لَوْلَا فَاطِمَةُ و جواب آن.

صفحه ۳۰ تا ۳۳، ذیل عنوان: خلقت عالم به طفیل وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام.

صفحه ۹۸، ذیل عنوان: فاطمه علیها سلام غایت آفرینش.

صفحه ۱۰۳ تا ۱۰۸، ذیل عنوان: واسطه فیض بودن معصومین علیهم السّلام.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی.

صفحه ۲۰۱، ذیل عنوان: وَالسَّادَةِ الْوَلَاةِ.

صفحه ۴۳۵، ذیل عنوان: فَبَلِّغِ اللَّهَ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ.

صفحه ۵۶۰، ذیل عنوان: ذَكَرَكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَ أَسْمَائِكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ.

صفحه ۵۶۲، ذیل عنوان: فَمَا أَخْلَى أَسْمَائِكُمْ.

صفحه ۶۰۲، ذیل عنوان: فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ.

می‌باشد، لذا مفاد این قسمت از این حدیث شریف قدسی «لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ» این می‌شود که:

اگر امامت نبود نبوت پدید نمی‌آمد، و این مطلب هم دور از قاعده نیست، زیرا نبوت بیان قانون است، و قانون بدون اجرا فایده ندارد یا فایده اندکی دارد، لذا امامت از نبوت مهمتر است.

نگویید، پس حضرت علی علیه‌السلام از پیامبر اکرم مهمتر است، با این که خود حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: أَنَا عَبْدٌ مِنْ عَبِيدِ مُحَمَّدٍ «یعنی من یکی از بردگان حضرت محمد هستم»، بلکه می‌گوییم:

پیامبر اکرم دو منصب دارد، یکی نبوت و دیگری امامت، لذا: پیامبر اکرم هم پیامبر است و هم امام.

بنابراین:

منظور از قسمت دوم این حدیث شریف قدسی که خداوند متعال می‌فرماید: لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ «یعنی ای پیامبر: اگر علی نبود تو را خلق نمی‌کردم» این است که:

اگر امامت نبود نبوت انجام نمی‌شد.

خداوند متعال در مورد ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در آیه ۶۷ سوره مائده به پیامبر اکرم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، یعنی: ای پیامبر:

آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است «در رابطه با امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام» کاملاً به مردم برسان، و اگر آن را ابلاغ نکنی اساساً رسالت الهی را ابلاغ نکرده‌ای، و پس از ابلاغ امامت

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در آیه سوّم سوره مائده می فرماید:  
 الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا، یعنی:  
 امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خودم را بر شما تمام نمودم و اسلام  
 را به عنوان آیین جاودان شما پذیرفتم.

از این دو آیه شریفه به خوبی استفاده می شود که مقام امامت فوق نبوت  
 است و اگر امامت تحقق نیابد و بلکه اگر تداوم پیدا نکند رسالت هم تحقق  
 نیافته است.<sup>۱</sup>

توضیحاتی پیرامون قسمت سوّم این حدیث شریف قدسی «لَوْلَا فَاطِمَةُ  
 لَمَا خَلَقْتُكُمْ» از کتاب آیت الله گرامی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عبدالله بن مسعود فرمود:  
 خداوند متعال مرا آفرید و علی و حسن و حسین را از نور قدّس خویش  
 خلق فرمود، سپس نور مرا شکافت و آسمانها و زمین را از آن خلق نمود،  
 و نور علی را شکافت و از آن عرش و کرسی را آفرید،  
 و نور حسن را شکافت و از آن ملائکه را خلق نمود،  
 و نور حسین را شکافت و لوح و قلم را از آن آفرید،  
 و در آن حال همه جا تاریک بود و به همین جهت ملائکه ناله و فریاد  
 برآوردند که:

ای خدای ما و ای سرور ما:

به حقّ این اشباحی که خلق فرمودی تاریکی را از ما برطرف فرما.  
 خداوند متعال کلمه دیگری را خلق فرمود و از آن یک روح آفرید و نور  
 آن روح را در برگرفت و از آن فاطمه زهرا سلام الله علیها خلق شد، و سپس  
 خداوند متعال آن را در مقابل عرش قرار داد و در نتیجه شرق و غرب عالم

۱. حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی، صفحه ۳۷ تا ۳۹.  
 ذیل عنوان: معنای جمله دوّم حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ.

هستی روشن شد و بدین جهت آن حضرت زهرا نامیده شد. ملاحظه فرمودید که برطرف شدن ظلمت و تاریکی بالاخره با نور فاطمه زهرا سلام الله علیها صورت گرفت، و معلوم است که پایان کار، غایت و هدف می باشد،<sup>۱</sup>

همچنین:

تداوم امامت به وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها بستگی دارد، یعنی: وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها با عمر کوتاه خویش پس از رحلت پیامبر اکرم مهمترین رکن رسالت یعنی امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را حفظ نموده است،

ضمن این که آن حضرت به طور طبیعی مادر یازده امام پس از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بوده و از این راه امامت را حفاظت کرده است، لذا:

اگر حضرت زهرا سلام الله علیها نبود امامت تداوم نداشت،  
و اگر امامت تداوم پیدا نمی کرد رسالت ابتر و ناقص می ماند،  
و اگر رسالت نبود خلقت معنا پیدا نمی کرد،

و به همین جهت است که طبق این حدیث شریف قدسی:

اگر حضرت فاطمه نبود علی یعنی امامت نبود،

و اگر علی یعنی امامت نبود پیامبر اکرم یعنی رسالت نبود.<sup>۲</sup>

قابل ذکر است که در کتاب *جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ* آیت الله میرجهانی نیز حدیثی با همین مضمون از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل شده و راوی حدیث انس بن

۱. حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی، صفحه ۹۴ تا ۹۶.

ذیل عنوان: شأن فاطمه علیها سلام از نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

۲. حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی، صفحه ۳۷ تا ۳۹، ذیل عنوان: معنای جمله دوم حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ.

صفحه ۱۱۱، ذیل عنوان: تداوم امامت به وجود حضرت فاطمه علیها سلام.

مالک می باشد.<sup>۱</sup>

آیت الله سعادت پرور در صفحه ۷۶ تا ۷۹ کتاب جلوه نور درباره این حدیث شریف قدسی «یا اَحْمَدُ، لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا» می گوید:

آنچه اجمالاً در رابطه با حلّ مشکل فهم این حدیث شریف قدسی می توان بیان کرد این است که:

مسئلاً منظور این حدیث شریف قدسی یک نحوه شرافت و افضلیت حضرت علی علیه السلام بر پیامبر اکرم، و یا شرافت و افضلیت فاطمه زهرا سلام الله علیها بر آن دو بزرگوار نیست، گرچه از ظاهر حدیث چنین فهمیده شود، بلکه:

به طور احتمال می توان گفت که این حدیث شریف قدسی در صدد بیان این مطلب است که این سه بزرگوار غرض غایی خلقت عالم و مظهر تمام تجلی حضرت حق بوده اند، و به عبارت دیگر:

قسمت اول این حدیث شریف «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» شامل همه موجودات و مخلوقات اعم از ملائکه و جن و انس و انبیاء و اولیاء از جمله حضرت علی و حضرت زهرا علیهما السلام می شود،

قسمت دوم این حدیث شریف «لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ» نیز شامل همه موجودات و مخلوقات حتی پیامبر اکرم می شود،

و قسمت سوم این حدیث شریف «لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا» نیز شامل همه موجودات و مخلوقات حتی پیامبر اکرم و حضرت علی علیهما السلام می شود، و در واقع این حدیث شریف می خواهد بفرماید:

شما سه نفر غرض از خلقت همه موجودات و مخلوقات می باشید، و هر

۱. جنة العاصم، صفحه ۴۴، فصل اول، حدیث هشتم و صفحه ۱۶۸ خبیصه چهاردهم.



کدام از شما سه نفر غرض برای خلقت دو نفر دیگر هستید، و اگر به احادیث دیگر مرتبط با این حدیث شریف توجه نمایم پی می‌بریم که خداوند متعال عالم را برای انوار مقدسه چهارده معصوم علیهم‌السلام آفریده است.<sup>۱</sup>

آیت الله میرجهانی در صفحه ۷ و صفحه ۳۰۳ تا ۳۰۸ «فصل یازدهم» کتاب جَنَّة العاصمه درباره این حدیث شریف قدسی می‌گوید:

روح مطهر فاطمی سلام‌الله‌علیها امّاینها است و اصل و ریشه موجودیت پدر خود است، چرا که در مقام ملکوتی، آن روح مطهر ظرف تعین و تحقق نور بلا تعین محمدی و علوی سلام‌الله‌علیها می‌باشد که تعین و تحقق مظلوف به ظرف آن است، و این است معنایی از معانی حدیث شریف قدسی که خداوند متعال می‌فرماید:

يَا أَحْمَدُ:

لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ،

وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ،

وَلَوْلَا فَاطِمَةٌ لَمَا خَلَقْتُكُمَا، یعنی:

اگر چنین ظرفی نبود برای تعین آن مظلوف مجالی نبود،

پس به این ترتیب این حدیث شریف دلیل بر افضلیت وجود مبارک فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها بر دو نفس نفیس محمدی و علوی سلام‌الله‌علیها نیست، اما غیر از این دو بزرگوار بر تمام انبیاء و رسل افضلیت دارد، یعنی سومین شخصیت عالم خلقت است.

آیت‌الله میرجهانی در صفحه ۳۰۳ کتاب جَنَّة العاصمه درباره این حدیث شریف قدسی می‌گوید:

آنچه در اینجا بحث در اطراف آن مقتضی است مفهوم این حدیث شریف

۱. جلوه نور، تألیف آیت‌الله علی سعادت پرور، فصل نهم، صفحه ۷۶ تا ۷۹، حدیث ششم و توضیحات ذیل حدیث شریف، ذیل عنوان: عظمت فاطمه زهرا علیهاسلام نزد پروردگار.

قدسی است، به خصوص قسمت دوّم و سوّم این حدیث شریف «لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ وَ لَوْلَا فَاطِمَةٌ لَمَا خَلَقْتُكُمَا» که بیشتر مغزها تحمل آن را ندارند، حال آنکه این هرسه اعضای اصلی هستند، و فاطمه زهرا سلام الله علیها مجمع البحرین دریای نبوّت و دریای علم، و مجمع النورین نور نبوّت و امامت است،

و ذوات مقدّسه محمّد و علی و فاطمه زهرا سلام الله علیهم اجمعین هر سه قائم به یکدیگرند که اگر هر کدام از آنها نبود دو نفر دیگر نیز نبود.<sup>۱</sup>  
آیت الله احمد رحمانی همدانی در صفحه ۲۲ تا ۲۶ و صفحه ۱۵۸ و ۲۰۱ کتاب فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم درباره این حدیث شریف قدسی می گوید:

این حدیث شریف در مقام بیان افضلیّت و برتری حضرت زهرا سلام الله علیها بر پدر بزرگوارش و بر شوهر گرانقدرش نمی باشد، گرچه در یک نظر سطحی و ابتدایی چنین پنداری را بوجود می آورد.

این حدیث شریف گویای استمرار شریعت خاتم الانبیاء به وجود مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها می باشد.

این حدیث شریف قدسی در راستای مضمون آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده است که خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، یعنی: اگر در ابلاغ امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اهمال می شد در حقیقت در ابلاغ تمامی احکام اهمال شده بود، و دین مانند جسم بی جانی می شد که اگر روح در آن نباشد حس و حرکت و زندگی از بین

۱. جنة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی.

صفحه ۷، مقدّمه کتاب جنة العاصمه.

صفحه ۳۰۳ تا ۳۰۸، فصل یازدهم، ذیل عنوان: در بیان افضلیّت حضرت زهرا علیها سلام از تمام انبیاء غیر از پدر بزرگوارش.

می رود، و این آیه شریفه کاشف از این است که خداوند متعال رسولش را به حکمی دستور داده که تمامیت امر دینش وابسته به آن است، بنابراین:

همانگونه که این آیه شریفه «آیه ۶۷ سوره مائده» در مقام برتری کسی بر کسی نیست، بلکه ارتباط و وابستگی امامت و ولایت را به نبوت می رساند، که اگر امامت و ولایت نبود اسم و اثری از نبوت باقی نمی ماند، این حدیث شریف نیز در مقام بیان افضلیت کسی بر کس دیگر نیست، بلکه می خواهد این را بفهماند که اگر فاطمه زهرا سلام الله علیها وجود نداشت ارکان رسالت و امامت ویران و منهدم می شد و نامی از آنها باقی نمی ماند. به عبارت دیگر:

اگر فاطمه زهرا سلام الله علیها وجود نداشت امامت و ولایت استمرار پیدا نمی کرد، زیرا آن حضرت ظرف امامت و درخت نبوت و ولایت است، و اگر آن حضرت نبود درخت نبوت و امامت بدون میوه می ماند، و از این جهت است که خداوند متعال در این حدیث شریف قدسی فرمود:

لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ، یعنی:

اگر فاطمه نبود شما دو نفر را «پیامبر اکرم و حضرت امیر علیهما السلام» خلق نمی کردم.

خلاصه کلام این که:

۱- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نخستین مخلوق و اشرف مخلوقات است و افلاک به خاطر وجود آن حضرت خلق شده اند، از این رو خداوند متعال فرمود:

يَا أَحْمَدُ:

لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ.

۲- اگر امامت و ولایت نبود نبوت مفید نبود و بلکه بیهوده و بی فایده بود، و چون خداوند متعال برتر از آن است که عمل بیهوده و عبث انجام دهد لذا به پیامبر اکرم دستور فرمود تا امر امامت و ولایت را به مردم ابلاغ نماید، و چون اصل ولایت، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد از این رو خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ.

۳- اگر فاطمه زهرا سلام الله علیها وجود نداشت امامت و ولایت استمرار پیدا نمی کرد، زیرا آن حضرت ظرف امامت و درخت نبوت و ولایت است، و اگر آن حضرت نبود درخت نبوت و امامت خشک می شد و از بین می رفت و ارکان رسالت و امامت ویران و منهدم می شد و اثری از آنها باقی نمی ماند، و از این رو خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

لَوْلَا فَاطِمَةٌ لَمَا خَلَقْتُكُمْ، یعنی:

اگر فاطمه نبود تو و علی را خلق نمی کردم.<sup>۱</sup>

### حدیث پنجم:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

وقتی که پدرم پیامبر اکرم و شوهرم علی بن ابیطالب و دو فرزندم حسن و حسین و خودم زیر عبا قرار گرفتیم، وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طرفین عبا را گرفته و دست راست خود را به طرف آسمان بلند کرد و به خداوند متعال عرضه داشت:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي وَ حَامَّتِي،

۱. فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله احمد رحمانی همدانی.

صفحه ۲۲ تا ۲۶، مقدمه مؤلف.

صفحه ۱۵۸، فصل یازدهم، ذیل عنوان: کرامت و منزلت فاطمه زهرا علیها سلام نزد پیامبر اکرم.

صفحه ۲۰۱، فصل پانزدهم، ذیل عنوان: نامهای فاطمه زهرا سلام الله علیها.

لَحْمُهُمْ لَحْمِي وَ دَمُهُمْ دَمِي،  
يُؤَلِّمْنِي مَا يُؤَلِّمُهُمْ وَ يَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ،  
أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ،  
وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ،  
أَنْتَهُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ،  
فَأَجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ غُفْرَانِكَ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِمْ،  
وَ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:  
پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض کرد:

این‌ها که زیر عبا هستند «علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام» اهل  
بیت من و خاصان من و یاوران من هستند،  
گوشت آن‌ها گوشت من و خون آن‌ها خون من است،  
هرچه آن‌ها را بیازارد مرا آزرده است و هرچه موجب رنجش آن‌ها شود  
موجب رنجش من هم خواهد بود «هرچه آن‌ها را محزون و غمناک کند مرا  
هم محزون و غمناک می‌کند»،  
هرکس با آن‌ها بجنگد با من جنگیده است و هرکس با آن‌ها در صلح و صفا  
باشد با من در صلح و صفا است،  
هرکس با آن‌ها دشمنی ورزد با من دشمنی ورزیده و هرکس آن‌ها را دوست  
بدارد مرا دوست داشته است،  
من از آن‌ها هستم و آن‌ها از من هستند.  
خداوندا:

سلام و درود و برکات و رحمت و آمرزش خود را بر من و بر آن‌ها قرار بده،  
و هرگونه رجس و پلیدی و گناه را از آن‌ها دور کن و آن‌ها را پاک و مطهر  
گردان، پاک کامل.

پس از این درخواست و دعا و تقاضای پیامبر اکرم بود که خداوند متعال ملائکه و اهل آسمان را مورد خطاب قرار داده و فرمود:

یا ملائکتی و یا سُکَانَ سَمَاوَاتِی،  
 اِنِّی مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِیَّةً وَ لَا اَرْضاً مَدْحِیَّةً وَ لَا قَمَراً مُنِیراً  
 وَ لَا شَمْساً مُضِیَّةً وَ لَا فَلَکاً یَدُورُ وَ لَا بَحْراً یَجْرِی،  
 اِلَّا فِی مَحَبَّةٍ هُوَ لِاِیَّهِ الْخَمْسَةَ الَّذِیْنَ هُمْ تَحْتَ الْکِیْسَاءِ.  
 فَقَالَ الْاَمِیْنُ جَبْرَائِیلُ:

یا رَبِّ:

وَ مَنْ تَحْتَ الْکِیْسَاءِ؟

فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ:

هُمُ اَهْلُ بَیْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ،

هُمُ فَاطِمَةُ وَ اَبُوها وَ بَعْلُها وَ بَنُوها، یعنی:

ای ملائکه من و ای اهل آسمان های من:

من آسمان را برنیفراشتم و زمین را نگسترانیدم و ماه را روشن قرار ندادم و خورشید را درخشان نکردم، مگر به خاطر دوستی و محبت این پنج نفر که در زیر عبا هستند.

جبرئیل به خداوند متعال عرض کرد:

ای پروردگار من:

چه کسانی زیر عبا هستند؟

خداوند عزوجل فرمود:

آن ها اهل بیت نبوت و معدن رسالت هستند، آن ها:

فاطمه است و پدر فاطمه،

فاطمه است و شوهر فاطمه،

فاطمه است و دو فرزند فاطمه.

جبرئیل به خداوند متعال عرض کرد:

ای پروردگار من:

آیا به من اجازه می فرمایی که به زمین بروم و نفر ششم این پنج نفر باشم.

خداوند متعال به جبرئیل فرمود:

به تو اجازه دادم.

جبرئیل پس از کسب اجازه از خداوند متعال به زمین فرود آمد و به محضر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

جبرئیل پس از عرض سلام به پیامبر اکرم به آن حضرت عرض کرد:

خداوند علیّ اعلیّ به تو سلام می رساند و می فرماید:

وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي:

اِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَ لَا اَرْضاً مَدْحِيَّةً وَ لَا قَمَراً مُنِيراً وَ لَا شَمْساً مُضِيَّةً وَ لَا

فَلَكَاً يَدُورُ وَ لَا بَحْراً يَجْرِي،

اِلَّا لِاجْلِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ، یعنی:

من خلق نکردم آسمان بنا شده را،

و خلق نکردم زمین کشیده شده را،

و خلق نکردم ماه روشنی دهنده را،

و خلق نکردم خورشید درخشنده را،

و خلق نکردم فلک دور زننده را،

و خلق نکردم دریای روان را:

مگر به خاطر شما و دوستی و محبت شما پنج نفر «من آسمان برافراشته و

زمین گسترده و ماه نور افشان و خورشید درخشان و فلک گردان و آب جاری

را خلق نکردم، مگر به خاطر شما و دوستی و محبت شما پنج نفر»<sup>۱</sup>.  
 حدیث شریف کساء طولانی‌تر از این است که ملاحظه فرمودید، فقط  
 قسمتی از حدیث شریف که مرتبط با بحث بود نقل شد «این که خمسه طیبه  
 علیهم السلام علت غایی خلقت عالم هستند».

ملاحظه فرمودید که طبق این حدیث شریف قدسی وجود مقدس صدیقه  
 کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و دو  
 پسر عزیزش علت غایی خلقت عالم هستند و خداوند متعال خطاب به همه  
 ملائکه و اهل آسمان‌ها فرمود:

من آسمان و زمین و خورشید و ماه و فلک گردان را خلق نکردم مگر  
 به خاطر این پنج نفر که در زیر عبا هستند، و هنگامی که جبرئیل از خداوند  
 متعال سؤال کرد که چه کسانی زیر عبا هستند که جهان خلقت را به خاطر آن‌ها  
 خلق فرموده‌ای، خداوند متعال در پاسخ به سؤال جبرئیل، حضرت فاطمه زهرا  
 سلام الله علیها را محور قرار داده و این پنج وجود مقدس را اینگونه معرفی  
 می‌فرماید که:

این پنج نفر که من عالم را به خاطر آن‌ها خلق نموده‌ام عبارتند از:

فاطمه و پدر فاطمه،

فاطمه و شوهر فاطمه،

و فاطمه و دو فرزند فاطمه.

ملاحظه می‌فرمایید که در این حدیث شریف قدسی وجود مقدس فاطمه  
 زهرا سلام الله علیها محور قرار گرفته و همه ضمایر به آن حضرت بازمی‌گردند،

۱. زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمد کاظم قزوینی، صفحه ۶۱ تا ۶۳، ذیل عنوان: حدیث کساء.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۲۳۴، ذیل عنوان: سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله احمد رحمانی همدانی، صفحه ۳۷۶ تا ۳۸۰، فصل نوزدهم،

حدیث ۵۶، ذیل عنوان: حدیث کساء.

خصائص فاطمیة، تألیف آیت الله محمد باقر کجوری مازندرانی صفحه ۷۴۰، ذیل عنوان: خُصِصَ چهل و دوّم.



و این رجوع ضمائر به حضرت زهرا سلام الله علیها خود مزید شرف است بر شرف.<sup>۱</sup>

ذیل اولین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها که در باب عصمت آن حضرت می باشد مطالبی به عرض رسیده و در رابطه با محوریت آن علیا مخدّره در حدیث شریف کساء توضیحاتی ارائه شده است.

در شرح زیارت جامعه کبیره آیت الله نقوی «صفحه ۵۳۲» و در کتاب آیت الله گرامی «حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ - صفحه ۱۰۴ تا ۱۰۸» آمده است که:

وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذرّیه اش «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» علّت غایی خلقت و آفرینش می باشند و خداوند متعال همه عالم را به خاطر آن ذوات مقدّسه خلق فرموده است، ضمن این که آن بزرگواران علّت دوام و بقاء خلقت نیز می باشند، زیرا:

بقاء عالم هستی و بقاء زمین به وجود حجّت است، و به همین جهت است که آخرین انسانی که از دنیا می رود حجّت خدا است، و به عبارت دیگر، انقراض عالم وجود مساوی است با انقراض حجّت.<sup>۲</sup>

همانطور که در حدیث دوّم ملاحظه فرمودید وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام حجّت خداوند متعال بر مخلوقات هستند و علّت دوام و بقاء خلقت نیز این حجج الهی می باشند، یعنی:

در هر زمان وجود یکی از این بزرگواران باعث دوام و بقاء خلقت می باشد

۱. حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی، صفحه ۹۶ تا ۹۹، ذیل عنوان محوریت فاطمه علیها سلام در حدیث کساء.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله محمدباقر کجوری مازندرانی، صفحه ۷۴۰ «خصیصه ۴۲».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۵۳۲، ذیل عنوان: بِكُمْ فَتَحَ اللهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ. حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی، صفحه ۱۰۴ تا ۱۰۸، ذیل عنوان: واسطه فیض بودن معصومین علیهم السّلام.

که ذیلاً و به اختصار به آن اشاره خواهد شد.

خداوند متعال در آیه ۴۱ سوره فاطر می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا، یعنی:

به درستی که «محققاً» خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را نگه می‌دارد تا از نظام خود منحرف نشوند «خداوند متعال مانع می‌شود تا آسمان‌ها و زمین نابود شوند»،

و چنانچه آسمان‌ها و زمین از نظام خود منحرف شوند و رو به زوال و نابودی بگذارند چه کسی جز خداوند متعال می‌تواند آن‌ها را نگه دارد و مانع نابودی آن‌ها شود،

به درستی که خداوند متعال بردبار و آمرزنده است.<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات

امساک = جلوگیری کردن، حفظ کردن، در این آیه شریفه امساک کنایه از باقی نگه‌داشتن است «نگهداری کردن».

زوال = نابود شدن، نابودی، از بین رفتن.

حلیم = بردبار.

غفور = آمرزنده.<sup>۲</sup>

خداوند متعال در دو آیه قبل راجع به این‌که خلقت موجودات مختص خداوند متعال می‌باشد مطالبی بیان فرموده و در واقع موضوع توحید خالقیت و ربوبیت را بیان نموده است، یعنی این‌که خلقت همه مخلوقات و موجودات

۱. تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۰۰ «ذیل آیه ۴۱ سوره فاطر».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۲۲ «ذیل آیه ۴۱ فاطر».

۲. میزان، جلد سی و سوم، صفحه ۸۹.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۲۲.

مختصّ خداوند متعال است و جز خداوند متعال هیچ کس قادر به چنین کاری نیست و هیچ کس نمی تواند خلقت مخلوقات را به غیر خدا نسبت دهد. این دو آیه شریفه پاسخی است به مشرکین و بُت پرستان «که به خدایانی غیر از خداوند متعال معتقد بودند»، و بدینوسیله شرک و بُت پرستی را نفی نموده و همگان را به توحید و پرستش خدای یگانه دعوت می کند.

بنابراین:

آیه ۳۹ و ۴۰ سوره فاطر مبین این مطلب است که ربّ و آفریدگار و خالق انسانها و آسمانها و زمین «یعنی همه مخلوقات» خداوند متعال و معبود یگانه است، یعنی الله.

خداوند متعال پس از نفی دخالت معبودهای ساختگی «بُت ها» در جهان هستی و جهان آفرینش، در این آیه شریفه «آیه ۴۱ سوره فاطر» از بزرگی و عظمت قدرت خویش و وسعت ملکش سخن گفته و حاکمیت خویش بر آسمانها و زمین را بیان نموده و فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا = به درستی که خداوند متعال آسمانها و زمین را نگه می دارد و حفظ می کند تا از مسیر خویش منحرف نشوند و زائل نگردند.

به عبارت دیگر:

خداوند متعال آسمانها و زمین را نگه می دارد و آنها را حفظ می کند و مانع می شود که نظام آنها به هم بخورد، و مانع می شود که آنها از مسیر خودشان خارج شده و نابود شوند.

در واقع آیه شریفه می فرماید:

نه تنها آفرینش و خلقت آسمانها و زمین «همه مخلوقات» فقط و فقط به دست خداوند متعال است، بلکه بقاء آنها نیز فقط و فقط در دست خداوند

متعال می باشد، بنابراین:

همه مخلوقات هم در پدید آمدن محتاج خالق و پدیدآورنده هستند و هم در بقاء خویش، لذا:

فقط و فقط خداوند متعال است که همه مخلوقات را خلق فرموده، و فقط و فقط خداوند متعال است که آن‌ها را حفظ و نگهداری می کند و مانع زوال و نابودی آن‌ها می شود.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می فرماید:

وَلَيْسَ زَالَتَا اِنْ اَمْسَكْتَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ = اگر آسمان‌ها و زمین از محل و مسیر حرکت خویش خارج شوند و از نظام خودشان منحرف گردند «نظامی که طبق آن به طور منظم حرکت می کنند» هیچ کس غیر از خداوند متعال نمی تواند آن‌ها را نگهداری کند و هیچ کس جز خدا نمی تواند مانع نابودی آن‌ها شود، لذا:

منظور از لَيْسَ زَالَتَا این است که اگر آسمان‌ها و زمین در معرض سقوط و نابودی قرار بگیرند و در آستانه زوال و نابودی باشند، خدایان مشرکین «یعنی بُت‌ها» و سایر موجودات قادر به نگهداری آسمان‌ها و زمین نخواهند بود و نمی توانند مانع زوال و نابودی آن‌ها شوند، بلکه این فقط و فقط خداوند متعال است که آسمان‌ها و زمین و همه مخلوقات را خلق فرموده،

و فقط و فقط این خداوند متعال است که مانع زوال و نابودی آن‌ها می شود.<sup>۱</sup> انشاء الله تعالی در بخش حدیث به عرض خواهد رسید که خداوند متعال به خاطر حجج خویش یعنی به خاطر وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام مانع زوال و نابودی آسمان‌ها و زمین می شود، همانطور که به خاطر آن ذوات مقدسه آسمان‌ها و زمین را خلق فرموده است.

۱. تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۰۵ تا ۳۰۷.  
المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۸۴ - ۸۸ - ۸۹.

### حدیث اول:

وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ خَلْفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ وَ أَمْنَاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ،

نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى،

نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ وَ أَعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ،

بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا،

بِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يُنْشِرُ الرَّحْمَةَ،

لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ مِمَّنَا ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ، یعنی:

ما حجت های خداوند متعال در بین مخلوقات الهی هستیم،

ما خلفاء و جانشینان خداوند متعال در میان بندگان خدا هستیم،

ما امینان خداوند متعال بر اسرار خدا هستیم،

ما کلمه تقوا هستیم،

ما عروة الوثقی هستیم،

ما گواهان خداوند متعال و نشانه های خداوند متعال در میان مخلوقات خدا

هستیم،

خداوند متعال به خاطر ما آسمان ها و زمین را از زوال و نابودی نگه می دارد،

به خاطر ما باران می بارد و به خاطر ما رحمت الهی منتشر می گردد،

زمین هرگز از ما خالی نیست که یا آشکار است یا نهان «یا مثل امام زمان

علیه السلام در پرده غیبت است، و یا مثل سیزده معصوم دیگر که همه مردم

توفیق زیارت آن ذوات مقدسه را داشتند».

این حدیث را ابراهیم بن ابی محمود از امام رضا علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۲۳ «ذیل آیه ۴۱ سوره فاطر».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۰۳، حدیث ۱۱۴ «حدیث ۹۳۰۹» «ذیل آیه ۴۱ سوره فاطر».

کمال الدین و تمام النعمه صدوق، جلد اول، باب ۲۱، صفحه ۳۸۶، حدیث ۶.

### حدیث دؤم:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام از وجود مقدس امام باقر علیه السلام و آن حضرت از وجود مقدس امام سجّاد علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

نَحْنُ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ،  
 نَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ،  
 نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ الْإِبَادِنَةَ،  
 بِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا،  
 بِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ،  
 لَوْلَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا،  
 لَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ،  
 یعنی:

وجود مقدس امام سجّاد علیه السلام فرمودند:

ما امامان مسلمین هستیم «ما ائمه مسلمانان هستیم»،  
 ما حجّت های خداوند متعال بر جهانیان هستیم «ما حجّت خداوند متعال به همه عالم هستیم»،

ما سیّد و آقا و مولای مؤمنین هستیم،  
 ما امان اهل زمین هستیم «تا ما هستیم مردم و اهل زمین در امان هستند و زمین آن ها را فرو نخواهد برد»،

ما کسانی هستیم که خداوند متعال به خاطر ما آسمان را نگه داشته و مانع زوال و نابودی آن می شود «به خاطر ما خداوند متعال مانع می شود که آسمان و زمین نابود بشوند و از بین بروند»،

به خاطر ما خداوند متعال مانع می شود که زمین اهلش را بلرزاند و آن ها را

در خودش فرو ببرد،

به خاطر ما خداوند متعال باران را می فرستد،

به خاطر ما خداوند متعال رحمت خویش را منتشر می کند،

ما اگر در روی زمین نباشیم زمین اهلش را فرو می برد،

از روزی که خداوند متعال حضرت آدم را خلق فرموده زمین هیچگاه خالی

از حجت نبوده است،

این حجت خدا یا ظاهر و مشهود است «همه مردم او را می بینند»،

و یا غائب و مستور و پنهان «در پرده غیبت است و همه مردم توفیق زیارت

او را ندارند»،

و تا روز قیامت زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود.

این حدیث را سلیمان بن مهران اعمش از امام صادق علیه السلام نقل نموده

است.<sup>۱</sup>

### حدیث سوّم:

در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی

علیه السلام صادر شده هنگام زیارت هرکدام از ذوات مقدّسه معصومین

علیهم السلام ابتدا به آن بزرگواران عرض ادب و ارادت نموده و اینگونه سلام

می دهیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، يَعْنِي:

سلام بر شما ای اهل بیت گرانقدر نبوت «منظور از اهل بیت پیامبر اکرم

صلی الله علیه وآله وسلم وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

و فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه آن دو بزرگوار

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۰۵، حدیث ۱۲۰ «حدیث ۹۳۱۵» «ذیل آیه ۴۱ سوره فاطر».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۱۱۹، حدیث ۲۱۱ «حدیث ۷۴۶۱» «ذیل آیه ۶۵ سوره حج».

کمال الدین و تمام النعمه، جلد اول، باب ۲۱، صفحه ۳۹۳، حدیث ۲۲.

می باشند که ذیل فضیلت اول حضرت زهرا سلام الله علیها که در رابطه با مقام عصمت آن علیا منقدره بود توضیحات کامل و جامعی ارائه شده است که مقصود از اهل البیت در آیه ۳۳ سوره احزاب که خداوند متعال به آنها مقام عصمت اعطا فرموده خمسه طیبه «محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام» و نه امام از نسل و ذریه امام حسین علیه السلام می باشند.

در قسمتی از این زیارت نورانی و شریف به محضر مقدس اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم عرض می کنیم:

بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ،

وَ بِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ، یعنی:

خداوند متعال به خاطر شما «چهارده معصوم علیهم السلام» باران را نازل می فرماید،

و به خاطر شما مانع افتادن آسمان به زمین می شود «خداوند متعال به خاطر شما مانع انهدام و نابودی و زوال آسمان و زمین می شود».

در شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی «صفحه ۵۳۲» و در کتاب لَوْ لَا فَاطِمَةُ تألیف آیت الله گرامی «صفحه ۱۰۷» آمده است که: این فرمایش نورانی امام هادی علیه السلام «بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ، وَ بِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ» مبین این مطلب است که:

ثبات و بقای آسمان، یعنی کرات و کهکشانها، همچنین نزول برکات الهی به وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام بسته است، و خداوند متعال به خاطر آن ذوات مقدسه مانع انهدام کهکشانها و کرات می شود، و به خاطر آن بزرگواران رحمت و برکات خویش را بر مخلوقاتش نازل می فرماید.<sup>۱</sup>

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۵۳۲ تا ۵۳۴، ذیل عنوان: بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءَ.

حدیث لَوْ لَا فَاطِمَةَ، تألیف آیت الله گرامی، صفحه ۱۰۴ تا ۱۰۸، ذیل عنوان: واسطه فیض بودن معصومین علیهم السلام.



در قسمت دیگری از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره آمده که:

بِكُمْ فَتَحَ اللهُ وَ بِكُمْ يَخْتَمُ.

در شرح زیارت جامعه کبیره آیت الله نقوی ذیل این قسمت از زیارت

شریف «صفحه ۵۲۳ تا ۵۳۴» آمده که:

خداوند متعال به خاطر شما چهارده معصوم علیهم السّلام ابتدا نمود خلقت

را و به شما هم ختم خواهد شد، یعنی:

عالم ایجاد به نور شما ابتدا شد و ختم آن نیز به وجود شما است.

در حدیث است که وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ نُورِي، یعنی:

اولین چیزی را که خداوند متعال خلق فرمود نور من بود.

در حدیث دیگری آمده که وجود مقدّس پیامبر اکرم فرمودند:

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ رُوحِي، یعنی:

اولین چیزی که خداوند متعال خلق فرمود روح من بود، لذا:

وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و

شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش «یعنی وجود مقدّس

چهارده معصوم علیهم السّلام»:

۱- علّت غایی خلقت هستند، یعنی:

خداوند متعال عالم خلقت را به خاطر آن ذوات مقدّسه خلق فرموده است.

۲- علّت بقاء و دوام آسمانها و زمین و سایر مخلوقات می باشند، یعنی:

خداوند متعال به خاطر آن ذوات مقدّسه مانع انهدام و زوال و نابودی آسمانها

و زمین می شود.

۳- علّت نزول نعمات و برکات الهی هستند، یعنی:

آن ذوات مقدّسه واسطه فیض الهی هستند و خداوند متعال به خاطر آن

بزرگواران باران و انواع نعمات و برکات خویش را بر مخلوقات نازل می فرماید، و در واقع در هر عصر و زمان وجود حجت خداوند متعال عامل بقاء و دوام آسمانها و زمین است و باعث نزول برکات حق تعالی می باشد، و به همین لحاظ است که عنوان شده:

يُؤْتِيهِ رِزْقَ الْوَرَىٰ وَ بِوُجُوْدِهِ ثَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.

۴- اولین مخلوق خداوند متعال نور پاک این ذوات مقدسه بود.

۵- آخرین انسانی هم که از دنیا می رود یکی از این ذوات مقدسه است، یعنی:

حجت خداوند متعال همواره باید باشد تا آسمان و زمین زوال پیدا نکنند و مخلوقات از بین نروند،

و به همین جهت است که در حدیث آمده:

الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ، یعنی:

حجت خداوند متعال قبل از همه مخلوقات خلق شده، و همواره همراه مخلوقات بوده،

و بعد از همه مخلوقات خواهد بود، زیرا:

دنیا هیچگاه نباید خالی از حجت خدا باشد، لذا:

اولین مخلوق خداوند متعال انوار چهارده معصوم علیهم السلام می باشند، و این است معنی بِكُمْ فَتَحَ اللهُ دَرِ زِيَارَتِ نُورَانِي جَامِعِهِ كَبِيرِهِ، و آخرین انسانی هم که از دنیا می رود یکی از این ذوات مقدسه است تا مخلوق خدا لحظه ای بدون حجت نباشد و به همین جهت بعد از حجت خدا مخلوقی نخواهد بود، و به عبارت دیگر:

انقراض عالم وجود مساوی است با انقراض حجت،

و این است معنی بِكُمْ يَخْتِمُ دَرِ زِيَارَتِ نُورَانِي جَامِعِهِ كَبِيرِهِ، یعنی:

خداوند متعال عالم هستی را به مرگ یکی از شما چهارده معصوم علیهم السلام  
 که حُجَّت خداوند متعال بر مخلوقات می باشید خاتمه می دهد،  
 همچنان که عالم هستی را به خاطر وجود شما خلق و ایجاد فرمود.<sup>۱</sup>

---

۱. شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۵۲۵ تا ۵۳۴. ذیل عنوان: بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ  
 وَ بِكُمْ يَخْتُمُ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ.  
 حدیث لَوْ لَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله گرامی، صفحه ۱۰۴ تا ۱۰۸، ذیل عنوان: واسطه فیض بودن معصومین علیهم السلام.  
 اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۵۰، حدیث ۴ «حدیث ۴۴۱».



## فضیلت چهارم

انبیاء الهی هنگام گرفتاری به وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السلام از ذریّه و نسل آن حضرت توسّل پیدا می نمودند و خداوند متعال را به آن ذوات مقدّسه سوگند می دادند و خداوند متعال نیز به احترام آن ذوات مقدّسه گرفتاری آنها را برطرف می کرد و حوائج آنها را برآورده می نمود «به شرح ذیل»

۱. توسّل پیدا کردن حضرت آدم
۲. توسّل پیدا کردن حضرت ابراهیم
۳. توسّل پیدا کردن حضرت موسی بن عمران
۴. توسّل پیدا کردن حضرت نوح
۵. توسّل پیدا کردن حضرت یوسف

۱- توسّل پیدا کردن حضرت آدم به خمسه طیّبه «حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام» و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام، برای این که توبه اش پذیرفته شود.

خداوند متعال در آیات ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ سوره بقره می فرماید:  
وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ  
«آیه ۳۴».

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ «آیه ۳۵».

فَازَلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ «آیه ۳۵».

فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ «آیه ۳۷».

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

هنگامی که به ملائکه گفتیم که به آدم سجده کنید، همگی سجده کردند جز ابلیس که امتناع کرد و تکبر ورزید و از کافران شد «آیه ۳۴».

گفتیم ای آدم، تو و همسرت «حوّا» در بهشت آرام گیرید «تو با همسرت در بهشت سکونت کن»، و هرچه می خواهید از نعمت های آن گوارا بنخورید، ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمان «ستمکاران» خواهید شد «آیه ۳۵».

سرانجام شیطان آن دو را به لغزش واداشت و از آنچه در آن بودند «بهشت» بیرون کرد.

در این هنگام ما به آن ها گفتیم، همگی به زمین فرود آیید، درحالی که دشمن یکدیگر خواهید بود «آدم و حوّا از یکسو و شیطان از سوی دیگر»،

و برای شما در زمین تا مدّت معینی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود «آیه ۳۶».

سپس حضرت آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت «دریافت نمود» و با آن توبه نمود، و خداوند متعال توبه او را پذیرفت، چرا که خداوند متعال توبه پذیر و مهربان است «آیه ۳۷».

۱. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۱۲۵ - ۱۳۱.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۲۲ - ۲۲۴ - ۲۲۶ - ۲۳۸.

## توضیح:

خداوند متعال پس از این که حضرت آدم را خلق کرد به همه ملائکه امر فرمود تا به حضرت آدم سجده کنند «سجده خضوع و احترام، نه سجده پرستش»، که همه ملائکه فرمان خداوند متعال را اجرا کرده و به حضرت آدم سجده نمودند غیر از ابلیس که از فرمان خداوند متعال امتناع و سرپیچی کرد و تکبر ورزید و از سجده کردن به حضرت آدم خودداری نمود، و به خاطر همین سرپیچی و نافرمانی از دستور خداوند متعال بود که از کافران شد «آیه ۳۴»<sup>۱</sup>.

پس از این که خداوند متعال حضرت آدم را خلق فرمود تا او را به عنوان خلیفه خودش در زمین قرار دهد،

و پس از این که علم اسماء را به حضرت آدم آموخت «علم اسرار آفرینش و خواص موجودات عالم هستی»،

و پس از این که حضرت آدم را مسجود همه ملائکه قرار داد، به او فرمود: تو و همسرت حوا در بهشت ساکن شوید «بهشتی غیر از بهشت خلد و بهشت موعود قیامت»، و از هر جای بهشت هر چه که میل داشتید گوارا بخورید و تناول نمایید، اما به این درخت نزدیک نشوید «نهی از خوردن میوه آن گیاه»،

که اگر این کار را بکنید از ظالمین خواهید بود، یعنی از بهشت بیرون خواهید شد و روی زمین به رنج و تعب خواهید افتاد و دچار سختی و مشکلات خواهید شد «آیه ۳۵»<sup>۲</sup>.

شیطان اغواگر که سوگند یاد کرده بود دست از گمراه کردن آدم و فرزندانش

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۱۲۶.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۲۳ - ۲۲۸.

۲. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۱۳۲ تا ۱۳۴.

المیزان، جلد اول، صفحه ۲۴۶ تا ۲۴۸.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۲۴-۲۲۹ تا ۲۳۱.

برندارد به وسوسه‌گری مشغول شد و به حضرت آدم اطمینان داد که اگر از این درخت بخورد «از میوه درخت ممنوعه»، برای همیشه داخل بهشت خواهد ماند، حتی قسم یاد کرد که من خیرخواه شما هستم،

و سرانجام شیطان آدم و حوّا را به لغزش واداشت «حضرت آدم مرتکب ترک اولی شد نه انجام گناه، زیرا انبیاء مقام عصمت دارند و مرتکب گناه نمی‌شوند»، و از آنچه در آن بودند بیرون کرد «یعنی از بهشت».

پس از این قضیه بود «خوردن میوه درخت ممنوعه» که خداوند متعال دستور داد که فرود آید «به زمین» درحالی که دشمن یکدیگر خواهید بود «آدم و حوّا از یکسو و شیطان از سوی دیگر» «آیه ۳۶».<sup>۱</sup>

قابل ذکر است که:

احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده که طبق آن احادیث شریف و نورانی مقصود از شجره‌ای که «مقصود از درختی که» حضرت آدم و حوّا از نزدیک شدن به آن نهی شده بودند شجره علم محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام می‌باشد،

و به عبارت دیگر حضرت آدم و حوّا به مقام و منزلت محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام غبطه خوردند و مقام و منزلت آن ذوات مقدّسه «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام» را آرزو کردند و همین امر باعث هبوط آن‌ها از بهشت شد.<sup>۲</sup>

وقتی حضرت آدم و همسرش حوّا از بهشت بیرون شده و به زمین هبوط

۱. تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۳۰ - ۲۳۱.

۲. المیزان، جلد اوّل، صفحه ۲۶۷ تا ۲۶۹.

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶.

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۲۶۳، حدیث ۱، «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۲۷۱ تا ۲۷۷، حدیث ۱۱ و ۱۳ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۱۴۳، حدیث ۱۱۲ «حدیث ۲۲۶».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۷۶۷، حدیث ۳۵ «حدیث ۳۴۳۰» «ذیل آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره اعراف».



نمودند، از عمل خویش «خوردن از میوه شجره ممنوعه - آرزو کردن مقام و منزلت وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» به شدت نادم و پشیمان بودند و شب و روز گریه می کردند تا بلکه خداوند متعال آن‌ها را بیامرزد و توبه آن‌ها را قبول نماید.

خداوند متعال برای این که توبه آدم و حوا را بپذیرد جبرئیل را نزد آن‌ها فرستاد و کلمات و سخنانی را به آن‌ها تعلیم فرمود تا بوسیله این کلمات و سخنان از درگاه الهی طلب مغفرت و آمرزش نمایند.

آدم و حوا نیز این کلمات و سخنان را که جبرئیل از ناحیه خداوند متعال آورده بود فراگرفته و آموختند و با تمسک و توسل به این کلمات به درگاه الهی پناه برده و توبه و استغفار نمودند و در نتیجه خداوند متعال توبه آن‌ها را پذیرفت «آیه ۳۷».

در واقع راه توبه و نحوه توبه و استغفار را خود خداوند متعال به آدم و حوا، همچنین به تمام بندگان گنهکار خویش تعلیم می فرماید تا چنانچه در اثر غفلت یا وسوسه شیطان مرتکب گناه شدند از رحمت حق مأیوس نشده و توبه نمایند و مطمئن باشند که خداوند متعال توبه پذیر است و بلکه تواب «بسیار توبه پذیر» و رحیم است یعنی مهربان است.<sup>۱</sup>

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که خداوند متعال به حضرت آدم و حوا فرمود تا به خمسه طیبه یعنی به حضرت زهرا و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و دو پسر عزیزش توسل پیدا نمایند و به آن ذوات مقدسه متوسل شوند تا خداوند متعال توبه آن‌ها را بپذیرد، و آدم و

۱. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۱۴۰ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

المیزان، جلد اول، صفحه ۲۵۲ - ۲۷۴ تا ۲۷۷ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۷۱ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۴۰ تا ۲۴۲ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۱۵۸ «ذیل آیه ۲۳ سوره اعراف».

حوّا نیز طبق دستور خداوند متعال به خمسه طیبیه علیهم السّلام توسّل نموده و خداوند متعال را به حقّ آن ذوات مقدّسه سوگند دادند تا خداوند متعال توبه آنها را بپذیرد، و خداوند متعال نیز توبه آدم و حوّا را پذیرفت.

خداوند متعال بدینوسیله به همه گنهکاران تعلیم می فرماید و دستور می دهد تا چنانچه در اثر غفلت و یا در اثر وسوسه شیطان مرتکب گناه شدند اصلاً و ابداً از رحمت الهی مأیوس نشوند و با توسّل به خمسه طیبیه و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام به درگاه الهی پناه برده و توبه نمایند و استغفار کنند و مطمئن باشند که خداوند متعال به احترام آن ذوات مقدّسه توبه آنها را خواهد پذیرفت، انشاءالله تعالی، زیرا این وعده الهی است و وعده الهی تخلف ناپذیر است<sup>۱</sup>.

### حدیث اوّل:

وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام از پدر بزرگوارش سیّد الشهداء سلام الله علیه و آن حضرت از پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام نقل می کند که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: وقتی خداوند متعال اشباح ما را «خمسه طیبیه علیهم السّلام» از فراز عرش به صُلب حضرت آدم منتقل فرمود، حضرت آدم انوار فروزانی را در صُلب خویش مشاهده نمود و به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

این انوار چیستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

من این انوار را از شریفترین بقعه‌های عرشم «شریفترین جای عرشم» به صُلب تو منتقل نمودم و از این جهت به ملائکه فرمان دادم تا تو را سجده کنند «به خاطر این انوار بود که به ملائکه امر کردم تا به تو سجده کنند»، زیرا:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۴۶۷ و ۴۷۱.

تو ظرف و جایگاه این انوار هستی  
حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

ای کاش آن‌ها را برای من نمایان می ساختی  
خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:  
ای آدم:

به فراز عرش «بالای عرش» نگاه کن  
حضرت آدم به بالای عرش نگاه کرد و اشباح ما را مشاهده نمود و به  
خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

این اشباح چیستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

این‌ها اشباح افضل مخلوقات «بهترین و برترین مخلوقات» و آفریدگان من  
هستند و من نام آن‌ها را از نام خودم مشتق نموده‌ام.  
من حمید و محمود هستم و او محمّد است،  
من علیّ عظیم هستم و او علی است،  
من فاطر هستم و خالق آسمان‌ها و زمین می باشم و دشمنانم را از رحمتم  
دور می کنم و او فاطمه است،

من محسن هستم و این دو حسن و حسین هستند.

سپس خداوند متعال حضرت آدم را مورد خطاب قرار داده و فرمود:  
ای آدم:

این‌ها بهترین مخلوقات من و برگزیدگان مخلوقات من و گرامی ترین  
آفریدگان من هستند که اسامی آن‌ها را از اسم خودم مشتق نموده‌ام.

ای آدم:

به خاطر این ها سَلَب می کنم،

به خاطر این ها می بخشم و اعطا می کنم،

به خاطر این ها مجازات می کنم و به خاطر این ها پاداش می دهم.

در ادامه حدیث شریف آمده که خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

پس ای آدم:

به وسیله این ها به من متوسّل شو و اگر حادثه ای ناگوار به تو روی داد این ها را به درگاه من شفیع قرار بده که من به ذات خودم سوگند حقی خورده ام که:

هیچ کس از امیدواران این ها را ناامید نکنم،

و هیچ سائلی را که به وسیله این ها به من متوسّل شود بی پاسخ نگذارم و او

را از درگاهم رد نکنم.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش

فرمودند:

از این جهت بود که وقتی آن خطا از حضرت آدم سر زد «آرزو نمودن مقام و منزلت خمسه طیّبه و خوردن از میوه شجره ممنوعه که نتیجه آن هبوط از بهشت به زمین بود» خداوند متعال را به حقّ این ها خواند «متوسّل به خمسه طیّبه شد و از خداوند متعال درخواست نمود تا توبه او را بپذیرد»،

و خداوند متعال نیز توبه حضرت آدم را پذیرفت و او را آمرزید.<sup>۱</sup>

«شَبَّحٌ = سایه، سیاهی که از دور به نظر می رسد» جمع شَبَّحٌ می شود اشباح».

### حدیث دوّم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱. تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۶۲ - ۱۶۳ «ذیل آیه ۳۴ سوره بقره».

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۲۹۰ - ۲۹۱، حدیث ۱۳ «ذیل آیه ۳۷ و ۳۸ سوره بقره».

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سیّدحسین همدانی درود آبادی، صفحه ۲۹۲ و ۲۹۳.

وقتی آن خطا از حضرت آدم سرزد «آرزو نمودن مقام و منزلت خمسه طیبه  
 عليهم السّلام و متعاقب آن خوردن از میوه شجره ممنوعه» و از بهشت به زمین  
 هبوط نمود به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي،  
 فَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ، یعنی:

خداوندا:

از تو درخواست می‌کنم و مسئلت می‌نمایم که به حقّ محمد و آل  
 محمد عليهم السّلام مرا ببخشی و بیامرزی، و خداوند متعال نیز او را بخشید و  
 آمرزید.

این حدیث را معمر بن راشد از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث سوم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره این آیه شریفه «فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ  
 كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ - آیه ۳۷ سوره بقره» فرمودند:  
 کلماتی که حضرت آدم از پروردگارش آموخت این بود که:  
 خداوندا:

به حقّ محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین عليهم السّلام از تو درخواست  
 و مسئلت می‌کنم که توبه‌ام را بپذیری،  
 و خداوند متعال نیز توبه حضرت آدم را پذیرفت.<sup>۲</sup>

### حدیث چهارم:

در روایات متعددی که از ائمه معصومین عليهم السّلام صادر شده آمده است که:

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۵۵، حدیث ۱۴۴ «حدیث ۲۵۸» «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۹۴، حدیث ۱۷ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

مقصود از کلماتی که خداوند متعال به حضرت آدم آموخت تا حضرت آدم با توسل به آن کلمات نورانی توبه نماید و آیه ۳۷ سوره بقره به آن اشاره می‌فرماید: «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»، تعلیم اسماء بهترین مخلوق خداوند متعال یعنی وجود مقدس حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام بوده است، و حضرت آدم با توسل به این ذوات مقدسه به درگاه الهی پناه برد و توبه نمود و از خداوند متعال طلب مغفرت و آمرزش کرد و خداوند متعال نیز توبه او را پذیرفت و او را آمرزید.<sup>۱</sup>

### حدیث پنجم:

وجود مقدس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

خداوند متعال ارواح را دو هزار سال قبل از بدن‌ها خلق فرمود و ارواح حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام را عالی‌ترین و برترین و شریف‌ترین آن ارواح قرار داد، و آنگاه ارواح این ذوات مقدسه «ارواح چهارده معصوم علیهم السّلام» را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه نمود و نور آن ذوات مقدسه همه جا را فراگرفت، و سپس خداوند متعال به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها فرمود:

هُؤُلَاءِ أَحِبَّائِي وَ أَوْلِيَائِي وَ حُجَجِي عَلَىٰ خَلْقِي وَ أُمَّةٌ بَرِيَّتِي،

مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ،

وَ لِمَنْ تَوَلَّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتِي،

وَ لِمَنْ خَالَفَهُمْ وَ عَادَاهُمْ خَلَقْتُ نَارِي،

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۱۴۰ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

المیزان، جلد اول، صفحه ۲۷۵ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۴۲ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

تفسیر صافی، جلد اول صفحه ۱۷۱، ۱۷۲ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۸۴، حدیث ۲ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

تفسیر نورالتقلین، جلد اول، صفحه ۱۵۵، حدیث ۱۴۳ «حدیث ۲۵۷» «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

فَمَنْ ادَّعَىٰ مَنْزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ عَظْمَتِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ،  
 وَ جَعَلْتُهُ مَعَ الْمُشْرِكِينَ فِي أَسْفَلَ دَرَكٍ مِنْ نَارِي،  
 وَ مَنْ أَقْرَبَ بَوْلًا يَتِيهِمْ وَ لَمْ يَدْعُ مَنْزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَكَانِهِمْ مِنْ عَظْمَتِي جَعَلْتُهُ مَعَهُمْ فِي  
 رَوْضَاتِ جَنَّتِي وَ كَانَ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاؤُنَ عِنْدِي،  
 فَوَلَا يَتِيَّهُمْ أَمَانَةٌ عِنْدَ خَلْقِي فَأَيُّكُمْ يَحْمِلُهَا بِأَثْقَالِهَا وَ يُدْعِيهَا لِنَفْسِهِ،  
 فَابْتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا مَنْ ادَّعَىٰ مَنْزِلَتَهَا وَ  
 تَمَنَّىٰ مَحَلَّهَا مِنْ عَظْمَةِ رَبِّهِمْ، یعنی:

خداوند متعال به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها «یعنی همه مخلوقات» فرمود:  
 این‌ها «وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام» دوستان من، اولیاء من،  
 و حجت‌های من بر مخلوقاتم می‌باشند،  
 و امامان و پیشوایان مخلوقات من هستند.  
 هیچ مخلوقی را نیافریده‌ام و خلق نکرده‌ام که بیشتر از این‌ها دوستش بدارم  
 «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام محبوب‌ترین مخلوقات  
 الهی نزد خداوند متعال هستند و خداوند متعال آن ذوات مقدسه را از همه  
 مخلوقاتش بیشتر دوست می‌دارد»،

بهشت را برای آن‌ها و محبین آن‌ها خلق کرده‌ام،  
 و جهنم را برای دشمنان آن‌ها و مخالفین آن‌ها خلق نموده‌ام.  
 هرکس مقام و منزلتی را که آن‌ها نزد من دارند به خود نسبت بدهد و مقام  
 و منزلت آن‌ها را ادعا کند او را آنچنان عذاب کنم که احدی را آنگونه عذاب  
 نکرده باشم، و او را همراه با مشرکین در پایین‌ترین و بدترین نقطه جهنم قرار  
 می‌دهم.

هرکس به ولایت و امامت این‌ها اقرار نماید و مقام و جایگاه رفیع این‌ها را  
 به خود منسوب نسازد «مقام رفیع آن ذوات مقدسه را ادعا نکند» او را همراه آن

بزرگواران در بهشت مأوا و منزل می‌بخشم و در آنجا هر چه که بخواهد برایش فراهم می‌سازم و در جوار خود جای می‌دهم.

ولایت و امامت این‌ها امانتی است که نزد مخلوق می‌سپارم، پس کدام یک از شما «کدام یک از مخلوقات» می‌تواند بار این امانت را با سنگینی‌های آن به دوش بکشد و آن را برای خویش ادعا نماید.

همه آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از این‌که آن امانت را حمل کنند و بر دوش بکشند ابا و امتناع نمودند،

و روشن است که امتناع آن‌ها از حمل این امانت به جهت استکبار و سرکشی نبود، بلکه به جهت ترس توأم با تواضع و فروتنی از عظمت خداوند متعال بود که مبدا به ناحق ادعای چنین منزلتی را بنمایند و در سر پیوراندند، و چنین جایگاه رفیعی را برای خویش آرزو نمایند.

در ادامه فرمایشات امام صادق علیه‌السلام آمده است که:

وقتی خداوند متعال حضرت آدم و حوّا را در بهشت ساکن نمود به آن‌ها فرمود:

از هر کجای بهشت بی‌هیچ زحمتی بخورید لیکن به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمین و ستمکاران خواهید بود.

آدم و حوّا جایگاه و مقام و منزلت حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان پس از آن‌ها را دیدند، و مشاهده کردند که جایگاه آن بزرگواران بهترین و عالی‌ترین جایگاه‌های بهشت می‌باشد، لذا از خداوند متعال سؤال کردند که این جایگاه رفیع از آن کیست؟

خداوند متعال به آدم و حوّا فرمود:

سرهای خودتان را بالا بگیرید و به ساق عرش من نگاه کنید.

آدم و حوّا به ساق عرش نگریسته و اسامی مبارک محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر ائمه معصومین علیهم‌السلام را دیدند که با نوری از



انوار خداوند جبّار و جلّ جلاله نوشته شده است، پس به خداوند متعال عرض کردند:

پروردگارا:

صاحبان این منزلت و جایگاه در درگاهت چه بسیار گرامی هستند و چه قدر نزد تو محبوب می باشند.

خداوند متعال به آدم و حوّا فرمود:

لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُمْ،

هُؤُلَاءِ خَزَنَةٌ عِلْمِي وَ أَمْنَائِي عَلَى سِرِّي،

إِيَّاكُمْ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ وَ تَتَمَنَّى مَنَزِلَتَهُمْ عِنْدِي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ كَرَامَتِي فَتَدْخُلَا بِذَلِكَ فِي نَهْيِي وَ عِصْيَانِي فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ، یعنی:

اگر این‌ها «چهارده معصوم علیهم السّلام» نبودند شما دو نفر را خلق نمی کردم، این‌ها خزانه داران علم من و امینان سِرّ من هستند «مورد اعتماد من برای سپردن اسرارم به آن‌ها»،

برحذر باشید از این‌که با چشم حسادت به آن‌ها نگاه کنید «مبادا با چشم حسد به آن‌ها نگاه کنید»،

و مبادا مقام و منزلتی را که آنان نزد من دارند آرزو کنید که در این صورت از ظالمین و ستمکاران خواهید بود.

در ادامه فرمایشات امام صادق علیه السّلام آمده است که:

شیطان، آدم و حوّا را فریب داد و در نتیجه آن دو نفر از درخت گندم خوردند و به مقام و منزلت چهارده معصوم علیهم السّلام به چشم حسد نگاه کردند و در نتیجه از بهشت هبوط نمودند.

آدم و حوّا در زمین مدّت‌ها گریه می کردند و از خداوند متعال طلب عفو و بخشش می نمودند.

وقتی که خداوند متعال اراده فرمود تا آدم و حوّا را ببخشد، جبرئیل را نزد

آن دو فرستاد و به آنها فرمود:

شما دو نفر آرزوی مقام و منزلت کسانی را نمودید «خمس طیبه و ائمه بعد از ایشان» که خداوند متعال آنها را به شما برتری داده، و با همین عمل به خودتان ستم کردید، و سزا و کیفر شما این شد که از جوار خداوند متعال به زمین هبوط کنید، و سپس جبرئیل به آدم و حوا گفت:

اکنون پروردگارتان را به حق آن نامهایی که بر ساق عرش دیدید بخوانید و از خداوند متعال درخواست و مسئلت کنید تا خداوند متعال توبه شما را بپذیرد و شما را ببخشد و بیامرزد، و آدم و حوا نیز به خداوند متعال عرض کردند:

خداوندا:

به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه معصومین از ذریه آنها که گرامی‌ترین مخلوقات تو هستند از تو درخواست و مسئلت می‌کنیم که توبه ما را بپذیری و ما را مشمول رحمت خویش قرار دهی، و پس از این درخواست و تقاضای آدم و حوا بود که خداوند متعال توبه آنها را پذیرفت و آنها را بخشید.

این حدیث را مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

با توجه به این که حسد فعل حرام است و انبیاء الهی مقام عصمت دارند، لذا

۱. معانی الأخبار صدوق، جلد اول، صفحه ۲۵۴، باب ۴۳، حدیث ۱.  
 کلیات حدیث قدسی، تألیف شیخ حرّ عاملی، صفحه ۴۴۳، حدیث «۴۱۲ - ۸۳».  
 تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۶۴ «ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب».  
 تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۷۱ تا ۲۷۵، حدیث ۱۱ «ذیل آیه ۳۵ و ۳۶ سوره بقره».  
 تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۱۰، حدیث ۲ «ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب».  
 تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۵۷، حدیث ۱۴۶ «حدیث ۲۶۰».  
 تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۵۷، حدیث ۱۴۸ «حدیث ۲۶۲» «ذیل آیات ۳۷ تا ۳۹ سوره بقره».  
 تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۷۷، حدیث ۲۵۹ «حدیث ۹۰۸۶» «ذیل آیه ۲۷ سوره احزاب».  
 فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۱۳۳ تا ۱۳۹.

مقصود از حسد در این احادیث شریف، غبطه می باشد، یعنی:  
حضرت آدم و حوّا به مقام و منزلت خمسه طیبه «محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام» و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام غبطه خورده و مقام و منزلت آن ها را آرزو نمودند و همین امر باعث هبوط آن ها از بهشت شد.<sup>۱</sup>

### حدیث نهم:

ابن عباس می گوید:

از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم سؤال نمودم:

یا رسول الله:

کلماتی که حضرت آدم از پروردگار خود دریافت نمود و با خواندن آن خداوند متعال توبه او را پذیرفت چه بود؟

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

حضرت آدم اینگونه از خداوند متعال مسئلت نمود:

خداوندا:

به حقّ محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین توبه ام را قبول فرما،

و خداوند متعال نیز توبه او را پذیرفت.<sup>۲</sup>

### حدیث هفتم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

وقتی که خداوند متعال حضرت آدم ابوالبشر را خلق فرمود، حضرت آدم به

۱. المیزان، جلد اوّل، صفحه ۲۶۸ - ۲۶۹ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۶۴ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۳۷۶.

۲. معانی الاخبار، جلد اوّل، باب ۶۱، صفحه ۲۸۸، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۲۸۶، حدیث ۵ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۱۵۷، حدیث ۱۴۷ «حدیث ۲۶۱» «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۶۷ و ۴۷۰.

طرف راست عرش نگاه کرد و مشاهده نمود که پنج نور سرگرم عبادت هستند و در حال سجده و رکوع می باشند.

حضرت آدم پس از مشاهده این صحنه به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

آیا من نخستین مخلوق تو از خاک می باشم، یا قبل از من کسی را از خاک خلق فرموده ای؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

نه، نیافریده ام «قبل از تو کسی را از خاک خلق نکرده ام»

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

پس این پنج شَبَح که آن ها را در هیئت و صورت، همانند خودم می بینم چه کسانی هستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

هُؤُلَاءِ خَمْسَةٌ مِنْ وَدِّكَ،

لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ،

هُؤُلَاءِ خَمْسَةٌ شَقَقْتُ لَهُمْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِي،

لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ،

وَ لَا الْعَرْشَ وَ لَا الْكُرْسِيَّ،

وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ،

وَ لَا الْمَلَائِكَةَ وَ لَا الْإِنْسَ وَ لَا الْجِنَّ،

فَأَنَا الْمُحْمَدُ وَ هَذَا مُحَمَّدٌ،

وَ أَنَا الْعَالِي وَ هَذَا عَلِيٌّ،

وَ أَنَا الْفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ،

وَ أَنَا الْإِحْسَانُ وَ هَذَا الْحَسَنُ،

وَ أَنَا الْمُحْسِنُ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ،  
 آئِثْتُ بِعِزَّتِي أَنْ لَا يَأْتِنِي أَحَدٌ بِمِثْقَالِ ذَرَّةٍ مِنْ خَرَدَلٍ مِنْ بُغْضِ أَحَدِهِمْ إِلَّا أُدْخِلُهُ نَارِي  
 وَ لَا أَبَالِي.

يا آدم:

هُؤُلَاءِ صَفْوَتِي،

بِهِمْ أَنْجِيهِمْ وَ بِهِمْ أُهْلِكُهُمْ،

فَإِذَا كَانَ لَكَ إِلَيَّ حَاجَةٌ فَبِهِؤُلَاءِ تَوَسَّلْ،

فَقَالَ النَّبِيُّ:

نَحْنُ سَفِينَةُ النَّجَاةِ،

مَنْ تَعَلَّقَ بِهَا نَجَى وَ مَنْ حَادَ عَنْهَا هَلَكَ،

فَمَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَسْأَلْ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، یعنی:

خداوند متعال در پاسخ به سؤال حضرت آدم به او فرمود:

این پنج نفر از اولاد تو هستند،

اگر آن‌ها نبودند تو را خلق نمی‌کردم «این پنج نفر علت غایی خلقت می‌باشند

و خلق تو به یمن وجود این پنج نفر است»،

این‌ها پنج نفری هستند که پنج نام از نام‌های خود را جدا نموده و بر آن‌ها

نهادهام «نام‌های آن‌ها را از نام‌های خود مشتق نموده و به آن‌ها نهادهام»،

اگر این پنج نفر نبودند:

نه بهشت را خلق می‌کردم و نه جهنم را،

نه عرش را خلق می‌کردم و نه کرسی را،

نه آسمان را خلق می‌کردم و نه زمین را،

نه ملائکه را خلق می‌کردم و نه انسان و جن را،

من محمود هستم و این محمد است،

من عالی هستم و این علی است،  
 من فاطر هستم و این فاطمه است،  
 من احسان هستم و این حسن است،  
 من محسن هستم و این حسین است.  
 به عزّتم سوگند:

هر کس اگر به مقدار دانه خردل «یعنی به مقدار یک ذره کوچک» نسبت به  
 هر کدام از این پنج نفر بُغض و کینه داشته باشد او را داخل آتش جهنّم می‌کنم،  
 بی‌آنکه شفاعت شافعی را بپذیرم.  
 ای آدم:

این پنج نفر برگزیدگان از مخلوقاتم هستند و نجات و هلاک هر کس وابسته  
 به حُبّ و بُغضی است که به این پنج نفر دارد.  
 خداوند متعال در ادامه فرمایش خویش حضرت آدم را مورد خطاب قرار  
 داده و به او فرمود:

ای آدم:  
 هر وقت حاجتی از من داشتی به این پنج نفر متوسّل شو تا حاجت تو  
 برآورده شود.

در ادامه حدیث شریف آمده که وجود مقدّس پیامبر اکرم فرمودند:  
 ما کشتی نجات هستیم،  
 هر کس با ما باشد اهل نجات است «هر کس به ما تمسّک نماید اهل نجات  
 است».

و هر کس از ما اعراض کند و از ما روی بگرداند هلاک می‌شود،  
 پس:

هر کس حاجتی از خداوند متعال می‌خواهد به وسیله ما اهل بیت از خداوند

متعال مسئلت نماید «اگر حاجتی از خداوند متعال داشتید به ما اهل بیت متوسّل شوید و از خداوند متعال مسئلت نمایید.»

این حدیث شریف را بحرانی در غایة المرام، قاضی نورالله شوشتری در احقاق الحق، حموینی در فرائد السّمطین، عبدالله حنفی در ارجح المطالب، و خطیب خوارزمی در مناقب نقل نموده اند.<sup>۱</sup>

علامه امینی ذیل این حدیث شریف که ملاحظه فرمودید در رابطه با توسّل انبیاء الهی به خمسه طیبه علیهم السّلام توضیحات کامل و جامعی ارائه نموده که انشاءالله تعالی در انتهای احادیث مربوط به فضیلت چهارم حضرت زهرا سلام الله علیها «انتهای بخش مربوط به توسّل حضرت یوسف به محمّد و آل محمّد علیهم السّلام» به عنوان توضیح به آن اشاره خواهد شد.

یکی از فضائل بی شمار صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که در این کتاب شریف فاطمی به عنوان فضیلت چهارم آن حضرت یاد شده توسّل پیدا کردن انبیاء الهی به ایشان می باشد.

در اوّلین قسمت این بحث به موضوع متوسّل شدن حضرت آدم به خمسه طیبیه و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام اشاره شد، و انشاءالله تعالی در قسمت دوّم بحث به توسّل پیدا کردن حضرت ابراهیم علیه السّلام به فاطمه زهرا و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السّلام از نسل و ذریه اش اشاره خواهد شد.

۲- توسّل پیدا کردن حضرت ابراهیم به خمسه طیبیه «حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام» و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام.  
در رابطه با توسّل حضرت ابراهیم علیه السّلام به چهارده معصوم علیهم السّلام

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۱۴۵ تا ۱۴۸.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله احمد رحمانی همدانی، صفحه ۵۳ و ۵۴، حدیث ۱.

به دو مورد اشاره می شود:

**الف:** متوسّل شدن حضرت ابراهیم علیه السّلام به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام و متعاقب آن اعطاء مقام امامت به آن حضرت از ناحیه خداوند متعال.

**ب:** توسّل پیدا کردن حضرت ابراهیم علیه السّلام به محمّد و آل محمّد علیهم السّلام جهت نجات از آتش نمرود.

**الف:** متوسّل شدن حضرت ابراهیم علیه السّلام به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام و متعاقب آن اعطاء مقام امامت به آن حضرت از ناحیه خداوند متعال.

خداوند متعال در آیه ۱۲۴ سوره بقره می فرماید:

وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي، قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.

**ترجمه:**

هنگامی که خداوند متعال حضرت ابراهیم را به چند امر «به اموری» امتحان فرمود، و حضرت ابراهیم به خوبی از عهده این امتحانات «آزمایش‌ها» برآمد، خداوند متعال به او فرمود:

من، تو را امام مردم قرار دادم «تو را برای مردم، امام قرار دادم».

حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:

این امامت را برای فرزندان و نسل و دودمان من نیز قرار بده.

خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:

عهد و پیمان من «یعنی امامت مردم» هرگز به ظالمین و ستمکاران نمی رسد.<sup>۱</sup>

۱. مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۲۳.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۴۹۷.



## شرح لغات و توضیحات

اِئْتَلَى = امتحان کرد، آزمایش کرد.

بِكَلِمَاتٍ = به اموری، به چند امر.

مقصود از کلمات در این آیه شریفه قضایایی است که حضرت ابراهیم به وسیله آن‌ها آزمایش شد.

أَتَمَّهُنَّ = آن‌ها را به انجام رسانید؛ آن‌ها را به اتمام رسانید.

جَاعِلُكَ = تو را قرار دادم.

ذُرِّيَّةً = نسل، دودمان، فرزندان، اولاد.

لَا يَنَالُ = نمی‌رسد.

عَهْدٌ = میثاق، پیمان.

مقصود از عهد در این آیه شریفه، موضوع امامت می‌باشد.<sup>۱</sup>

این آیه شریفه موضوع آزمایش شدن و مورد امتحان قرار گرفتن حضرت ابراهیم علیه‌السلام را در سنین کهنسالی بیان می‌فرماید که حضرت ابراهیم پس از این که این آزمایشات الهی را با موفقیت به اتمام رساند، آنگاه خداوند متعال مقام امامت را به او اعطا فرمود.

خداوند متعال در اواخر عمر حضرت ابراهیم و زمانی که حضرت اسماعیل و اسحاق به دنیا آمده بودند او را مورد آزمایش و امتحان قرار داد.

موارد و موضوعاتی که حضرت ابراهیم علیه‌السلام به وسیله آن‌ها مورد امتحان و آزمایش قرار گرفت متعدد می‌باشند که به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- بردن فرزند به قربانگاه برای قربانی کردن

منظور، خوابی است که حضرت ابراهیم دید و مأموریت یافت تا فرزندش حضرت اسماعیل را به فرمان خداوند متعال قربانی نماید، که حضرت ابراهیم

با عزمی راسخ اقدام نمود، لیکن به امر خداوند متعال گوسفندی قربانی شد و حضرت اسماعیل به حیات خویش ادامه داد.

۲- بردن زن و فرزند به سرزمین خشک و بی آب و علف مکه در حالی که یک نفر هم در آنجا سکونت نداشت «بردن حضرت اسماعیل و مادرش هاجر از سرزمین فلسطین به مکه»

۳- انداخته شدن داخل آتش توسط نمرود.

۴- قیام در برابر بت پرستان بابل و شکستن بت‌ها و امتناع از این که غیر خداوند متعال را پرستش کند.

۵- مهاجرت از سرزمین بُت پرستان به سرزمین‌های دوردست برای ادای رسالت خویش.

غیر از موارد فوق موارد دیگری نیز عنوان شده که در تمام این موارد و این آزمایشات، حضرت ابراهیم موفق و پیروز از میدان خارج شد.

این آزمایشات الهی نسبت به حضرت ابراهیم علیه السلام به این منظور بود که صفات باطنی حضرت ابراهیم از قبیل:

اطاعت، شجاعت، سخاوت، حلم و بردباری و... آشکار شود و شایستگی او برای امام شدن معلوم گردد.

در آیه شریفه آمده است که:

أَتَمَّهُنَّ، یعنی:

حضرت ابراهیم آن‌ها را به انجام رساند، یعنی:

حضرت ابراهیم آنچه را که خداوند متعال از او خواسته بود به بهترین نحو ممکن انجام داد و امتثال امر نمود.

پس از این که حضرت ابراهیم از عهده این آزمایشات الهی برآمد و از این امتحانات الهی موفق و پیروز خارج شد و شایستگی خود را برای احراز مقام

امامت نشان داد، آنگاه خداوند متعال به او فرمود:

إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، یعنی:

من، تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم، یعنی:

مقام امامت را به تو اعطا نمودم.

همانطور که قبلاً به عرض رسید اعطای مقام امامت به حضرت ابراهیم

علیه السلام در اواخر عمر مبارک آن حضرت بود، یعنی:

خداوند متعال پس از اعطاء نبوت و رسالت به حضرت ابراهیم، در اواخر

عمر آن حضرت مقام امامت را به او اعطا فرمود و او را به این مقام مفتخر نمود،

و در واقع امامت آخرین حلقه سیر تکاملی حضرت ابراهیم بود.

وقتی که خداوند متعال مقام امامت را به حضرت ابراهیم اعطا فرمود و

حضرت ابراهیم بزرگی و عظمت امامت را ملاحظه کرد، از فرط خوشحالی به

خداوند متعال عرض کرد:

وَمِنْ ذُرِّيَّتِي، یعنی:

خداوندا:

از نسل من و از فرزندان من نیز امامانی قرار بده، یعنی:

به فرزندان من و به اولاد من نیز مقام امامت اعطا بفرما.

خداوند متعال در پاسخ به درخواست حضرت ابراهیم به او فرمود:

لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ، یعنی:

عهد و پیمان من هرگز به ظالمین نخواهد رسید، یعنی:

مقام امامت هرگز به ظالمین و ستمکاران نخواهد رسید.

منظور از ظلم در این آیه شریفه فقط ظلم به دیگران نیست، بلکه ظلم

معنی وسیعی داشته و مطلق ظلم مد نظر می باشد، اعم از ظلم به نفس «ظلم به

خویش» یا ظلم به دیگران، لذا:

کسی که مرتکب گناه شود ولو یک گناه در تمام عمر، این شخص ظلم به نفس کرده زیرا در لحظه ارتکاب گناه از رحمت خداوند متعال دور شده است، ضمن این که کسی که مرتکب گناه می شود «ولو یک گناه در تمام عمر» این شخص در لحظه ارتکاب گناه از دستور خداوند متعال سرپیچی می کند و این خود بزرگ ترین ظلم است، بنابراین:

امامت مقام رفیعی است که صرفاً به کسانی اختصاص یافته که دارای مقام عصمت باشند و در تمام عمر خویش مرتکب یک گناه صغیره نیز نشوند. قابل ذکر است که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در صدر همه انبیاء قرار گرفته و اشرف انبیاء و سید المرسلین می باشد و همه این مقامات را دارا است، یعنی:

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، هم نبی و رسول است و هم امام، ضمن این که اوصیاء آن حضرت از وجود مقدس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تا وجود مقدس امام زمان سلام الله علیه مقام امامت داشته و حجّت و خلیفه خداوند متعال بر مخلوقات هستند و همانطور که در توضیحات مربوط به فضیلت دوّم و سوّم صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها به عرض رسید وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام علّت غایی خلقت و علّت دوام و بقاء آن هستند و اشرف و افضل مخلوقات می باشند و مقام و منزلت آن بزرگواران از تمام انبیاء و ملائکه برتر و بالاتر می باشد، و مقام صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان سوّمین شخصیت عالم خلقت از مقام تمام انبیاء الهی و ملائکه برتر و بالاتر است «بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش»، و پس از این علیا مخدّره یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش واقع شده اند، و پس از این ذوات مقدسه انبیاء الهی و اوصیاء آن ها واقع

شده‌اند و به همین لحاظ است که حضرت ابراهیم علیه‌السلام با آن همه مقام و منزلت به وجود مقدّس پیامبر اکرم به‌عنوان اولین شخصیت عالم خلقت، و به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام به‌عنوان دومین شخصیت عالم خلقت، و به صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها به‌عنوان سومین شخصیت عالم خلقت و به یازده امام معصوم از نسل و ذریه حضرت زهرا سلام‌الله علیها که بلافاصله بعد از این سه وجود نورانی قرار گرفته‌اند متوسّل می‌شود و خداوند متعال را به این ذوات مقدّسه سوگند می‌دهد تا او را از آتش نمرود نجات دهد، همچنین به آن ذوات مقدّسه متوسّل می‌شود تا خداوند متعال به او مقام امامت اعطا بفرماید که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد. ملاحظه فرمودید که مقام امامت از مقام رسالت و نبوت برتر و بالاتر می‌باشد، لیکن این بدان معنا نیست که هر امام باید نخست به مقام نبوت و رسالت برسد و آنگاه به مقام امامت نائل شود، زیرا جانشینان و اوصیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقام امامت داشتند بدون این که قبلاً به مقام نبوت و رسالت رسیده باشند، یعنی:

لزومی ندارد که امام قبلاً به مقام نبوت و رسالت برسد، بلکه اگر قبل از امام، پیامبری باشد که هم نبی بوده و هم رسول بوده و هم امام «مانند وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» در این صورت جانشینان و اوصیاء آن حضرت، یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام که مقام رفیع امامت را دارا می‌باشند برنامه امامت آن حضرت را تداوم می‌بخشند.<sup>۱</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۲۳ - ۲۴ - ۲۸ - ۳۰ - ۳۴ تا ۳۶.

المیزان، جلد دوم، صفحه ۹۱ تا ۱۰۸.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۴۹۹ تا ۵۰۹.

جُتة العاصمه، تألیف آیت‌الله میرجهانی، صفحه ۳۰۶ و ۳۰۸.

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که طبق ظاهر آیه شریفه «آیه ۱۲۴ سوره بقره»، خداوند متعال حضرت ابراهیم را با کلمات مورد آزمایش و امتحان قرار داد «إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ»، و حضرت ابراهیم نیز به خوبی از عهده این امتحانات برآمد، و این امتحانات عبارت بودند از:

قربانی کردن فرزند، انداخته شدن به داخل آتش، بردن زن و فرزند به سرزمین خشک و بی آب و علف مکه و...،

لیکن تأویل و معنی باطنی آیه شریفه در رابطه با کلمات که در این آیه شریفه آمده، وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام می باشد که حضرت ابراهیم علیه السلام در اواخر عمر خویش به وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام توسل پیدا نمود و به آن ذوات مقدسه متوسل شد و خداوند متعال بعد از مقام نبوت و رسالت، مقام امامت را نیز به او اعطا فرمود که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

### حدیث:

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام مفضل بن عمر نقل می کند که از وجود مقدس امام صادق علیه السلام سؤال کردم:

یا بن رسول الله:

منظور از کلمات در این آیه شریفه «إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَّمَّهُنَّ، قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا - آیه ۱۲۴ - سوره بقره» چیست؟

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ، وَ هُوَ أَنَّهُ قَالَ:

يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا تَبَّتْ عَلَيَّ، فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ.

فَقُلْتُ لَهُ:

يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ:

فَمَا يَعْنِي عَزَّوَجَلَّ بِقَوْلِهِ فَاتَمَّهُنَّ،

قَالَ يَعْنِي فَاتَمَّهُنَّ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا تِسْعَةً مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ

السَّلَامُ، يَعْنِي:

مفصل بن عمر می گوید که از محضر مبارک امام صادق علیه السلام سؤال

کردم:

یا بن رسول الله:

منظور از کلمات در آیه ۱۲۴ سوره بقره که حضرت ابراهیم به آن متوسل

شد چه می باشد؟

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

منظور از کلمات در این آیه شریفه همان کلماتی هستند که حضرت آدم از

خداوند متعال دریافت کرد و فراگرفت «اشاره به آیه ۳۷ سوره بقره و توسل

پیدا کردن حضرت آدم به خمسه طیبه علیهم السلام که راجع به آن توضیحات

لازم ارائه شد»، و با توسل به آن کلمات توبه نمود و خداوند متعال نیز توبه او

را پذیرفت، زیرا خداوند متعال بسیار توبه پذیر و مهربان است، و ماجرا اینگونه

بود که:

حضرت آدم پس از هبوط به زمین به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

از تو درخواست می کنم و مسئلت می نمایم که به حق محمد و علی و فاطمه

و حسن و حسین علیهم السلام «خمسه طیبه علیهم السلام» توبه مرا بپذیری.

خداوند متعال نیز توبه حضرت آدم را پذیرفت، زیرا خداوند متعال بسیار

توبه پذیر و مهربان است.

مفضل بن عمر می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

مقصود خداوند متعال از اَتَمَّهُنَّ در این آیه شریفه «آیه ۱۲۴ سوره بقره» چیست «منظور خداوند متعال از این که می فرماید حضرت ابراهیم، کلمات را به پایان رساند چیست؟»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مقصود از فرمایش خداوند متعال مبنی بر این که حضرت ابراهیم، کلمات را به پایان رساند این است که:

حضرت ابراهیم، نام مبارک خمسه طیبه «یعنی حضرت زهرا و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و دو پسر عزیزش» را تا نام حضرت قائم یعنی تا دوازدهمین امام تکمیل کرد که نه تن از آن بزرگواران از فرزندان امام حسین علیه السلام هستند.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش به مفضل بن عمر فرمود:  
ای مفضل:

امامت منصبی است الهی و خلافت و جانشینی خداوند متعال است، و خداوند متعال به هر کس که صلاح بداند اعطا می فرماید.<sup>۱</sup>  
ملاحظه فرمودید که حضرت ابراهیم علیه السلام به وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام «که فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز در زمره آنها است و

۱. معانی الأخبار، جلد اول، باب ۶۳، صفحه ۲۹۰، حدیث ۱.

مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۲۸ - ۲۹ «ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره».

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۲۹۱ - ۲۹۲ «ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۵۸، حدیث ۱ «ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۵۷، حدیث ۱۴۸ «حدیث ۲۶۲».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۲۷۳، حدیث ۳۳۸ «حدیث ۴۵۲» «ذیل آیه ۳۷ و ۱۲۴ سوره بقره».



بعد از وجود مقدّس پیامبر اکرم و حضرت امیر علیهما السّلام افضل از سایر ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد» متوسّل شد و متعاقب آن خداوند متعال به او مقام امامت اعطا فرمود.

حضرت ابراهیم علیه السّلام یک بار دیگر نیز به محمّد و آل محمّد علیهم السّلام توسّل پیدا نموده بود، و آن زمانی بود که توسط نمرود به داخل آتش افکنده شد و حضرت ابراهیم در همان حال به محمّد و آل محمّد علیهم السّلام متوسّل شد و خداوند متعال را به آن ذوات مقدّسه سوگند داد تا او را از آتش نجات دهد، و خداوند متعال نیز آتش را سرد و سلامت نمود و بدینوسیله او را از آتش نجات داد، که ذیلاً به آن اشاره می شود.

ب: توسّل پیدا کردن حضرت ابراهیم علیه السّلام به محمّد و آل محمّد علیهم السّلام جهت نجات از آتش نمرود.

خداوند متعال در آیه ۶۹ سوره انبیاء می فرماید:

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَّ سَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

گفتیم، ای آتش:

بر ابراهیم سرد و سالم باش «سرد و سلامت باش و او را نسوزان»!

### شرح لغات و توضیحات

نار = آتش.

برّد = سرد.

سّلام = سلامت، سالم بودن.

حضرت ابراهیم علیه السّلام در زمان حاکم و فرمانروایی به نام نمرود زندگی می کرد که بُت پرست بود، و چون نمرود بت پرست بود لذا همه مردم یا اکثریت

قریب به اتفاق مردم آن دیار نیز به تبعیت از حاکم بت پرست خویش بُت پرست بودند و معبود آنها بُت بود.

در آیات قبل آمده که حضرت ابراهیم علیه السّلام بت پرستان را مورد نکوهش قرار می داد و به آنها می فرمود:

این بُت ها و مجسمه های بی روح و فاقد عقل و ادراک و شعور را برای چه می پرستید،

بیایید به جای این بت ها و این مجسمه های بی روح و فاقد قدرت و اراده، خداوند قادر متعالی را پرستید که خالق آسمان ها و زمین است، لیکن کسی به او ایمان نمی آورد.

در یک روز عید که نمرود به همراه اطرافیان خویش و همه اهل شهر جهت اجرای مراسم خاص آن روز به خارج از شهر رفته بودند، حضرت ابراهیم علیه السّلام که در آن زمان حدود ۲۶ سال سن داشت وارد بُتکده و بُت خانه آنها شده و غیر از یک بت بزرگ، بقیه بت ها را با تَبَر شکسته و آنها را قطعه قطعه نمود، و سپس تبر و تیشه را به گردن بت بزرگ آویزان کرده و از بت خانه خارج شد.

پس از پایان مراسم عید و هنگام عصر وقتی نمرود به همراه اهالی شهر به شهر آمده و جهت دیدن بت ها و عرض ارادت به آنها وارد بت خانه و بتکده شدند با کمال تعجب مشاهده کردند که غیر از یک بُت که از همه بت ها بزرگ تر بود بقیه بت ها شکسته شده اند و قطعه قطعه گردیده اند،

ضمن این که یک تبر و یک تیشه نیز به گردن بت بزرگ آویزان می باشد. با توجه به این که همه مردم شهر سابقه بدگویی حضرت ابراهیم علیه السّلام را به بُت ها می دانستند، لذا در این رابطه به حضرت ابراهیم مظنون شده و او را جهت پاسخگویی نزد حاکم بت پرست یعنی نمرود آوردند.

نمرود به حضرت ابراهیم گفت:

آیا تو خدایان ما را شکسته‌ای و آن‌ها را خرد و قطعه‌قطعه نموده‌ای؟  
حضرت ابراهیم علیه‌السلام به نمرود گفت:  
آن بُت بزرگ که تبر به گردنش آویزان است این کار را کرده است، از او  
پرسید تا به شما پاسخ دهد.

نمرود به حضرت ابراهیم گفت:  
تو که می‌دانی این بُت‌ها حرف نمی‌زنند.  
حضرت ابراهیم به نمرود و اطرافیان او فرمود:  
آیا شما به جای الله «خداوند قادر متعال» معبودهایی را می‌پرستید که نه  
قدرت حرف زدن دارند و نه خاصیت دیگری،  
نه قدرت کمک کردن به شما را دارند و نه قدرت ضرر زدن.

پس از این ماجرا بود که نمرود و اطرافیان او متوجه شدند که خرد شدن  
بت‌ها و تکه تکه شدن آن‌ها کار حضرت ابراهیم است، لذا تصمیم گرفتند تا  
آتشی افروخته و او را داخل آتش بسوزانند تا بعد از این کسی با بت‌پرستی  
مخالفت نکند.

مفسرین محترم ذیل این آیه شریفه «آیه ۶۹ سوره انبیاء» عنوان نموده‌اند که  
همه مردم شهر به مدت بیش از یک ماه مشغول جمع‌آوری هیزم بودند و طی  
آن هیزم فراوانی جمع‌آوری کرده و آن‌ها را آتش زده و حضرت ابراهیم را با  
منجنیق به داخل آتش پرتاب نمودند تا بسوزد و از بین برود.

وقتی که حضرت ابراهیم علیه‌السلام را به داخل آتش انداختند، حضرت  
ابراهیم علیه‌السلام خداوند متعال را به حقّ محمد و آل محمد علیهم‌السلام سوگند  
داد و با توسّل به آن ذوات مقدّسه از خداوند متعال درخواست نمود تا او را  
نجات دهد و خداوند متعال نیز او را نجات داد که انشاءالله تعالی در بخش  
حدیث به آن اشاره خواهد شد.

پس از این‌که حضرت ابراهیم را به داخل آتش انداختند، آن حضرت به

محمد و آل محمد عليهم السلام توسل نمود و از خداوند متعال استمداد طلبید و اینجا بود که طبق آیه ۶۹ سوره انبیاء، خداوند متعال فرمود:

یا نارُ کونی بَرْدًا وَ سَلامًا عَلَی اِبْرَاهیمَ، یعنی:

خداوند متعال به آتش دستور داد که ای آتش:

به ابراهیم سرد و سلامت باش،

و پس از این دستور خداوند متعال بود که آتش برای حضرت ابراهیم تبدیل به گلستان شد.

این فرمان و دستور خداوند متعال به آتش، همان دستور و فرمان تکوینی است که خداوند متعال در جهان هستی به ماه و خورشید و زمین و سایر اشیاء موجود در جهان خلقت صادر می فرماید،

لذا وقتی مشیت و اراده خداوند متعال به این تعلق می گیرد که امری به وقوع بپیوندد، بلافاصله و بی درنگ آن امر محقق می شود،

و به عبارت دیگر:

وقتی اراده خداوند متعال چیزی را بخواهد و بفرماید کُنْ «موجود باش»، بلادرنگ آن موضوع محقق می شود.

به گفته بعضی از مفسرین اگر کلمه سلام در این آیه شریفه «آیه ۶۹ سوره انبیاء» بعد از کلمه بَرْد نمی آمد، آتش آنچنان سرد می شد که ممکن بود سرمای بیش از حد به حضرت ابراهیم علیه السلام آسیب برساند، لذا خداوند متعال به آتش فرمود: ای آتش، برای ابراهیم سرد و سلامت باش، یعنی سردی همراه با سلامت و بدون ضرر، لذا آتش برای حضرت ابراهیم سرد شد، لیکن کاملاً ملایم و مطبوع.<sup>۱</sup>

۱. مجمع البیان، جلد شانزدهم، صفحه ۱۳۷ تا ۱۴۲ «ذیل آیه ۶۹ سوره انبیاء».

المیزان، جلد بیست و هشتم، صفحه ۱۴۲ - ۱۵۵ «ذیل آیه ۶۹ انبیاء».

تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۴۶۸ تا ۴۹۰ «ذیل آیه ۵۱ تا ۶۹ سوره انبیاء».

## حدیث:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام به داخل آتش افکنده شد به خداوند

متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنْهَا، فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ

سَلَامًا، یعنی:

خداوندا:

از تو تقاضا می‌کنم و مسئلت می‌نمایم که به حق محمد و آل محمد

«علیهم السلام» مرا از آتش نجات دهی،

و به دنبال این دعا و درخواست حضرت ابراهیم علیه السلام بود که خداوند

متعال آتش را بر او سرد و سلامت گرداند.

این حدیث را معمر بن راشد از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

ملاحظه فرمودید که وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام به داخل آتش افکنده

شد، خداوند متعال را به حق محمد و آل محمد علیهم السلام سوگند داد و با

توسل به آن ذوات مقدسه از خداوند متعال درخواست نمود تا او را از آتش

نجات دهد، و خداوند متعال نیز به آتش دستور داد تا سرد و سلامت باشد و

بدین ترتیب خداوند متعال حضرت ابراهیم علیه السلام را نجات داد.

نکته قابل توجه این است که حضرت ابراهیم علیه السلام خداوند متعال را

به محمد و آل محمد علیهم السلام سوگند داد و با توسل به محمد و آل محمد

علیهم السلام از خداوند متعال استمداد طلبید، و ناگفته پیداست که وجود مقدس

۱. امالی صدوق، صفحه ۳۴۵، مجلس سی و نهم، حدیث ۴.

احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۹۷ و ۹۸، حدیث ۲۸ «احتجاج پیامبر اکرم با یهودیان».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۴۵۳ «ذیل آیه ۶۹ سوره انبیاء».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۳۴۷، حدیث ۵ «ذیل آیه ۶۹ سوره انبیاء».

تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۸۹۹، حدیث ۱۰۰ «حدیث ۷۱۴۷» «ذیل آیه ۶۹ سوره انبیاء».

صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها از آل محمد علیهم السلام می باشد، و بلکه آن حضرت بعد از حضرت امیر علیه السلام در صدر آل محمد و در صدر اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم واقع شده است، یعنی:

حضرت ابراهیم علیه السلام به فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش متوسل شد و خداوند متعال نیز به احترام آن ذوات مقدسه حضرت ابراهیم علیه السلام را از آتش نجات داد.

ملاحظه فرمودید که در قسمت اول بحث به توسل حضرت آدم علیه السلام به محمد و آل محمد علیهم السلام اشاره شد،

در قسمت دوم بحث به توسل حضرت ابراهیم علیه السلام به محمد و آل محمد علیهم السلام اشاره شد،

و اینک در قسمت سوم بحث به توسل حضرت موسی بن عمران علیه السلام به محمد و آل محمد علیهم السلام پرداخته می شود.

**۳- توسل پیدا کردن حضرت موسی به محمد و آل محمد علیهم السلام هنگام مشاهده سحر ساحران فرعون.**

خداوند متعال در آیات ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ سوره مبارکه طه می فرماید:

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى «آیه ۶۷»

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى «آیه ۶۸»

وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا «آیه ۶۹»

**ترجمه:**

حضرت موسی در دل خویش احساس ترس کرد «آیه ۶۷»

خداوند متعال می فرماید که به حضرت موسی گفتیم:

نترس که تو از آنها برتر و بالاتری «یعنی ای موسی، قطعاً و مسلماً تو پیروز می شوی» «آیه ۶۸».

خداوند متعال می فرماید که به حضرت موسی گفتیم:

آنچه را که در دست راست داری بیفکن «یعنی عصای خود را که در دست راست تو می باشد به زمین بینداز تا آنچه را که ساحران ساخته اند ببلعد» «آیه ۶۹»<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات

أَوْحَسَ = از ماده ایجاس، یعنی احساس پنهانی و درونی.

تَلَقَّفَ = از ماده لَقْفُ، یعنی بلعیدن.

خَيْفَةً = ترس، ترسیدن، حالتی که از ترس بر انسان عارض می شود.<sup>۲</sup>

در آیات قبل آمده که حضرت موسی برای اثبات نبوت خویش معجزاتی را به فرعون و اطرافیان فرعون نشان داد تا آنها به حقانیت حضرت موسی پی برده و به او ایمان بیاورند، لیکن این معجزات تأثیری در فرعون نداشت و فرعون به جای این که به حضرت موسی ایمان بیاورد به حضرت موسی گفت: ای موسی:

تو آمده ای که با سحر و جادوی خودت ما را از سرزمین و وطنمان بیرون کنی، ولی ما نیز سحر و جادویی مثل سحر و جادوی تو خواهیم آورد. فرعون در ادامه صحبت خویش به حضرت موسی گفت: جایی را به عنوان وعده گاه قرار بده تا ما و تو آنجا حاضر شده و سحر خود را به همدیگر نشان دهیم.

قرار شد در زمان و مکان معینی حضرت موسی و افراد فرعون جمع شده و

۱. مجمع البیان، جلد شانزدهم، صفحه ۴۵.

تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۲۶۱.

۲. تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۲۶۴ - ۲۶۵.

مفردات راغب.

سِحْر خودشان را به هم نشان دهند.

قابل ذکر است، آنچه که توسط حضرت موسی نشان داده می شد معجزه بود نه سحر، لیکن فرعون آن ها را سحر و جادو می پنداشت.

پس از این که حضرت موسی در موعد مقرر در محل حاضر شد، ساحران فرعون نیز در آنجا حاضر شده و به حضرت موسی گفتند:

ای موسی:

ابتدا تو شروع می کنی یا ما شروع کنیم؟

حضرت موسی به ساحران فرعون فرمود:

شما شروع کنید.

ساحران فرعون ریسمان ها و طناب ها و عصاهای خودشان را به زمین انداختند، و در اثر سحر ساحران چنان به نظر رسید که آن ریسمان ها و طناب ها و عصاها حرکت می کنند.

این ریسمان ها و طناب ها و عصاهایی که ساحران به زمین انداخته بودند در اثر سحر ساحران به صورت مارهای کوچک و بزرگ و با رنگ های مختلف به حرکت درآمدند.

پس از این قضیه «پس از این که طناب ها و ریسمان ها به چشم مردم به صورت مار دیده شدند»، ساحران فرعون احساس پیروزی نموده و خیال کردند که به حضرت موسی غلبه نموده اند.

در این حال غریب شادی و خوشحالی از فرعونیان برخاست، و در همین حال گروهی از حاضرین از ترس و وحشت شروع به فریاد نموده و از محل دور شدند، و در این هنگام بود که:

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى، یعنی:

حضرت موسی پس از دیدن منظره سحر ساحران «رؤیت شدن طناب ها به



صورت مارهای بزرگ و کوچک» در دل خویش احساس ترس کرد. ترس حضرت موسی از دیدن این منظره عجیب ترسی کاملاً درونی بود، یعنی حضرت موسی در دل خویش احساس ترس کرد. صاحب المیزان در تفسیر خویش ذیل این آیه شریفه می گوید: سحر ساحران فرعون به قدری عجیب و مهم بود که خداوند متعال در آیه ۱۱۶ سوره اعراف سحر ساحران فرعون را عظیم و بزرگ شمرده است، لذا: واقعاً حضرت موسی از دیدن سحر ساحران فرعون ترسید، لیکن این ترس هم خفیف بود و هم در دل، یعنی در ظاهر و در چهره حضرت موسی این ترس دیده نشد.

پس از این واقعه بود که خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى، یعنی:

ای موسی:

نترس «ترس به خودت راه نده»، تو مسلماً برتری، یعنی: تو غالب و پیروز می شوی و از هر جهت مافوق آنها هستی و برتر از آن ساحران می باشی، بنابراین:

ای موسی:

ترس به خودت راه نده، چرا که سحر ساحران فرعون و نقشه های شوم آنها به تو کاری نخواهد کرد.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال به حضرت موسی می فرماید:

وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا، یعنی:

ای موسی:

آنچه را که در دست راست داری «یعنی عصایی که به دست راست تو می باشد» به زمین بینداز تا همه آن ریسمانها و طنابها را که ظاهراً مثل مار

می‌باشند ببلعد، زیرا آن‌ها اجسام و مصنوعاتِ بیش نیستند و صانع «یعنی خداوند متعال» بر همه چیز غالب است.

خلاصه کلام این‌که:

یا موسی:

عصایی را که به دست داری به زمین بینداز تا آنچه را که سحر فرعون «ساحران فرعون» آورده‌اند ببلعد.

در آیات بعد آمده است که:

حضرت موسی طبق دستور خداوند متعال عصای خود را به زمین انداخت، و این عصا تبدیل به مار بزرگی شد و تمام اسباب و آلات ساحران را بلعید و اثری از آن طناب‌ها و ریسمان‌ها که به شکل مار درآمده بودند باقی نماند. پس از این معجزه حضرت موسی بود که سحره فرعون قبل از همه و قبل از دیگران در برابر حضرت موسی تسلیم شده و به سجده افتادند و گفتند:

ما به خدای موسی و هارون ایمان آوردیم «هارون، برادر و وصی حضرت موسی بود»، زیرا آن‌ها فهمیدند کاری که حضرت موسی انجام داد کاری بود که از عهده بشر خارج است، لذا وقتی که فرعون آن‌ها را تهدید به مرگ نمود آن‌ها به فرعون گفتند:

ما هرگز تو را به موسی و ادله موسی که حاکی از حَقَّانیت او است و نبوت او را اثبات می‌کند ترجیح نمی‌دهیم، چرا که موسی معجزه‌ای کرد و معجزه‌ای نشان داد که انجام آن از قدرت انسان خارج است.<sup>۱</sup>

ملاحظه فرمودید که وقتی حضرت موسی علیه‌السلام سحر ساحران فرعون را دید در دل خویش احساس ترس نمود «ترسی خفیف و درونی».

۱. مجمع‌البیان، جلد شانزدهم، صفحه ۳۷ تا ۴۳ - ۴۶ و ۴۷.

المیزان، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۷۳ تا ۲۷۵.

تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۲۷۶ تا ۲۷۱.

انشاء الله تعالى در بخش حديث ملاحظه خواهيد فرمود که وقتی حضرت موسی از سحر ساحران فرعون ترسيد به محمد و آل محمد عليهم السلام متوسل شد و خداوند متعال را به حق محمد و آل محمد عليهم السلام سوگند داد و خداوند متعال نیز ترس او را برطرف کرد و او را بر فرعون و سحره فرعون پیروز نمود.

### حديث اول:

وجود مقدس امام صادق عليه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

وقتی حضرت موسی آن منظره را دید «سحر ساحران فرعون»، و به دستور خداوند متعال عصای خویش را به زمین انداخت در دلش ترس افتاد، لذا به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَمِنْتَنِي، یعنی:

خداوندا:

به حق محمد و آل محمد «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم عليهم السلام که حضرت زهرا سلام الله عليها نیز یکی از آن ذوات مقدسه می باشد» از تو درخواست می کنم و مسئلت می نمایم که دلم را آرامش بخشی «مرا ایمن بداری و آسوده خاطر سازی».

پس از این درخواست و تقاضای حضرت موسی بود که خداوند متعال به او فرمود:

لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى، یعنی:

ای موسی:

نترس «ترس به خودت راه نده» که تو از هر جهت مافوق آنها هستی و از آنها برتر و بالاتر می باشی، و مسلماً تو پیروز می شوی و به آنها غالب می گردی.

این حدیث را معمر بن راشد از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث دوم:

وجود مقدس امام عسکری علیه السلام فرمودند:

وقتی حضرت موسی علیه السلام برای قوم خویش از خداوند متعال آب طلب نمود تا قومش از تشنگی از بین نروند به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ،  
وَبِحَقِّ عَلِيِّ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ،  
وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ،  
وَبِحَقِّ الْحَسَنِ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ،  
وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ،  
وَبِحَقِّ عَثْرَتِهِمْ وَخُلَفَائِهِمْ سَادَةِ الْأَزْكَيَاءِ لَمَّا سَقَيْتَ عِبَادَكَ هَؤُلَاءِ،  
فَاَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ:

یا موسی:

أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا، یعنی:

وقتی حضرت موسی برای قومش از خداوند متعال آب طلب نمود تا قومش در بیابان از تشنگی از بین نروند به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

به حق حضرت محمد که سید و سرور پیامبران است،

و به حق علی بن ابیطالب که سید و سرور اوصیاء است،

و به حق فاطمه که سیده و بانوی بانوان عالم است،

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۹۷، حدیث ۲۸ «احتجاج پیامبر اکرم بر یهودیان».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۳۹۳ «ذیل آیات ۹۷ تا ۶۹ سوره طه».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۲۶۱، حدیث ۲ «ذیل آیات ۶۷ تا ۶۹ سوره طه».

تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۷۸۵، حدیث ۸۳ «حدیث ۶۹۳۳» «ذیل آیات ۶۷ تا ۶۹ سوره طه».

و به حقّ حسن که سیّد و سرور اولیاء است،  
و به حقّ حسین که سیّد و سرور همه شهیدان است،  
و به حقّ عترت و اهل بیت این بزرگواران و به حقّ اوصیاء این بزرگواران  
«یعنی به حقّ نه امام معصوم از نسل امام حسین علیه السّلام» سوگند می‌دهم که  
این بندگان را سیراب نما.  
پس از این توسّل و تقاضای حضرت موسی، خداوند متعال به حضرت  
موسی وحی فرمود که ای موسی:  
عصای خود را بر آن سنگ بزن «با عصایت به سنگ بزن»، و حضرت موسی  
طبق دستور خداوند متعال با عصای خویش بر سنگ زد و ناگهان آب از آن  
سنگ جوشیدن گرفت و دوازده چشمه آب «درست به تعداد قبائل بنی اسرائیل»  
از آن با سرعت و شدّت جاری شد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

پس از آن که حضرت موسی بنی اسرائیل را از دریا عبور داد و آنها را از چنگال  
فرعون و فرعونیان نجات داد، خداوند متعال به آنها دستور داد تا به سوی  
سرزمین فلسطین حرکت کنند و وارد آن شوند، لیکن بنی اسرائیل از دستور الهی  
سریچی کرده و گفتند تا ستمکاران «یعنی قوم عمالقه» از آنجا بیرون نروند ما  
وارد این سرزمین نخواهیم شد، حتّی به این هم اکتفا نکردند بلکه به حضرت  
موسی گفتند:

تو و خدایت به جنگ آنها بروید، پس از آنکه پیروز شدید ما وارد خواهیم  
شد.

حضرت موسی از این سخن بنی اسرائیل سخت ناراحت شد و به همین جهت

۱. تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۳۳۱ تا ۳۳۶، حدیث ۱ «ذیل آیه ۶۰ سوره بقره».  
اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی، جلد سوّم، فصل ۴۳، صفحه ۶۷، حدیث ۷۴۹.

به خداوند متعال شکایت کرد، و نتیجه این شد که مقرر گردید قوم بنی اسرائیل به مدّت چهل سال در این صحرا و بیابان «صحرای سینا» سرگردان بمانند. چون قوم بنی اسرائیل مدّت حدود چهل سال در این بیابان سرگردان بودند، این صحرا و بیابان به نام بیابان «تیه» نامیده شده است.<sup>۱</sup>

«تیه» = سرگردانی، بیابان بی آب و علف که در آن سرگردان شوند.

وقتی قوم بنی اسرائیل در بیابان تیه تشنه بودند و در معرض نابودی قرار داشتند حضرت موسی از خداوند متعال برای قوم خویش آب درخواست نمود تا قومش از تشنگی از بین نروند که آیه ۶۰ سوره بقره به این موضوع اشاره می فرماید. خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

وَ إِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ كُلُّوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ،  
یعنی:

به یاد آورید و به خاطر بیاورید زمانی را که موسی «در آن بیابان خشک و سوزان که قومش یعنی بنی اسرائیل از جهت آب سخت در مضیقه بودند و در معرض از بین رفتن بودند» از خداوند متعال برای قومش تقاضای آب کرد، و خداوند متعال نیز تقاضای موسی را قبول نموده و فرمود:

ما به موسی دستور دادیم عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن، و حضرت موسی نیز طبق دستور خداوند متعال عصای خویش را بر آن سنگ زد و ناگهان آب از آن سنگ جوشیدن گرفت و دوازده چشمه آب، درست به تعداد قبائل بنی اسرائیل از آن با سرعت و شدّت جاری شد، و هر یک از این چشمه ها به سوی قبیله ای از قبائل دوازده گانه بنی اسرائیل سرازیر شد، به گونه ای که قبائل بنی اسرائیل هر کدام به خوبی چشمه خود را می شناختند.

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۳۱۲ تا ۳۱۴ «ذیل آیه ۵۷ سوره بقره».

در انتهای آیه شریفه خداوند متعال به بنی اسرائیل می فرماید:

از روزی و رزق خداوند متعال بخورید و بیاشامید، اما در روی زمین فساد و خرابی نکنید.<sup>۱</sup>

حدیث شریفی که از وجود مقدّس امام عسکری علیه السّلام نقل شد اشاره به آیه ۶۰ سوره بقره دارد که قوم موسی یعنی بنی اسرائیل در بیابان بی آب و علف و گرم و سوزان «تیه» سرگردان بودند و اگر آب به آن‌ها نمی رسید همگی از بین می رفتند.

در این حال حضرت موسی علیه السّلام از خداوند متعال تقاضای آب نمود تا قومش از تشنگی از بین نروند،

لیکن حضرت موسی علیه السّلام بدون واسطه از خداوند متعال تقاضای آب نمود، بلکه همانطور که در حدیث شریف ملاحظه فرمودید به وجود مقدّس خمسه طیّبه، یعنی به وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و دو پسر عزیزش و نه امام معصوم از نسل و ذریّه فرزندش امام حسین علیهم السّلام متوسّل شد و خداوند متعال را به آن ذوات مقدّسه سوگند داد و سپس تقاضای آب نمود، و خداوند متعال نیز درخواست و تقاضای حضرت موسی را قبول نمود و به او فرمود تا عصای خویش را بر سنگ بزند و او نیز طبق دستور عمل نمود، و در نتیجه به جای یک چشمه آب دوازده چشمه به تعداد قبائل بنی اسرائیل از آن سنگ جوشیدن گرفت و با سرعت و شدّت جاری شد و همه افراد قبائل دوازده گانه بنی اسرائیل سیراب شدند و مشکل بی آبی در این بیابان خشک و سوزان و بی آب و علف برای قوم بنی اسرائیل به طور کامل مرتفع گردید.

**مناجات موسی بن عمران با خداوند متعال:**

۱. تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۳۲۴ تا ۳۲۶ «ذیل آیه ۶۰ سوره بقره».

حضرت موسی در حال مناجات با خداوند متعال بود که از ناحیه خداوند متعال به موسی خطاب شد:

ای موسی:

من نماز کسی را قبول نمی کنم مگر این که:

۱. به خاطر عظمت من به من تواضع کند.

۲. قلباً از من بترسد.

۳. روزش را با ذکر من به پایان برساند.

۴. به گناهان اصرار نورزد.

۵. حق اولیاء و دوستان مرا بشناسد.

حضرت موسی به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

منظور شما از اولیاء و احبّاء «دوستان»، حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب

است؟

خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

ابراهیم و اسحاق و یعقوب اولیاء و احبّاء من هستند، لیکن منظور من کسی

است که به خاطر او آدم و حوّا را خلق کردم و بهشت و جهنّم را آفریدم.

حضرت موسی به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

آن شخص کیست؟

خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

آن شخص محمّد است، آن شخص احمد است، که من نام او را از نام خودم

مشتق نمودم،

چون نام من محمود است لذا نام او را محمّد گذاشتم.



حضرت موسی به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

مرا از اَمّت محمّد قرار بده.

خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

یا مؤسی:

أَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ إِذَا عَرِفْتَ مَنَزِلَتَهُ وَ مَنَزِلَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ، یعنی:

ای موسی:

اگر تو مقام و منزلت او «حضرت محمّد» و اهل بیت او را بشناسی جزو اَمّت او هستی «زمانی در زمره اَمّت حضرت محمّد محسوب می‌شوی که مقام و منزلت حضرت محمّد و اهل بیت او را بشناسی».

خداوند متعال در ادامه فرمایش خویش به حضرت موسی فرمود:

ای موسی:

هرکس آن‌ها را بشناسد «حضرت محمّد و اهل بیتش را» و به حقوق آن‌ها آگاه باشد، من برای آن شخص:

هنگام جاهل بودن علم می‌دهم،

و هنگام تاریکی نور،

و قبل از این که از من چیزی بخواهد حاجتش را روا می‌کنم،

و قبل از سؤال هر چه لازم دارد به وی اعطا می‌کنم.

این حدیث شریف را حفص بن غیاث نخعی قاضی از وجود مقدّس امام

صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. امالی صدوق، صفحه ۱۰۴۱، مجلس نود و پنجم، حدیث ۲.

کلیات حدیث قدسی «ترجمه جواهر السنیه» تألیف شیخ حرّ عاملی، باب هفتم، احادیثی درباره حضرت موسی،

صفحه ۱۰۱ و ۱۰۲، حدیث ۸۸ - ۴۸.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۵ - ۴۰۶.

## توضیح:

اولین فضیلتی که در این کتاب شریف فاطمی سلام الله علیها مورد بحث قرار گرفت موضوع عصمت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها بود، و به عرض رسید که خداوند متعال به آن حضرت و به پدر بزرگوارش و به شوهر گرانقدرش و به یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش مقام عصمت اعطا فرموده است، همچنین:

چندین حدیث از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شد که مقصود از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن و امام حسین سلام الله علیهما و نه امام معصوم از نسل امام حسین علیه السلام می باشند که خداوند متعال به آنها مقام عصمت اعطا فرموده است.

در این حدیث شریف قدسی که از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل شد ملاحظه فرمودید که حضرت موسی از خداوند متعال تقاضا و مسئلت نمود تا او را از امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار دهد، و خداوند متعال نیز به حضرت موسی فرمود:

ای موسی:

اگر تو مقام و منزلت حضرت محمد و اهل بیت او را بشناسی در زمره امت او خواهی بود، یعنی:

ای موسی:

اگر تو مقام و منزلت حضرت محمد و حضرت علی و حضرت فاطمه و یازده امام معصوم از نسل و ذریه آنها را بشناسی در زمره امت حضرت محمد هستی. عنایت بفرمایید، حضرت موسی از پیامبران اولوالعزم است و بعد از وجود

مقدّس پیامبر اکرم به همراه حضرت نوح و ابراهیم و عیسی افضل از همه انبیاء می باشد، و خداوند متعال به حضرت موسی با این مقام و منزلت می فرماید که اگر مقام و منزلت پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت را بشناسد، در این صورت در زمره امت پیامبر اکرم خواهد بود.

پس از اشاره به توسّل حضرت موسی علیه السلام به محمّد و آل محمّد علیهم السلام، می پردازیم به موضوع توسّل حضرت نوح به پیامبر اکرم و اهل بیت گرانقدر آن حضرت.

۴- توسّل پیدا کردن حضرت نوح به محمّد و آل محمّد علیهم السلام هنگام مواجه شدن با امواج خروشان، و درخواست نمودن از خداوند متعال تا آنها را از غرق شدن نجات دهد.

خداوند متعال در آیه ۴۲ سوره هود می فرماید:

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

آن کشتی «کشتی حضرت نوح»، حضرت نوح و همراهانش را در میان امواجی که بزرگی آنها به اندازه کوه بود «مثل کوهها بود» به حرکت درمی آورد «حرکت می داد».<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات

هِيَ = اشاره به کشتی حضرت نوح می باشد «اشاره به سفینه نوح».

جَبَلٌ = کوه.

جمع جَبَلٌ می شود جِبَالٌ.

سَفِينَةٌ = کشتی.

جمع سفینه می شود سَفَائِنٌ، سُنْفُنٌ.

جَرَى = حرکت تند و سریع!

در سوره هود، خداوند متعال برای بیدار ساختن افکار عمومی و توجّه دادن به واقعیّات زندگی و سرنوشت شوم گنهکاران، قسمت‌های قابل ملاحظه‌ای از تاریخ انبیاء پیشین را بیان فرموده است.

آیات ۲۵ تا ۴۸ سوره هود در رابطه با حضرت نوح و رسالت آن حضرت و نافرمانی امتش و گرفتار شدن آنها می‌باشد، و در این آیات شریفه بیان شده که چگونه طوفان نوح همه آنها را غرق کرد و به هلاکت رساند «به استثناء عدّه قلیلی که به حضرت نوح ایمان آورده بودند و به همراه حضرت نوح سوار کشتی شده بودند».

حضرت نوح علیه‌السلام مدّت نهصد و پنجاه سال مردم را به طرف توحید و یکتاپرستی دعوت کرد، لیکن طیّ این مدّت عدّه کمی به آن حضرت ایمان آوردند، و طبق آنچه که در برخی از روایات آمده تعداد ایمان آورندگان به آن حضرت که همراه با او سوار کشتی شده و از آن طوفان وحشتناک نجات یافتند هشتاد نفر و یا حتّی کمتر از هشتاد نفر بودند.

حضرت نوح از هر فرصتی برای هدایت امتش بهره می‌برد، لیکن آنها ایمان نمی‌آوردند.

در آیات پنجم تا نهم سوره نوح آمده که:

حضرت نوح به خداوند متعال عرض می‌کند:

خداوندا:

من قوم خودم را شب و روز به سوی تو خواندم «دعوت کردم» «آیه ۵» اما

دعوت من چیزی جز فرار از حق بر آنها نیفزود «آیه ۶».

من هر زمان آن‌ها را دعوت کردم تا تو آن‌ها را بیمارزی، آن‌ها انگشتان خویش را در گوش‌های خودشان و لباس‌هایشان را بر خود پیچیدند «تا صدای حق را نشنوند و چهره حضرت نوح را نبینند»، و در مخالفت کردن و ایمان نیاوردن اصرار ورزیدند و استکبار نمودند «آیه ۷» سپس من با صدای بلند آن‌ها را به اطاعت تو دعوت کردم «یعنی دست از دعوت برنداشتم و با صدای بلند آن‌ها را به سوی تو دعوت کردم» «آیه ۸» در دعوت خودم اصرار داشتم و به صورت آشکار و نهان مردم را به سوی تو دعوت کردم و حقیقت توحید و ایمان را به آن‌ها بیان نمودم «آیه ۹» علیرغم این همه تلاش و کوشش حضرت نوح، امتش او را تکذیب نموده و حتی حضرت نوح را تهدید می‌کردند که اگر دست از دعوت خود برنداری تو را سنگسار می‌کنیم.

در آیه ۹ سوره قمر و در آیه ۱۱۶ سوره شعرا آمده که:

قوم نوح پیامبر خویش یعنی حضرت نوح را تکذیب کرده و گفتند که نوح دیوانه است، و سپس با انواع آزارها و شکنجه‌ها آن حضرت را از ادامه رسالتش منع نمودند «باز داشتند» «آیه ۹ سوره قمر».

مردم به حضرت نوح می‌گفتند که اگر دست از کار خود برنداری سنگباران خواهی شد «آیه ۱۱۶ سوره شعراء».

هنگامی که حضرت نوح از هدایت مردم به کلی مأیوس شد، به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

من مغلوب شده‌ام «این گروه طاغی و مجرم بر من غلبه کردند»، پس انتقام مرا از آن‌ها بگیر و مرا بر آن‌ها پیروز کن «آیه ۱۰ سوره قمر»،

خداوندا:

بین من و آن‌ها «بین من و مردم مجرمی که ایمان نمی‌آورند» جدایی بیفکن،

و مرا و مؤمنینی را که با من هستند نجات بده و رهایی ببخش «آیه ۱۱۸ سوره شعراء»،

خداوندا:

لَا تَدْرُ عَلَيَّ الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا «آیه ۲۶ سوره نوح»، یعنی:

خداوندا:

أَحَدِي از کافران را روی زمین زنده مگذار.

پس از این که امیدی به اصلاح و هدایت مردم باقی نماند، حضرت نوح به دستور خداوند متعال مشغول غرس هسته خرما شد «کاشتن هسته خرما».

وقتی مردم، حضرت نوح را در حال کاشتن هسته خرما «یا کاشتن نهال‌هایی» می‌دیدند آن حضرت را مسخره کرده و به او می‌گفتند:

ای نوح:

تا امروز پیامبر بودی حالا باغبان شده‌ای.

وقتی این هسته‌های خرما «وقتی این نهال‌ها» به درختان تنومندی تبدیل شدند، حضرت نوح به دستور خداوند متعال آن‌ها را قطع کرد و مشغول ساختن کشتی شد.

وقتی مردم این صحنه را می‌دیدند به حضرت نوح می‌گفتند:

ای نوح:

اول پیامبری بودی،

آنگاه باغبان شدی،

و حالا نجار شده‌ای و کشتی می‌سازی، و سپس با تمسخر به آن حضرت می‌گفتند:

ای نوح:

تو در خشکی کشتی می‌سازی، پس کجا آن را به آب خواهی انداخت، و

حضرت نوح نیز در پاسخ به استهزاء و تمسخر آنها به آنها می فرمود:  
اگر ما را مسخره می کنید ما نیز همین گونه شما را مسخره خواهیم کرد، و به  
زودی خواهید دانست که عذاب خوارکننده سراغ چه کسی خواهد آمد، و چه  
کسی گرفتار عذاب ابدی خواهد شد.

وقتی کشتی ساخته شد، خداوند متعال به حضرت نوح دستور داد که:  
اهل بیت و خاندانت را غیر از همسر و یکی از پسرانت، همچنین مؤمنین  
از امتت را سوار کشتی نما «در روایات آمده که این مؤمنین، هشتاد نفر یا کمتر  
از هشتاد نفر بوده اند».

وقتی که حضرت نوح و اهل بیتش «غیر از همسر و یک پسرش به نام  
کنعان» و آن عده قلیل از مؤمنین سوار کشتی شدند، به دستور خداوند متعال  
آب از آسمان شروع به باریدن نمود و از زمین نیز فوران کرد و همه جا را آب  
فراگرفت و سفینه نوح «کشتی نوح» بر روی آب قرار گرفت در حالی که امواج  
خروشانی به بزرگی کوهها در آن دیده می شد که آیه ۴۲ سوره هود به آن اشاره  
نموده و می فرماید:

و هِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ، یعنی:

آن کشتی «کشتی حضرت نوح»، حضرت نوح و همراهانش را در میان  
امواجی که بزرگی آنها به اندازه کوه بود «مثل کوهها بود» به حرکت درمی آورد  
«حرکت می داد».

وقتی که خداوند متعال به حضرت نوح دستور داد تا به همراه اهل بیت  
خویش و مؤمنین از امتش سوار کشتی شوند، حضرت نوح به اهل بیت خویش  
«غیر از همسر و یکی از پسرانش» و حدود هشتاد نفر از مؤمنین امتش فرمود:  
با نام خداوند متعال سوار کشتی شوید که خداوند متعال آمرزنده و مهربان است.  
وقتی حضرت نوح و اهل بیتش و حدود هشتاد نفر از مؤمنین امتش سوار

کشتی شدند، این کشتی به حرکت درآمد و بر روی آب قرار گرفت، در روی آب‌هایی که امواجی به بزرگی کوه‌ها در آن دیده می‌شد.

تشبیه امواج به کوه‌ها حاکی از عظمت امواج و بزرگی آن‌ها می‌باشد. این‌که امواج به کوه‌ها تشبیه شده و در این آیه شریفه «آیه ۴۲ سوره هود» کوه به صورت جمع ذکر شده «یعنی جبال ذکر شده نه جَبَل» به‌خاطر این است که:

امواج متعدّد و فراوانی به بزرگی کوه‌ها تشکیل می‌شد، و در همین حال کشتی حضرت نوح با سرنشینانش امواج کوه‌پیکر را می‌شکافت و به جلو می‌رفت.

پس از این‌که همه کفار و مخالفین حضرت نوح و مسخره‌کنندگان آن حضرت غرق شده و به هلاکت رسیدند، به دستور خداوند متعال بارندگی قطع شد و زمین آب‌ها را در خود فروبرد و طوفان نوح خاتمه یافت و سفینه نوح به آرامی بر دامنه کوه جودی پهلو گرفت.

قابل ذکر است بزرگی و عظمت امواج خروشان به حدّی بود که حضرت نوح به محمّد و آل محمّد علیهم‌السّلام، یعنی به پیامبر اکرم و حضرت امیر و فاطمه زهرا سلام‌الله علیهم اجمعین و یازده امام معصوم از نسل و ذریه آن بزرگواران متوسّل شد و خداوند متعال را به آن ذوات مقدّسه سوگند داد تا از غرق شدن نجات پیدا کند، و خداوند متعال نیز دعای او را مستجاب فرمود و مانع غرق شدن آن‌ها گردید که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.<sup>۱</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۳۸ تا ۷۲ «ذیل آیه ۲۵ تا ۴۸ سوره هود».

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۱۵، ۹۱ تا ۱۵۱ «ذیل آیه ۲۵ تا ۴۸ سوره هود».

المیزان، جلد بیستم، صفحه ۱۰ و ۱۱، ۵۰، ۶۰، ۸۳ و ۸۴ تا ۹۱ «ذیل آیه ۲۵ تا ۴۸ سوره هود».

تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۴۴۶ تا ۴۶۹ «ذیل آیه ۲۵ تا ۴۸ سوره هود».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۱۶۵، حدیث ۱۶ «ذیل آیه ۳۶ تا ۴۹ سوره هود».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۴۷۵، حدیث ۷۷ «حدیث ۴۶۸۲» «ذیل آیه ۴۰ سوره هود».



حدیث:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی که حضرت نوح سوار سفینه شد «سوار کشتی شد» و آن امواج خروشان را دید، از غرق شدن ترسید و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا اَنْجَيْتَنی مِنَ الْغَرَقِ، فَتَجَاهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ،

یعنی:

خداوندا:

به حقّ محمد و آل محمد علیهم السلام «یعنی به حقّ چهارده معصوم علیهم السلام» از تو درخواست می‌کنم و مسئلت می‌نمایم که مرا از غرق شدن نجات دهی، و خداوند عزّوجلّ نیز او را نجات داد.<sup>۱</sup>

۵- توسّل پیدا کردن حضرت یوسف به محمد و آل محمد علیهم السلام جهت نجات پیدا نمودن از داخل چاه، و جهت بیرون آمدن از زندان:

خداوند متعال در آیه ۱۵ سوره یوسف می‌فرماید:

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَ اجْمَعُوا اَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَةِ الْجُبِّ وَ اَوْحَيْنَا اِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِاَمْرِهِمْ هَذَا

وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ، یعنی:

خداوند متعال می‌فرماید:

هنگامی که برادران حضرت یوسف او را با خود بردند و تصمیم گرفتند حضرت یوسف را در مخفی‌گاه چاه قرار دهند، ما به او وحی کردیم که برادرانت را در آینده از این کارشان مطلع خواهی ساخت، درحالی که آنها نمی‌دانند «در حالی که آنها تو را نمی‌شناسند».<sup>۲</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد سوّم، صفحه ۴۵۸ «ذیل آیه ۴۲ سوره هود».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوّم، صفحه ۴۸۹، حدیث ۱۱۰ «حدیث ۴۷۱۵» «ذیل آیه ۴۲ سوره هود».

۲. تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۴۰۴، ۴۰۶.

## شرح لغات و توضیحات

جُبّ = چاه «چاهی که بدنه و اطراف آن سنگ چین نشده باشد».

غِیَابَتْ = مخفی گاه داخل چاه که از نظرها پنهان است.

معمولاً در چاه‌های مناطق بیابانی در قعر چاه و نزدیک سطح آب و در بدنه داخل چاه محل کوچک طاقچه مانندی درست می‌کردند که اگر کسی به پایین چاه و به قعر چاه می‌رفت می‌توانست روی آن بنشیند و ظرفی را که به همراه داشت پر از آب نماید بدون این‌که خودش داخل آب شود،

طبعاً وقتی از بالای چاه نگاه شود این محل درست پیدا نیست.<sup>۱</sup>

حضرت یعقوب دوازده پسر داشت که کوچک‌ترین آن‌ها یوسف و بنیامین نام داشتند که از یک مادر بودند، و مادر آن‌ها راحیل نام داشت که از دنیا رفته بود «طبق بعضی از نقل‌ها».

حضرت یعقوب نسبت به این دو پسر مخصوصاً نسبت به حضرت یوسف محبت بیشتری نشان می‌داد، زیرا:

این دو پسر کوچک‌ترین فرزندان حضرت یعقوب بودند و طبعاً نیاز به حمایت و محبت بیشتری داشتند،

همچنین به علت نداشتن مادر نیازمند به محبت بیشتری بودند،

ضمن این‌که در چهره و رفتار حضرت یوسف آثار و علائمی نمودار بود که او را از دیگران ممتاز می‌نمود.

همین ابراز علاقه و ابراز محبت حضرت یعقوب به این دو برادر و مخصوصاً به حضرت یوسف باعث حسادت سایر برادران شد، لذا تصمیم گرفتند که حضرت یوسف را از بین ببرند، و یا کاری کنند که او از حضرت یعقوب دور شود.

برادران حضرت یوسف برای این‌که طرح خود را عملی نمایند به نزد

۱. تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۳۸۶ «ذیل آیه ۱۰ سوره یوسف».  
مفردات راغب.

پدرشان حضرت یعقوب رفته و از او خواستند تا اجازه بدهد تا یوسف را جهت گردش و تفریح با خودشان به صحرا ببرند، و نهایتاً موفق شدند اجازه حضرت یوسف را از پدرشان حضرت یعقوب گرفته و او را با خودشان به صحرا ببرند.

برادران حضرت یوسف وقتی او را به صحرا بردند او را به داخل چاه انداختند «در مخفی گاه چاه قرار دادند» که در آیه ۱۵ سوره یوسف و آیات بعد به آن اشاره شده است که ذیلاً ملاحظه می فرمایید.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۵ سوره یوسف» می فرماید:

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَ اجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ = هنگامی که برادران حضرت یوسف او را با خودشان به صحرا بردند و به اتفاق آراء تصمیم گرفتند تا او را داخل مخفی گاه چاه قرار دهند.

جواب جمله محذوف است، یعنی:

برادران حضرت یوسف آنچه را که قصد داشتند انجام دادند، یعنی حضرت یوسف را داخل مخفی گاه چاه گذاشتند.

قابل ذکر است که:

نقشه برادران یوسف ابتدا این بود که می خواستند او را بکشند و به قتل برسانند، لیکن به پیشنهاد بعضی از برادران تصمیمشان عوض شد و قرار بر این شد تا او را داخل چاه و در مخفی گاه چاه بگذارند «به جای پرتاب کردن داخل چاه» تا یوسف کشته نشود، بلکه به دست افراد یکی از کاروان های عبوری بیفتد و زنده بماند.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می فرماید:

وَ اَوْحَيْنَا اِلَيْهِ لَنْبِتْنَهُمْ بِاَمْرِهِمْ هَذَا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ = در این هنگام «زمانی که حضرت یوسف داخل چاه بود» به حضرت یوسف وحی کردیم و او را دلداری

دادیم و به او فرمودیم که:

ای یوسف:

غم منخور و ناراحت نباش، زیرا:

روزی فرا می‌رسد که برادرانت را از نقشه شومی که بر علیه تو کشیده‌اند آگاه خواهی ساخت در حالی که آن‌ها تو را نمی‌شناسند.

این قسمت از آیه شریفه اشاره به زمانی است که حضرت یوسف در مصر به قدرت رسیده و در اوج عزت و اقتدار است، و برادرانش در نهایت تواضع و فروتنی خدمت حضرت یوسف آمده‌اند تا در آن قحط‌سالی از برادر خویش کمکی دریافت نمایند در حالی که حضرت یوسف را نمی‌شناختند، لیکن حضرت یوسف برادرانش را می‌شناخت.

قابل ذکر است که:

زمانی که حضرت یوسف توسط برادرانش در داخل چاه قرار گرفت هفت سال و یا نه سال سن داشته است، و در بعضی از اقوال آمده که دوازده سال سن داشته است.

برخی از مفسرین معتقدند که وقتی داخل چاه به حضرت یوسف وحی شد، وحی نبوت بوده، همچنان‌که به حضرت عیسی و یحیی نیز در زمان کودکی وحی می‌شد.

برخی از مفسرین نیز معتقدند که این وحی، الهامی از ناحیه خداوند متعال به حضرت یوسف بود تا باعث آرامش خیال او شود و بداند که خداوند متعال حافظ و نگهبان او است.<sup>۱</sup>

یکی دو روز پس از قرار گرفتن حضرت یوسف در داخل چاه، کاروانی که از آن محل عبور می‌کرد به نزدیک آن چاه آمد و فردی از افراد کاروان دَلُو

۱. تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۳۶۷ - ۳۸۲ و ۳۸۳ - ۴۰۶ و ۴۰۷ «ذیل آیه چهارم تا دهم و ذیل آیه پانزدهم سوره یوسف».

خویش را داخل چاه نمود تا آب تهیّه نماید، و در همین حال وقتی حضرت یوسف دَلُو را دید آن را گرفت، و وقتی فرد مأمور تهیّه آب دَلُو را بالا کشید با کمال تعجّب مشاهده کرد که کودک و یا یک نوجوان زیبایی به دَلُو چسبیده و بالا آمده است.

این که حضرت یوسف در داخل چاه چه دعایی کرد و خداوند متعال را به چه افرادی سوگند داد که خداوند متعال او را اینگونه حفظ کرد و نجات داد انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

داستان حضرت یوسف در سوره یوسف به طور مفصّل بیان شده، لیکن خلاصه داستان این است که:

وقتی افراد کاروان، حضرت یوسف را از چاه بیرون آوردند او را همراه خودشان به مصر بردند و در معرض فروش قرار دادند و عزیز مصر «همسر زلیخا» او را خرید و به منزل برد و به زلیخا سفارش کرد تا از یوسف به خوبی نگهداری کند.

حضرت یوسف در منزل عزیز مصر زندگی می کرد و رشد می نمود تا به حدّ رشد رسید و جوان بالغی گردید، و در همین حال زلیخا «همسر عزیز مصر» دلباخته او شد و خواست با یوسف ارتباط برقرار نماید، لیکن حضرت یوسف از این کار امتناع نمود و نهایتاً عزیز مصر و زلیخا تصمیم گرفتند تا او را به زندان بیندازند تا مردم خیال کنند که یوسف گنهکار بوده نه همسر عزیز مصر. به هر حال حضرت یوسف به زندان انداخته شد «درباره سالهای زندان حضرت یوسف مطالب مختلفی گفته شده است، لیکن هفت سال و به قولی دوازده سال حضرت یوسف در زندان بوده است».

زمانی که حضرت یوسف در زندان بود با دو جوان از غلامان دربار آشنا شد که آنها نیز زندانی شده بودند.

آن دو غلام خوابی دیده بودند و حضرت یوسف خواب آن دو نفر را تعبیر نمود و به یکی از آنها گفت که به زودی به دار آویخته خواهد شد و کشته خواهد گردید،

و به دیگری گفت که به زودی از زندان آزاد خواهد شد و به پیاله گردانی در دربار شاه مشغول خواهد شد «ساقی شدن در دربار و شراب دادن به شاه و درباریان».

پس از گذشت چند سال از زندانی شدن حضرت یوسف و پس از گذشت مدّتی از آزاد شدن یکی از دو غلام و ساقی شدن در دربار شاه، فرعون مصر «پادشاه مصر» خوابی دید، و چون هیچ کس قادر به تعبیر خواب او نبود لذا با راهنمایی ساقی و پیاله گردان دربار که یوسف را می شناخت و در زندان با او آشنا شده بود و می دانست که یوسف تعبیر خواب می داند، به همین جهت حضرت یوسف را از زندان بیرون آوردند تا خواب فرعون مصر را تعبیر نماید. به هر حال حضرت یوسف خواب فرعون مصر را تعبیر نمود و نهایتاً توسط فرعون مصر عزیز مصر شد، و این لقب «عزیز مصر» به کسی اختصاص پیدا می کرد که به سمت صدارت مصر منصوب می شد، یعنی وزیر فرعون مصر.<sup>۱</sup> این که حضرت یوسف در داخل زندان چه دعایی کرد و به چه افرادی توسّل پیدا نمود و خداوند متعال را به چه افرادی سوگند داد تا خداوند متعال او را از زندان نجات دهد انشاء الله تعالی در بخش بعدی بیان خواهد شد.

### حدیث اول:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی که برادران حضرت یوسف او را داخل چاه قرار دادند، جبرئیل

۱. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۲۶ «ذیل آیه ۹۳ تا ۱۰۲ سوره یوسف».  
تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۴۱۹ تا ۴۲۴-۴۷۷ «ذیل آیه ۱۹ تا ۲۴ و ۳۵ تا ۳۸ سوره یوسف».

عليه السلام بر حضرت يوسف نازل شد و به او گفت:

ای پسر:

چه کسی تو را در چاه قرار داد؟

حضرت يوسف به جبرئیل گفت:

برادرانم مرا داخل چاه قرار دادند، زیرا به خاطر منزلتی که من نزد پدرم داشتم

آن‌ها به من حسد می‌ورزیدند.

جبرئیل به حضرت يوسف گفت:

آیا می‌خواهی از چاه بیرون بیایی؟

حضرت يوسف به جبرئیل گفت:

با خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب است که اگر بخواهد مرا نجات خواهد

داد «حضرت يوسف فرزند حضرت یعقوب است، حضرت یعقوب فرزند

حضرت اسحاق می‌باشد، و حضرت اسحاق فرزند ابراهیم است».

جبرئیل به حضرت يوسف گفت:

خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب می‌فرماید که این کلمات را بگو، و

اینگونه دعا کن تا نجات پیدا کنی.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَ مَخْرَجًا وَ تَرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا

أَحْتَسِبُ، یعنی:

خداوندا:

ای خداوندی که حمد و ستایش مخصوص تو است و معبودی جز تو نیست،

ای خالق آسمانها و زمین،

ای صاحب جلالت و بزرگواری،

از تو مسئلت می‌کنم و درخواست می‌نمایم که بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام درود بفرستی، و از آنچه که در آن هستم برای من گشایش و فرج قرار دهی، و از جایی که گمان دارم یا ندارم روزی و رزقم دهی.

پس از این دعا بود که خداوند متعال حضرت یوسف را از داخل چاه نجات داد و او را فرمانروای مصر نمود.

این حدیث شریف را ابو سیار از وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث دوم:

در حدیث دیگری که مسمع از وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام نقل نموده، آمده که جبرئیل در چاه به حضرت یوسف گفت که اینگونه دعا کن تا نجات پیدا کنی.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ،

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِمَّا أَنَا فِيهِ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا، یعنی:

۱. مجمع‌البیان، جلد دوازدهم، صفحه ۱۷۶-۱۷۷ «ذیل آیه ۱۵ سوره یوسف».  
تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۴۸، حدیث ۳۲ «ذیل آیه ۸۳ تا ۱۰۱ سوره یوسف».



خداوندا:

ای خداوندی که حمد و ستایش مخصوص تو است،  
 ای خداوندی که معبودی جز تو نیست و بر بندگانت نعمت می‌بخشی،  
 ای خداوندی که خالق آسمان‌ها و زمین هستی،  
 ای خداوندی که صاحب جلال و بزرگواری هستی،  
 از تو مسئلت می‌کنم و درخواست می‌نمایم که بر محمد و آل محمد  
 علیهم‌السلام درود بفرستی،  
 و گشایش و نجاتی از آنچه در آن هستم برای من قرار دهی.<sup>۱</sup>

### حدیث سوم:

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:  
 هنگامی که حضرت یوسف در زندان بود، خداوند متعال به او وحی نموده  
 و به وی فرمود:

ای پسر یعقوب، اینگونه دعا کن «تا خداوند متعال تو را از زندان نجات  
 دهد»، و به خداوند متعال عرض کن:

ای بزرگ همه بزرگ‌ها،  
 ای کسی که شریک و هم‌تنداری،  
 ای خالق خورشید و ماه،  
 ای درهم کوبنده ظالمین و ستمگران،  
 ای بی‌نیازکننده نیازمندان:

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،  
 أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَ مَخْرَجًا،

۱. تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۵۲۸ و ۵۲۹ «ذیل آیه ۱۵ تا ۲۰ سوره یوسف».

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۴۱۴ «ذیل آیه ۱۵ تا ۱۸ سوره یوسف».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۵۹۷، حدیث ۲۲ «حدیث ۴۸۸۴» «ذیل آیه ۱۳ و ۱۴ سوره یوسف».

و تَرَزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ، یعنی:  
خداوندا:

از تو درخواست می‌کنم و مسئلت می‌نمایم که:  
به حقّ محمّد و آل محمّد علیهم السّلام در کار من گشایش و فرج قرار دهی  
«مشکل مرا مرتفع نمایی».

و از آنجایی که گمان دارم و ندارم به من رزق و روزی بدهی.  
وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
وقتی حضرت یوسف اینگونه دعا کرد، خداوند متعال نیز دعای حضرت  
یوسف را اجابت نمود و او را از زندان نجات داد.  
این حدیث شریف را اسحاق بن یسار از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام  
نقل نموده است.<sup>۱</sup>

ملاحظه فرمودید که حضرت یوسف علیه السّلام هم در چاه و هم در زندان  
به محمّد و آل محمّد علیهم السّلام متوسّل شد و خداوند متعال را به آن ذوات  
مقدّسه سوگند داد تا از چاه و از زندان نجات پیدا کند، و خداوند متعال نیز  
دعای او را مستجاب نمود و او را از چاه و زندان نجات داد و آن حضرت را  
عزیز و فرمانروای مصر نمود.

با توجّه به این که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از امیرالمؤمنین  
علی بن ابیطالب علیه السّلام در صدر آل محمّد علیهم السّلام و در صدر اهل  
بیت پیامبر اکرم واقع شده است «ذیل اوّلین فضیلت حضرت زهرا سلام الله  
علیها در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شد»، لذا معنی این احادیث شریف  
این است که:

حضرت یوسف هم در چاه و هم در زندان به وجود مقدّس فاطمه زهرا

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۳۵۹، حدیث ۵۵.  
تفسیر نورالتقلین، جلد سوّم، صفحه ۷۰۹، حدیث ۲۱۲ «حدیث ۵۰۷۴».

سلام الله علیها و به پدر بزرگوارش و به شوهر گرانقدرش و به یازده امام معصوم از نسل و ذرّیه اش متوسّل شد و خداوند متعال را به آن ذوات مقدّسه سوگند داد و خداوند متعال نیز به احترام آن ذوات مقدّسه دعای حضرت یوسف را مستجاب نمود، و ضمن این که او را از چاه و از زندان نجات داد آن حضرت را عزیز و فرمانروای مصر نمود.

قابل ذکر است که:

بعضی از احادیثی که در رابطه با توسّل حضرت آدم و ابراهیم و موسی و نوح علیهم السّلام به محمّد و آل محمّد علیهم السّلام نقل شد بخشی از یک حدیث شریف نبوی است که وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده که به عنوان حُسن ختام این بحث به عنوان آخرین حدیث «چهارمین حدیث این بخش» آن را ملاحظه می فرمایید.

### حدیث چهارم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

روزی یک نفر یهودی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم شرفیاب شد و نگاه تندی به آن حضرت نمود و به آن حضرت گفت:  
ای محمّد:

تو افضلی یا موسی بن عمران که خداوند متعال با او سخن گفت، و دریا را به او شکافت «عبور از رود نیل»، و عصا بر او نازل کرد «اژدها شدن عصا و خوردن مارهای سحره فرعون» «یعنی، ای محمّد: مقام تودر پیشگاه خداوند متعال برتر و بالاتر است یا مقام حضرت موسی»؟

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در پاسخ به سؤال مرد یهودی به او فرمود:

وقتی از حضرت آدم آن خطا سر زد «خوردن از میوه شجره ممنوعه» و از

بهشت بیرون رانده شد، اینگونه و با این جملات به درگاه الهی توبه نمود و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي،  
فَغَفَرَ اللَّهُ لِي، يَعْنِي:

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

به حقّ محمد و آل محمد عليهم السلام از تو درخواست می‌کنم و مسئلت می‌نمایم که مرا ببخشی و بیامری،  
و خداوند متعال نیز حضرت آدم را بخشید و آمرزید.  
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش در رابطه با برتری مقام خویش و اهل بیت خویش به انبیاء عظام الهی به آن مرد یهودی فرمود:

وقتی که حضرت نوح سوار سفینه شد «سوار کشتی شد» و آن امواج خروشان را دید و از غرق شدن ترسید، به خداوند متعال عرض کرد:  
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْغَرَقِ،  
فَنَجَّاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، يَعْنِي:

حضرت نوح به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

به حقّ محمد و آل محمد عليهم السلام از تو درخواست می‌کنم و مسئلت می‌نمایم که مرا از غرق شدن نجات دهی،  
و خداوند متعال نیز او را نجات داد.  
وقتی حضرت ابراهیم به داخل آتش انداخته شد به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا نَجَّيْتَنِي،  
فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا، یعنی:

حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

به حقِّ محمد و آل محمد علیهم السَّلام از تو درخواست می‌کنم و مسئلت می‌نمایم که مرا نجات دهی،

و خداوند متعال نیز آتش را بر حضرت ابراهیم سرد و سلامت ساخت. وقتی حضرت موسی عصای خودش را به زمین انداخت «و عصا تبدیل به اژدها شد»، در دلش احساس ترس و بیم نمود و به همین جهت به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَمَّنْتَنِي،  
قالَ اللهُ تَعَالَى:

لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى، یعنی:

حضرت موسی به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

به حقِّ محمد و آل محمد علیهم السَّلام از تو درخواست می‌کنم و مسئلت می‌نمایم که آسوده خاطرم فرمایی «مرا ایمن بداری»،  
و خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

نترس، که همانا تو برتری «ترس به خودت راه نده که تو از هر جهت مافوق آنها هستی و از آنها برتر و بالاتر می‌باشی».

وجود مقدَّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پایان فرمایش خویش مجدداً مرد یهودی را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:

يَا يَهُودِيَّ:

إِنَّ مُوسَى لَوَ أَدْرَكَنِي ثُمَّ لَمْ يُؤْمِنْ بِي وَ بُنُوتِي لَمْ يَنْفَعَهُ إِيْمَانُهُ شَيْئاً، وَ لَا نَفَعَتْهُ النَّبُوءَةُ،

یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم به مرد یهودی فرمود:

ای یهودی:

اگر حضرت موسی مرا درک می کرد «اگر حضرت موسی در زمان رسالت من زنده بود و حضور می داشت»، و به من و به نبوت من ایمان نمی آورد، ایمان و نبوت حضرت موسی هیچ فایده ای برای او نداشت.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بار دیگر مرد یهودی را مورد خطاب قرار داد و به او فرمود:

يَا يَهُودِيَّ:

وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيَّ إِذَا خَرَجَ، نَزَلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ،  
فَيَقْدِمُهُ وَ يُصَلِّي خَلْفَهُ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم به مرد یهودی فرمود:

ای یهودی:

حضرت مهدی که از نسل و ذریه من می باشد وقتی که ظهور نماید و خروج کند، عیسی بن مریم نازل می شود و آن حضرت را یاری و کمک می نماید و پشت سر آن حضرت نماز می خواند «حضرت عیسی به حضرت مهدی علیه السلام اقتدا می کند و پشت سر آن حضرت نماز می خواند».

این حدیث را معمر بن راشد از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. امالی صدوق، صفحه ۳۴۵، مجلس سی و نهم، حدیث ۴.

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم بر یهودیان، صفحه ۹۷، حدیث ۲۸.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۹۱، حدیث ۱۴ «ذیل آیه ۳۷ سوره بقره».

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۱۴۷ - ۱۴۸ و ۴۶۷.

## توضیح:

سوّمین فضیلت از فضائل بی شمار صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که در این کتاب شریف فاطمی به آن اشاره شده این است که:

حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السلام از ذریّه و نسل آن حضرت علّت غایی خلقت و علّت بقاء و دوام آن هستند، و در این رابطه احادیثی از وجود مبارک پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شد و آنها را ملاحظه فرمودید.

سوّمین حدیثی که در این قسمت نقل شد حدیث شریفی از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، و خلاصه حدیث شریف نبوی این است که:

وقتی که خداوند متعال حضرت آدم ابوالبشر را خلق فرمود، حضرت آدم به طرف راست عرش نگاه کرد و مشاهده نمود که پنج نور سرگرم عبادت خداوند متعال هستند و در حال سجده و رکوع می باشند.

حضرت آدم از خداوند متعال سؤال نمود که این پنج نور و پنج شبّ چه کسانی هستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

این ها پنج نفری هستند که من پنج نام از نام های خودم را جدا نموده و بر آنها نهاده ام «نام های آنها را از نام های خودم مشتق نموده و به آنها نهاده ام». این پنج نفر، محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین هستند.

ای آدم:

اگر این پنج نفر نبودند،

تو را خلق نمی کردم،

بهشت و جهنّم را خلق نمی کردم،

آسمان و زمين را خلق نمی کردم،  
عَرش و کرسی را خلق نمی کردم،  
انس و جن و ملائکه را خلق نمی کردم «یعنی این پنج نفر علت غایی خلقت  
هستند و خداوند متعال همه عالم را به خاطر این ذوات مقدسه خلق فرموده  
است».

ادامه حدیث شریف در رابطه با لزوم توسل مخلوقات الهی به این پنج وجود  
مقدس می باشد که به عنوان فضیلت چهارم صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله  
علیها در این کتاب شریف فاطمی مورد بحث می باشد.

در ادامه حدیث شریف آمده است که خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:  
ای آدم:

هر وقت از من حاجتی داشتی به این پنج نفر متوسل شو تا حاجت تو  
برآورده شود.

وجود مقدس پیامبر اکرم در پایان فرمایشات خویش فرمودند:

ما کشتی نجات هستیم،

هرکس با ما باشد و به ما تمسک نماید اهل نجات است،

و هرکس از ما اعراض کند و روی بگرداند هلاک می شود،

پس:

هرکس حاجتی از خداوند متعال می خواهد به وسیله ما اهل بیت از خداوند  
متعال مسئلت نماید «اگر حاجتی از خداوند متعال داشتید به ما اهل بیت متوسل  
شوید و از خداوند متعال مسئلت نمایید»<sup>۱</sup>

علامه امینی پس از نقل این حدیث شریف که خلاصه ای از آن را ملاحظه  
فرمودید، می گوید:

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۱۴۵ تا ۱۴۸.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله احمد رحمانی همدانی، صفحه ۵۳ و ۵۴، حدیث ۱.



از این حدیث شریف می توان به شش مطلب و یا منقبت پی برد که هر یک از این پنج وجود مقدّس «حضرت محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السّلام» در آن فضائل و مناقب به طور یکنواخت و همردیف مشترک هستند، و این شش فضیلت و منقبت عبارتند از:

۱- خلقت این پنج وجود مقدّس قبل از خلقت حضرت آدم بوده، و در برخی از روایات و احادیث آمده که این پنج وجود مقدّس دو هزار سال قبل از خلقت حضرت آدم خلق شده اند.

۲- این پنج وجود مقدّس علّت و سبب آفرینش می باشند.

۳- اسامی این پنج وجود مقدّس از اسامی خداوند متعال مشتق شده است.

۴- جزا و کیفر دشمنی با این پنج وجود مقدّس دخول و ورود در جهنّم و سوختن در آتش قهر الهی است.

۵- این پنج وجود مقدّس برگزیدگان خداوند متعال هستند و نجات و هلاک هر انسانی وابسته به حُبّ و بُعْضی است که نسبت به این ذوات مقدّسه دارد.

۶- هر انسانی هنگام حاجت خواستن از خداوند متعال باید آن ذوات مقدّسه را وسیله استجاب دعا قرار دهد و به آن ذوات مقدّسه متوسّل شود «لزوم توسّل به خمسه طیبه علیهم السّلام هنگام حاجت خواستن از خداوند متعال که به عنوان فضیلت چهارم صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی مورد بحث می باشد».

با توجه به این شش مطلب که بیان شد، این پنج وجود مقدّس و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» برگزیدگان خداوند متعال و علّت غایی خلقت می باشند که خداوند متعال در ابتدای خلقت حضرت آدم به او نشان داد و به او فرمود:

این پنج نفر «و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام» علّت و سبب خلقت تو

و اولاد تو می باشند،

و اگر حاجتی داری باید به در خانه این ها بروی.

علامه امینی سپس نتیجه گیری می کند که:

این پنج وجود مقدّس یعنی خمسه طیبه علیهم السّلام در شش منقبت مذکور هیچ فرقی با یکدیگر ندارند و در این مورد هیچ تفاوتی میان پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین و حسنین علیهم السّلام با صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها وجود ندارد و هر پنج نفر در این مناقب هم رتبه و یکنواخت و هم درجه هستند، اگر چه از جهات و اعتبارات دیگر ممکن است قائل به فضیلت و برتری برخی از این ذوات مقدّسه بر دیگری باشیم، مثلاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم منصبی دارد که دیگر معصومین ندارند.

اگر در شأن این پنج وجود مقدّس غیر از این شش منقبت، منقبت دیگری نبود، هم ردیف بودن این پنج وجود مقدّس در این مناقب نشان می دهد که: هر یک از این پنج وجود مقدّس از همه پیامبران و از همه صدّیقین از آدم تا خاتم، و خلاصه کلام از جمیع مخلوقات خداوند متعال افضل و برتر می باشند، زیرا اگر این ذوات مقدّسه خَلق نمی شدند این عالم خلق نمی شد و این سفره خلقت گسترده نمی شد، یعنی:

هر بزرگی و هر شریفی و هر پیامبری و هر وصیی و هر عالمی که خَلق شده در حقیقت کنار سفره رحمت آن ذوات مقدّسه نشسته و از وجودشان برخوردار گشته و نان خور و پرورش یافته و عائله رحمت و برکت این پنج وجود مقدّس بوده اند، و به همین جهت است که وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام در یکی از ادعیه شریفه اش ائمه معصومین علیهم السّلام را اینگونه معرّفی می فرماید که:

نَحْنُ رَحْمَةٌ مِّنْ اسْتَرْحَمَكَ،

وَ غَوْثٌ مِّنْ اسْتِغَاثٍ بِكَ، یعنی:

ما هستیم رحمتی که مردم از تو می طلبند،

و ما هستیم غوث و پناه کسی که از تو پناه می جوید، لذا:

این ذوات مقدّسه در پیشامدها پناه مردم هستند،

و در طلب حوائج ملجأ همه انسانها می باشند،

و به همین جهت انبیاء الهی هنگام مشکلات و طلب حاجت خویش به آن

بزرگواران متوسّل شده‌اند و از آبرومندی آنان در نزد خداوند متعال حاجت روا

گشته‌اند.

با توجّه به این که این پنج وجود مقدّس «خمسه طیّبه علیهم السّلام» در شش

منقبتی که ذکر شد هم‌درجه و هم‌ردیف می باشند، لذا صدّیقه کبری فاطمه زهرا

سلام الله علیها در این شش منقبت مذکور «از جمله منقبت ششم که در رابطه با

لزوم توسّل به آن بزرگوار می باشد تا حاجت انسان برآورده شود» کوچکترین

فرقی با پدر بزرگوارش ندارد.<sup>۱</sup>

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۱۴۸ تا ۱۵۱.



## فضیلت پنجم

حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السلام از ذریه و نسل آن حضرت، سابقون و مقربون می باشند که در سوره مبارکه واقعه و مطففین به آنها اشاره شده است، یعنی: این ذوات مقدسه بالاترین قرب را به درگاه الهی دارند، و قرب آنها به خداوند متعال در مراتب اعلی می باشد، و شراب تسنیم که عالی ترین شراب بهشتی است اختصاص به آن بزرگواران دارد و فقط آن ذوات مقدسه از شراب تسنیم به طور خالص می آشامند.

به عرض رسید که وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش مقربون مدنظر آیات شریفه سوره واقعه و سوره مطففین می باشند و بالاترین قرب به درگاه الهی را دارند و قرب آنها به خداوند متعال در مراتب اعلی می باشد.

بدیهی است مقصود از قرب، قرب مکانی نیست، زیرا خداوند متعال جسم نیست که مکان داشته باشد، لذا مقصود از قرب در این آیات شریفه قرب مقامی و معنوی می باشد که انشاء الله تعالی در ادامه بحث به آن بیشتر اشاره خواهد شد.

قُرْب = نزدیکی «ضدّ دوری».

سوره مبارکه واقعه درباره قیامت و آغاز آن و حوادث سخت و وحشتناک آن صحبت کرده و انسان‌ها را به سه دسته تقسیم نموده و راجع به انواع پاداش نیکان و مجازات‌های بدکاران مطالبی عنوان فرموده است.

در آیات اوّل تا ششم این سوره مبارکه آمده که:

وقتی که قیامت می‌شود زمین به شدّت به لرزه درمی‌آید و این زلزله و لرزش زمین به حدّی شدید است که کوه‌ها در هم کوبیده شده و خرد می‌شوند و به صورت غباری درآمده و به این طرف و آن طرف پخش و پراکنده می‌شوند.

خداوند متعال پس از اشاره به حوادث ترسناک و مهیب روز قیامت به چگونگی حال مردم در آن روز پرداخته و قبل از بیان هرچیز مردمی را که در محشر حاضر شده‌اند («و یا بهتر بگوییم محشور شده‌اند») به سه گروه و سه دسته تقسیم نموده و می‌فرماید:

وَ كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً «آیه ۷»

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ «آیه ۸»

وَ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ «آیه ۹»

وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ «آیه ۱۰»

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ «آیه ۱۱»، یعنی:

خداوند متعال می‌فرماید:

روز قیامت شما انسان‌ها سه گروه خواهید شد «آیه ۷»

گروه اوّل گروه سعادت‌مندان و گروه خوشبختان می‌باشند، چه سعادت‌مندان

و چه خجستگانی «آیه ۸»

گروه دوّم گروه شقاوت‌مندان می‌باشند، چه شقاوت‌مندانی «آیه ۹»

گروه سوّم گروه سبقت‌گیرندگان و گروه پیشگامان می‌باشند «آیه ۱۰»

این گروه سبقت گیرندگان و این گروه پیشگام از مقربین درگاه الهی و تقرب یافتگان به درگاه خداوند متعال می باشند «آیه ۱۱»<sup>۱</sup>.

### شرح لغات و توضیحات

زوج = صِنْف، گروه.

ازواج = صِنْفها، گروهها.

ازواج ثَلَاثه = اصناف سه گانه، گروههای سه گانه.

مِیْمَنَةٌ = ۱- از ماده یُمْن، یعنی سعادت، خوشبختی؛ ۲- طرف راست.

یُمْن = سعادت، خوشبختی «نقطه مقابل یُمْن، سُؤْم می باشد».

مَشْتَمَةٌ = ۱- از ماده سُؤْم، یعنی بدبختی، شقاوت؛ ۲- طرف چپ.

سُؤْم = نامبارک، نحس، بدبختی، شقاوت، نگون بختی.

اصحاب مِیْمَنَةٍ = ۱- اصحاب سعادت و خوشبختی؛ ۲- اصحاب دست راست.

اصحاب مَشْتَمَةٍ = ۱- اصحاب بدبختی و شقاوت؛ ۲- اصحاب دست چپ.

شِمال = چپ، طرف چپ «نقطه مقابل شِمال، یَمین می باشد یعنی راست،

طرف راست».

أَصْحَابُ الشِّمَالِ = اصحاب دست چپ.

سابق = از ماده سَبَقَ می آید یعنی سبقت گیرنده.

سابقون = سبقت گیرندگان.

سابقون در این آیات شریفه یعنی سبقت گیرندگان در ایمان و عمل، و

سبقت گیرندگان به سوی ثواب الهی و بهشت.

قُرْب = نزدیکی «ضدّ دوری».

مُقَرَّبُونَ = تقرب یافتگان، نزدیک شدگان.

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ = آنها «یعنی سابقون» تقرب یافتگان به درگاه الهی هستند.

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم، صفحه ۲۱۰-۲۱۴ و ۲۱۵.

لازم به توضیح است که مقصود از قُرْب «نزدیکی» به درگاه الهی قُرْب مقامی و معنوی است نه قُرْب مکانی، زیرا خداوند متعال جسم نیست که در مکان خاصی استقرار داشته باشد، لذا مقصود از قُرْب به درگاه الهی قُرْب مقامی و معنوی می باشد<sup>۱</sup>.

همانطور که عرض شد خداوند متعال در آیات اوّل تا ششم سوره مبارکه واقعه به بخشی از حوادث مهیب و ترسناک روز قیامت اشاره نموده و سپس در آیات بعد مردمی را که در محشر حاضر شده‌اند به سه گروه و سه دسته تقسیم نموده و می فرماید:

وَ كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً = شما مردم در روز قیامت سه دسته و سه گروه و سه صنف خواهید شد.

این سه گروه و این سه دسته عبارتند از:

۱- أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ، که أَصْحَابُ الْيَمِينِ نیز به آنها گفته می شود.

به این گروه أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ گفته می شود، زیرا:

اصحاب سعادت و خوشبختی هستند.

به این گروه اصحاب الیمین نیز گفته می شود، زیرا:

نامه عمل آنها در روز قیامت به دست راست آنها داده می شود، و این قضیه علامت و نشانه پیروزی در امتحانات الهی است و مبین این مطلب است که افراد این گروه به بهشت خواهند رفت.

۲- أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ، که أَصْحَابُ الشِّمَالِ نیز به آنها گفته می شود.

به این گروه أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ گفته می شود، زیرا:

اصحاب شقاوت و بدبختی و نگون بختی می باشند.

به این گروه اصحاب الشمال نیز گفته می شود، زیرا:

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم، صفحه ۲۱۴ تا ۲۱۷.

المیزان، جلد سی و هفتم، صفحه ۲۳۷ تا ۲۳۹- مفردات راغب.



نامه عمل آن‌ها در روز قیامت به دست چپ آن‌ها داده می‌شود، و این قضیه علامت و نشانه گناهکار بودن و مجرم بودن آن‌ها می‌باشد و مبین این مطلب است که افراد این گروه به جهنم خواهند رفت.

۳- السَّابِقُونَ که سبقت گیرندگان در ایمان و عمل هستند، و سبقت گیرندگان به سوی ثواب الهی و بهشت می‌باشند.

این گروه «یعنی گروه السَّابِقُونَ» تقرَّب یافتگان به درگاه الهی می‌باشند و مقرب به درگاه الهی هستند و از مقربین می‌باشند و عالی‌ترین درجات بهشت الهی نصیب این گروه می‌باشد، و همچنان‌که بعداً اشاره خواهد شد شراب تسنیم که عالی‌ترین شراب بهشتی است اختصاص به گروه سابقون دارد که مقرب‌ترین مخلوقات الهی در درگاه خداوند متعال می‌باشند و قرب آن‌ها به خداوند متعال در مراتب اعلی می‌باشد، یعنی عالی‌ترین درجه قرب به خداوند متعال، بنابراین:

السَّابِقُونَ که همان مُقَرَّبُونَ می‌باشند در دنیا از نظر ایمان و عمل صالح به همه مؤمنین سبقت دارند و پیشگام می‌باشند، و در آخرت نیز در رسیدن به رحمت و مغفرت خداوند متعال یعنی در ورود به بهشت به همه مؤمنین سبقت دارند و پیشگام می‌باشند، و انشاءالله تعالی در توضیح ذیل فضیلت بیست و دوم حضرت زهرا سلام‌الله علیها به عرض خواهد رسید که وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها اولین فردی است که وارد بهشت می‌شود، یا: اولین فردی است که در بهشت به پیامبر اکرم وارد می‌شود.

بنابراین:

گروه سابقون که همان مقربون می‌باشند، نه تنها در ایمان پیشگامند، بلکه در اعمال صالح نیز پیشگام و پیش‌قدم هستند، و به همین لحاظ اسوه و الگو و مقتدای مردم هستند و امام و پیشوای خلق می‌باشند، و به همین لحاظ مقربان

درگاه الهی هستند، آن هم در عالی‌ترین درجه قُرب<sup>۱</sup>. همانطور که عرض شد تسنیم عالی‌ترین و برترین شراب بهشتی است که خداوند متعال آن را فقط به گروه خاص و ویژه‌ای از بندگان خویش یعنی مقرَّبون اختصاص داده است و فقط سابقون که همان مقرَّبون می‌باشند شراب تسنیم را به طور خالص می‌آشامند.

آیه ۲۸ سوره مطفِّین صراحتاً اعلام می‌فرماید که شراب تسنیم اختصاص به مقرَّبون دارد.

در این آیه شریفه آمده که:

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ، یعنی:

شراب تسنیم از چشمه‌ای است که خاص مقرَّبون می‌باشد و فقط مقرَّبون به طور خالص از آن می‌نوشند.

قابل ذکر است که در آیات قبل از شراب خالصی به نام رَحِيق مَخْتوم («شراب خالص و مُهر و موم شده») یاد شده که برای مرغوب‌تر شدن و گواراتر شدن آن مقداری شراب تسنیم به آن افزوده می‌شود.

در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مطفِّین درباره شراب رَحِيق مَخْتوم و شراب تسنیم آمده که:

وَ مَزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ «آیه ۲۷»

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ «آیه ۲۸»، یعنی:

این شراب خالص و دست نخورده یعنی شراب رَحِيق مَخْتوم ممزوج و مخلوط با شراب تسنیم می‌باشد «برای لذیذتر شدن و گواراتر شدن شراب رَحِيق مَخْتوم، مقداری شراب تسنیم به آن اضافه می‌شود» «آیه ۲۷»

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و چهارم، صفحه ۱۳۶ و ۱۳۷، ۱۵۰ و ۱۵۱، ۱۶۱ تا ۱۶۳.

المیزان، جلد سی و هفتم، صفحه ۲۳۷ تا ۲۳۹، ۲۴۶ و ۲۴۷، ۲۵۲ تا ۲۵۷.

تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم، صفحه ۲۱۴ تا ۲۱۷، ۲۲۹ تا ۲۳۲، ۲۳۸ تا ۲۴۱.

همان چشمه‌ای که خاص مُقَرَّبون است و فقط مقربون به طور خالص از آن می‌نوشتند. «آیه ۲۸»<sup>۱</sup>

انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که مقصود از مقربون و سابقون در آیات شریفه سوره واقعه و سوره مطففین، خمسه طیبه «حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین» و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند، یعنی حضرت زهرا و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه‌اش، که آن ذوات مقدسه:

۱- بهترین مخلوق خداوند متعال هستند و اشرف و افضل مخلوقات الهی می‌باشند که ذیل فضیلت دوّم حضرت زهرا سلام الله علیها راجع به آن توضیحات لازم ارائه شده است.

۲- علّت غایی خلقت و علّت بقاء و دوام آن هستند که ذیل فضیلت سوّم حضرت زهرا سلام الله علیها راجع به آن توضیحات لازم ارائه شده است.

۳- عالی‌ترین وسیله جهت تقرب به درگاه الهی می‌باشند، و به همین جهت انبیاء الهی هنگام گرفتاری به آن ذوات مقدسه توسّل پیدا می‌نمودند و خداوند متعال را به آن بزرگواران سوگند می‌دادند و خداوند متعال نیز به احترام آن ذوات مقدسه گرفتاری آن‌ها را برطرف می‌کرد و حوائج آن‌ها را برآورده می‌نمود، و ذیل فضیلت چهارم حضرت زهرا سلام الله علیها در این رابطه توضیحات لازم ارائه شده است.

پس از ارائه توضیحاتی درباره گروه‌های سه‌گانه‌ای که روز قیامت محشور می‌شوند،

و پس از ارائه توضیحات کوتاهی در رابطه با شراب رحیق مختوم و شراب

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و ششم، صفحه ۳۷۷ تا ۳۷۹.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۱۲۸ تا ۱۳۱.

تفسیر نمونه، جلد بیست و ششم، صفحه ۲۸۶ تا ۲۸۸.

تسنیم و این که شراب تسنیم اختصاص به مقربون دارد، اینک می پردازیم به احادیث مربوطه که صراحتاً اعلام می فرمایند که شراب تسنیم عالی ترین و شریف ترین شراب بهستی است و فقط و فقط سابقون و مقربون از آن شراب بهستی به طور خالص می آشامند و اختصاص به سابقون و مقربون دارد، و اینکه مقصود از سابقون و مقربون، حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش می باشند.

### حدیث اول:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:  
مقصود از مقربون، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن و امام حسین علیهما السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.  
این حدیث را کلبی از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث دوم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:  
تسنیم والاترین و ارزشمندترین شراب بهستی است و چشمه ای است که مقربون از آن می نوشند،  
و مقصود از مقربون محمّد و آل محمّد علیهم السلام هستند که خداوند متعال در آیه ۱۰ و ۱۱ سوره واقعه درباره آنها می فرماید:  
السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ «آیه ۱۰»

۱. تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۲۴۲، حدیث ۳ «ذیل آیات هفتم تا بیست و هشتم سوره مطفّین».  
تفسیر قمی، جلد پنجم، صفحه ۳۴۵ و ۳۴۶ «ذیل آیه ۷ تا ۲۸ سوره مطفّین».

### أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ «آیه ۱۱»

در ادامه حدیث شریف آمده است که:

مقربون از شراب تسنیم به صورت خالص و ناب می‌آشامند، لیکن سایر بهشتیان از شراب‌هایی که تسنیم به آنها افزوده شده می‌آشامند.<sup>۱</sup>

### حدیث سوّم:

وجود مقدّس امام باقر علیه‌السّلام فرمودند:

تسنیم عالی‌ترین و شریف‌ترین شراب بهشتی است که آن را محمّد و آل محمّد علیهم‌السّلام می‌آشامند و آنها همان مقربون و سابقون هستند، و آنها پیامبر اکرم و علی بن ابیطالب علیهما‌السّلام و فاطمه زهرا سلام‌الله علیها و ائمّه معصومین علیهم‌السّلام می‌باشند.

این حدیث را ابو حمزه از امام باقر علیه‌السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

مترجم محترم جلد ۲۶ مجمع‌البیان جناب حجّة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمّد رازی این حدیث شریف را از یکی از علمای معروف اهل تسنن به نام حاکم حسکانی نقل نموده «از کتاب شواهد التّنزیل»، و ذیل آخرین آیات سوره مطفّفین در پاورقی مجمع‌البیان درج نموده است.

### حدیث چهارم:

وجود مقدّس امام باقر علیه‌السّلام درباره این آیات شریفه «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ - وَ مَا أَذْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ - كِتَابٌ مَرْقُومٌ - يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ - آیه ۱۸ تا ۲۱ سوره مطفّفین» فرمودند:

۱. تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۴۲۹، حدیث ۱۳ و ۱۶.

تفسیر نورالتقلین، جلد هشتم، صفحه ۲۷۵، حدیث ۴۳ «حدیث ۱۲۵۶۴».

تفسیر قمی، جلد پنجم، صفحه ۳۴۷ «ذیل آیه ۷ تا ۲۸ سوره مطفّفین».

۲. تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۴۳۱، حدیث ۱۵.

تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۴۳۱، حدیث ۱۶ «ذیل آیه ۷ تا ۲۸ سوره مطفّفین».

مقربون همان پیامبر اکرم و علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا و حسن و حسین  
علیهم السَّلام می باشند.<sup>۱</sup>

### حدیث پنجم:

وجود مقدس امام باقر علیه السَّلام فرمودند:

السَّابِقُونَ و مقربون ما هستیم «منظور از سابقون و مقربون در آیات ۱۰ و ۱۱  
سوره واقعه وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السَّلام می باشند.»  
این حدیث را خیثمه از امام باقر علیه السَّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السَّلام، یعنی وجود  
مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده  
امام معصوم از نسل و ذریه اش مصداق اتم و اکمل سابقون و مقربون آیه دهم  
و یازدهم سوره مبارکه واقعه می باشند و شراب تسنیم اختصاص به آن ذوات  
مقدسه دارد که مقرب ترین مخلوقات خداوند متعال در پیشگاه خداوند متعال  
می باشند و مقام و منزلت آنها از مقام و منزلت تمام انبیاء و اولیاء و ملائکه  
الهی برتر و بالاتر می باشد، و به همین جهت در بهشت عدن الهی در مکانی  
استقرار یافته اند که برتر از آن و نزدیک تر از آن به مقام قرب حق تعالی مکانی  
در بهشت وجود ندارد.<sup>۳</sup>

به عنوان حسن ختام این بخش به یک حدیث نورانی که از ناحیه وجود

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد هشتم، صفحه ۲۷۷، حدیث ۴۵ «حدیث ۱۲۵۶۶» ذیل آیه ۱۸ تا ۳۶ سوره مطففین.»

۲. المیزان، جلد سی و هفتم، صفحه ۲۴۲.

تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم، صفحه ۲۱۹.

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۲۴۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۴۰۷، حدیث ۲۵ «حدیث ۱۱۱۳۰».

۳. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله نقوی، صفحه ۵۴۵ و ۶۱۰.»

مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم صادر شده اشاره می شود.  
 وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:  
 در بهشت عدن منزلی برتر و نزدیکتر از منزل من به مقام قُرب خداوند  
 متعال وجود ندارد و ما چهارده نفر در این منزل هستیم،  
 من و برادرم علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام از اولاد حسین، که  
 خداوند متعال هرگونه رجس و پلیدی و ناپاکی را از ما دور کرده و ما را کاملاً  
 پاک و مطهّر کرده است.  
 این حدیث شریف را عبدالله بن جعفر از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده  
 است.<sup>۱</sup>

۱. اثبات الهداة، تألیف شیخ حرّ عاملی، جلد سوّم، فصل ۷۱، صفحه ۱۱۳، حدیث ۸۴۹.  
 خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۳۴۷، خصیصه سی و دوّم.





## فضیلت ششم

حضرت زهرا سلام الله علیها و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السلام از ذریّه و نسل آن حضرت ابرار مدنظر آیات شریفه سوره انسان «هَلْ أَتَى - دَهْرٌ» هستند و هیجده آیه این سوره مبارکه از آیه پنجم تا آیه بیست و دوّم در شأن این ذوات مقدّسه نازل شده است.

همه علمای شیعه و اکثریت علمای اهل تسنّن اتفاق نظر دارند که هیجده آیه سوره انسان «هَلْ أَتَى - دَهْرٌ» از آیه پنجم یعنی اِنَّ الْاَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا تا آیه بیست و دوّم یعنی اَنْ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَتْ سَعِيْكُمْ مَشْكُورًا در شأن امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن و امام حسین سلام الله علیهما نازل شده است.

علامه امینی در الغدیر اسامی ۳۴ نفر از علمای اهل تسنّن را با ذکر نام کتاب آن‌ها آورده که اظهار نموده‌اند:

هیجده آیه سوره انسان «هَلْ أَتَى - دَهْرٌ» در شأن امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسنین سلام الله علیهما نازل شده است «از آیه پنجم تا بیست و دوّم»، و قضیه از این قرار است که امام حسن و امام حسین سلام الله علیهما بیمار می‌شوند، و به منظور شفا یافتن این دو بزرگوار، حضرت علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما نذر می‌کنند که

روزه بگیرند تا حسنین علیهما السلام بهبودی پیدا کنند که اینگونه نیز می شود. در خصوص این نذر و بهبود یافتن حسنین علیهما السلام و اتفاقاتی که در این رابطه روی داده مطالب مختلفی بیان شده که همه آنها مبین یک مطلب می باشند و آن مطلب این است که حضرت علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما نذر می کنند که روزه بگیرند تا حسنین سلام الله علیهما که بیمار شده اند بهبودی پیدا کنند که اینگونه نیز می شود، و متعاقب آن خداوند متعال آیات پنجم تا بیست و دوم سوره انسان را در شأن این ذوات مقدسه نازل می فرماید.<sup>۱</sup> انشاء الله تعالی در ادامه بحث به تعدادی از این آیات شریفه اشاره خواهد شد و توضیحات مختصری عرض خواهد شد، و سپس در بخش حدیث عنوان خواهد شد که این آیات شریفه «آیه پنجم تا بیست و دوم سوره انسان» در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن و امام حسین سلام الله علیهما نازل شده است.

خداوند متعال در این آیات شریفه می فرماید:

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا «آیه ۵»  
 عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا «آیه ۶»  
 يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا «آیه ۷»  
 وَيُطْعَمُونَ الْأَطْعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا «آیه ۸»  
 إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا «آیه ۹»  
 إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا «آیه ۱۰»  
 فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا «آیه ۱۱»

۱. مجمع البیان، جلد بیست و ششم، صفحه ۱۴۲ و ۱۴۳.

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۳۶۷ تا ۳۶۹.

تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۳۰ تا ۳۳۲ و ۳۴۵.

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۴۴۲ و ۴۴۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد هشتم، صفحه ۱۳۱، حدیث ۱۸ «حدیث ۱۲۲۸۰».

## ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

به درستی که «یقیناً» ابرار در بهشت از جامی می نوشند «از شرابی می نوشند»  
که ممزوج با کافور می باشد «آیه ۵»

شرابی که ابرار می نوشند از چشمه‌ای است که بندگان خاص خداوند متعال  
از آن می نوشند و آن را از هر جا که بخواهند جاری می سازند «ابرار از چشمه  
گوارایی شراب می نوشند که به میل و اختیار آن‌ها هر جا که بخواهند جاری  
می شود» «آیه ۶»

آن‌ها «ابرار» به نذر خود وفا می کنند، و از روز قیامت که بدی آن فاش و آشکار  
می شود و شرّ و سختی آن همه اهل محشر را فرا می گیرد می ترسند «آیه ۷»  
آن‌ها «ابرار» غذای خودشان را با آنکه به آن علاقه و نیاز دارند به مسکین و  
یتیم و اسیر می دهند «آیه ۸»

آن‌ها «ابرار» وقتی که غذا و طعام خودشان را به مسکین و یتیم و اسیر  
بخشیدند در دل خود اینگونه فرمودند «اینگونه می فرمایند» که:  
ما فقط به خاطر خداوند متعال و فقط به منظور جلب رضایت خداوند  
متعال به شما طعام می دهیم و از شما اجر و پاداش، همچنین تشکر و قدردانی  
نمی خواهیم «آیه ۹»

ما «ابرار» از پروردگار خویش خائف و بیمناک هستیم، از روزی که در آن  
روز از شدت ترس و وحشت چهره انسان‌ها درهم و غمگین می باشد «آیه ۱۰»  
خداوند متعال آن‌ها را «ابرار را» از شرّ آن روز «روز قیامت» نگه می دارد و  
آن‌ها را می پذیرد، در حالی که آن‌ها غرق در شادی و سُرور هستند «آیه ۱۱»<sup>۱</sup>

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۴۳.

مجمع البیان، جلد بیست و ششم، صفحه ۱۳۸ - ۱۷۲ و ۱۷۳.

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۳۴۲ و ۳۴۳.

## شرح لغات و توضیحات

اَبْرار = جمع بَر یعنی نیکان، خوبان، نیکوکاران.

اَبْرار کار نیک و کار خوب انجام می دهند، نه به خاطر پاداش آن و نه برای این که از آن‌ها تشکر و قدردانی شود، بلکه هدف ابرار از انجام کار نیک فقط و فقط جلب رضایت خداوند متعال است و بس.

این که ابرار مدّنظر این آیات شریفه چه کسانی هستند که فقط و فقط به خاطر جلب رضایت خداوند متعال غذا و طعام خویش را به مسکین و یتیم و اسیر می دهند «دادند» انشاءالله تعالی در ادامه بحث و مخصوصاً در بخش حدیث بیان خواهد شد.

شُرْب = نوشیدن.

كَأْس = ظرف مخصوص نوشیدنی‌ها.

قابل ذکر است که به نوشیدنی نیز کَأْس گفته می شود.

مَزْج = مخلوط کردن و آمیختن دو چیز با یکدیگر.

مِزاج = آنچه که چیزی را با آن مخلوط کنند.

کافور = ماده‌ای است خوشبو، گیاهی است خوشبو و معطر.

قابل ذکر است که هر چیز سفید و خنک و معطر را به کافور مَثَل می زنند.

كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا = آمیخته و مخلوط با کافور است.

عَيْن = چشمه.

عَيْنٌ در اصل به معنای چشم می باشد.

يُفَجِّرُونَ = از ماده تفجیر و ریشه آن فجر می باشد.

فَجْرٌ = شکافتن وسیع، خواه شکافتن زمین باشد یا چیز دیگر.

قابل ذکر است که فَجْرٌ در این آیه شریفه «آیه ششم سوره انسان» به معنی

شکافتن زمین می باشد.

تَفْجِير = شکافتن زمین برای جاری ساختن آب‌های زیرزمینی.

لازم به ذکر است که جاری شدن آب در بهشت احتیاج به ابزار ندارد، بلکه فقط کافی است که اهل بهشت «در این آیات شریفه که بحث راجع به ابرار می‌باشد یعنی ابرار» اراده نمایند تا آب و چشمه جاری شود که بلافاصله نهرها جاری می‌شوند.

مُسْتَطِير = گسترده، پخش، پراکنده، پخش و گسترده شده، فراگیر.

يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا = روزی که شر و عذاب آن همه جا پخش و گسترده است و همه جا را فرا می‌گیرد «مقصود از این روز که شر و عذاب آن همه جا پخش و گسترده است روز قیامت می‌باشد».

عذاب قیامت را شر می‌نامند برای این که برای اهل عقاب و اهل عذاب خیری ندارد.

عَبُوس = کسی که قیافه‌اش درهم کشیده باشد، تُرْشْرُوبِي و درهم کشیدن چهره به علت ناراحتی و دلتنگی.

قَمَطِير = سخت، شدید، دشوار، بدی شدید و سخت.

وقایه = حفظ کردن و از اذیت جلوگیری نمودن.

يَوْمًا عَبُوسًا قَمَطِيرًا = روز بسیار سخت و شدید و دشوار «مقصود از این روز سخت و شدید و دشوار روز قیامت می‌باشد».

نَضْرَه = طراوت و زیبایی، طراوت و شادی و شادابی خاصی که بر اثر وفور نعمت به انسان دست می‌دهد.

سُرُور = شادی، شادمانی، شادی و شادمانی که در قلب انسان مکتوم و پنهان باشد «شادی و شادمانی باطنی»<sup>۱</sup>.

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و ششم، صفحه ۱۴۰ و ۱۴۱ - ۱۷۰ و ۱۷۱.

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۳۵۲ - ۳۵۴ و ۳۵۵ - ۳۵۹ و ۳۶۰.

تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۵۰ تا ۳۵۲ - ۳۵۶ و ۳۵۷.

مفردات راغب.

### شان نزول آیات شریفه:

همانطور که به عرض رسید همه علمای شیعه و اکثریت علمای اهل تسنن اتفاق نظر دارند که هیچده آیه سوره انسان «هَلْ أتی» از آیه پنجم تا آیه بیست و دوم این سوره مبارکه در شان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن و امام حسین علیهما السلام نازل شده، و علامه امینی اسامی ۳۴ نفر از علمای اهل تسنن را در کتاب شریف الغدیر ذکر نموده که این شان نزول را نقل نموده اند که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد، و خلاصه قضیه از این قرار است که:

امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار می شوند و به منظور شفا یافتن این دو بزرگوار، حضرت علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما نذر می کنند که روزه بگیرند تا حسنین سلام الله علیهما بهبودی پیدا نمایند.

حضرت علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما روزه می گیرند و در پایان روز و در زمان افطار غذا و طعام خویش را سر سفره می آورند تا افطار نمایند که در همین حال مسکینی به درب منزل آمده و تقاضای غذا می کند که حضرت علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما مقداری از غذای خودشان را به مسکین اعطای نمایند.

پس از لحظاتی یتیمی به درب منزل آن ذوات مقدسه آمده و تقاضای غذا می نماید و در نتیجه حضرت علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما مقدار دیگری از غذای خودشان را به یتیم اعطای فرمایند.

پس از مدّت کوتاهی اسیری به درب منزل آن بزرگواران مراجعه نموده و درخواست طعام می نماید و متعاقب این درخواست و تقاضای اسیر، حضرت علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما بقیه غذا و طعام خودشان را به اسیر اعطای فرمایند و دیگر چیزی از غذا و طعام باقی نمی ماند، به نحوی که آن شب

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها گرسنه می خوابند و حتی طعم غذا را نیز نمی چشند.

پس از این قضیه خداوند متعال هیجده آیه سوره مبارکه انسان از آیه پنجم تا بیست و دوم را در شأن این ذوات مقدسه نازل نموده و ضمن بیان کردن نذر آن بزرگواران و دادن غذای خویش به مسکین و یتیم و اسیر به گوشه‌ای از پاداش اخروی که در انتظار آن ذوات مقدسه می باشد اشاره می فرماید.<sup>۱</sup>

خداوند متعال در آیه پنجم این سوره مبارکه درباره ابرار یعنی درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن و امام حسین سلام الله علیهما می فرماید:

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا، یعنی:

ابرار در بهشت از شرابی می نوشند که مخلوط و آمیخته با کافور می باشد. به عبارت دیگر:

ابرار «یعنی ذوات مقدسه‌ای که نام مبارک آنها قبلاً ذکر شد» در بهشت از شرابی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته و کاملاً خنک و معطر می باشد.

در بخش مربوط به شرح لغات و توضیحات، راجع به کافور و معانی آن به حد ضرورت صحبت شد و به عرض رسید که هر چیز خنک و خوشبو و معطر را به کافور مثل می زنند، لذا:

شراب مخلوط شده و ممزوج شده با کافور یعنی شراب خنک و خوشبو و معطر که ابرار آن را می آشامند.

در آیه بعد یعنی در آیه ششم سوره انسان «هَلْ أَتَى» به سرچشمه این شراب

۱. مجمع البیان، جلد بیست و ششم، صفحه ۱۴۲ تا ۱۴۴.

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۳۶۹ - ۳۷۰.

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۴۴۲ و ۴۴۳.

تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۳۰ تا ۳۳۲ و ۳۴۵.

خنک و خوشبو و معطر اشاره شده و آمده که:

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ، یعنی:

شراب خنک و خوشبو و معطری که ابرار می نوشند از چشمه‌ای است که بندگان خاص خداوند متعال از آن می نوشند، و ابرار خودشان بندگان خاص خداوند متعال می باشند.

قابل ذکر است که:

عنوان شدن عبادالله به ابرار به منظور تعظیم و بزرگداشت ابرار می باشد.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا، یعنی:

ابرار این چشمه و این نهر شراب خنک و خوشبو و معطر را از هر کجا که بخواهند جاری می سازند.

به عبارت دیگر:

این چشمه و نهر شراب خنک و خوشبو و معطر آنچنان تحت اختیار ابرار می باشد که هر جا که اراده بفرمایند آن نهر شراب از همانجا جریان پیدا می کند و به آنجا می رود.<sup>۱</sup>

ابرار یعنی ذوات مقدسه‌ای که آیات پنجم تا بیست و دوم سوره مبارکه انسان در شأن آن‌ها نازل شده جامع همه فضائل و کمالات می باشند بدون استثناء، و مبرّا از همه رذائل و زشتی‌ها آن هم بدون استثناء، لیکن در آیات بعد به عنوان نمونه به پنج فضیلت و صفت نیک و عمل صالح آن بزرگواران اشاره شده، و در ادامه آیات شریفه گوشه‌ای از نعمات الهی که خداوند متعال در بهشت برای آن ذوات مقدسه مهیا فرموده بیان شده است.

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و ششم، صفحه ۱۵۷، ۱۵۹.

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۳۴۲، ۳۵۳ و ۳۵۴.

تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۴۳، ۳۵۱.



اولین صفت نیکی که به آن اشاره شده «آیه ۷ سوره انسان» این است که:

يُؤْفُونَ بِالَّذِرِّ، یعنی:

ابرار به نذر خود وفا می کنند، یعنی:

ابرار به همه نذرهای خویش وفا می کنند و آن‌ها را به جا می آورند.

این قسمت از آیه شریفه به نذر حضرت علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما اشاره دارد که جهت بهبود یافتن حسنین علیهما السلام نذر نمودند تا روزه بگیرند و به نذر خویش وفا نمودند که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

در ادامه آیه شریفه به دوّمین صفت ابرار اشاره شده و آمده است که:

يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا، یعنی:

ابرار از روز قیامت که شرّ آن گسترده است بیمناکند، یعنی:

ابرار از روز قیامت که سختی و شرّ آن همه محشر را فرامی گیرد خائف و بیمناک می باشند.

کلمه مُسْتَطِير که معنی گسترده و فراگیر می دهد اشاره به گستردگی عذاب‌های گوناگون در روز قیامت دارد.

در آیه بعد «آیه هشتم» به سوّمین ویژگی ابرار اشاره شده که اطعام مسکین و یتیم و اسیر می باشد.

در این آیه شریفه آمده که:

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ اَسِيرًا، یعنی:

ابرار غذای خودشان را در حالی که به آن نیاز داشتند و آن را دوست می داشتند به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند «می بخشند».

این آیه شریفه اشاره به روزه گرفتن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها دارد که موقع افطار همه غذای

خودشان را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند و دیگران را به خودشان مقدم دانستند و حتی آن شب طعم غذا را نیز نچشیدند و با آب افطار نمودند.

در این آیه شریفه آمده که:

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ، یعنی:

اطعام می کنند برای حُبّ او.

این قسمت از آیه شریفه می تواند دو معنی داشته باشد:

۱- حضرت علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما به خاطر حُبّ خداوند متعال و به منظور جلب رضایت خداوند سبحان مسکین و یتیم و اسیر را اطعام نمودند، و جمله اِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ «ما شما را فقط به خاطر خدا اطعام می کنیم» که در آیه نهم این سوره مبارکه آمده موید این مطلب می باشد.

۲- حضرت علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما چون روزه گرفته بودند لذا هنگام افطار گرسنه بودند و دوست داشتند که غذای خودشان را میل بفرمایند، لیکن با این که حُبّ به غذا داشتند آن را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند و حتی طعم غذا را نیز نچشیدند.

به نظر می رسد که معنی اول صحیح تر باشد «یعنی اطعام مسکین و یتیم و اسیر به خاطر حُبّ خداوند متعال و به منظور جلب رضایت خداوند سبحان»، لیکن در صورتی که معنی دوم را نیز مدّ نظر قرار دهیم باز هم فضیلت ممتازی است، زیرا مقدم داشتن دیگران به خود در واقع رسیدن به حقیقت نیکوکاری است و خداوند متعال در آیه ۹۲ سوره آل عمران می فرماید:

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ، یعنی:

هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی رسید تا از آنچه که دوست دارید انفاق

نمایید، بنابراین:

اطعام مسکین و یتیم و اسیر توسط مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن

ایطالب علیه السلام و سیده بانوان عالم صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها در هر حال «در هر دو صورت که اشاره شد» مورد رضایت حق تعالی است، به حدی که خداوند متعال در این رابطه هیچده آیه در شأن آن دو بزرگوار و حسنین علیهم السلام نازل فرمودند. نکته قابل توجه این است که:

در آیات هفتم و هشتم این سوره مبارکه «سوره انسان» افعال به صورت فعل مضارع آمده اند، یعنی:

در آیات شریفه آمده که:

يُؤْفُونَ بِالنَّذْرِ،

يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا،

يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ، یعنی:

وفای به نذر و عهد،

ترس از روز قیامت،

و اطعام مساکین و مستمندان و نیازمندان، برنامه و کار مستمر و همیشگی حضرت امیر و حضرت زهرا علیهما السلام بوده است و این قضیه در رابطه با همه ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام جریان دارد.

چهارمین ویژگی و صفتی که برای این ذوات مقدسه عنوان شده اخلاص در عمل می باشد که در آیه بعد «آیه نهم» آمده است.

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا، یعنی:

اطعام می کنیم شما را فقط و فقط به خاطر خدا و فقط و فقط برای جلب رضایت خداوند متعال،

و به خاطر غذایی که به شما دادیم نه از شما پاداش می خواهیم و نه حتی تشکری.

عنایت بفرمایید، این جملات را خداوند متعال از زبان امیرالمؤمنین علی بن

ایطالب و فاطمه زهرا و حسنین علیهم السَّلام بیان می فرماید، نه این که آن ذوات مقدَّسه این جملات را به مسکین و یتیم و اسیر فرموده باشند.  
بنابراین معنی آیه شریفه این شد که:

ابرار یعنی حضرت علی و حضرت زهرا و حسنین علیهم السَّلام همه غذای خودشان را هنگام افطار به مسکین و یتیم و اسیر اعطا فرمودند و خودشان گرسنه خوابیدند، و هدف این بزرگواران از اطعام مسکین و یتیم و اسیر فقط و فقط جلب رضایت خداوند متعال بود و بس. ملاحظه فرمودید که:

آن ذوات مقدَّسه نه تنها از آن مسکین و یتیم و اسیر هیچ گونه پاداشی نمی خواستند، بلکه از آن ها تشکر و سپاسگزاری نیز انتظار نداشتند و نمی خواستند، و این یعنی اخلاص کامل در عمل.

قابل ذکر است که این ذوات مقدَّسه و دیگر ائمه معصومین علیهم السَّلام حجت خداوند متعال هستند و خلیفه الله می باشند، لذا همه اعمال آن ها صرفاً به خاطر جلب رضایت خداوند متعال می باشد و لا غیر.

لازم به ذکر است که مقصود از وَجْهُ الله در این آیه شریفه همان ذات خداوند متعال است.

پنجمین ویژگی و صفتی که برای ابرار یعنی حضرت علی و زهرا و حسنین علیهم السَّلام بیان شده این است که آن ها می گویند:  
إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا، یعنی:  
ما از پروردگارمان خائف و بیمناکیم از آن روز که روز سخت و دشواری است.

این آیه شریفه اشاره به روز قیامت و اوضاع هولناک آن روز عظیم دارد.  
در این آیه شریفه، قیامت عَبُوس و قَمْطَرِير عنوان شده است «عَبُوس یعنی کسی که قیافه اش درهم کشیده شده باشد».

با این که عبوس از صفات انسان است که در اثر ناراحتی و نگرانی و ترس قیافه و چهره اش درهم کشیده می شود، لیکن در این آیه شریفه قیامت نیز عبوس تعبیر شده است، و این امر به خاطر تأکید بر وضع وحشتناک آن روز می باشد، یعنی:

روز قیامت به حدی هولناک و وحشتناک است که نه تنها انسان ها در آن روز عبوس هستند «چهره درهم کشیده»، بلکه گویی خود آن روز نیز عبوس است. این ذوات مقدّسه و سایر معصومین علیهم السّلام که خداوند متعال به آنها عصمت اعطا فرموده و اراده فرموده تا هرگونه رجس و پلیدی و زشتی و ناپاکی و گناه را از آنها دور نگه دارد «ذیل اوّلین فضیلت فاطمه زهرا سلام الله علیها در ابتدای این کتاب شریف راجع به آن توضیحات کاملی ارائه شد و به عرض رسید که وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش مقام عصمت دارند و خداوند متعال مقام عصمت را به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است»، به چه علّت در این آیه شریفه از قول آن ذوات مقدّسه آمده که:

ما از پروردگار خویش از روزی می ترسیم «یعنی از روز قیامت» که عبوس و قمطیر است.

ممکن است این سؤال مطرح شود که این ذوات مقدّسه با داشتن مقام عصمت از چه می ترسند.

پاسخ این است که:

در آیه نهم سوره مبارکه انسان ملاحظه فرمودید که این ذوات مقدّسه طعام خودشان و افطار خودشان را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند با آنکه خودشان به آن طعام نیاز داشتند،

و این بزرگواران این عمل را انجام دادند فقط و فقط به خاطر خداوند متعال

و فقط و فقط برای جلب رضایت خداوند سبحان و لاغیر.

این ذوات مقدّسه همه اعمالشان در تمام طول عمر مبارکشان فقط و فقط به خاطر خداوند متعال بوده و فقط و فقط به منظور جلب رضایت حق تعالی بوده است و لاغیر، لذا:

ترس و بیم آن ذوات مقدّسه نیز فقط و فقط از خداوند متعال است و لاغیر، همچنین:

امید آن بزرگواران نیز فقط و فقط به خداوند متعال است و لاغیر، بنابراین:

۱- همه اعمال آن ذوات مقدّسه فقط و فقط برای جلب رضایت خداوند متعال است و لاغیر.

۲- ترس و بیم آن ذوات مقدّسه فقط و فقط از خداوند متعال است و لاغیر.

۳- امید و تکیه گاه آن ذوات مقدّسه فقط و فقط به خداوند متعال است و لاغیر، و خلاصه کلام این که:

این بزرگواران با این که مقام عصمت دارند و خداوند متعال مقام عصمت را به آنها اعطا فرموده و به همین جهت در تمام طول عمر مبارکشان نه تنها مرتکب گناه نشده اند بلکه حتّی ترک اولی هم از آن بزرگواران صادر نشده است، اما به دلایلی که ذکر شد از خداوند متعال می ترسند،

و اگر از روز قیامت نیز می ترسند «همچنان که در آیه هفتم ذکر شد» به این علّت است که قیامت روز پروردگارشان است و روزی است که خداوند متعال به حساب بندگانش رسیدگی می کند و جزای اعمال آنها را می دهد.

خداوند متعال در آیه بعد «آیه یازدهم» می فرماید:

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا، یعنی:

خداوند متعال ابرار را که این آیات شریفه درباره آنها نازل شده «حضرت علی و حضرت زهرا و حسنین علیهم السّلام، همچنین دیگر ائمه معصومین

عليهم السلام) از شرّ روز قیامت محفوظ و در امان نگه می‌دارد، و در حالی که آن ذوات مقدّسه مسرور و خوشحال و شادمان هستند خداوند متعال از آنها استقبال می‌کند.

به عبارت دیگر:

اگر آن ذوات مقدّسه به خاطر احساس مسئولیت شدید از روز قیامت بیمناک بودند و می‌ترسیدند «با عنایت به توضیحاتی که قبلاً ارائه شد»، خداوند متعال در روز قیامت با لطف خاص خویش از این ذوات مقدّسه استقبال فرموده و آن بزرگواران را که غرق در شادی و سُرور می‌باشند در سایه رحمت خاص خویش قرار می‌دهد.

در این آیه شریفه «آیه یازدهم» به پاداشی که خداوند متعال به این ذوات مقدّسه اعطا می‌فرماید به‌طور اجمال اشاره شده است، لیکن در آیات بعد «آیه ۱۲ تا ۲۲» به تعدادی از نعمات الهی که در انتظار این ذوات مقدّسه می‌باشد اشاره شده است که انشاءالله تعالی در ادامه بحث به‌طور اختصار راجع به آنها توضیحاتی ارائه خواهد شد.<sup>۱</sup>

همانطور که ملاحظه فرمودید در آیه یازدهم این سوره مبارکه اشاره‌ای اجمالی به پاداش‌هایی شده که در انتظار ابرار یعنی حضرت امیر و حضرت زهرا و حسنین علیهم السلام می‌باشد، لیکن در آیات بعد بعضی از این نعمات نام برده شده که ذیلاً و به اختصار به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱- اسکان یافتن در باغ‌های مخصوص بهشت و پوشیدن لباس‌های حریر

بهشتی؛

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و ششم، صفحه ۱۶۱ تا ۱۶۳، ۱۷۲ و ۱۷۳.

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۳۵۶ تا ۳۶۱.

تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۵۲ تا ۳۵۸.

تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۳۱۳، حدیث ۶.

- ۲- تکیه کردن بر تخت‌هایی که آرامش کامل دارند، و در آن حال نه احساس سرما دارند و نه گرما، یعنی اعتدال کامل هوای بهشتی؛
- ۳- در زیر سایه‌های درختان بهشتی هستند که چیدن میوه‌هایش سهل و آسان است؛
- ۴- در اطراف و گرداگرد آن‌ها ظرف‌هایی از نقره و قدح‌های بلورین گردانده می‌شوند، و...

پس از اشاره به چند نعمت دیگر در آیه ۲۱ این سوره مبارکه آمده که:

وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا، یعنی:

پروردگارشان به آن ذوات مقدّسه شراب طهور می‌نوشاند.

عنایت بفرمایید، خداوند متعال همه واسطه‌ها را حذف نموده و عنوان فرموده که:

پروردگارشان به آن ذوات مقدّسه شراب می‌نوشاند، یعنی:

۱- ساقی خداوند متعال است،

۲- نوشیدنی شراب طهور است، شرابی که خداوند متعال آن را طهور نامیده است «طهور = ۱- پاک؛ ۲- پاک کننده».

۳- و میل‌کننده این شراب طهور وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها و شوهر گرانقدرش و حسنین علیهم‌السّلام و ائمّه معصومین علیهم‌السّلام از نسل امام حسین علیه‌السّلام هستند که در این آیات شریفه به‌عنوان ابرار از آن‌ها یاد شده است که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

ناگفته پیدا است که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به‌عنوان افضل و اشرف مخلوقات در صدر ابرار واقع شده و چشمه‌ای که ابرار از آن می‌نوشند در خانه پیامبر اکرم می‌باشد و از آنجا به خانه انبیاء و اولیاء الهی



جریان پیدا می کند که انشاء الله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد. یکی از دلایل اعطاء این همه پاداش عظیم به ابرار مدّنظر این آیات شریفه را خداوند متعال در آیه دوازدهم این سوره مبارکه «سوره انسان» اینگونه بیان فرموده که:

وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا، یعنی:

خداوند متعال در برابر صبر آن ذوات مقدّسه این همه پاداش را به آنها اعطا می فرماید، یعنی:

صبر آن ذوات مقدّسه در طاعت خداوند متعال،

صبر آن ذوات مقدّسه در برابر مصائب و مشکلات،

و خلاصه کلام صبر در برابر هر چیزی که رضایت خداوند متعال را به دنبال

دارد و مطلوب خداوند سبحان است.

در آخرین آیه مورد بحث «آیه بیست و دوّم سوره انسان» خداوند متعال ابرار مدّنظر این آیات شریفه را که این آیات شریفه در شأن آنها نازل شده مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا، یعنی:

این پاداش شما است، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است، یعنی:

این نعمات عظیم و مواهب بی نظیر پاداش اعمال شما است، و سعی و

کوشش شما در دنیا «در راه اطاعت فرامین خداوند متعال» مقبول واقع شده

است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

۱- نعمات بهشتی فراتر از فکر و اندیشه انسان است و اگر همه خلائق جمع

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۶۲ تا ۳۷۴.

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۳۶۱ - ۳۶۴ و ۳۶۵.

شوند و بخواهند نعمات بهشتی را توصیف کنند قادر به این کار نخواهند بود.<sup>۱</sup> نعمات بهشتی که در این آیات شریفه و سایر آیات شریفه در سوره‌های دیگر قرآن کریم آمده به این منظور است تا تقریب به ذهن انسان بشود و انسان بتواند تا حدودی آن‌ها را درک نماید چراکه انسان در دنیا با این نعمات و این لذت‌ها آشنا است و آن‌ها را می‌شناسد، وگرنه نعمات بهشتی غیرقابل وصف می‌باشند.

خداوند متعال در آیه ۷۱ سوره زخرف می‌فرماید:

و فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، یعنی:

در بهشت آنچه که دل‌ها بخواهد و چشم‌ها از آن لذت‌برد موجود است، و شما اهل بهشت برای همیشه داخل بهشت خواهید ماند.

نعماتی را که خداوند متعال در بهشت برای ابرار مهیا فرموده به حدی زیاد است که ذات اقدس اله آن‌ها را در آیه بیستم سوره مبارکه انسان کبیر عنوان فرموده، و ناگفته پیدا است نعمتی را که خداوند متعال کبیر بداند عظمت و اهمیّتش را فقط خداوند متعال می‌داند و بس.

قبلاً عرض شد که هیجده آیه سوره مبارکه انسان در شأن حضرت علی و حضرت زهرا و حسنین علیهم‌السلام نازل شده و ضمن بیان کردن بخشی از صفات و ویژگی‌های آن بزرگواران به گوشه‌ای از نعمات بهشتی که اختصاص به این ذوات مقدّسه دارد اشاره شده است.

در آیه بیستم این سوره مبارکه خداوند متعال نعماتی را که به این ذوات مقدّسه اختصاص یافته اینگونه بیان می‌فرماید:

وَ إِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا، یعنی:

هنگامی که به بهشت می‌نگری «اگر به بهشت چشم بیندازی و نگاه کنی»

نعيم و مُلك كبير را می بینی.

نعيم يعنى نعمت های فراوان که اشاره به نعمت های فراوان بهشتی دارد که با زبان قابل توصيف نمی باشند،

و مُلك كبير بيان کننده عظمت و وسعت باغ های بهشتی است که با هیچ مقیاسی نمی توان عظمت آن را بیان نمود.

خلاصه کلام این که:

خداوند متعال نعيم و مُلكی را به این ذوات مقدسه اختصاص داده که هیچ انسانی قادر به وصف آنها نمی باشد، و در عظمت و اهميت این نعيم و مُلك همين بس که خداوند متعال آنها را كبير عنوان فرموده است «كبير = بزرگ، بلندمرتبه، بزرگ قدر».

بدیهي است که مقام و منزلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مقام و منزلت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و مقام و منزلت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و مقام و منزلت حسنین و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام برتر و بالاتر می باشد، لذا به طریق اولی نعيم و مُلك كبير به آن حضرت نیز تعلق دارد.<sup>۱</sup>

۲- معمولاً وقتی در آیات شریفه قرآن کریم از چند نعمت بهشتی سخن به میان آمده از حورالعین به عنوان یکی از مهم ترین نعمات بهشتی یاد شده است، لیکن در این آیات شریفه که در شأن حضرت علی و حضرت زهرا و حسنین سلام الله علیهم اجمعین نازل شده با این که حدود پانزده نعمت از نعمات بهشتی نام برده شده لیکن صحبتی از حورالعین به میان نیامده است.

علما و مفسرین محترم عنوان نموده اند که:

۱. مجمع البیان، جلد بیست و ششم، صفحه ۱۷۷.

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۳۶۴.

تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۶۹ و ۳۷۰.

علت این که در این آیات شریفه حورالعین در بین نعمات بهشتی ذکر نشده چنین فهمیده می شود که در بین ابرار مورد نظر این آیات شریفه فردی از طایفه نسوان «بانوان» بوده و خداوند متعال برای رعایت حرمت آن بانوی بزرگوار سخن از حورالعین به میان نیاورده است، یعنی:

خداوند متعال در این آیات شریفه حدود پانزده نعمت از نعمات بهشتی را نام برده، لیکن به احترام وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها از حورالعین سخن به میان نیاورده است، چرا که یکی از ابرار مورد نظر این آیات شریفه وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که این هیجده آیه «آیه پنجم تا بیست و دوم سوره انسان» در شأن آن ذوات مقدسه نازل شده است.<sup>۱</sup>

### حدیث اول:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در خصوص روزه گرفتن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و نذر کردن آن دو بزرگوار جهت شفا یافتن حسنین سلام الله علیهما و نزول هیجده آیه از سوره انسان «آیه پنجم تا بیست و دوم» در شأن آن ذوات مقدسه فرمودند:

امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار شدند، و متعاقب آن حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما نذر نمودند روزه بگیرند تا حسنین علیهما السلام شفا یابند.

هر دو بزرگوار شفا یافتند و حضرت علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما

۱. المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۳۶۶.

تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۴۸ و ۳۴۹.

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، صفحه ۱۸۶، خصیصه پنجاه و ششم.

زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سیدمحمدکاظم قزوینی، صفحه ۱۴۸.

نیز به عهد و نذر خویش وفا نموده و روزه گرفتند.

نزد فاطمه زهرا سلام الله علیها مقداری جو بود که آن حضرت آن جوها را آرد نمود و با آن عسیده ای درست کرد «عسیده غذایی بوده که آرد جو را با مقداری روغن مخلوط کرده و سپس می پختند» و آن را سر سفره آورد تا روزه خویش را افطار نمایند. در همین حال مسکینی به درب منزل آمده و از آن بزرگواران تقاضای کمک نمود و تقاضای غذا کرد.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام یک سوّم غذای تهیّه شده را به مسکین اعطا فرمود.

مدّتی نگذشت که یتیمی به درب منزل آن ذوات مقدّسه آمده و تقاضای طعام نمود.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام یک سوّم دیگر از غذای تهیّه شده را به آن یتیم اعطا فرمود.

پس از مدّت کوتاهی اسیری به درب منزل آن بزرگواران مراجعه نمود و درخواست طعام کرد.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام یک سوّم باقیمانده از غذا و طعام را به آن اسیر اعطا فرمود و دیگر چیزی از غذا و طعام باقی نماند، به نحوی که آن شب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسنین علیهما السلام گرسنه خوابیدند و حتّی طعام غذا را نیز نچشیدند، و پس از این قضیه بود که خداوند متعال آیات پنجم تا بیست و دوّم سوره انسان را در شأن آن ذوات مقدّسه نازل فرمود.

این حدیث را عبدالله بن میمون قدّاح از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام

نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

علامه امینی در کتاب گران سنگ الغدیر اسامی سی و چهار نفر از علمای اهل تسنن را با ذکر نام کتاب و صفحه آن ذکر نموده که این حدیث و این شأن نزول را نقل نموده‌اند که هیجده آیه سوره هَلْ أَتَى «انسان» در شأن علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسنین سلام الله علیهما نازل شده است.

به این ترتیب این حدیث شریف از احادیثی است که در میان اهل سنت مشهور و بلکه متواتر می‌باشد، و به قدری معروف و مشهور است که در اشعار شعرا نیز آمده و حتی محمد بن ادریس شافعی که یکی از پیشوایان چهارگانه اهل سنت می‌باشد در شعر معروف خویش می‌گوید:

تا کی و تا چه زمانی مرا در محبت علی بن ابیطالب علیه السلام سرزنش می‌کنید،

مگر فاطمه به غیر از او تزویج شد،

مگر سوره هَلْ أَتَى درباره غیر او و خانواده‌اش نازل شده است.

ذیلاً به اسامی تعدادی از علمای اهل سنت که در کتاب‌های خویش عنوان نموده‌اند که هیجده آیه سوره انسان «هَلْ أَتَى» درباره حضرت علی و حضرت زهرا و حسنین علیهم السلام نازل شده اشاره می‌شود.

واحدی در اسباب النزول

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و ششم، صفحه ۱۴۴.

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۳۶۹ و ۳۷۰.

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۴۴۳.

تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۳۱۰، حدیث ۲.

تفسیر نورالتقلین، جلد هشتم، صفحه ۱۳۳، حدیث ۲۰ «حدیث ۱۲۲۸۲».

در معالم التنزيل	بغوی
در تذکره	سبط بن جوزی
در کفایة الطالب	گنجی شافعی
در تفسیر کشاف	زمنخسری
در فرائد السمطین	حموی
در تفسیر معروفش	ثعلبی
در الاربعین	خطیب مکی
در نزول قرآن در شأن علی علیه السلام و... <sup>۱</sup>	ابوبکر شیرازی

در جلد سوم کتاب احقاق الحق «صفحه ۱۵۷ تا ۱۷۰» به اسامی علمای اهل سنت و کتب آنها و صفحه کتب آنها اشاره شده که عنوان نموده‌اند که آیات آغاز سوره مبارکه هل اُتی «انسان - دهر» درباره حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می‌باشد.<sup>۲</sup>

### حدیث دوم:

وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

چشمه‌ای که در آیه ششم سوره انسان به آن اشاره شده و عنوان شده که عباد خاص خدا یعنی ابرار از آن می‌نوشتند در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد و از آنجا به خانه انبیاء و مؤمنین جاری می‌شود، و مقصود از کسانی که نذر کردند و در آیه هفتم سوره انسان به آن اشاره شده وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسن و حسین علیهما السلام می‌باشند که به نذر خودشان

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۳۱ و ۳۳۲ - ۳۴۵ و ۳۴۶.

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۳۶۸ و ۳۶۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد هشتم، صفحه ۱۳۵، حدیث ۲۱ «حدیث ۱۲۲۸۳».

۲. تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۳۲.

عمل کردند.<sup>۱</sup>

### حدیث سوّم:

وجود مقدّس امام حسن مجتبی سلام الله علیه فرمودند:

كُلَّمَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَوْلِهِ إِنَّ الْأَبْرَارَ،  
فَوَاللَّهِ مَا أَرَادَ بِهِ إِلَّا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ وَ أَنَا وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، يَعْنِي:  
وجود مقدّس امام حسن مجتبی سلام الله علیه فرمودند:

هر جا در قرآن کریم **إِنَّ الْأَبْرَارَ** آمده، به خدا قسم منظور خداوند متعال، علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا و من و حسین علیهم السّلام می باشد.

این حدیث را محمّد بن حنفیه از وجود مقدّس امام مجتبی علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

پنجمین فضیلت از فضائل بی شمار صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که در این کتاب شریف فاطمی مورد بحث قرار گرفت این بود که وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه آن حضرت سابقون و مقربون مدنظر آیات شریفه سوره واقعه می باشند که اعلی درجه قرب به درگاه الهی را دارند و مقرب ترین مخلوقات الهی در پیشگاه خداوند متعال هستند و عالی ترین

۱. امالی صدوق، صفحه ۴۰۷، مجلس چهل و چهارم، حدیث ۱۱.

المیزان، جلد سی و نهم، صفحه ۳۷۶.

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۴۴۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد هشتم، صفحه ۱۴۵، حدیث ۲۴ «حدیث ۱۲۲۸۶».

تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۵۱.

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد هشتم، صفحه ۱۳۹، حدیث ۲۲ «حدیث ۱۲۲۸۴».

تفسیر نمونه، جلد بیست و ششم، صفحه ۲۹۰ «ذیل آیات ۱۸ تا ۲۸ سوره مطفّفين».



درجات بهشتی نصیب این ذوات مقدّسه می باشد و عالی ترین شراب بهشتی که شراب تسنیم می باشد اختصاص به این بزرگواران دارد.

ششمین فضیلت از فضائل بی شمار صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که در این کتاب شریف فاطمی مورد بحث قرار گرفت این بود که وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و شوهر گرانقدرش و دو فرزندش ابرار مدّنظر آیات شریفه سوره انسان «هَلْ أَتَىٰ دَهْرٌ» هستند و هیجده آیه این سوره مبارکه از آیه پنجم تا آیه بیست و دوّم در شأن این ذوات مقدّسه نازل شده است.

تفسیر نمونه درباره مقربین و ابرار و نسبت آنها با یکدیگر می گوید:

نسبت میان مقربین و ابرار، عموم و خصوص مطلق می باشد، یعنی:

همه مقربین از ابرار می باشند،

لیکن همه ابرار در زمره مقربین نمی باشند.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و ششم، صفحه ۲۹۰ «ذیل آیه ۱۸ تا ۲۸ سوره مطفّین».



## فضیلت هفتم

مودّت و محبّت به حضرت زهرا سلام الله علیها واجب است و آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» به این مطلب اشاره دارد.

خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا  
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

به مردم و به مسلمانان بگو که من برای رسالتم از شما هیچ مزد و پاداشی نمی خواهم جز دوست داشتن نزدیکانم «اهل بیت»، هرکس عمل نیکی انجام دهد ما «خداوند متعال» بر نیکی او می افزاییم، به درستی که خداوند آمرزنده و حق شناس است.<sup>۱</sup>

---

۱. مجمع البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۲۵.  
تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۲۴ - ۴۲۵.

## شرح لغات و توضیحات

أجر = مُزد، پاداش.

مَوَدَّة = محبّت، دوستی، محبّت داشتن، دوست داشتن.

اِقْتِرَاف = اکتساب، کسب کردن، به دست آوردن.

حَسَنه = عمل نیک، کار خوب، هر عملی که مورد رضای خداوند متعال باشد و خداوند متعال در ازاء آن ثواب بدهد.

اِقْتِرَاف حَسَنه = انجام دادن حسنه، انجام دادن کار نیک، انجام دادن هر کاری که موجب رضای خداوند متعال می باشد.

غَفُورٌ = آمرزنده.

شُكُورٌ = حق شناس، سپاسگزار، شکرگزار!

### شان نزول آیه شریفه:

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد مدینه شدند و پایه های اسلام محکم و استوار شد، عده ای از انصار خدمت آن حضرت شرفیاب شده و به آن حضرت عرض کردند:

یا رسول الله:

چنانچه مشکلات مالی وجود داشته باشد، آنها «انصار» حاضرند اموال خویش را تقدیم آن حضرت نمایند.

پس از این قضیه بود که خداوند متعال آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری را به

پیامبر اکرم نازل نمود و به او فرمود که ای پیامبر:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ.... یعنی:

۱. المیزان، جلد سی و پنجم، صفحه ۷۹.

مجمع البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۲۵.

تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۳۳.

ای پیامبر:

به انصار و به همه مسلمین و به همه مردم بگو:

من برای رسالتم از شما هیچ مزد و پاداشی نمی خواهم جز محبت و مودت به نزدیکانم «اهل بیت».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از نزول این آیه شریفه، آن را تلاوت نموده و طی بیاناتی فرمودند:

ای مردم:

پس از من اهل بیت من و نزدیکان مرا دوست بدارید.

انصار پس از شنیدن فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با خوشحالی از محضر پیامبر اکرم مرخص شدند درحالی که تسلیم اوامر پیامبر اکرم بودند و رضایت کامل از فرمایشات آن حضرت داشتند، لیکن منافقین «مسلمانانی که ظاهراً به پیامبر اکرم ایمان آورده و اسلام اختیار کرده بودند، اما در باطن و قلب خویش ذره‌ای به خدا و رسول خدا اعتقاد نداشتند و بلافاصله بعد از رحلت پیامبر اکرم دقیقاً خلاف دستور آن حضرت عمل کرده و ضمن غصب حقوق اهل بیت آن حضرت دختر گرانقدرش حضرت زهرا سلام الله علیها را به شهادت رساندند» وقتی این فرمایشات پیامبر اکرم را شنیدند اظهار داشتند:

این سخنانی که پیامبر اکرم فرمود کلام خدا نبود و از آیات قرآن کریم نیست، بلکه کلامی است که پیامبر اکرم جعل کرده و آن را به خداوند متعال نسبت داده و هدفش این است که پس از خودش ما را زیردست اهل بیتش نماید و ما را در برابر آن‌ها خوار و ذلیل کند.

پس از این سخنان کفرآمیز منافقین بود که خداوند متعال آیه ۲۴ سوره

شوری را نازل نموده و فرمود:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، یعنی:

آیا آن‌ها می‌گویند که پیامبر اکرم دروغ می‌گوید و به خداوند متعال دروغ بسته است، یعنی:

این منافقین وحی الهی را نمی‌پذیرند و می‌گویند:

پیامبر اکرم به خداوند متعال دروغ بسته است و این حرف‌هایی که می‌زند زائیده افکار خودش می‌باشد و به دروغ آن‌ها را به خدا نسبت می‌دهد.<sup>۱</sup>

همانطور که در ابتدای بحث به عرض رسید هنگامی که پیامبر اکرم وارد مدینه شدند و پایه‌های اسلام محکم و استوار شد عده‌ای از انصار خدمت آن حضرت شرفیاب شده و به آن حضرت عرض کردند چنانچه مشکلات مالی وجود داشته باشد آن‌ها «انصار» حاضرند اموال خویش را تقدیم رسول الله نمایند.

پس از این قضیه بود که خداوند متعال آیه بیست و سوم سوره مبارکه شوری را نازل فرمود و به پیامبر اکرم دستور داد که ای پیامبر:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، یعنی:

ای پیامبر:

به انصار و به همه مسلمین و به همه مردم بگو:

من در برابر رسالتی که انجام داده‌ام از شما مُزد و پاداشی نمی‌خواهم مگر دوست داشتن و محبت و ورزیدن به ذوی القربای من «نزدیکان من».

به عبارت دیگر معنی این قسمت از آیه شریفه این می‌شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر:

به مردم و مسلمانان بگو که من به خاطر تبلیغ رسالت و زحماتی که متحمل

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۳۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۴۲.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۳۲، حدیث ۶ و صفحه ۱۴۱ حدیث ۱۷.

تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۲۵.

می شوم از شما مردم توقع اجر و پاداش ندارم چرا که اجر و پاداش من با خداوند متعال است، و خواسته من از شما مردم و مسلمین این است که در همه حال چه در حیات من و چه پس از من به اقربا و نزدیکان من یعنی به اهل بیت من محبت بورزید و آنها را دوست داشته باشید و هر احترامی که می خواهید به من قائل شوید به اهل بیتم قائل شوید.

با توجه به این که دوست داشتن اهل بیت پیامبر اکرم سود و نفعش عاید کسی می شود که به آن ذوات مقدسه محبت می ورزد، لذا معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

به مردم و به مسلمین بگو که من برای رسالتم چیزی از شما درخواست نمی کنم مگر دوست داشتن اهل بیتم که این نیز سودش به خودتان بازمی گردد، چرا که خداوند متعال به محبتین اهل بیتم ثواب و پاداش فراوان می دهد، پس مثل این است که من از شما چیزی نخواسته ام، یعنی:

خواسته من در رابطه با دوست داشتن اهل بیت من به نفع شما است نه به نفع من و اهل بیت من.<sup>۱</sup>

این که اقربا و نزدیکان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی هستند که خداوند متعال امر به دوست داشتن آنها می فرماید انشاء الله تعالی در بخش حدیث خواهد آمد.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

وَمَنْ يَفْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا، یعنی:

هر کس عمل نیکی انجام دهد بر نیکی عملش می افزاییم، یعنی:

۱. مجمع البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۲۸ - ۱۳۰.

تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۲۹ - ۴۴۳.

هرکس عبادتی انجام دهد یا کاری انجام دهد که رضای خداوند متعال در آن باشد خداوند متعال بر نیکی آن کار افزوده و پاداش مضاعف می دهد.  
به عبارت دیگر:

اگر انسان عمل نیکی انجام دهد، خداوند متعال:

۱- نواقص و ایرادات آن عمل نیک را برطرف فرموده و در واقع آن عمل نیک را تکمیل می نماید.

۲- ثواب و پاداش عمل را زیادتیر می کند، یعنی با فضل خویش ثواب و پاداش عمل شخص مؤمن را چند برابر می نماید که به این قضیه در آیات مختلفی از جمله در آیه هفتم سوره عنکبوت و آیه ۳۸ سوره نور اشاره شده است، بنابراین:

خداوند متعال از طریق تکمیل نواقص اعمال مؤمنین، و همچنین از طریق دادن پاداش اضافی و پاداشی بیشتر از آنچه که آن عمل استحقاقش را داشته پاداش چند برابر می دهد، لذا:

معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال می فرماید:

هرکس حَسَنه‌ای انجام دهد «عمل خوبی انجام دهد»:

۱- ما بر حُسن آن عمل می افزاییم،

۲- نواقصش را برطرف می کنیم،

۳- و اجر و پاداشش را بیشتر می دهیم.

مقصود از اقتراف حسنه «عمل نیکی که مورد رضای خداوند متعال می باشد»

در این آیه شریفه چیست؟

با توجه به این که اقتراف حَسَنه در این آیه شریفه بلافاصله پس از مودّت به اقربای پیامبر اکرم آمده، لذا اقتراف حَسَنه در این آیه شریفه مودّت و محبّت



به اهل بیت پیامبر اکرم می‌باشد، و احادیث صادره از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام نیز موید و مبین این قضیه است که انشاء الله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

در انتهای آیه شریفه آمده که:

إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ شَكُورٌ، یعنی:

به درستی که خداوند متعال آمرزنده و حق شناس و شکرگزار و سپاسگزار است، یعنی:

خداوند متعال آمرزنده و بخشنده گناهان است،

و حق شناس و سپاسگزار نسبت به عبادت بندگان خویش.

به عبارت دیگر:

خداوند متعال با بندگانش آنگونه رفتار می‌کند که کسی در مقام سپاسگزاری از شخص دیگری باشد، و مثل این است که از عبادت بندگان به خداوند متعال نفعی رسیده که سپاسگزاری می‌کند.

با توجه به توضیحاتی که به عرض رسید معنی آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری به طور خلاصه این می‌شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر:

به مردم و به همه مسلمین بگو که من به خاطر رسالتم از شما مُزد و پاداش نمی‌خواهم، مگر دوست داشتن اهل بیتم و محبت ورزیدن به آنها، هر کس به اهل بیت من مودت و محبت داشته باشد، حسنه‌ای کسب نموده است «عمل نیکی انجام داده است»،

و خداوند متعال به خاطر این حسنه، حسنه دیگری بر او می‌افزاید، چرا که

خداوند متعال آمرزنده و سپاسگزار است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

اولین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که در این کتاب شریف فاطمی مورد بحث واقع شد در رابطه با مقام عصمت آن علیا مندرّجه بود و ذیل این بحث به عرض رسید که:

روایات و احادیثی که از ناحیه وجود مقدّس پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام در رابطه با آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» و شأن نزول آن صادر شده و این که این آیه شریفه در رابطه با خمسه طیّبه یعنی حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام «و سایر ائمه معصومین علیهم السّلام» می‌باشد به قدری زیاد است که بسیاری از محققین آن را متواتر می‌دانند.

منابع و راویان احادیثی که دلالت بر انحصار آیه تطهیر بر خمسه طیّبه و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام می‌نماید به قدری زیاد است که برای هیچ کس جای تردید باقی نمی‌گذارد که آیه تطهیر فقط و فقط به خمسه طیّبه و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام اختصاص دارد، یعنی مصداق انحصاری آیه تطهیر فقط و فقط وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می‌باشند و لاغیر، بنابراین:

طبق احادیث فراوانی که به حدّ تواتر رسیده مقصود از اهل بیت پیامبر اکرم که در آیه تطهیر به آن اشاره شده فقط و فقط امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار می‌باشند و لاغیر، لذا:

هر فضیلتی که برای اهل بیت پیامبر اکرم و آل محمّد علیهم السّلام نقل شود

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۲۸ - ۱۳۱ - ۱۳۳.

المیزان، جلد سی و پنجم، صفحه ۷۹.

تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۳۳ - ۴۷۷ و ۴۴۸.

حضرت امير و حضرت زهرا سلام الله عليهما در صدر صاحبان اين فضائل خواهند بود چرا كه اين دو بزرگوار مقامشان از مقام ديگر ائمه معصومين عليهم السلام برتر و بالاتر مي باشد، و به عبارت ديگر اين دو بزرگوار در صدر اهل بيت پيامبر اكرم و آل محمد عليهم السلام واقع شده اند.

در كتاب احقاق الحق قاضي نورالله شوشتری به بيش از هفتاد منبع از منابع معروف اهل سنت اشاره شده كه مقصود از اهل بيت پيامبر اكرم و آل محمد عليهم السلام كه آيه تطهير درباره آنها نازل شده وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها و شوهر گرانقدرش و دو پسر عزيزش «همچنين نه امام معصوم از نسل امام حسين عليهم السلام» مي باشند و لاغير، و منابع شيعه در اين زمينه از هزار هم مي گذرد، لذا:

هر فضيلتی كه در احاديث و روايات براي اهل بيت پيامبر اكرم نقل شود حضرت امير و حضرت زهرا سلام الله عليهما اين فضائل را در اعلى درجه دارا مي باشند، زيرا اين دو بزرگوار در صدر اهل بيت پيامبر اكرم واقع شده اند و مقام آنها از مقام ديگر ائمه معصومين عليهم السلام برتر و بالاتر مي باشد.<sup>۱</sup>

پس از ارائه توضيحاتي مختصر در رابطه با اهل بيت پيامبر اكرم و اشاره به مصاديق انحصاری آيه تطهير كه به معرفي اهل بيت پيامبر اكرم پرداخته و اعطای مقام عصمت را به آن ذوات مقدسه بيان مي فرمايد، اينك مي پردازيم به احاديث ذيل آيه ۲۳ سوره مباركه شوري كه لزوم و وجوب مودت و محبت به اهل بيت پيامبر اكرم و آل محمد عليهم السلام را بيان مي فرمايند.

۱. الميزان، جلد سي و دوّم، صفحه ۱۹۰.

تفسير نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۱ تا ۳۲۵.

تفسير صافي، جلد پنجم، صفحه ۳۳۶.

**حدیث اول:**

هنگامی که این آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى - آیه ۲۳ سوره شوری» نازل شد اصحاب به پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله:

اقربا و خویشاوندان شما چه کسانی هستند که خداوند متعال مودت و محبت آنها را به ما واجب فرموده است.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ به سؤال اصحاب فرمودند:

عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةٌ وَ ابْنَاهُمَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، یعنی:

اقربا و خویشاوندان من که خداوند متعال مودت و محبت به آنها را واجب فرموده علی بن ابیطالب و فاطمه و دو پسر آنها «حسن و حسین علیهما السلام» می باشند.

این حدیث را ابن عباس از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

**حدیث دوم:**

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى - آیه ۲۳ سوره شوری» درباره ما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب کساء یعنی حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.

۱. مجمع البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۲۹ «ذیل آیه ۲۳ سوره شوری».

المیزان، جلد سی و پنجم، صفحه ۸۵.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۴۳.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۴۳، حدیث ۲۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۶۱، حدیث ۶۸ «حدیث ۱۰۰۶۸».

این حدیث را اسماعیل بن عبدالخالق از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث سوّم:

وجود مقدّس امام حسن مجتبی علیه السلام پس از شهادت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در بین مردم خطبه‌ای خوانده و فرمودند:

من از اهل بیتی هستم که خداوند متعال مودّت و محبّت آنها را به هر مسلمانی واجب نموده و فرموده: **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ** «آیه ۲۳ سوره شوری».

امام مجتبی علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

**اِقْتِرَافُ الْحَسَنَةِ مَوَدَّتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ**، یعنی:

منظور از اقتراف حسنه «انجام دادن حسنه - انجام دادن کار نیک» در این آیه شریفه محبّت داشتن به ما اهل بیت پیامبر اکرم می باشد.<sup>۲</sup>

### حدیث چهارم:

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه **«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ - آیه ۲۳ سوره شوری»** فرمودند:

مقصود از اقتراف حسنه در این آیه شریفه تسلیم امر ما بودن و تصدیق کردن

۱. مجمع البیان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۱۳۳ «ذیل آیه ۲۳ سوره شوری».  
تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۴۳.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۳۰ و ۱۴۲، حدیث ۴ و حدیث ۲۰.  
تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۵۹، حدیث ۶۵ «حدیث ۱۰۰۶۵».

۲. مجمع البیان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۱۳۳ «ذیل آیه ۲۳ سوره شوری».  
المیزان، جلد سی و پنجم، صفحه ۸۴.

تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۴۷.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۴۴.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۳۸ و ۱۴۱ و ۱۴۲، حدیث ۱۱ و ۱۶ و ۱۹.  
تفسیر نورالثقلین، جلد هشتم، صفحه ۷۶۳، حدیث ۷۱ «حدیث ۱۰۰۷۱».

ما است.

این حدیث را محمد بن مسلم از وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

طبق این حدیث شریف و نورانی پذیرفتن ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار» و اطاعت محض و بی قید و شرط از آن ذوات مقدّسه و مودّت و محبّت داشتن به آن بزرگواران عالی ترین مصداق اقتراف حسنه «انجام دادن حسنه - انجام دادن عمل نیک» می باشد، و هرکس بدین طریق حسنه ای کسب نماید خداوند متعال نیز حسنه ای بر حسّانات چنین شخصی می افزاید «خداوند متعال بر نیکی عملش می افزاید».

### حدیث پنجم:

در جلسه ای در مرو که مأمون و عدّه ای از علمای عراق و خراسان نیز حاضر بودند وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام به گوشه ای از فضائل و مناقب اهل بیت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام اشاره نموده و در این رابطه به آیاتی از آیات شریفه قرآن کریم اشاره فرمودند که در شأن اهل بیت پیامبر اکرم نازل شده و فضائل و مناقب آن ذوات مقدّسه را بیان می فرماید.

از جمله آیات شریفه ای که وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام به آن استناد

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۳۶، حدیث ۴ «حدیث ۱۰۱۲».

المیزان، جلد سی و پنجم، صفحه ۸۵ «ذیل آیه ۲۳ سوره شوری».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۴۵.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۳۳، حدیث ۷ و ۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۶۹، حدیث ۸۰ «حدیث ۱۰۰۸۰».

فرمودند آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری بود.

وجود مقدس امام رضا علیه السلام این آیه شریفه را «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا - آیه ۲۳ سوره شوری» تلاوت نموده و فرمودند:

این امر تا روز قیامت مختص پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت می باشد و جز آن ها به هیچ کس دیگری تعلق ندارد.

وجود مقدس امام رضا علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: هر کس اهل بیت پیامبر اکرم را دوست داشته باشد هرگز پیامبر اکرم بغض آن شخص را در دل نخواهد داشت،

و هر کس این دستور الهی را ترک کند و به آن عمل ننماید و اهل بیت پیامبر اکرم را دوست نداشته باشد بر پیامبر اکرم واجب است که او را دوست نداشته باشد، زیرا چنین شخصی یکی از واجبات الهی را ترک کرده است «یعنی دوست داشتن اهل بیت پیامبر اکرم واجب است».

وجود مقدس امام رضا علیه السلام در پایان این قسمت از فرمایش خویش فرمودند: و چه فضل و شرفی بر این فضیلت اهل بیت پیامبر اکرم تقدّم دارد یا با آن برابری می کند.

این حدیث را ریّان بن صلت از امام رضا علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث ششم:

وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند:

حمد و سپاس خداوندی را که میراث های نبوت را به اهل بیت پیامبر اکرم

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب ۲۳، صفحه ۴۷۸، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۳۴، حدیث ۹.

تفسیر نور الثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۶۵، حدیث ۷۶ «حدیث ۱۰۰۷۶».

عطا فرمود، و علم و حکمت را نزد ایشان به ودیعت نهاد، و آنها را کانون امامت و رهبری و امارت بر مردم قرار داد، و دوستی و مؤدت ایشان را بر همه مردم واجب ساخت، و محلّ و مقام آنها را بالا و والا قرار داد و به پیامبرش دستور داد تا دوست داشتن آنها و محبت ورزیدن به آنها را از امتش بخواهد، چنانکه خداوند متعال در این رابطه به پیامبر اکرم فرمود:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى «آیه ۲۳ سوره شوری»،

همچنین خداوند متعال در رابطه با اهل بیت پیامبر اکرم فرمود:

أَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا «آیه ۳۳ سوره

احزاب».<sup>۱</sup>

### حدیث هفتم:

وجود مقدّس ابا عبدالله الحسین علیه السلام درباره این آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى - آیه ۲۳ سوره شوری» فرمودند:

مقصود از قُرْبَى «خویشاوندان و نزدیکان پیامبر اکرم» در این آیه شریفه که خداوند متعال دستور فرموده تا به آنها صلّه شود و حق آنها بزرگ داشته شود ما اهل بیت پیامبر اکرم می باشیم،

و خداوند متعال حقّ ما را بر هر مسلمانی واجب گردانده است.

این حدیث شریف را عبدالملک بن عمیر از وجود مقدّس امام حسین علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### حدیث هشتم:

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم، باب ۴۰، صفحه ۳۵۱، حدیث ۲۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۶۹، حدیث ۷۷ «حدیث ۱۰۰۷۷».

۲. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۳۸، حدیث ۱۲.



إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى - آیه ۲۳ سوره شوری» فرمودند:

مقصود از قُربی در این آیه شریفه اهل بیت پیامبر اکرم می باشند که خداوند متعال به مردم دستور فرموده تا آنها را دوست داشته باشند و به آنها محبت بورزند.

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: خداوند متعال مودّت و محبتّ به اهل بیت پیامبر اکرم را به همه مردم واجب فرموده است، لذا:

اگر مردم به این دستور خداوند متعال عمل نمایند و به اهل بیت پیامبر اکرم محبتّ بورزند به امر واجبی عمل نموده اند،

و اگر این دستور الهی را ترک نمایند یک عمل واجب را ترک کرده اند. این حدیث شریف را محمّد بن مسلم از وجود مبارک امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث نهم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در یک حدیث مفصّل در رابطه با موضوعات مختلفی مطالبی فرمودند که از جمله آنها این بود که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فضیلت اهل بیتش را با بیان شیوای خویش به مردم بیان می فرمود، و همچنین بوسیله قرآن کریم و آیات نورانی آن، فضیلت اهل بیت خویش را برای مردم روشن و آشکار می ساخت.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: از جمله آیات که در شأن و مقام اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

۱. المیزان، جلد سی و پنجم، صفحه ۸۵ و ۸۶ «ذیل آیه ۲۳ سوره شوری».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۴۵ و ۶۴۶.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۳۹، حدیث ۱۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۷۱، حدیث ۸۲ «حدیث ۱۰۰۸۲».

سَلِّمْ مِیْ بَاشِد و وِجودِ مَقْدَسِ پیامبرِ اکرم آن را بیان فرموده این آیه شریفه است  
 «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا، آیه  
 ۲۳ سوره شوری».

این حدیث را عبدالحمید بن ابی الدیلیم از وجود مقدس امام صادق علیه السلام  
 نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث دهم:

در زیارت شریف و نورانی جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی  
 علیه السلام صادر شده هنگام زیارت اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه  
 و آله و سلم به آن ذوات مقدسه عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، یعنی:

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت.

مراد از اهل بیت نبوت ائمه معصومین علیهم السلام هستند نه غیر آنها، و  
 فاطمه زهرا سلام الله علیها جزء آنها و بلکه اصل آنها است.<sup>۲</sup>

در قسمتی از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره به محضر مبارک و  
 نورانی اهل بیت پیامبر اکرم یعنی به محضر مقدس حضرت زهرا سلام الله علیها  
 و به محضر مقدس ائمه معصومین علیهم السلام عرض می کنیم:

وَلَكُمْ الْمَوَدَّةَ الْوَاجِبَةَ، یعنی:

برای شما است محبت و مودت واجب، یعنی:

دوست داشتن شما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و محبت  
 ورزیدن به شما را خداوند متعال واجب فرموده است.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۵۷، حدیث ۳ «حدیث ۷۵۹».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰ و ۴۱.  
 شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سیدحسین همدانی درودآبادی، صفحه ۴۵.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
قسم به خدایی که جانم در اختیار او است اگر کسی تمام عمرش را بین  
رکن و مقام در نماز و روزه باشد و خدا را ملاقات کند «در قیامت محشور  
شود» در حالی که محبّت اهل بیت مرا نداشته باشد این همه عبادت هیچ نفعی  
به حال او نخواهد بخشید.

در قسمت دیگری از زیارت نورانی جامعه کبیره آمده که:

مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ،

وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، یعنی:

هرکس شما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را دوست بدارد  
خدا را دوست می دارد،

و هرکس شما را دشمن بدارد خدا را دشمن می دارد «هرکس بُغض شما را  
در دل داشته باشد بُغض خدا را در دل دارد»، یعنی:

دوست داشتن اهل بیت پیامبر اکرم عین دوست داشتن خداوند متعال است،  
و دشمنی کردن با آن ذوات مقدّسه عین دشمنی کردن با خداوند متعال  
می باشد، بنابراین:

خدانشناس حقیقی و موّحد واقعی کسی است که:

هرکس را که خداوند متعال دوست می دارد دوست داشته باشد،

و هرکس را که خداوند متعال دشمن می دارد دشمن بدارد، لذا:

موّحد واقعی کسی است که پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود  
مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السلام  
را دوست داشته باشد، زیرا خداوند متعال این ذوات مقدّسه را دوست می دارد  
و به بندگانش نیز امر فرموده تا آن بزرگواران را دوست داشته باشند، بنابراین:  
کسانی که اهل بیت پیامبر اکرم را دوست ندارند لیکن ادّعی این را دارند

که خداوند متعال را دوست می‌دارند، این افراد دروغ می‌گویند، چرا که این‌ها خداوند متعال را نیز دوست ندارند، زیرا همانطور که قبلاً عرض شد موحد واقعی و مؤمن حقیقی کسی است که:

دوستان خدا را دوست بدارد و دشمنان خدا را دشمن.

علامت و نشانه مودت و محبت به اهل بیت پیامبر اکرم این است که انسان از اوامر و دستورات آن بزرگواران تبعیت و پیروی نماید و مطیع محض و بی‌قید و شرط آن ذوات مقدسه باشد، زیرا تبعیت و پیروی محض و بی‌قید و شرط از آن بزرگواران را نیز خداوند متعال واجب فرموده است، بنابراین:

۱- اگر کسی ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را نپذیرد مؤمن نیست و جایگاه او جهنم است، زیرا این ذوات مقدسه حجج خداوند متعال هستند و منصوب از طرف خدا، لذا:

اطاعت از آن‌ها اطاعت از خداوند متعال است،

و سرپیچی از دستورات آن‌ها سرپیچی از دستورات خداوند متعال، و در زیارت نورانی جامعه کبیره آمده که:

مَنْ اطَاعَكُمْ فَقَدْ اطَاعَ اللهَ،

وَ مَنْ عصَاكُمْ فَقَدْ عصَى اللهَ،

۲- نه تنها اطاعت از اهل بیت پیامبر اکرم واجب می‌باشد بلکه دوست داشتن آن بزرگواران نیز واجب است، لذا:

اگر کسی آن ذوات مقدسه را به‌عنوان امام منصوب از ناحیه خداوند متعال نداند جایگاهش جهنم است،

همچنین اگر کسی آن بزرگواران را دوست نداشته باشد جایگاه چنین شخصی نیز جهنم می‌باشد و اعمال صالحی نیز که انجام داده «از قبیل نماز،

روزه، صله رحم، رسیدگی به فقرا و...» به حال او نفعی نخواهد بخشید.<sup>۱</sup>

### توضیح:

در بیش از پنجاه کتاب از کتب معتبر اهل سنت نقل شده که این آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا - آیه ۲۳ سوره شوری» در شأن اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و طی آن خداوند متعال به مردم دستور فرموده تا آن ذوات مقدسه را دوست بدارند و به آن ذوات مقدسه محبت بورزند.<sup>۲</sup>

به عنوان نمونه به سه حدیث که در معتبرترین کتب اهل سنت آمده اشاره می شود.

### حدیث اول:

احمد بن حنبل در کتاب فضائل الصحابه و همچنین در مُسند خویش نقل می کند که:

زمانی که این آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا - آیه ۲۳ سوره شوری» نازل شد، اصحاب پیامبر اکرم خدمت آن حضرت عرض کردند:

یا رسول الله:

اقربا و خویشاوندان شما چه کسانی هستند که خداوند متعال در این آیه شریفه مودت و محبت آنها را به ما واجب فرموده است.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ به سؤال اصحاب خویش فرمودند:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۵۸۴ - ۶۰۸ - ۶۰۹.

۲. تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۴۱.

عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ ابْنَاهُمَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ قَالَهَا ثَلَاثًا، يَعْنِي:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

اقربا و خویشاوندان من که خداوند متعال مودّت و محبّت آنها را به همه مردم واجب فرموده، علیّ بن ابیطالب و فاطمه و دو پسر آنها «حسنین علیهما السّلام» می‌باشند، و آن حضرت آن سخن را سه بار تکرار فرمودند.

این حدیث شریف را سعید بن جبیر از عامر و او از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

این حدیث شریف را کثیری از علمای اهل سنّت در کتب خویش نقل نموده‌اند که ذیلاً به اسامی تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

طبرانی	در معجم «جلد سوّم، صفحه ۴۷»
ابونعیم	در حلیة الاولیاء
حاکم حسکانی	در شواهد التّنزیل «جلد دوّم، صفحه ۱۹۴»
ابن مغازلی	در مناقب
شبلینجی	در نورالابصار «صفحه ۲۲۷»
طبری	در ذخائر العقبی
قندوزی	در ینابیع المودّه «جلد دوّم، صفحه ۱۲»
حموینی	در فرائد السّمطین «جلد دوّم، باب دوم، صفحه ۱۳، حدیث ۳۵۹»
ابن حجر	در صواعق المحرّقه «صفحه ۱۰۴ و ۱۳۹، چاپ مصر»
ابن صبّاغ مالکی	در فصول المهمّه «صفحه ۱۲ و ۲۷»
گنجی شافعی	در کفایة الطّالب «صفحه ۹۷، باب ۱۱»
زمخشری	در تفسیر کشاف
ثعلبی	در تفسیر خویش

۱. تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۳۳، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۴۴، حدیث ۲۵.

فخر رازی در تفسیر کبیر «جلد ۲۷، صفحه ۱۶۶»، و..<sup>۱</sup>

### حدیث دوم:

زمخشری در تفسیر کشاف، فخر رازی در تفسیر کبیر، قرطبی و ثعلبی در تفسیر خویش، حموینی در فرائد السمطین و قندوزی در ینابیع الموده از وجود مقدس پیامبر اکرم نقل می کنند که آن حضرت فرمودند:

مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً لَهُ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤمناً مُسْتَكْمِلاً الْإِيمَانَ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يَزِفُّ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تَزِفُّ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَتَحَّ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوباً بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِراً،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَيَّ بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشُمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هرکس با محبت آل محمد علیهم السلام بمیرد شهید از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید که:

هرکس با محبت آل محمد علیهم السلام از دنیا برود آمرزیده و بخشوده است.

هرکس با محبت آل محمد علیهم السلام از دنیا برود با توبه از دنیا رفته است.

۱. جنة العاصم، تألیف آیت الله میرجهانی، صفحه ۴۵۵ تا ۴۵۷.

هرکس با محبت آل محمد عليهم السلام از دنیا برود مؤمن کامل الايمان از دنیا رفته است.

هرکس با محبت آل محمد عليهم السلام از دنیا برود ملك الموت «فرشته مأمور قبض روح» او را به بهشت بشارت می دهد، و سپس نکیر و منکر به او مژده و بشارت بهشت می دهند.

هرکس با محبت آل محمد عليهم السلام از دنیا برود ملائکه الهی او را با احترام به سوی بهشت می برند آنچنانکه عروس را به خانه داماد می برند.

هرکس با محبت آل محمد عليهم السلام از دنیا برود از داخل قبر او دو درب به سوی بهشت گشوده می شود.

هرکس با محبت آل محمد عليهم السلام از دنیا برود خداوند متعال قبر او را زیارتگاه ملائکه رحمت خویش قرار می دهد.

هرکس با بغض آل محمد عليهم السلام از دنیا برود روز قیامت درحالی وارد عرصه محشر می شود که بر پیشانی او نوشته شده: مأیوس از رحمت خدا.

هرکس با بغض آل محمد عليهم السلام از دنیا برود کافر از دنیا رفته است. هرکس با بغض و عداوت آل محمد عليهم السلام از دنیا برود بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد «کنایه از اینکه هرگز وارد بهشت نخواهد شد».

قابل ذکر است که:

زمخشری در تفسیر خویش «تفسیر کشاف» این حدیث را به صورت ارسالی مسلم ذکر کرده است.

فخررازی در تفسیر خویش «تفسیر کبیر» ذیل این حدیث شریف عنوان نموده که:

آل محمد عليهم السلام کسانی هستند که بازگشت امر آنها به پیامبر اکرم است، و کسانی که ارتباطشان محکم تر و کامل تر باشد آل محسوب می شوند،



و شک نیست که علی و فاطمه و حسن و حسین «علیهم السَّلام» محکم‌ترین پیوند را با پیامبر اکرم داشتند و این از مسلّمات و مستفاد از احادیث متواتر است، بنابراین لازم است که علی و فاطمه و حسن و حسین «علیهم السَّلام» را آل پیامبر و آل محمّد بنامیم.

سپس فخررازی و زمخشری در تفاسیر خویش نقل می‌کنند که: وقتی این آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا - آیه ۲۳ سوره شوری» نازل شد خدمت پیامبر اکرم عرض شد:

یا رسول الله:

اقربا و خویشاوندان شما چه کسانی هستند که خداوند متعال مودّت و محبّت آنها را بر ما واجب فرموده است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم در پاسخ به این سؤال فرمودند: اقربا و خویشاوندان من که خداوند متعال مودّت و محبّت آنها را به همه واجب فرموده علی و فاطمه و دو پسرشان هستند.

فخررازی و زمخشری سپس اینگونه نتیجه‌گیری می‌کنند که: بنابراین ثابت می‌شود که این چهار نفر «علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السَّلام» ذی القربای پیامبر اکرم می‌باشند، و هنگامی که این معنی ثابت شد واجب است از احترام فوق‌العاده‌ای برخوردار باشند.<sup>۱</sup>

حُبّ و محبّت = ۱- دوست داشتن، علاقه داشتن؛ ۲- دوستی، علاقه. بُغْض = دشمنی، عداوت، کینه.

۱. تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۳۶ تا ۴۳۹.

فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۲۷ تا ۱۳۲. مجلس هفتم «ذیل عنوان: غضب خدا به غضب حضرت زهرا و رضای خدا به رضای او».

## حدیث سوّم:

حاکم حسکانی در کتاب شواهدالتّنزیل، گنجی شافعی در کفایة الطالب و طبری در معجم از وجود مقدّس پیامبر اکرم نقل می کنند که آن حضرت فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى،  
وَ خُلِقْتُ أَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ،  
فَأَنَا أَصْلُهَا،

وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرُعُهَا،  
وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا سَلَامٌ لِقَاحُهَا،  
وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِمَارُهَا،  
وَ أَشْيَاءُنَا أَوْرَاقُهَا وَ....

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَ اللَّهِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ،  
ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ حَتَّى يَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ لَمْ يُدْرِكْ مَحَبَّتَنَا كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي  
النَّارِ، ثُمَّ تَلَا:

قُلْ لَا أَسْتَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا،  
«آیه ۲۳ سوره شوری»، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی پیامبران را از درختان مختلف و گوناگونی آفرید،  
اما من و علی بن ابیطالب علیه السلام از یک درخت آفریده شدیم،  
من اصل این درخت هستم «ریشه و تنه درخت»،

علی بن ابیطالب علیه السلام شاخه های آن درخت،

فاطمه علیها سلام گل این درخت «فاطمه علیها سلام لِقَاح این درخت و

موجب باروری آن است»،

حسن و حسين عليهما السلام ميوه‌های آن درخت،  
و شيعيان ما برگ‌های آن درخت هستند.  
هرکس به شاخه‌ای از شاخه‌های این درخت تمسک نمايد «بياويزد» نجات  
پيدا می‌کند،  
و هرکس از آن جدا شود به هلاکت می‌رسد.  
وجود مقدّس پيامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
اگر شخصی سه هزار سال خداوند متعال را بين صفا و مروه عبادت کند  
تا پوستش پوسيده و چروکيده شود «پوستش مانند مشک چروکيده شود» اما  
محبت و مودت ما «چهارده معصوم عليهم السلام» را نداشته باشد خداوند متعال  
او را با صورت به داخل آتش جهنم پرتاب می‌نمايد، و سپس وجود مقدّس  
پيامبر اکرم صلى الله عليه و آله و سلم این آيه شريفه را «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا  
إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا - آيه ۲۳ سوره شوری»  
تلاوت فرمودند.  
این حدیث شریف را ابی امامه باهلی از وجود مقدّس پيامبر اکرم نقل نموده  
است.<sup>۱</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۲۹ «ذیل آیه ۲۳ سوره شوری».  
تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۳۵ و ۴۳۶.  
تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۴۴.  
تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۴۳، حدیث ۲۳.  
تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۶۱، حدیث ۶۹ «حدیث ۱۰۰۶۹».  
جُتة العاصمه، تألیف آیت‌الله میرجهانی، صفحه ۴۵۹ و ۴۶۰.



## فضیلت هشتم

حضرت زهرا سلام الله علیها کوثر است و شأن نزول سوره مبارکه کوثر درباره آن حضرت می باشد، و مزده و بشارتی است از ناحیه خداوند متعال به وجود مقدس پیامبر اکرم که خیر کثیر و کثرت نسل را از طریق حضرت زهرا سلام الله علیها به آن حضرت «یعنی پیامبر اکرم» اعطا خواهد فرمود. خداوند متعال در سوره مبارکه کوثر وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ «آیه ۱»

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ «آیه ۲»

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ «آیه ۳»، یعنی:

خداوند متعال وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

ای پیامبر:

ما به تو کوثر «خیر کثیر و نعمت فراوان» اعطا نمودیم «آیه ۱».

پس به شکرانه این که به تو کوثر بخشیدیم برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن «آیه ۲».

ای پیامبر:

بدان که دشمن تو ابتر «بلاعقب - اجاق کور» است «آیه ۳»<sup>۱</sup>.

### شرح لغات و توضیحات

کوثر = خیر کثیر، نعمت فراوان.

فَصَلِّ = پس نماز بخوان.

نَحْر = قربانی کردن شتر، سر بریدن شتر.

قابل ذکر است که به سر بریدن سایر حیوانات ذبح گفته می‌شود.

شانیء = دشمن کینه‌توز.

أَبْتَرُ = این کلمه در اصل به معنای حیوان دُم بریده است، لیکن به معنی انسان

بلاعقب و انسان اجاق کور به کار رفته است، و به شخصی که فرزند پسر

نداشت اطلاق می‌شد که چون پسر ندارد نسل او منقرض می‌شود.

این تعبیر از سوی کفار و مشرکین بود و منظور آن‌ها نیز توهین و هتک

حرمت ساحت مقدس پیامبر اکرم بود.<sup>۲</sup>

### شان نزول سوره مبارکه کوثر:

وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از بانوی بزرگوار اسلام

یعنی خدیجه کبری سلام الله علیها دو پسر داشت به نام‌های قاسم و طاهر «طاهر

را عبدالله نیز می‌نامیدند».

بزرگترین پسر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قاسم بود که در ایام

طفولیت در شهر مکه از دنیا رفت.

دومین پسر پیامبر اکرم از حضرت خدیجه سلام الله علیها طاهر «عبدالله» نام

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۳۹۷.

۲. مجمع‌البیان، جلد بیست و هفتم، صفحه ۳۰۹.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۴۰۹ تا ۴۱۲.

تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۳۹۸ تا ۴۰۱.

داشت که او نیز در شهر مکه از دنیا رفت.

پس از فوت طاهر «عبدالله» یکی از سران مشرکین به نام عاص بن وائل اظهار داشت که محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» اَبْتَر شد.

همانطور که در بخش شرح لغات و توضیحات ملاحظه فرمودید، عرب کسی را که فرزند پسر نداشت اَبْتَر می نامید، یعنی کسی که به اصطلاح اجاق کور است و بلاعقب می باشد و بعد از خودش نسلش قطع می گردد، و به همین جهت پس از فوت طاهر «عبدالله» سران مشرکین پیامبر اکرم را اَبْتَر نامیدند.

پس از این اهانت و توهین مشرکین قریش بود که خداوند متعال به منظور تسلی دادن به قلب مبارک پیامبر اکرم سوره مبارکه کوثر را نازل نمود و ضمن اَبْتَر نامیدن دشمنان حضرت به آن حضرت فرمود:

ای پیامبر:

تو اَبْتَر نیستی زیرا ما به تو کوثر اعطا نمودیم.

از این تعبیر استفاده می شود که کوثر همان فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که نسل و ذریه پیامبر اکرم بوسیله همین بانوی بزرگوار در سراسر جهان انتشار یافت.<sup>۱</sup>

قابل ذکر است که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شهر مدینه صاحب فرزند پسری شد که نام او ابراهیم بود و او نیز در شهر مدینه از دنیا رفت «مادر ابراهیم ماریه قبطیه نام داشت»، لذا:

هر سه پسر پیامبر اکرم یعنی قاسم و طاهر «عبدالله» که مادرشان خدیجه

۱. المیزان، جلد چهارم، صفحه ۴۱۰ - ۴۱۴ و ۴۱۵.

مجمع البیان، جلد بیست و هفتم، صفحه ۳۱۰ و ۳۱۱.

تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۳۹۵ - ۴۰۲.

تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۷۳۴، حدیث ۱۷.

کبری سلام الله علیها بود، و ابراهیم که مادرش ماریه قبطیه نام داشت در زمان طفولیت از دنیا رفتند و از پیامبر اکرم اولاد ذکور باقی نماند.<sup>۱</sup>

سوره مبارکه کوثر کوتاهترین سوره قرآن کریم است و مشتمل بر سه آیه است «سوره عصر و سوره نصر نیز مشتمل بر سه آیه می باشند».

روی سخن در تمام این سوره مبارکه «سوره مبارکه کوثر» متوجّه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد و مخاطب در هر سه آیه این سوره مبارکه شخص نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد. یکی از اهداف این سوره مبارکه تسلی دادن به قلب مبارک پیامبر اکرم در برابر زخم زبانهای مکرّر دشمنان آن حضرت می باشد.

ملاحظه فرمودید که بعد از فوت دوّمین پسر پیامبر اکرم در مکه، سران مشرکین آن حضرت را اَبْتَر نامیدند، یعنی بلاعقب و اجاق کور. مقصود مشرکین از اَبْتَر نامیدن وجود مقدّس پیامبر اکرم این بود که چون آن حضرت فرزند ذکور ندارد، لذا پس از فوت آن حضرت نسل آن حضرت نیز منقرض خواهد شد.

خداوند متعال به منظور تسلی دادن به قلب نازنین پیامبر اکرم، سوره مبارکه کوثر را نازل فرمود و به آن حضرت بشارت خیر کثیر و کثرت نسل و اولاد داد و دشمنان آن حضرت را ابتر نامید.

راجع به پیشگویی قرآن کریم در این سوره مبارکه «در رابطه با پیامبر اکرم و اعطاء خیر کثیر به آن حضرت و ابتر بودن دشمنان آن حضرت» انشاء الله تعالی در ادامه بحث مطالبی به عرض خواهد رسید.

خداوند متعال در اولین آیه این سوره مبارکه پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۳۹۵ و ۳۹۶ «پاورقی».



إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، یعنی:

ای پیامبر:

ما به تو کوثر اعطا فرمودیم.

منظور از کوثر در این آیه شریفه چیست؟

همانطور که عرض شد کوثر یعنی خیر کثیر و نعمت فراوان که مصادیق فراوانی دارد که تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می فرمایید.

۱- نهری است در بهشت، سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل؛

۲- حوض کوثر؛

۳- نبوت و رسالت؛

۴- قرآن کریم؛

۵- دین مبین اسلام؛

۶- علم و حکمت؛

۷- شفاعت؛

۸- علماء امت؛

۹- اصحاب و پیروان راستین پیامبر اکرم تا روز قیامت؛

۱۰- فراوانی و کثرت نسل و اولاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از

طریق فاطمه زهرا سلام الله علیها.

فخررازی در تفسیر مفاتیح الغیب بالغ بر پانزده معنی برای کوثر نقل نموده و

بعضی از مفسرین نیز برای کوثر بیست و شش مصداق عنوان نموده اند.

خداوند متعال خیر کثیر و نعمات فراوانی به وجود مقدس پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم اعطا فرموده که مواهب فوق بخشی از این مواهب الهی

به آن حضرت می باشد، و در واقع موارد فوق بیان مصادیق روشن و آشکار

کوثر می باشند.

بنابراین:

معنی اَنَا اَعْطَيْتَاكَ الْكَوْثَرَ این می شود که:

خداوند متعال پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را مورد خطاب قرار

داده و می فرماید:

ای پیامبر:

ما به تو کوثر اعطا نمودیم، یعنی:

به تو خیر کثیر و نعمت فراوان اعطا نمودیم و بخشیدیم.

مصادیقی از کوثر را ملاحظه فرمودید، لیکن بارزترین و روشن ترین مصداق کوثر که با شأن نزول آیات شریفه سوره مبارکه کوثر تطبیق دارد وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که ادامه نسل پیامبر اکرم و کثرت نسل آن حضرت از طریق همین علیا مخدّره است که خداوند متعال در آیه اوّل سوره مبارکه کوثر آن را به پیامبر اکرم بشارت داده، و در آیه سوّم این سوره مبارکه دشمنان آن حضرت را اَبْتَر و بلاعقب نامیده است.

علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان «صفحه ۴۱۰» ذیل آیه اوّل سوره مبارکه

کوثر می گوید:

با در نظر گرفتن این که کلمه اَبْتَر در ظاهر به معنی اجاق کور است چنین به نظر می رسد که منظور از کوثر در این آیه شریفه «آیه اوّل سوره کوثر» تنها و تنها کثرت ذرّیه است که خداوند متعال به پیامبر اکرم ارزانی داشته و برکتی است که در نسل آن حضرت قرار داده است،

و یا این که مراد از کوثر در این آیه شریفه، هم خیر کثیر است و هم کثرت ذرّیه، چیزی که هست کثرت ذرّیه یکی از مصادیق خیر کثیر است.

علامه طباطبایی در ادامه بحث خویش در رابطه با این آیه شریفه می گوید:

اگر مقصود از کوثر در آیه اوّل سوره کوثر مسئله ذرّیه و کثرت ذرّیه پیامبر اکرم

نبود «چه به استقلال و چه به طور ضمنی»، آوردن کلمه **إِنَّ** در جمله **إِنَّ شَائِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ** فایده‌ای نداشت، زیرا که **إِنَّ** در این آیه شریفه تعلیل را نیز می‌رساند، و معنی ندارد که در آیه **أَوَّل** بفرماید:

ای پیامبر ما به تو حوض دادیم «حوض کوثر»،  
و در آیه **سَوِّم** بفرماید که:

ای پیامبر دشمن تو اجاق کور است و یا بی‌خیر است (تعلیل = دلیل امری را ذکر کردن - علت آوردن - ذکر علت و دلیل)  
نتیجه این می‌شود که:

اگر کوثر در آیه **أَوَّل** این سوره مبارکه را کثرت ذرّیه و نسل پیامبر اکرم بدانیم، معنی آیه **أَوَّل** و **سَوِّم** سوره مبارکه کوثر این می‌شود که:  
ای پیامبر، ما به تو خیر کثیر یعنی کثرت ذرّیه و نسل اعطا نمودیم و بخشیدیم،  
یعنی:

ای پیامبر، تو اجاق کور و بلاعقب نیستی «آیه **أَوَّل**»،  
ای پیامبر، بدان که دشمن تو اجاق کور و بلاعقب است «آیه **سَوِّم**».  
اما اگر مصداق کوثر را حوض کوثر و یا موارد دیگری بدانیم که قبلاً به آن‌ها اشاره شد، معنی آیه **أَوَّل** و **سَوِّم** سوره مبارکه کوثر این می‌شود که:  
خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر:

ما به تو حوض کوثر اعطا نمودیم «آیه **أَوَّل**»،  
و بدان که دشمن تو اجاق کور و بلاعقب است «آیه **سَوِّم**»، که این معنی  
چندان مناسب به نظر نمی‌رسد، بنابراین:

طبق نظر علامه طباطبایی، منظور از کوثر در آیه **أَوَّل** این سوره مبارکه تنها و  
تنها کثرت ذرّیه است که خداوند متعال به پیامبر اکرم ارزانی داشته است،  
و یا مراد از کوثر در آیه **أَوَّل** این سوره مبارکه هم خیر کثیر است و هم کثرت

ذریّه، و چیزی که هست کثرت ذریّه یکی از مصادیق خیر کثیر می باشد. علامه طباطبایی در ادامه بحث خویش ذیل آیه اوّل سوره کوثر می گوید: روایات بسیاری هم رسیده که سوره کوثر در پاسخ به کسی نازل شد که پیامبر اکرم را به اجاق کوری زخم زبان زد، و این زخم زبان هنگامی بود که دو پسر پیامبر اکرم یعنی قاسم و طاهر «عبدالله» از دنیا رفتند. چون جمله **إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ** در مقام بیان اعطای خیر کثیر و نعمت فراوان به پیامبر اکرم می باشد، لذا با سیاق **مَتَكَلَّمْ** مع العیر «یعنی ما» آمده که بر عظمت دلالت دارد،

و چون منظور این آیه شریفه خوش دل ساختن پیامبر اکرم در مقابل زخم زبان زدن های مشرکین بود که آن حضرت را اَبْتَر می نامیدند، لذا خداوند متعال مطلب را با کلمه اعطا که ظاهر در تملیک است بیان داشت و فرمود ما به تو کوثر عطا فرمودیم.

این آیه شریفه دلالت بر این دارد که فرزندان فاطمه زهرا سلام الله علیها ذریّه پیامبر اکرم می باشند، و این خود یکی از خبرهای غیبی قرآن کریم است، زیرا همانطور که می بینیم خداوند متعال بعد از رحلت پیامبر اکرم برکتی در نسل آن حضرت قرار داد به طوری که در همه عالم هیچ نسلی معادل آن دیده نمی شود، آن هم با آن همه بلاها که بر سر ذریّه آن حضرت آوردند و گروه گروه از آنها را به شهادت رساندند.<sup>۱</sup>

خداوند متعال پس از بشارت کوثر و کثرت نسل به وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، در آیه بعد «آیه دوّم سوره مبارکه کوثر» آن حضرت را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

**فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ،** یعنی:

۱. المیزان، جلد چهارم، صفحه ۴۱۰ و ۴۱۱ «ذیل آیه اوّل سوره مبارکه کوثر».

پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن، یعنی:

ای پیامبر:

حال که به تو کوثر اعطا فرمودیم، پس به شکرانه این که به تو کوثر بخشیدیم برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.

بعضی از مفسرین گفته‌اند که مقصود از نماز و قربانی کردن در این آیه شریفه نماز روز عید قربان و قربانی کردن شتر در همان روز می‌باشد، لیکن معنی آیه شریفه عام و گسترده است، لذا نماز روز عید قربان و قربانی کردن در آن روز یکی از مصادیق روشن آن می‌باشد.

خداوند متعال در آخرین آیه این سوره مبارکه ابتر بودن دشمنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را خاطر نشان نموده و به آن حضرت می‌فرماید:

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ، یعنی:

به درستی که «مسلماً» ای پیامبر دشمن تو ابتر و بلاعقب است، یعنی:

ای پیامبر:

تو ابتر و بلاعقب نیستی، زیرا ما به تو کوثر اعطا کرده‌ایم «یعنی کثرت نسل و اولاد، آن هم از یک دختر به نام فاطمه زهرا سلام الله علیها»، بلکه دشمنان تو ابتر و بلاعقب هستند و نسلشان منقرض خواهد شد.

بنابراین:

معنی آیات شریفه سوره مبارکه کوثر این شد که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر:

ما به تو کوثر اعطا فرمودیم، یعنی به تو فاطمه زهرا سلام الله علیها را اعطا فرمودیم و بخشیدیم و از طریق او نسل تو را کثرت دادیم، و پریرکت نمودیم «آیه ۱».

پس ای پیامبر به شکرانه این که به تو کوثر بخشیدیم برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن «آیه ۲».

ای پیامبر:

دشمنان تو ابتر و بلاعقب و اجاق کور هستند نه تو،

زیرا ما به تو کوثر یعنی کثرت ذرّیه و نسل اعطا فرمودیم «آیه ۳»<sup>۱</sup>.

قابل ذکر است که:

شأن نزول آیات شریفه سوره مبارکه کوثر را که ابتدای بحث ملاحظه فرمودید بسیاری از علمای شیعه و سنی در کتب خویش نقل نموده‌اند که از جمله آن‌ها کتاب درّالمنثور سیوطی است «از تفاسیر معروف اهل سنت»، و در این کتاب آمده که:

ابن سعد و ابن عساکر از طریق کلبی از ابی صالح از ابن عباس روایت نموده‌اند که:

وقتی که دو پسر پیامبر اکرم به نام‌های قاسم و عبدالله «طاهر» در مکه از دنیا رفتند و از پیامبر اکرم اولاد ذکور باقی نماند، عاص بن وائل سهمی گفت که نسل محمّد «صلی الله علیه و آله و سلّم» قطع شد، پس او ابتر و بلاعقب است، و در پاسخ به این سخن عاص بن وائل سهمی بود که خداوند متعال آیات شریفه سوره کوثر را نازل فرمود، یعنی خود عاص بن وائل ابتر و بلاعقب است.

همچنین در همین کتاب درّالمنثور آمده که:

زبیر بن بکار و ابن عساکر نقل نموده‌اند که وقتی قاسم پسر پیامبر اکرم در مکه از دنیا رفت و جنازه او به خاک سپرده شد، پیامبر اکرم پس از دفن جنازه به عاص بن وائل و پسرش عمرو برخورد کرد، و در همین حال عاص بن

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و هفتم، صفحه ۳۱۱ تا ۳۱۳.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۴۰۹ تا ۴۱۲.

تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۳۹۸ تا ۴۱۰.

وائل گفت:

الان زخم زبانی به او «یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم» می‌زنم، و سپس گفت:

چه خوب شد که محمد ابتر شد و اجاقش کور شد، و در پاسخ به این سخن عاص بن وائل بود که آیات شریفه سوره کوثر نازل شد و فرمود:

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ.

نیز در همین کتاب درالمنثور از ابن ابی حاتم نقل شده که گفت: وقتی پسر پیامبر اکرم از دنیا رفت عاص بن وائل گفت که محمد ابتر شد و بلاعقب گردید.<sup>۱</sup>

انشاءالله تعالی در بخش حدیث نیز به این قضیه اشاره خواهد شد که نزول سوره مبارکه کوثر در پاسخ به یاوه‌گویی عاص بن وائل بود که پس از وفات دو پسر پیامبر اکرم آن حضرت را ابتر و بلاعقب نامید، و خداوند متعال نیز با نازل نمودن این سوره مبارکه به پیامبر اکرم بشارت کثرت نسل و اولاد از طریق فاطمه زهرا سلام الله علیها را داد، و دشمنان آن حضرت و از جمله عاص بن وائل را ابتر و بلاعقب و اجاق کور نامید.

### حدیث اول:

وجود مقدس امام حسن مجتبی سلام الله علیه در جلسه‌ای که معاویه بن ابی سفیان، عمرو بن عثمان بن عفان، عمرو بن عاص، عتبة بن ابی سفیان، ولید بن عقبه بن ابی معیط و مغیره بن شعبه حاضر بودند حضور یافت «طبق دعوتی که معاویه از آن حضرت به عمل آورده بود» و در این جلسه هر کدام از حاضرین اقدام به بدگویی از مولی الموحّدین امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نموده و مطالبی را گفتند.

۱. المیزان، جلد چهارم، صفحه ۴۱۴.

از جمله مطالبی که افراد حاضر در جلسه به امام مجتبی علیه السلام گفتند این بود که به آن حضرت گفتند:

پدرت ابوبکر را مسموم نمود،

پدرت در قتل عمر بن خطاب شرکت داشت،

پدرت عثمان بن عفان را مظلومانه به قتل رساند،

پدرت ادعای مقامی را نمود «خلافت به مسلمین» که حق او نبود،

پدرت بدترین فرد قریش برای قبیله قریش بود، و مطالبی از این قبیل.

یکی از افرادی که این مطالب کفرآمیز را به امام مجتبی علیه السلام گفت

عمرو بن عاص بود «پسر عاص بن وائل» که علاوه بر مطالب مذکور به امام

مجتبی علیه السلام گفت:

ای پسر ابوتراب:

ما تنها به این خاطر به دنبال فرستادیم و به این جلسه دعوت نمودیم تا به

تو و پدرت دشنام بگوییم و شما را سب نماییم.

پس از خاتمه سخنان آن ملحدین، وجود مقدس امام مجتبی علیه السلام لب

به سخن گشود و پس از حمد و ثنای خداوند متعال و پس از درود و سلام

فرستادن به وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، معاویه بن ابی

سفیان را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:

ای معاویه:

جز تو کسی مرا دشنام نداد و ناسزا نگفت،

این ناسزا از جانب این گروه نبود بلکه از جانب تو بود،

و این نیز به خاطر دشمنی و عداوت تو با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

سلم می باشد.

سپس وجود مقدس امام مجتبی علیه السلام به قطره‌ای از دریای بیکران



فضائل و مناقب مولى الموحدين امير المؤمنين على بن ابيطالب عليه السلام اشاره نمود، و آنگاه تک تک افراد حاضر را مورد خطاب قرار داده و جرائم و گناهان و مفسد آن‌ها را یادآوری نمود و به آن‌ها گوشزد کرد.

يکى از افرادی که مورد خطاب امام مجتبی عليه السلام قرار گرفت عمرو بن عاص بود «پسر عاص بن وائل که پیامبر را ابتر نامیده بود». وجود مقدس امام مجتبی عليه السلام عمرو بن عاص را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:

ای ملعون ابتر «ای ملعون بلاعقب و اجاق کور»:

تو در بستری مُشترک تولد یافتی «یعنی مادر تو، هم با عاص بن وائل همبستر می شد و هم با دیگران»،

وقتی تو متولد شدی عده‌ای از مردان قریش بر سر تو به نزاع برخاستند و هر کدام از آن‌ها تو را پسر خودشان دانستند.

ابوسفیان گفت این پسر از نطفه من است،

ولید بن مغیره گفت این پسر من است،

عثمان بن حارث گفت این پسر متعلق به من است،

نضر بن حارث بن کَلده گفت این پسر فرزند من است،

عاص بن وائل گفت این پسر از نطفه من است،

و بالاخره از بین این چند نفر عاص بن وائل که از همه آن‌ها لئیم تر و پست تر و ستمکارتر و زناکارتر و بی‌حسب و نسب تر بود تو را به خودش ملحق ساخت و بدین طریق تو پسر عاص بن وائل شدی.

وجود مقدس امام مجتبی عليه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

عاص بن وائل کسی است که گفت محمّد «صلی الله علیه و آله و سلّم» پسر ندارد و ابتر است و اگر از دنیا برود نسلش قطع می شود، و پس از این یاوه‌گویی عاص بن وائل بود که خداوند متعال سوره مبارکه کوثر را به پیامبر اکرم نازل

نمود و به پیامبر اکرم فرمود:

ای پیامبر:

إِنَّ شَانِيكَ هُوَ الْإِبْتَرُ، یعنی:

ای پیامبر:

تو ابتر و بلاعقب نیستی،

بلکه دشمن تو ابتر و بلاعقب است، یعنی:

ای پیامبر:

ما به تو کثرت نسل خواهیم داد «از طریق دخترت فاطمه زهرا سلام الله علیها» و نسل تو در دنیا انتشار خواهد یافت، و این دشمنان تو هستند که ابتر و بلاعقب می‌باشند.<sup>۱</sup>

### حدیث دوم:

عمرو بن عاص نامه‌ای به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نوشت و در رابطه با موضوعات مختلفی از آن حضرت ایراد گرفت و عیب‌جویی نمود، که از جمله آن‌ها این بود که چرا آن حضرت «یعنی حضرت امیر علیه السلام» حسن و حسین علیهما السلام را فرزندان پیامبر اکرم می‌داند.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به پیک و قاصد

عمرو بن عاص فرمود:

برو و به شانی بن شانی بگو «یعنی به عمر و بن عاص بگو»:

اگر حسن و حسین علیهما السلام فرزندان پیامبر اکرم نبودند در این صورت پیامبر اکرم ابتر بود، آنگونه که پدرت ادعا می‌کرد «درحالی که خداوند متعال

۱. احتجاج طبرسی، جلد دوم، احتجاج امام مجتبی علیه السلام در دفاع از پدر بزرگوارش، صفحه ۱۲ تا ۴۳، حدیث ۱۵۰.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۴۱۴ و ۴۱۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد هشتم، صفحه ۶۰۳، حدیث ۲۳ «حدیث ۱۳۲۲۵».

ابتر بودن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نفی کرده و به دشمنان آن حضرت نسبت داده است».

این حدیث را ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

شانی بن شانی، یعنی:

ای کسی که هم خودت دشمن پیامبر اکرم هستی، و هم پدرت عاص بن وائل دشمن پیامبر اکرم بود، که اشاره به آیه سوّم سوره مبارکه کوثر دارد که خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ».

بنابراین:

مقصود و مراد از آیه اوّل سوره مبارکه کوثر «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» این است که: خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

ما به تو کوثر یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها را اعطا نمودیم و بخشیدیم که اهل بیت تو و آل تو و ذریّه و نسل تو از طریق آن حضرت ادامه خواهد یافت و در سراسر جهان پخش و منتشر خواهد شد.

ائمه معصومین علیهم السلام از وجود مقدّس امام مجتبی علیه السلام تا وجود مقدّس امام زمان علیه السلام از برکات وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشند، همچنین همه ساداتی که در نقاط مختلف کره زمین زندگی می کنند، از ذریّه و نسل وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشند، و وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز بارها و بارها به این مطلب اشاره فرموده اند که خداوند متعال ذریّه و نسل هر پیامبری را از صُلب او قرار داد، لیکن نسل و ذریّه مرا از صُلب علی بن ابیطالب علیه السلام با دخترم

۱. کرائم قرآن، تألیف محمدی ری شهری، صفحه ۳۰۳.

فاطمه علیها سلام قرار داده است که انشاءالله تعالی در ادامه بحث به آن اشاره خواهد شد.

### توضیح:

۱- خداوند متعال در اولین آیه سوره مبارکه کوثر به پیامبر اکرم فرمود:

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، و فرمود إِنَّا آتَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، یعنی:

ما به تو کوثر را بخشیدیم و اعطا فرمودیم.

۲- خداوند متعال آیه شریفه را با إِنَّا شروع فرموده که این امر دلالت بر عظمت می نماید، یعنی:

چون جمله إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ در مقام بیان اعطای خیر کثیر و نعمت فراوان به پیامبر اکرم می باشد که مصداق اتم و اکمل آن کثرت ذریّه و نسل آن حضرت از طریق فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، لذا این آیه شریفه با سیاق متکلم مع الغیر «ما» آمده، یعنی:

ما به تو کوثر اعطا نمودیم، و این تعبیر برای بیان عظمت و قدرت است، زیرا بزرگان هنگامی که از خود سخن می گویند نه فقط از خود که از مأمورین خویش نیز خبر می دهند، و این موضوع کنایه از قدرت و عظمت می باشد.

۳- در این آیه شریفه أَعْطَيْنَا به صورت فعل ماضی است که معنی مضارع مسلم می دهد، یعنی قطعاً به پیامبر اکرم فرزندان زیادی اعطا خواهیم فرمود و کثرت نسل و اولاد پیامبر اکرم امری قطعی و مسلم است.

یکی از مفسرین بزرگ اهل سنت به نام فخررازی در تفسیر خویش ذیل آیات سوره مبارکه کوثر می گوید:

این سوره در ردّ کسانی نازل شده که نداشتن اولاد را بر پیامبر اکرم خرده

می گرفتند.

فخر رازی در ادامه سخن خویش می گوید:

بنابراین معنی آیات سوره کوثر این است که خداوند متعال نسلی به پیامبر اکرم می دهد که در طول زمان باقی می ماند.

فخر رازی سپس ادامه می دهد که:

ببینید چه اندازه از اهل بیت پیامبر اکرم را شهید کردند لیکن در عین حال جهان مملو از آنها است، و این در حالی است که از بنی امیه که دشمن پیامبر بودند شخص قابل ذکری در دنیا باقی نمانده، سپس بنگر و بین چقدر از علمای بزرگ در میان آنها است، مانند باقر و صادق و کاظم و رضا «علیهم السّلام» و نفس زکیّه.

مقصود فخر رازی از باقر و صادق و کاظم و رضا، وجود مقدّس امام باقر و امام صادق و امام کاظم و امام رضا سلام الله علیهم اجمعین می باشد، و نفس زکیّه نیز لقب محمّد بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد «یکی از نوادگان امام مجتبی علیه السّلام» که در سال ۱۴۵ هجری قمری به دست یکی از خلفای بنی عبّاس به نام منصور دوانیقی به شهادت رسید.

۴- مصداق اتمّ و اکمل کوثر که در آیه اوّل سوره مبارکه کوثر آمده وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، زیرا شأن نزول سوره مبارکه کوثر می گوید:

دشمنان پیامبر اکرم به آن حضرت می گفتند که تو ابتر و بلاعقب و به اصطلاح اجاق کور می باشی «چون آن حضرت اولاد ذکور نداشت، زیرا هر دو پسر آن حضرت در طفولیت در مکه از دنیا رفتند»، لیکن خداوند متعال ضمن ردّ سخنان یاوه و کفرآمیز آنها می فرماید:

پیامبر اکرم ابتر و بلاعقب و اجاق کور نیست، زیرا ما به او کوثر اعطا

فرمودیم، یعنی به پیامبر اکرم صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها را اعطا نمودیم و بخشیدیم، و از طریق همین دختر نسل پیامبر اکرم در جهان گسترش خواهد یافت، و نسل پیامبر اکرم از طریق فاطمه زهرا سلام الله علیها تا روز قیامت ادامه خواهد داشت و هر روز بیشتر از روز پیش خواهد بود، بنابراین: کوثر یعنی وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها، لیکن چون کوثر معنی خیر کثیر و نعمت فراوان می دهد لذا کوثر مصادیق دیگری نیز دارد از قبیل: حوض کوثر، نهری در بهشت، قرآن کریم، دین اسلام و... که تمام آنها نعماتی هستند که خداوند متعال به پیامبر اکرم اعطا فرموده است، لیکن مصداق اتم و اکمل کوثر در آیه اول سوره مبارکه کوثر وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که کثرت ذریه و نسل پیامبر اکرم از طریق آن حضرت می باشد.

۵- در این سوره مبارکه که کوتاه ترین سوره قرآن کریم است سه پیشگویی بزرگ دیده می شود، به قرار ذیل:

**الف:** بشارت دادن به پیامبر اکرم در خصوص اعطاء خیر کثیر به آن حضرت. عرض شد که مصداق اتم و اکمل خیر کثیر، کثرت اولاد و ذریه پیامبر اکرم می باشد، آن هم از طریق فاطمه زهرا سلام الله علیها.

بشارت کثرت نسل به پیامبر اکرم زمانی بود که آن حضرت اولاد ذکور نداشت و کسی که اولاد ذکور نداشت در نظر عرب اَبتر یعنی بلاعقب و اجاق کور تلقی می شد.

این خبر غیبی و این پیشگویی قرآن کریم بعد از قرن ها کاملاً آشکار و هویدا شده است، به نحوی که هیچ شهر و روستایی را در کشورهای اسلامی نمی توان پیدا کرد که ده ها و بلکه صدها نفر از سلسله جلیله سادات و از اولاد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در آنجا نباشند.

با این که ذریّه پیامبر اکرم طیّ دو دوره خلافت بنی امیّه و بنی عبّاس قتل عام شدند، لیکن به اراده خداوند متعال نه تنها نسل پیامبر اکرم منقرض نشد بلکه در اقصی نقاط عالم گسترش پیدا کرد، و این امر پیشگویی بزرگ قرآن کریم در سوره مبارکه کوثر در رابطه با کثرت اولاد و ذریّه پیامبر اکرم می باشد.

دلیل این که ادامه نسل پیامبر اکرم از طریق صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد فرمایشات وجود مقدّس پیامبر اکرم می باشد که در مقاطع زمانی مختلف آن را بیان فرموده اند که انشاء الله تعالی در انتهای بحث به یکی دو مورد از آن ها اشاره خواهد شد.

**ب:** این خیر کثیر که خداوند متعال در سوره مبارکه کوثر مژده و بشارت آن را به پیامبر اکرم اعلام فرموده علاوه بر کثرت ذریّه و نسل آن حضرت، تمام پیروزی ها و موفقیت هایی را نیز شامل می شود که بعداً نصیب پیامبر اکرم شد، در حالی که زمان نزول آیات شریفه سوره مبارکه کوثر قابل پیش بینی نبود، مانند گسترش اسلام و برچیده شدن بساط شرک و بت پرستی و...

**ج:** سوّمین خبر غیبی و سوّمین پیشگویی بزرگ سوره مبارکه کوثر در رابطه با اَبتر بودن و بلاعقب بودن دشمنان پیامبر اکرم می باشد که خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود دشمنان تو اَبتر و بلاعقب هستند، در حالی که در زمان نزول آیات شریفه سوره کوثر دشمنان آن حضرت در اکثریت بودند.

در زمان بنی امیّه و بنی عبّاس نیز دشمنان پیامبر اکرم و دشمنان اهل بیت آن حضرت در اکثریت بودند، اما در همان زمان فرزندان پیامبر اکرم یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام و اهل بیت آن بزرگواران در اقلیت بودند، لیکن در حال حاضر و پس از گذشت چندین قرن از رحلت پیامبر اکرم، ذریّه و اولاد آن حضرت در همه جا حضور دارند، لیکن از بنی امیّه و بنی عبّاس و سایر رهبران ضلالت و گمراهی خبری در دست نیست، یعنی:

در حال حاضر از اولاد خلفای بنی امیه و بنی عباس و غاصبین حقوق آل محمد علیهم السلام آثار و نشانی باقی نیست، و اگر هم افرادی باشند هرگز شناخته نیستند.<sup>۱</sup>

قابل ذکر است که:

کلمات «أَعْطَيْنَاكَ»، «كُوْثِرَ»، «فَصَلَ لِرَبِّكَ»، «وَأَنْحَرُ»، «شَانِتَكَ» و «أَبْتَرُ» فقط یک بار در قرآن کریم آمده‌اند که آن هم در سوره مبارکه کوثر می‌باشد. مشتقات این کلمات و این لغات در آیات دیگر قرآن کریم آمده، لیکن این کلمات و این لغات به این شکل در هیچ آیه‌ای از آیات شریفه قرآن کریم نیامده است.

ملاحظه فرمودید که خداوند متعال در اولین آیه سوره مبارکه کوثر مژده و بشارت کثرت ذریه و نسل را به پیامبر اکرم دادند، و در آیه سوم این سوره مبارکه به پیامبر اکرم فرمودند:

ای پیامبر:

تو ابتر و بلاعقب نیستی، زیرا ما به تو کوثر اعطا فرمودیم، یعنی به تو فاطمه زهرا سلام الله علیها را اعطا فرمودیم و از طریق او ذریه و نسل تو را کثرت دادیم و پربرکت نمودیم، لذا:

ای پیامبر:

تو ابتر و بلاعقب نیستی، بلکه دشمنان تو ابتر و بلاعقب هستند. آیه اول سوره مبارکه کوثر دلالت بر این دارد که فرزندان فاطمه زهرا سلام الله علیها ذریه پیامبر اکرم هستند و فرزندان و نسل آن حضرت می‌باشند. این که ادامه نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از طریق حضرت

۱. مجمع البیان، جلد بیست و هفتم، صفحه ۳۱۵ و ۳۱۶.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۴۱۰ و ۴۱۱.

تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۴۰۲ تا ۴۰۴.



امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما می باشد،  
و این که فرزندان حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما یعنی ائمه  
معصومین علیهم السّلام و فرزندان آن بزرگواران ذرّیه پیامبر اکرم صلی الله علیه  
و آله و سلّم هستند و پسر و دختر آن حضرت می باشند در فرمایشات نورانی  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام آمده که  
به عنوان نمونه به چند حدیث نورانی که در این رابطه از آن ذوات مقدّسه صادر  
شده اشاره می شود.

### حدیث اوّل:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز هیجدهم ذیحجه سال  
دهم هجری هنگام مراجعت از مکه به مدینه در محل غدیر خم خطبه مفصلی  
ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال به قطره ای از دریای بیکران  
فضائل و مناقب مولی الموحّدین امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام اشاره  
فرموده و سپس به دستور خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین  
خویش و به عنوان امام مسلمین منصوب فرمودند.  
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در قسمتی از بیانات  
نورانی خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ،

ای مردم:

ذرّیه و نسل هر پیامبری از صُلب خود او است، لیکن ذرّیه و نسل من از  
صُلب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد «یعنی نسل پیامبر اکرم  
از اولاد امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها  
می باشد»، یعنی:

ائمه معصومین علیهم السَّلام و فرزندان آن بزرگواران و در نتیجه همه سادات با این که از صُلب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام هستند و مادرشان فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، لیکن در حقیقت اولاد رسول الله بوده و خودشان را از فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می دانند.<sup>۱</sup>

### حدیث دوم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
 إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَ جَعَلَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ مَعَ فَاطِمَةَ ابْنَتِي.... یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
 به درستی که خداوند متعال ذرّیه و نسل هر پیامبری را از صُلب او قرار داد، اما ذرّیه و نسل مرا از صُلب علی بن ابیطالب با دخترم فاطمه قرار داد، و خداوند متعال آنان را برگزید همانگونه که آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را در عصر خود برگزید، پس، از آنها تبعیت نمایید و آنها را بر دیگران مقدّم بدارید.<sup>۲</sup>

ملاحظه فرمودید که طبق این دو حدیث شریف نبوی ذرّیه و نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از صُلب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام با صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، لذا:

ائمه معصومین علیهم السَّلام پسران پیامبر اکرم هستند، و فرزندان ائمه معصومین علیهم السَّلام یعنی همه سادات فرزندان پیامبر اکرم می باشند، و به همین جهت است که هنگام زیارت هر کدام از ائمه معصومین علیهم السَّلام به

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۳۳» حدیث ۳۲.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۱۸ «ذیل این قسمت از جامعه کبیره که عنوان شده: وَ بَقِيَّةَ اللَّهِ وَ خَيْرَاتِهِ».

آن بزرگوار عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ،

مثلاً هنگام زیارت امام حسین علیه السلام «زیارت عاشورا» خدمت آن

بزرگوار عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ،

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، یعنی:

سلام بر تو ای ابا عبدالله،

سلام بر تو ای پسر رسول خدا.

ابن = پسر.

جمع ابن می شود «أبناء» و «بنون».

همچنین هنگام زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها سلام در شهر مقدّس

قم به محضر آن علیا مخدّره عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، یعنی:

سلام بر تو ای دختر رسول خدا «این زیارت شریف از ناحیه وجود مقدّس

امام رضا علیه السلام صادر شده است»،

بنابراین:

امام حسن و امام حسین علیهما السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام

پسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشند، و فرزندان آن ذوات

مقدّسه نیز فرزندان پیامبر اکرم هستند، و در این صورت همه سادات اولاد و

ذریّه پیامبر اکرم می باشند و فرزندان آن بزرگوار هستند، و همه این ها از نسل

پاک صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشند که خداوند متعال به پیامبر

اکرم اعطا فرموده است، لذا کوثر در آیه اوّل سوره مبارکه کوثر یعنی وجود

مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها که خداوند متعال به پیامبر اکرم اعطا فرموده،

و نسل پیامبر اکرم از طریق آن بانوی بزرگوار در سراسر عالم انتشار یافته است و بحمدالله تعالی تعداد آن از چند میلیون نیز تجاوز می کند، و این یعنی کثرت نسل و اولاد که خداوند متعال در سوره مبارکه کوثر به پیامبر اکرم بشارت داده است.

### حدیث سوّم:

شصت نفر از نصاری نجران وارد مدینه شده و به محضر مبارک پیامبر اکرم شرفیاب شدند و پیامبر اکرم آن ها را به پذیرش دین اسلام دعوت فرمود، لیکن مسیحیان نجران حاضر به قبول حق نشده و کماکان به عقیده باطل خویش ادامه دادند، و اینجا بود که خداوند متعال آیه ۶۱ سوره آل عمران را که به آیه مباهله معروف می باشد به پیامبر اکرم نازل نمود و به پیامبر اکرم دستور داد تا نصاری نجران را به مباهله دعوت نماید.

خداوند متعال در این آیه شریفه به پیامبر اکرم فرمود:

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ ابْنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءِكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

بعد از آنکه از طریق وحی به احوال عیسی بن مریم علم و آگاهی پیدا کردی، چنانچه کسانی در رابطه با حضرت عیسی با تو محاجّه و ستیزه کنند به آن ها بگو:

بیایید ما پسران خودمان را دعوت کنیم شما هم پسران خودتان را،

ما زنان خودمان را دعوت کنیم شما هم زنان خودتان را،

ما نفّس های خودمان را دعوت کنیم شما هم نفّس های خودتان را،

آنگاه مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

اِبْنٌ = پسر (جمع اِبْنٌ می شود «اَبْنَاء» و «بَنُونَ»)<sup>۱</sup>.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در جلسه ای که مأمون ملعون نیز در آن جلسه شرکت داشت در رابطه با فضیلت و برتری اهل بیت پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم بر دیگران مطالبی فرمود که یکی از آنها اشاره به آیه مباحله بود. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام فرمودند:

منظور از اَنْفُسَنَا در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» فقط و فقط وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می باشد که نفّس و جان پیامبر اکرم می باشد،

منظور از اَبْنَاء در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» حسن و حسین علیهما السّلام می باشند «یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السّلام پسران پیامبر اکرم می باشند»،

و منظور از نِساء در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در پایان فرمایش خویش فرمودند: اینها امتیازات و ویژگی های این ذوات مقدّسه است «خمس طیبه علیهم السّلام» که هیچ کس بر آنها سبقت و پیشی نخواهد گرفت و فضیلتی است که هیچ بشری به آن نخواهد رسید، و شرافتی است که قبلاً نیز هیچ انسانی به آن نرسیده است.

این حدیث را ریّان بن صلت از امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۹۸.

تفسیر نمونه، جلد دوّم، صفحه ۶۷۱.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السّلام، جلد اوّل، باب ۲۳، صفحه ۴۶۸ تا ۴۹۶، حدیث ۱ «مناظره امام رضا علیه السّلام با مأمون».

المیزان، جلد ششم، صفحه ۶۸ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوّم، صفحه ۶۷۹ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۷۵ و ۷۶، حدیث ۷ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر نورالتقلین، جلد اوّل، صفحه ۷۴۹، حدیث ۱۶۳ «حدیث ۱۵۰۸» «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

### حدیث چهارم:

هارون الرّشید ملعون به وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام گفت: چگونه و به چه دلیل می گویند که ما ذرّیه و نسل پیامبر هستیم «چگونه و به چه دلیل خودتان را ذرّیه پیامبر اکرم می دانید»، در حالی که پیامبر پسر نداشت و بلاعقب بود و از خود نسلی بر جای نگذاشت، زیرا نسل و ذرّیه انسان از اولاد ذکور است نه اولاد اُنات «نسل و ذرّیه انسان از پسر است نه از دختر»، و شما فرزندان دختر پیامبر هستید درحالی که دختر نسل ندارد.

وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام در پاسخ به سؤال هارون الرّشید آیه ۶۱ سوره آل عمران «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتِكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِساءِكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لِعِنتِ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ» را تلاوت نموده و به هارون الرّشید فرمود:

هیچ کس ادّعا نکرده که پیامبر اکرم هنگام مباحثه با نصاری کسی غیر از علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام افراد دیگری را همراه خود برده است، بنابراین:

مقصود از ابْنَاتُنَا «یعنی پسران ما» حسن و حسین هستند،

مقصود از نِساءُنَا «یعنی زنان ما» فاطمه است،

و مقصود از أَنْفُسُنَا «یعنی خودمان» علی بن ابیطالب می باشد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

**الف:** دوّمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که در این کتاب شریف فاطمی مورد بحث قرار گرفت این

۱. عیون اخبار الرّضا علیه السّلام، جلد اوّل، باب هفتم، صفحه ۱۵۹ و ۱۶۷، حدیث ۹.

المیزان، جلد ششم، صفحه ۶۹ «بحث روایتی ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۷۶، حدیث ۸ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

تفسیر نورالتقلین، جلد اوّل، صفحه ۷۴۷، حدیث ۱۶۲ «حدیث ۱۵۰۷».

بود که حضرت زهرا سلام الله عليها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین عليهم السلام از نسل و ذریه اش بهترین مخلوق خداوند متعال هستند و اشرف مخلوقات می باشند.

ذیل این بحث در رابطه با مباحثه پیامبر اکرم با نصاری نجران توضیحات کاملی ارائه شده است «حدیث سوّم ذیل این بحث و توضیحات انتهای حدیث ششم».

ب: ملاحظه فرمودید که امام حسن و امام حسین علیهما السلام پسران پیامبر اکرم می باشند و احادیثی که به عرض رسید صریحاً به این موضوع اشاره داشتند.

به چند حدیث دیگر نیز در این رابطه اشاره می شود.

### حدیث پنجم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمودند:

إِنِّي هَذَا إِمَامَانِ قَامَا أَوْ قَعَدَا، یعنی:

این دو پسر من «حسنین علیهما السلام» دو امام هستند، به پا خیزند و جنگ کنند و یا بنشینند و صلح کنند.<sup>۱</sup>

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۰۲ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

ارشاد شیخ مفید، جلد دوّم، باب سوّم، صفحه ۳۷.

اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی، جلد پنجم، باب دوازدهم، فصل نهم، صفحه ۱۳۴، حدیث ۲۳.

اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی، جلد پنجم، باب دوازدهم، فصل دوازدهم، صفحه ۱۳۷، حدیث ۳۲.

اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی، جلد پنجم، باب چهاردهم، فصل سوّم، صفحه ۱۷۱، حدیث ۷.

### حدیث نهم:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمودند:

إِنَّ ابْنِي هَذَيْنِ رِيحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا،  
مَنْ أَحَبَّنِي فَلِيْحِبُّ هَذَيْنِ، یعنی:

این دو پسر من دو ریحانه من از دنیا هستند «ریحان در اصل به هر گیاه خوشبو یا چیز دیگر خوشبویی گفته می شود که روح بخش باشد و غم و اندوه را برطرف سازد»،

هرکس مرا دوست دارد باید این دو را دوست بدارد.<sup>۱</sup>

### حدیث هفتم:

امّ الفضل دختر حارث نقل می کند:

وقتی که امام حسین علیه السلام متولد شد من او را نزد پیامبر اکرم بردم و در دامان آن حضرت قرار دادم و در این حال مشاهده کردم که اشک از چشمان مبارک پیامبر اکرم جاری شد، و به همین لحاظ علت گریه آن حضرت را جویا شدم.

وجود مقدس پیامبر اکرم در پاسخ به سؤال من فرمود:

أَتَانِي جِبْرَائِيلُ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ أُمَّتِي سَتَقْتُلُ ابْنِي هَذَا، یعنی:

جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که امت من به زودی این پسر من را می کشند.<sup>۲</sup>

### حدیث هشتم:

امّ سلمه نقل می کند که:

روزی من در محضر پیامبر اکرم بودم و امام حسین علیه السلام نیز در دامان

۱. ارشاد شیخ مفید، جلد دوم، باب سوم، صفحه ۳۵.

۲. ارشاد شیخ مفید، جلد دوم، باب چهارم، صفحه ۱۹۱ و ۱۹۲، حدیث ۵.



آن حضرت بود و در همین حال مشاهده کردم که اشک از دیدگان مبارک پیامبر اکرم جاری است، و من علت گریه آن حضرت را جو یا شدم.

وجود مقدس پیامبر اکرم در پاسخ به سؤال من فرمود:

جَائِنِي جَبْرِئِيلُ فَعَزَّانِي بِابْنِي الْحُسَيْنِ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّ طَائِفَةً مِنْ أُمَّتِي تَقْتُلُهُ، يَعْنِي:

جبرئیل نزد من آمد و مرا به پسر حسین تسلیت داد و به من خبر داد که گروهی از امت من او را می‌کشند.<sup>۱</sup>

### حدیث نهم:

ام سلمه نقل می‌کند که:

شبی وجود مقدس پیامبر اکرم از پیش ما بیرون رفت و مدتی آن حضرت را ندیدیم تا این که پس از مدتی مراجعت فرمود در حالی که سر و روی آن حضرت گردآلود بود «گرد و غبار خاک بر سر و روی آن حضرت بود».

ام سلمه می‌گوید:

خدمت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عرض کردم:

یا رسول الله:

چیست که من شما را گردآلود می‌بینم؟

وجود مقدس پیامبر اکرم در پاسخ به سؤال من فرمود:

أُسْرِيَ بِي فِي هَذَا الْوَقْتِ إِلَى مَوْضِعٍ مِنَ الْعِرَاقِ يُقَالُ لَهُ كَرْبَلَاءُ،

فَأُرِيْتُ فِيهِ مَصْرَعَ الْحُسَيْنِ ابْنِي وَ جَمَاعَةً مِنْ وُلْدِي وَ أَهْلِ بَيْتِي، يَعْنِي:

مرا در این ساعت به جایی از سرزمین عراق بردند که نامش کربلا بود،

و در آن سرزمین جای کشته شدن پسر حسین و گروهی از فرزندانم و

خاندانم را به من نشان دادند.<sup>۲</sup>

۱. ارشاد شیخ مفید، جلد دوم، باب چهارم، صفحه ۱۹۱ و ۱۹۲، حدیث ۶.

۲. ارشاد شیخ مفید، جلد دوم، باب چهارم، صفحه ۱۹۲، حدیث ۷.

### حدیث دهم:

روزی پیامبر اکرم نشسته بودند و حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نیز در محضر آن حضرت بودند.

وجود مقدس پیامبر اکرم به آن بزرگواران فرمود:

چگونه است بر شما آنگاه که از دنیا رفته و قبرهای شما پراکنده باشد.

امام حسین علیه السلام به پیامبر اکرم عرض کرد:

آیا به مرگ طبیعی از دنیا می رویم یا کشته خواهیم شد؟

وجود مقدس پیامبر اکرم به امام حسین علیه السلام فرمود:

بَلْ تُقْتَلُ يَا بَنِيَّ ظُلْمًا وَ يُقْتَلُ أَخُوكَ ظُلْمًا، یعنی:

تو ای پسر من به ستم کشته خواهی شد و برادرت نیز به ستم کشته می شود، و ذریه و فرزندان شما در روی زمین آواره و پراکنده می شوند.

امام حسین علیه السلام به پیامبر اکرم عرض کرد:

آیا پس از کشته شدن ما کسی ما را زیارت خواهد نمود؟

وجود مقدس پیامبر اکرم به امام حسین علیه السلام فرمود:

نَعَمْ يَا بَنِيَّ، طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُرِيدُونَ بِيَارَتِكُمْ بِرِيٍّ وَصَلَّتِي، یعنی:

آری پسر من،

گروهی از امت من هستند که بوسیله زیارت شما نیکی و احسان مرا می خواهند و من نیز روز قیامت به نزد آن گروه می روم و آنها را از سختی ها و ترس و هراس روز قیامت می رهانم.<sup>۱</sup>

### حدیث یازدهم:

روزی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام خطبه ای خواندند و به حاضرین فرمودند:

۱. ارشاد شیخ مفید، جلد دوم، باب چهارم، صفحه ۱۹۳ و ۱۹۴، حدیث ۸.

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، یعنی:

هر چه می خواهید از من پرسید قبل از این که مرا از دست بدهید «یعنی از هر چیز و از هر موضوعی که سؤال نمایید من از آن قضیه اطلاع کامل دارم و پاسخ سؤال شما را می دهم، و این قضیه از ویژگی های حجت خداوند متعال است که از تمام مسائل گذشته و آینده باخبر است و آن را می داند زیرا حجت خدا مظهر اتم و اکمل علم خداوند متعال است».

سعد بن ابی وقاص که آنجا حاضر بود از روی طعنه به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد:

مرا آگاه کن و به من بگو که چند دانه مو در سر و ریش من است. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در پاسخ به سؤال سعد بن ابی وقاص به او فرمود:

اگر اثبات کردن آنچه که پرسیدی دشوار نبود پاسخ سؤال تو را می گفتم «یعنی اگر تو قادر به شمردن تعداد موهای سر و ریش خودت بودی من تعداد دقیق آنها را به تو می گفتم، لیکن اگر من تعداد آنها را بگویم تو نمی توانی آنها را شمارش نمایی و به گفته من یقین پیدا کنی»، لیکن من به تو می گویم و به تو اطلاع می دهم که:

إِنَّ فِي بَيْتِكَ لَسَخْلًا يَقْتُلُ بِنِ رَسُولِ اللَّهِ، یعنی:

ای سعد بن ابی وقاص:

به تو خبر می دهم که در خانه تو پسر بچه ای است «یعنی عمر بن سعد» که پسر پیغمبر را می کشد «یعنی امام حسین علیه السلام را».

عمر بن سعد در آن زمان کودک خردسالی بود که با دست و پا راه می رفت، و هنگامی که قضیه کربلای امام حسین پیش آمد عمر بن سعد که فرمانده لشکر یزیدیان بود امام حسین علیه السلام را به شهادت رساند و همانگونه شد که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرموده بود «این قضیه حدود بیست و

پنج سال بعد از فرمایش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حادث شد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

**الف:** عبدالله بن شریک عامری نقل می کند که از اصحاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می شنیدم که پس از این فرمایش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هر گاه عمر بن سعد وارد مسجد می شد به او می گفتند: **هَذَا قَاتِلُ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،** یعنی:

این شخص «یعنی عمر بن سعد» قاتل حسین بن علی علیهما السلام می باشد، و این قضیه سال ها قبل از وقوع حادثه کربلا بود.<sup>۲</sup>

**ب:** سالم بن ابی حفصه نقل می کند که عمر بن سعد به امام حسین علیه السلام

عرض کرد:

یا ابا عبدالله:

در زمان ما مردمان نادان و سفیهی هستند که خیال می کنند من شما را به

قتل می رسانم.

امام حسین علیه السلام به عمر بن سعد فرمود:

این ها سفیه و نادان نیستند بلکه خردمند می باشند، اما ای عمر بن سعد بدان

که بعد از من از گندم عراق جز اندکی نخواهی خورد «یعنی بعد از شهادت من

عمر کوتاهی خواهی داشت».<sup>۳</sup>

### حدیث دوازدهم:

فاطمه زهرا سلام الله علیها دو پسرش حسن و حسین علیهما السلام را هنگام

بیماری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که با همان بیماری نیز از دنیا

۱. ارشاد شیخ مفید، جلد اول، باب سوم، فصل هفتاد، صفحه ۴۸۲.

۲. ارشاد شیخ مفید، جلد دوم، باب چهارم، صفحه ۱۹۴، حدیث ۹.

۳. ارشاد شیخ مفید، جلد دوم، باب چهارم، صفحه ۱۹۵، حدیث ۱۰.

رفت به نزد آن حضرت آورد و به پیامبر اکرم عرض کرد:

يا رَسُولَ اللَّهِ:

هَذَا ابْنَاكَ فَوَرِّثُهُمَا شَيْئًا، يَعْنِي:

فاطمه زهرا سلام الله عليها به پیامبر اکرم عرض کرد:

يا رسول الله:

حسن و حسین دو پسر هستند، پس چیزی به آن دو پسر میراث بده.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دخترش فاطمه زهرا

سلام الله عليها فرمود:

أَمَّا الْحَسَنُ فَإِنَّ لَهُ هَدْيِي وَ سُودَدِي،

وَ أَمَّا الْحُسَيْنُ فَإِنَّ لَهُ جُودِي وَ شُجَاعَتِي، يَعْنِي:

برای امام حسن است شکوه و بزرگی و سیادت من،

و برای امام حسین است کرم و شجاعت من.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که طبق صریح احادیث شریفی که نقل شد وجود مقدس امام

حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام دو پسر پیامبر اکرم صلی الله

علیه و آله و سلم می باشند، و در نتیجه نه امام معصوم از فرزندان امام حسین

علیه السلام از امام سجاد تا امام زمان علیهم السلام نیز پسر پیامبر اکرم و ذریه

آن حضرت هستند،

همچنین همه سادات که در اقصی نقاط جهان به سر می برند از فرزندان

پیامبر اکرم می باشند و ذریه و نسل آن حضرت هستند که تعداد آن ها طبق گفته

بعضی از محققین از صدها هزار نفر نیز تجاوز می کند و شاید از مرز میلیون

نیز بگذرد، و همه این ها از نسل و ذریه یک دختر پیامبر اکرم می باشند، یعنی از

۱. ارشاد شیخ مفید، جلد دوم، باب اول، صفحه ۲.

نسل پاک صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها، و این است معنی کوثر، لذا: فاطمه زهرا سلام الله علیها مصداق اتمّ و اکمل کوثر در آیه اوّل سوره مبارکه کوثر می باشد، یعنی خداوند متعال کثرت نسل و اولاد پیامبر اکرم را از طریق این بانوی بزرگوار به پیامبر اکرم اعطا فرموده است.

ملاحظه فرمودید که امام حسن و امام حسین علیهما السّلام دو پسر پیامبر اکرم می باشند و در نتیجه نه امام معصوم از ذرّیه و نسل امام حسین علیه السّلام نیز ذرّیه پیامبر اکرم می باشند.

به عنوان حسن ختام این بحث به قسمتی از زیارت شریف و نورانی جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام صادر شده اشاره می شود که طبق فرمایش آن امام همام، ائمّه معصومین علیهم السّلام ذرّیه پیامبر اکرم می باشند.

در قسمتی از زیارت شریف و نورانی جامعه کبیره هنگام زیارت ائمه معصومین علیهم السّلام به محضر آن ذوات مقدّسه عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى،

وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى،

وَ أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ،

وَ ذُرِّيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، یعنی:

سلام بر شما امامان هدایت کننده خلق به سوی حق،

سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السّلام که حُجّت های خداوند متعال بر

اهل دنیا و آخرت هستید و رحمت و برکات خداوند متعال بر شما باد،

سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السّلام که اوصیاء و جانشینان رسول خدا

هستید،

و سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السّلام که ذرّیه رسول خدا می باشید

«ذریّه = اولاد، فرزندان» «مفردات راغب».

در این قسمت از زیارت شریف جامعه کبیره خدمت ائمه معصومین علیهم السلام عرض می کنیم:

سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السلام که اولاد پیامبر اکرم می باشید و فرزندان آن حضرت می باشید.

در حقیقت این کلام ردّ است بر کسانی که گفته یا می گویند که ائمه معصومین علیهم السلام اولاد علی بن ابیطالب علیه السلام هستند نه اولاد پیامبر اکرم، لذا سادات اولاد علی بن ابیطالب هستند نه اولاد پیامبر اکرم، زیرا نسب سادات به ائمه معصومین منتهی می گردد،

و وقتی ائمه معصومین علیهم السلام اولاد پیامبر اکرم نباشند سادات نیز به طریق اولی اولاد پیامبر اکرم نخواهند بود، و خلفاء بنی امیه و بنی عباس و طرفداران آنها نیز بعضاً این اشکال را بر ائمه معصومین علیهم السلام وارد می نمودند که دو نمونه آن، ایراد و اشکال هارون الرشید ملعون و پسر ملعون او مأمون از وجود مقدّس امام کاظم و امام رضا علیهما السلام بود که در حدیث سوّم و چهارم به آنها اشاره شد.<sup>۱</sup>

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۱۷۶ تا ۱۷۹.





## فضیلت نهم

حضرت زهرا سلام الله علیها از نور عظمت خداوند متعال خلق شده است. روح مطهر صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها از نور عظمت خداوند متعال خلق شده است، و جسم مبارک آن حضرت از درخت طوبی، یعنی: خلقت جسمانی حضرت زهرا سلام الله علیها و جوهر جسمانی آن حضرت از عالم دنیا و از این نشئه نبوده است.<sup>۱</sup>

موضوع خلقت روح و جسم صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها در دو بخش تقدیم می گردد:

بخش اول خلقت جسم مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها و احادیث مربوطه.

بخش دوم خلقت روح حضرت زهرا سلام الله علیها و احادیث مربوط به آن.

### «بخش اول»

#### خلقت جسمانی حضرت زهرا سلام الله علیها:

همانطور که ملاحظه فرمودید روح مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها از نور عظمت خداوند متعال خلق شده است،

---

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۱۲ و ۱۱۴ و ۳۲۷ «مجلس ششم و بیست و سوم».

و جسم مبارک آن حضرت از درخت طوبی، یعنی:  
خلقت جسمانی حضرت زهرا سلام الله علیها و جوهر جسمانی آن حضرت  
از عالم دنیا و از این نشئه نبوده است که انشاء الله تعالی در ادامه بحث به آن  
اشاره خواهد شد.

### رابطه بین روح و جسم:

بین طهارت روح و طهارت جسم «بدن» و بین صفای روح و صفای جسم  
«بدن» ارتباط تنگاتنگ و تامّ و تمامی برقرار است، و اگر در ابواب احکام شرعیّه  
این همه به رزق و قوت حلال و پاکی و طهارت غذا و طعام سفارش شده و  
حساب دقیقی باز شده به همین منظور است،

و به همین جهت است که نه دهم عبادت در تحصیل رزق حلال دانسته  
شده و بیان شده است تا حلیّت بافت بدن درست شود و در طهارت و صفای  
روح اثر بگذارد.<sup>۱</sup>

این ارتباط و هماهنگی بین خلقت جسمانی و روحانی حضرت زهرا  
سلام الله علیها در اعلی درجه ممکن است، زیرا:

روح آن بزرگوار از نور عظمت خداوند متعال خلق شده است که انشاء الله  
تعالی در بخش دوّم بحث به آن اشاره خواهد شد،

و جسم و بدن آن بزرگوار از درخت طوبی،

یعنی خلقت جسمانی حضرت زهرا سلام الله علیها از عالم دنیا و از این نشئه  
نبوده بلکه از درخت طوبی است که درختی بهشتی است و خداوند متعال آن  
را غرس نموده است، و احادیث ذیل مبیین این معنا هستند.

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۴۸ و ۱۴۹  
«مجلس هشتم».

## حدیث اول:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه زهرا سلام الله علیها را زیاد می بوسید، و به همین جهت عایشه ناراحت شد و بر این امر خرده گرفت و به پیامبر اکرم اعتراض نمود.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عایشه فرمود:

یا عائشة:

اتنی لما أسرى بي إلى السماء دخلت الجنة فأذناني جبرئيل من شجرة طوبى و ناؤني من ثمارها فأكنته فحوّل الله ذلك ماءً في ظهري، فلما هبطت إلى الأرض واقعت خديجة فحملت بفاطمة فما قبلتها قط إلا وجدت رائحة شجرة طوبى منها، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عایشه فرمود:

ای عایشه:

در آن شبی که مرا به آسمان بردند «شبی که به معراج رفتم» و داخل بهشت شدم، جبرئیل مرا نزدیک درخت طوبی برد و از میوه درخت طوبی به من داد و من آن میوه را خوردم، و خداوند متعال آن میوه را در صلب من به نطفه تبدیل نمود و هنگامی که به زمین باز گشتم با همسرم خدیجه همبستر شدم و در نتیجه خدیجه به فاطمه حامله شد،

و به همین جهت من هیچ وقت و هیچ زمانی فاطمه را نمی بوسم مگر این که بوی درخت طوبی را از او استشمام می کنم.

این حدیث شریف را بسیاری از مفسرین شیعه در تفاسیر خویش نقل نموده اند، از قبیل:

تفسیر قمی،

تفسیر عیاشی،

تفسیر برهان،

تفسیر نورالثقلین و...

علمای بزرگ اهل سنت نیز این حدیث شریف را با اندکی اختلاف در کتب خویش نقل نموده‌اند «اندک اختلاف در الفاظ نه در معانی» که ذیلاً اسامی تعدادی از آن‌ها را ملاحظه می‌فرمایید:

سیوطی	در درّالمنثور «جلد چهارم - صفحه ۱۵۳»
ابن مغازلی	در مناقب «صفحه ۲۸۰»
ذهبی	در میزان الاعتدال «جلد اول - صفحه ۵۴۱»
قندوزی	در ینابیع المودّه «جلد دوم - صفحه ۱۳۱»
ابن حجر	در لسان المیزان «جلد دوم - صفحه ۲۹۷»
طبری	در ذخائر العقبی «صفحه ۳۶»
خطیب بغدادی	در تاریخ بغداد «جلد پنجم - صفحه ۸۷» و.... <sup>۱</sup>

### توضیح:

در کتاب فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت تألیف حضرت آیت الله وحید خراسانی ذیل این حدیث شریف عنوان شده که: در متن حدیث صادر شده از ناحیه امام صادق علیه السلام آمده که: **كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ**، یعنی: این صیغه مفید دوام و استمرار است، و به این معنا است که وجود مقدس

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۱۳ و ۱۴۶ «مجلس ششم و هشتم».

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سیداحمد مستنبط، جلد دوم، صفحه ۴۲۷، حدیث ۱۹/۹۰۸.

جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سیدمحمد حسن میرجهانی، صفحه ۶۰، حدیث ششم.

سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۲ تا ۲۵.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، صفحه ۳۹، حدیث چهارم.

پیامبر اکرم به طور مکرر دختر گرانقدر خویش فاطمه زهرا سلام الله علیها را می‌بوسید و کار دائمی آن حضرت بود نه چند بار آن هم به نحو اتِّفاق، همچنین در ذیل این حدیث شریف آمده که:

خصوصیت این حدیث شریف این است که مایه تکوّن جسمی و بدنی صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها باید در مقام «أَبِیْتُ عِنْدَ رَبِّی یُطْعِمُنِی» محقق شود، و این جمله نورانی حدیث شریفی است از ناحیه وجود مقدّس پیامبر اکرم که فرمودند:

إِنِّی لَسْتُ كَأَحَدِكُمْ، إِنْ أَبِیْتُ عِنْدَ رَبِّی وَ یُطْعِمُنِی وَ یَسْقِیْنِی، یعنی:  
من همانند یکی از شما نیستم،

همانا من نزد پروردگارم بیتوته می‌کنم،

و پروردگارم مرا اطعام می‌کند و سیراب می‌نماید،

و معنی این حدیث شریف این می‌شود که خداوند متعال از میوه درخت طوبی پیامبر اکرم را اطعام فرمود.

این قضیه، قضیه بهت‌آوری است اما نه برای همه، بلکه فقط برای افرادی که به عظمت معراج پیامبر اکرم در آن شب واقف می‌باشند و به آن قربی که آن شب عظیم محقق شد وقوف دارند،

همچنین فقط برای افرادی که بفهمند درخت طوبی چه درختی است و اوصاف آن چیست.

درخت طوبی درختی است که هیچ قصری در بهشت از قصور همه انبیاء و امّت‌ها نیست مگر این که یک رشته از درخت طوبی در آن قصر است، درخت طوبی درختی است که وجود مقدّس پیامبر اکرم درباره آن درخت فرمودند:

در بهشت به درختی رسیدم که در بهشت درختی بهتر از آن درخت نبود و

ثمري اطیب از ثمر آن نبود، یعنی میوه‌ای بهتر از میوه آن درخت نبود.<sup>۱</sup>  
وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از وجود مبارک  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن حضرت درباره شجره  
طوبی فرمودند:

طُوبَى شَجْرَةَ غَرَسَهَا اللهُ تَعَالَى بِيَدِهِ وَ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ تُنْبِتُ الْحُلِيَّ وَ الْحُلَلَ وَ إِنَّ  
أَعْصَانَهَا لَتُرَى مِنْ وَرَاءِ سُورِ الْجَنَّةِ، یعنی:

طوبی درختی است در بهشت که خداوند متعال به دست خویش «به دست  
قدرت خویش» آن را کاشته است، و از روح خودش در آن دمیده است، و  
همانا شاخه‌های درخت طوبی از وراء بهشت دیده می‌شود.  
عنایت بفرماید:

غارس درخت خود خداوند متعال است «غارس یعنی غرس کننده»،  
زمینه غرس «غرس یعنی کاشتن» خانه اول شخص عالم خلقت یعنی وجود  
مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.  
این حدیث شریف را اصبع بن نباته از حضرت امیرعلیه السلام نقل نموده  
است.<sup>۲</sup>

درخت طوبی درختی است که جبرئیل در شب معراج در رابطه با آن درخت  
به پیامبر اکرم عرض کرد:  
یا رسول الله:

در هر قصری از قصور انبیاء و مرسلین «همچون ابراهیم خلیل، موسای کلیم

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۱۳ و ۱۱۴،  
۳۷۰ و ۳۷۱ «مجلس ششم و بیست و ششم».

۲. معانی الاخبار، جلد اول، باب ۲۵، صفحه ۱۰۳، حدیث ۲.  
تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۶، حدیث ۱۹ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».  
فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۴۶ تا ۱۴۸ و  
۳۷۱ «مجلس هشتم و بیست و ششم».

و عيسای مسيح و...» یک شاخه از اين درخت است، ريشه آن در قصر شما است و شاخه‌های آن در قصور تمام انبياء الهی است، و ريشه اين درخت سرچشمه تمام الطاف خداوند متعال است. جبرئیل در ادامه سخنان خویش به پیامبر اکرم عرض کرد: یا رسول الله:

این درخت یک میوه دارد آن هم فقط برای شما ذخیره شده است و فقط مخصوص شما است، و حضرت آدم و ابراهیم و موسی و عیسی ابدأً از آن نصیبی ندارند.

آنگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

جبرئیل آن میوه با برکت را از درخت طوبی چید و به من داد و من همانجا آن را تناول کردم و آن میوه خمیرمایه وجود فاطمه زهرا شد.<sup>۱</sup> سرّ معراج هم از اینجا روشن می‌شود که همه این امور مقدمه است برای این که وجود مقدّس پیامبر اکرم را به معراج ببرند و آن میوه مبارک و پر برکت را از چنین درختی به آن حضرت بدهند، تا از آن میوه منحصر به فرد بهشتی که خداوند متعال درخت آن را به دست قدرت خویش کاشته و به عمل آورده میل بفرماید، تا از آن میوه استثنایی گوهر وجود صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها در رحم خدیجه کبری سلام الله علیها متکوّن شود و تشکیل گردد.

چنین شخصیتی که جسم و بدن مبارکش اینگونه بوجود آمده، و روح مطهرش از نور عظمت خداوند متعال خلق شده، موجودی می‌شود که وجود مقدّس امام صادق علیه السلام درباره او می‌فرماید:

سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

حضرت فاطمه به این علت فاطمه نامیده شده چرا که تمام خلایق از معرفت

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۷۲ تا ۳۷۴ «مجلس بیست و ششم».

او بریده شدند.<sup>۱</sup>

بین جسم و روح باید تناسب باشد و این قضیه در رابطه با وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها در اعلی درجه دیده می شود، یعنی: خلقت جسمانی و جوهر بدنی و جسمانی صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها از عالم دنیا و از این نشئه نبوده است، و همانطور که قبلاً عرض شد جسم و بدن مطهّر حضرت زهرا سلام الله علیها از میوه درخت منحصر به فرد بهشتی است که طوبی نام دارد که به بعضی از ویژگی ها و خصوصیات آن اشاره شد، و روح مطهّر آن حضرت نیز از نور عظمت خداوند متعال خلق شده است، و صاحب چنین روح و جسم مطهّر می شود وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که طبق فرمایش امام صادق علیه السلام همه خلائق و تمام مخلوقات از معرفت و شناخت آن حضرت بریده شده و جدا گشته اند.<sup>۲</sup>

### حدیث دوم:

عایشه می گوید:

می دیدم پیامبر اکرم نسبت به فاطمه زهرا سلام الله علیها بیشتر محبّت می کند و زیاد رخسار فاطمه زهرا سلام الله علیها را می بوسد.

عایشه می گوید:

به عنوان اعتراض به پیامبر اکرم عرض کردم:

یا رسول الله:

چرا این قدر فاطمه علیها سلام را می بوسی؟

پیامبر اکرم به من فرمود:

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۷۴ «مجلس بیست و ششم».

۲. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۱۲ تا ۱۱۹، ۳۷۴ «مجلس ششم و بیست و ششم».



يا حَمِيرَاءُ:

أَنَّهُ لَمَّا كَانَ لَيْلَةً أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ فَوَقَفْتُ عَلَى شَجَرَةٍ مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ لَمْ أَرِ فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةً هِيَ أَحْسَنَ مِنْهَا حُسْنًا وَلَا أَيْضَ مِنْهَا وَرَقَةً وَلَا أَطْيَبَ مِنْهَا ثَمَرًا، فَتَنَاوَلْتُ ثَمَرَةً مِنْ ثَمَرَتِهَا فَأَكَلْتُهَا فَصَارَتْ نُطْفَةً فِي صُلْبِي، فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَقَعْتُ خَدِيجَةً فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ،

فَإِذَا أَنَا اسْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رِيحَ فَاطِمَةَ، يَعْنِي:

عایشه می گوید:

وجود مقدس پیامبر اکرم به من فرمود:

ای حمیرا «ای عایشه»:

وقتی که در شب معراج مرا وارد بهشت نمودند، برابر درختی از درختان بهشت ایستادم که در تمام بهشت از آن درخت زیباتر، و برگ‌هایی از برگ‌های آن سفیدتر، و میوه‌ای از میوه آن خوشبوتر ندیدم.

میوه‌ای را از آن درخت تناول کردم و نطفه‌ای در صُلب من شکل گرفت، آنگاه به زمین بازگشتم و با همسرم خدیجه همبستر شدم، و خدیجه به فاطمه علیها سلام آستن شد،

لذا هر وقت اشتیاق به بوی بهشت پیدا می‌کنم فاطمه علیها سلام را می‌بویم. این حدیث شریف را بسیاری از علمای معروف اهل تسنن در کتب خویش نقل نموده‌اند که به‌عنوان نمونه به اسامی تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

طبرانی در معجم الکبیر «جلد ۲۲ - صفحه ۴۰۱»

حموینی در فرائد السمطین «جلد دوم - صفحه ۶۱»

هیثمی در مجمع الزوائد «جلد نهم - صفحه ۲۰۲»

خوارزمی در مقتل الحسین «جلد اول - صفحه ۱۰۵»

سیوطی در درالمنثور «جلد چهارم - صفحه ۱۵۳»

ابن حجر در میزان الاعتدال «جلد دوم - صفحه ۵۱۸»، و...<sup>۱</sup>  
ملاحظه فرمودید که:

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

شب معراج در بهشت برابر درختی از درختان بهشت ایستادم که در تمام بهشت از آن درخت زیباتر و برگ‌هایی از برگ‌های آن سفیدتر و میوه‌ای از میوه آن خوشبوتر و خوش طعم‌تر ندیدم.

از میوه آن درخت خوردم و آن میوه در صلب من تبدیل به نطفه شد، و هنگامی که به زمین بازگشتم با همسرم خدیجه همبستر شدم و خدیجه به فاطمه علیها سلام حامله شد.

قضیه، فوق عقل و بالاتر از درک ما است.

این پیامبر عظیم‌الشانی که طبق آیه سوّم سوره مبارکه نجم از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»، این پیامبر عظیم‌الشانی که تمام انبیاء در مقابل گفتار و کردار او محوند، چنین شخصیّتی وقتی می‌فرماید لَمْ أَرَ، یعنی وجود ندارد،

یعنی در بهشت درختی زیباتر از آن درخت وجود نداشت،

یعنی در بهشت برگی سفیدتر از برگ‌های آن درخت وجود نداشت،

یعنی در بهشت میوه‌ای خوشبوتر و خوش طعم‌تر از میوه‌های آن درخت وجود نداشت،

و این درخت، درختی بود که خداوند متعال با دست قدرت خویش آن را

کاشته بود، یعنی:

۱. فاطمه زهرا سلام‌الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت‌الله وحید خراسانی، صفحه ۱۱۵ و ۱۱۴ «مجلس ششم و هشتم».

جُنَّة العاصمه، تألیف آیت‌الله میرجهانی، صفحه ۶۵، فصل دوم، حدیث نهم. سوغنامه فدک، تألیف آیت‌الله سیدمحمد تقی نقوی، صفحه ۲۳.

غارس آن درخت «غرس کننده آن درخت بهشتی» ذات اقدس اله بود، و وجود مقدس پیامبر اکرم از میوه درختی که جامع همه این جهات بود تناول فرمود و آن میوه نطفه‌ای شد، و از آن نطفه وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها تشکیل شد و خلق گردید، و اینگونه است خلقت جسمانی آن علیا مخدّره.<sup>۱</sup>

### حدیث سوّم:

وجود مقدس امام رضا علیه السلام از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ، أَخَذَ بِيَدِي جِبْرَائِيلُ، فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ، فَنَاوَلَنِي مِنْ رُطْبِهَا، فَأَكَلْتُهُ فَتَحَوَّلَ ذَلِكَ نُطْفَةً فِي صُلْبِي، فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ، فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ، فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ أَنْسِيَّةٌ،

فَكُلَّمَا أُشْتِفْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ، شَمَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

در شب معراج که به آسمان برده شدم، جبرئیل دست مرا گرفت و مرا وارد بهشت نمود و از خرمای بهشتی به من داد و من آن را خوردم و در صلب من به نطفه تبدیل شد.

هنگامی که به زمین بازگشتم با همسرم خدیجه همبستر شدم و خدیجه به فاطمه علیها سلام باردار شد،

پس فاطمه حوریّه‌ای است به صورت انسان «فاطمه حوریّه بشر گونه است زیرا جوهر جسمانی آن حضرت از عالی ترین میوه درخت بهشتی است، نه از عالم دنیا»، و من هرگاه مشتاق بوی بهشت می شوم دخترم فاطمه را می بویم. این حدیث شریف را صدوق در عیون اخبار الرضا علیه السلام و در امالی

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی صفحه ۱۴۴ تا ۱۴۸ «مجلس هشتم».

و در کتاب توحید نقل نموده، همچنین فتال نیشابوری در روضة الواعظین و طبرسی در احتجاج نقل نموده‌اند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که جوهر جسمانی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و خلقت جسمانی آن حضرت از عالم دنیا و از این نشئه نمی‌باشد، و به عبارت دیگر مایه تکوّن جسمی و بدنی حضرت زهرا سلام الله علیها از عالم دنیا و از این نشئه نیست، بلکه از درخت طوبی است که درخت استثنائی و منحصر به فرد بهشتی است که خداوند متعال آن را با دست خویش یعنی با دست قدرت خویش غرس نموده «کاشته» و از روح خویش در آن دمیده است،

و میوه این درخت خاص و منحصر به فرد بهشتی خمیرمایه وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد، و سرّ معراج هم از اینجا روشن می‌شود که همه این امور مقدّمه است برای این که وجود مقدّس پیامبر اکرم را به معراج ببرند و آن میوه مبارک و پربرکت را از چنین درختی به آن حضرت بدهند تا آن حضرت آن را میل بفرماید تا از آن میوه استثنائی، گوهر وجود صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها در رحم خدیجه کبری سلام الله علیها متکوّن شود و خلق گردد،

و به همین جهت است که طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، فاطمه زهرا سلام الله علیها حوریّه‌ای است به صورت انسان، و لذا هرگاه پیامبر اکرم مشتاق بوی بهشت می‌شد دختر گرانقدر خویش صدیقه کبری

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۱۴ «مجلس بیست و دوّم».

زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سیّد محمّد کاظم قزوینی، صفحه ۳۱.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل سوّم، صفحه ۳۷، حدیث ۱.

فاطمه زهرا سلام الله علیها را می‌بویید و استشمام می‌نمود.

خلقت روح مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها نیز از نور عظمت خداوند متعال می‌باشد که انشاء الله تعالی در بخش دوّم بحث راجع به آن اشاره خواهد شد.

ملاحظه فرمودید که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در شب معراج از میوه درخت طوبی میل فرمود، و آن میوه استثنایی در صُلب آن حضرت قرار گرفت، و سپس به رحم خدیجه کبری سلام الله علیها انتقال پیدا کرد، و آنگاه گوهر وجود نازنین صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها متکوّن شد و تشکیل گردید.

در بعضی از احادیث و روایات آمده که میوه درخت طوبی که وجود مقدّس پیامبر اکرم تناول فرمود خرما بود،

در برخی از احادیث و روایات آمده که میوه استثنایی درخت طوبی که پیامبر اکرم میل فرمود سیب بود،

در برخی از روایات و احادیث آمده که میوه استثنایی درخت طوبی انگور بوده است،

همچنین در برخی از روایات و احادیث آمده که جبرئیل به محضر مقدّس پیامبر اکرم نازل شد و این میوه‌های استثنایی را به آن حضرت تقدیم نمود و پیامبر اکرم نیز آن‌ها را میل فرمود و در صُلب آن حضرت قرار گرفت، و سپس به رحم خدیجه کبری سلام الله علیها انتقال یافت، و آنگاه گوهر وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها متکوّن شد و تشکیل گردید.

این احادیث و روایات شریف منافاتی باهم ندارند، و توضیحاتی که آیت الله میرجهانی در کتاب جنّة العاصمه و آیت الله کجوری مازندرانی در کتاب خصائص فاطمیّه ارائه نموده‌اند به وضوح این مطلب را بیان می‌کنند.

### در جَنَّة العاصمه آمده که:

مطلبی که در این مقام بیانش خالی از فایده نیست این است که: آنچه از ظواهر احادیث و اخبار صحیح و معتبر استفاده می شود این است که نطفه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها از سیب و خرماى بهشتی و از درخت بهشتی طوبی و سدرۃ المنتهی می باشد و از این عالم ماده ناسوتی نیست، و اخبار و احادیث مختلف راجع به ماده نطفه صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها با این بیان قابل جمع است که: سیب بهشتی از درخت طوبی بوده است، و رطب بهشتی نیز از درخت طوبی بوده،

و در اخبار و روایات هم تصریح به این مطلب شده است که درخت طوبی دارای انواع و اقسام میوه ها می باشد «برخلاف درختان زمینی که هر درخت فقط یک نوع میوه دارد».

از بعضی روایات و احادیث استفاده می شود که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سیب و خرماى درخت طوبی را در بهشت تناول فرموده است «هر دو میوه را در شب معراج در بهشت تناول فرموده است»، و پس از مراجعت آن حضرت به زمین، سیب و خرماى شجره طوبی را جبرئیل امین به دستور خداوند متعال به رسم هدیه به زمین آورده و به آن حضرت تقدیم نموده است.<sup>۱</sup>

### در خصائص فاطمیّه آمده که:

بنابر اخبار معتبره وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شب معراج وارد بهشت شد و از میوه درخت طوبی تناول فرمود، هم از رطب «خرما» شجره طوبی، و هم از سیب شجره طوبی،

۱. جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمد حسن میرجهانی، فصل دوم، صفحه ۶۷ و ۶۸ «توضیح ذیل حدیث دهم».

و هنگامی که آن حضرت به زمین مراجعت فرمود با حضرت خدیجه علیها سلام همبستر شد و نطفه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها منعقد گردید. بر حسب اخبار، وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دفعات عدیده عروج فرموده اند «به معراج رفته اند»، که یک مرتبه آن پیامبر اکرم وارد بهشت شده و از میوه های شجره طوبی تناول فرموده به جهت انعقاد نطفه مبارکه فاطمه زهرا سلام الله علیها، و این دفعه معراجیه اختصاص به این عمل داشت، و این قضیه مقارن بود با خوردن میوه های شجره طوبی در زمین که جبرئیل آورده بود،

پس می گوئیم:

یک جهت معراج پیامبر اکرم برای دخول در بهشت، خوردن میوه های بهشتی و میوه های درخت طوبی بوده برای انعقاد نطفه طاهره صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها،

و چون این امر از اهم امور بود لذا به منظور تعظیم و تشریف و تکریم فاطمه زهرا سلام الله علیها وجود مقدس پیامبر اکرم برای این کار بزرگ مأمور شد و به معراج رفت تا به منظور انعقاد نطفه طاهره حضرت زهرا سلام الله علیها از میوه های مختلف شجره طوبی تناول بفرماید،

و ضرری هم ندارد که بعد از معراج پیامبر اکرم نیز جبرئیل خرما و سیب و انگور درخت طوبی را خدمت آن حضرت آورده باشد تا آن حضرت مجدداً میل بفرمایند،

یا به جهت اشتیاق آن حضرت به تناول میوه های درخت طوبی،

و یا به منظور تعظیم و تکریم و بزرگداشت وجود مقدس پیامبر اکرم،

بنابراین:

نطفه طاهره صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها از خرما و سیب و انگور

شجره استثنایی طوبی در بهشت بوده است،  
 و بعد از مراجعت از معراج آن حضرت نیز جبرئیل به جهت تکریم و احترام  
 ویژه پیامبر اکرم آن میوه‌ها را به زمین آورده و به محضر آن حضرت تقدیم  
 نموده است و این اخبار هیچگونه منافاتی ندارند، و جمع کردن این اخبار با  
 یکدیگر برای اهل بصیرت و کسانی که آگاه و بصیر به اخبار آل عصمت و  
 طهارت می‌باشند امری است بسیار سهل و آسان،  
 و خلاصه کلام این‌که:

نطفه طاهره صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها از عصاره عالم قدس  
 است، و این نحو از تکوین اختصاص به وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه  
 زهرا سلام الله علیها دارد و کسی دیگر را آن شرف نداده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله محمدباقر کجوری مازندرانی، خصیصه سوّم و چهارم از پنج خصیصه، صفحه  
 ۱۸۸ تا ۲۰۷.



ملاحظه فرمودید که نطفه طاهره صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها از میوه‌های شجره طوبی است، و این شجره استثنایی را خداوند متعال با دست خویش یعنی با دست قدرت خویش کاشته و غرس نموده است که در ابتدای بحث به یک حدیث نورانی از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره شد، که طبق آن حدیث شریف، خداوند متعال درخت طوبی را با دست قدرت خویش کاشته و از روح خویش در آن دمیده است، و میوه‌های این درخت مبارک، جوهر جسمانی صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها را تشکیل می‌دهد و خمیرمایه وجود جسمانی آن حضرت می‌باشد، لذا:

خلقت جسمانی حضرت زهرا و جوهر جسمانی آن حضرت از عالم دنیا و از این نشئه نبوده، بلکه از میوه شجره بهشتی طوبی است، و روح مطهر آن حضرت نیز از نور عظمت خداوند متعال است که انشاء الله تعالی در بخش دوم بحث به آن اشاره خواهد شد.

در رابطه با شجره طوبی و این که خداوند متعال آن را با دست قدرت خویش غرس نموده به یک حدیث نورانی اشاره شد، و اینک و در پایان بخش اول به چند حدیث دیگر نیز در این رابطه اشاره می‌شود.

۱- وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره شجره طوبی فرمودند:

وَ طُوبَى هِيَ شَجْرَةٌ مِنْ جَنَّةٍ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبِّي بِيَدِي، یعنی:

طوبی درختی است در جنت عدن الهی «در بهشت برین»، که خداوند متعال آن را با دست خویش کاشته است.

این حدیث را علی بن ابی علی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲- وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره شجره طوبی فرمودند:

۱. ثواب الاعمال صدوق، ثواب کسی که سه نفر مؤمن را غذا بدهد، صفحه ۳۰۵، حدیث ۱.  
تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۶، حدیث ۱۸ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

طوبى هى شجرة تخرج من الجنة عدن عرسها ربنا بيده، يعنى:  
طوبى درختى است در بهشت عدن كه پروردگار ما آن را به دست قدرت  
خويش كاشته است.

اين حديث را ابو حمزه از وجود مقدس امام باقر عليه السلام نقل نموده  
است.<sup>۱</sup>

۳- حضرت عيسى به خداوند متعال عرض كرد:

خداوندا:

طوبى چيست؟

خداوند متعال به حضرت عيسى فرمود:

قَالَ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ، أَنَا غَرَسْتُهَا تُظِلُّ الْجَنَانَ، أَصْلُهَا مِنْ رِضْوَانٍ، مَاؤُهَا مِنْ تَسْنِيمٍ،  
بَرْدُهُ بَرْدُ الْكَافُورِ وَ طَعْمُهُ الزَّنَجَبِيلِ، مَنْ يَشْرَبُ مِنْ تِلْكَ الْعَيْنِ شَرْبَةً لَا يَظْمَأُ بَعْدَهَا  
أَبَدًا،

فَقَالَ عِيسَى:

اللَّهُمَّ اسْقِنِي مِنْهَا،

قَالَ حَرَامٌ يَا عِيسَى عَلَى الْبَشَرِ أَنْ يَشْرَبُوا مِنْهَا حَتَّى يَشْرَبَ ذَلِكَ النَّبِيُّ، يَعْنِي:

خداوند متعال به حضرت عيسى فرمود:

طوبى درختى است در بهشت كه من خودم آن را كاشته‌ام، اين درخت  
بر همه بهشت سايه افكنده و اصل و ريشه‌اش از رضوان است، و آب آن از  
چشمه تسنيم مى‌باشد كه مانند كافور خنك است و مزه زنجبيل دارد، و هر كس  
جرعه‌اى از آن چشمه بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد.

حضرت عيسى به خداوند متعال عرض كرد:

خداوندا:

۱. تفسير برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۲، حديث ۱۰ «ذيل آيه ۲۹ سوره رعد».  
تفسير نورالتقلين، جلد سوم، صفحه ۷۸۵، حديث ۱۳۴ «حديث ۵۲۴۷» «ذيل آيه ۲۹ سوره رعد».

مرا از آن آب بنوشان.

خداوند متعال به حضرت عیسی فرمود:

تا زمانی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از آن آب ننوشیده، نوشیدن از آن بر بنی بشر «نوع بشر یعنی همه انسانها» حرام است، و تا امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آن آب ننوشیده‌اند نوشیدن آن بر دیگر امت‌ها حرام است.<sup>۱</sup>

این شجره طوبی و این درخت با عظمت که خداوند متعال آن را با دست قدرت خویش کاشته، و میوه‌های آن در صلب پیامبر اکرم تبدیل به نطفه شده و سپس به رحم حضرت خدیجه سلام الله علیها انتقال یافته، و جوهر جسمانی حضرت زهرا سلام الله علیها از آن میوه استثنایی شکل گرفته و گوهر وجود مقدس صدیقه کبری متکون شده و خلق گردیده، در بهشت در منزل و خانه اول شخص عالم خلقت یعنی در خانه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، و شاخه‌های آن در قصور انبیاء و مرسلین می‌باشد.

به‌عنوان حسن ختام بخش اول این بحث «بخش مربوط به خلقت جسمانی حضرت زهرا سلام الله علیها و جوهر جسمانی آن حضرت» به یک حدیث شریف و نورانی اشاره می‌شود.

وجود مقدس امام باقر و امام کاظم علیهما السلام فرمودند:

از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره درخت طوبی

سؤال شد.

وجود مقدس پیامبر اکرم فرمودند:

۱. امالی شیخ صدوق، مجلس چهل و ششم، صفحه ۴۳۱، حدیث ۸.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۹، حدیث ۲۶ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی صفحه ۱۵۰ و ۳۷۳

«مجلس هشتم و بیست و ششم».

شَجْرَةٌ أَصْلُهَا فِي دَارِي وَفَرْعُهَا عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ، یعنی:

طوبی درختی است در بهشت که اصل آن «ریشه و تنه آن» در خانه من است،

و شاخه‌های آن در خانه‌های اهل بهشت می‌باشد.

بار دیگر «پس از چند روز» مجدداً از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره درخت طوبی سؤال شد.

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

شَجْرَةٌ أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَفَرْعُهَا عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ، یعنی:

طوبی درختی است در بهشت که اصل آن «ریشه و تنه آن» در خانه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است،

و شاخه‌های آن در خانه‌های اهل بهشت می‌باشد.

سؤال کنندگان این مطلب به پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله:

دفعه اول که راجع به درخت طوبی از شما سؤال کردیم فرمودید:

طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در خانه من است «یعنی خانه پیامبر اکرم» و شاخه‌های آن در خانه اهل بهشت است،

لیکن دفعه دوم که راجع به درخت طوبی از شما سؤال کردیم فرمودید:

طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در خانه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب است،

و شاخه‌های آن در خانه‌های اهل بهشت می‌باشد،

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِنَّ دَارِي وَ دَارِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ فِي الْجَنَّةِ بِمَكَانٍ وَاحِدٍ، یعنی:

خانه من و خانه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در بهشت در یک

جا و در یک مکان می باشد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

**الف:** این حدیث شریف را بسیاری از علمای اهل تسنن نیز در کتاب‌های خویش نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آن‌ها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

حاکم حسکانی	در شواهد التنزیل
شیخ سلیمان قندوزی	در ینابیع الموده
ثعلبی	در تفسیر معروفش و... <sup>۲</sup>

**ب:** در صفحات قبل ملاحظه فرمودید که آب شجره طوبی از چشمه تسنیم است و هرکس جرعه‌ای از آب چشمه تسنیم بنوشد هرگز تشنه نمی‌شود.

در توضیحات ذیل فضیلت پنجم حضرت زهرا سلام‌الله علیها در این کتاب شریف فاطمی «حضرت زهرا سلام‌الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم‌السلام از نسل و ذریه‌اش، سابقون و مقربون مدنظر آیات شریفه سوره واقعه و مطففین می‌باشند» به عرض رسید که طبق احادیث صادره از ناحیه مقدسه ائمه معصومین علیهم‌السلام، شراب تسنیم که عالی‌ترین و شریف‌ترین شراب بهشتی است از چشمه‌ای است که خاص مقربون می‌باشد و اختصاص به آن ذوات مقدسه دارد، و فقط مقربون از آن شراب ممتاز بهشتی به طور خالص و ناب می‌آشامند، و سایر بهشتیان از

۱. مجمع‌البیان، جلد سیزدهم، صفحه ۶۲ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۸۵ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۶۳۲ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۲، حدیث ۱۴ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۴۲، حدیث ۳۱ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۷۸۷، حدیث ۱۳۷ «حدیث ۵۲۵۰» «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

۲. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۸۵ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۴ و ۴۴۲، حدیث ۱۴ و ۳۱ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

شراب‌هایی می‌آشامند که مقداری از شراب تسنیم به آنها افزوده شده تا مرغوب‌تر و گواراتر شوند،

و مقصود از مقربون طبق این احادیث شریف محمد و آل محمد علیهم السلام می‌باشند، یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم و حضرت امیر و حضرت زهرا و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهم اجمعین.

## «بخش دوم»

خلقت روح مطهر صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و جوهر روحانی آن حضرت:

در کتاب فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت تألیف آیت الله وحید خراسانی درباره خلقت روح مطهر فاطمه زهرا سلام الله علیها و جوهر روحانی آن علیا مخدّره آمده که:

وقتی معلوم می شود صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله چه کسی است و چه شخصیتی است که در خلقت روح آن بزرگوار تأمل شود، بدن این بود «از میوه های شجره طوبی با آن امتیازات و ویژگی های انحصاری و منحصر به فرد»،

حالا روح آن علیا مخدّره چیست؟

در حدیثی که وجود مقدّس امام صادق علیه السلام از خلقت روح صحبت می فرمایند تعبیر این است که:

خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را خلق فرمود از نور عظمت خویش «خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ».

مبدأ خلقت روح سیّده بانوان عالم، دیگر درخت بهشتی نیست، بلکه از نور عظمت حق تعالی می باشد، یعنی مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ،

بنابراین:

خلقت روح مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها اینجور است که،

خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ، یعنی:

روح حضرت زهرا سلام الله علیها از نور عظمت خداوند متعال خلق شده است.

روح چنین روحی است،

و بدن چنین بدنی،

و وقتی بین این روح و این بدن ارتباط حاصل شود، چنین بشری چه خواهد شد، و فردا که سر از خاک بردارد چه خواهد کرد «این حدیث شریف در انتهای بحث به طور کامل نقل خواهد شد».

در حدیث دیگری آمده که وجود مقدّس پیامبر اکرم فرمودند: خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را از نورش آفرید «خَلَقَهَا اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ نُورِهِ»، و سپس آن نور را در حُقّه‌ای قرار داد «حقّه = ظرف کوچکی که اشیاء بسیار نفیس و گرانبها را داخل آن می گذارند»، تعبیر حُقّه مهمّ است، یعنی:

مثل گوهری که در یک گنجینه‌ای بگذارند، خداوند متعال روح مطهّر حضرت زهرا سلام الله علیها را در آن حُقّه قرار داد، و آن حُقّه را بر طاق عرش معلّق کرد، و آن روح مطهّر فاطمی در آن حال مشغول تسبیح و تهلیل و تحمید خداوند متعال بود.

هنگامی که از وجود مقدّس پیامبر اکرم سؤال شد:

یا رسول الله:

پس با این اوصاف فاطمه زهرا سلام الله علیها انسیّه نیست «از جنس بشر نیست»،

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ اُنْسِيَّةٌ، یعنی:

دخترم فاطمه زهرا سلام الله علیها حورایی است اُنْسِيَّة «حوریّه‌ای است به صورت انسان».

در وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها این دو حیثیت جمع شده است،

یعنی:

آن حضرت گوهری است مرکّب از مُلک و ملکوت،



آن حضرت جامع غیب است و شهود،  
 آن حضرت جوهری است مرگب از انس و ملک.  
 فاطمه زهرا سلام الله علیها از نور الله خلق شده است،  
 و از چنین نوری گوهر وجود فاطمه زهرا سلام الله علیها آفریده شد!<sup>۱</sup>  
 پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با خلقت روحانی صدیقہ کبری  
 فاطمه زهرا سلام الله علیها اینک می پردازیم به نقل احادیث شریفی که صراحتاً  
 بیان می فرمایند که روح مطهر فاطمه زهرا سلام الله علیها از نور عظمت خداوند  
 متعال خلق شده است.

### حدیث اول:

جابر می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

چرا فاطمه زهرا سلام الله علیها زهرا نامیده شد؟

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال جابر فرمود:

لَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمَتِهِ، فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ  
 بِنُورِهَا، وَغَشِيَتْ أَبْصَارَ الْمَلَائِكَةِ،  
 وَخَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِلَّهِ سَاجِدِينَ،  
 وَقَالُوا الْهَذَا وَسَيِّدَنَا مَا هَذَا التُّورُ؟  
 فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ:

هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي وَاسْكَنْتُهُ فِي سَمَائِي وَخَلَقْتُهُ مِنْ عَظَمَتِي أَخْرَجْتُهُ مِنْ صُلْبِ نَبِيِّ  
 مِنْ أَنْبِيَائِي، أَفْضَلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ أَخْرَجَ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أُمَّةً، يَقُومُونَ بِأَمْرِي،

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۱۷ تا ۱۱۹ و صفحه ۳۸۵ و ۳۸۶ «مجلس ششم و بیست و هفتم».

يَهْدُونُ إِلَى حَقِّي، وَ أَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي فِي أَرْضِي بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِي، یعنی:  
وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

فاطمه زهرا سلام الله عليها به این جهت زهرا نامیده شد، زیرا:  
خداوند متعال آن حضرت را از نور عظمت خودش آفرید، و هنگامی که نور  
وجود فاطمه زهرا سلام الله عليها درخشید، آسمانها و زمین به نور آن حضرت  
روشن شد، و دیدگان ملائکه از نور حضرت فاطمه سلام الله عليها بسته شد  
«چشمان ملائکه را خیره نمود»، و آنگاه ملائکه به سجده افتاده و به خداوند  
متعال عرض کردند:

ای معبود ما و ای سرور ما:

این چه نوری است که اینقدر تابان و روشن است؟  
خداوند متعال به ملائکه وحی فرمودند که:

این نور از نور من است که او را در آسمانم ساکنش کرده‌ام و آن را از عظمت  
خلق نمودم، و آن را از صلب پیامبری از پیامبرانم که بر تمام پیامبران برتری  
داده‌ام خارج می‌نمایم، و از این نور امامانی را بیرون می‌آورم که به امر من قیام  
می‌کنند و مردم را به طرف من هدایت می‌نمایند، و این امامان را پس از انقطاع  
وحی «پس از سپری شدن دوران وحی و نبوت» جانشینان خودم در روی زمین  
قرار می‌دهم.<sup>۱</sup>

۱. معانی الأخبار، جلد اول، باب ۲۸، حدیث ۱۶.

علل الشرایع، جلد اول، باب ۱۴۳، صفحه ۵۸۷، حدیث ۱.

کلیات حدیث قدسی «ترجمه جواهر السنیه»، صفحه ۴۱۸، حدیث ۳۸۸ - ۵۹.

فاطمه زهرا سلام الله عليها حلقة وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۱۸ «مجلس ششم».

جَنَّةُ الْعاصِمَةِ، صفحه ۱۳۹، حدیث دوم «فصل پنجم، ذیل نام نهم».

سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۸۹.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، صفحه ۱۰۰، فصل ۱۲، حدیث چهارم.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، صفحه ۲۳۲، فصل ۱۵، حدیث هفتم.

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت، تألیف آیت الله سیداحمد مستنبت، جلد اول، صفحه ۴۰۹، حدیث ۱۰/۲۶۱.

## توضیح:

در کتاب فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت تألیف آیت الله وحید خراسانی در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

وقتی معلوم می شود صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها چه کسی است و چه شخصیتی است که در رابطه با خلقت روح آن حضرت بحث شود و تأمل گردد. بدن صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها این بود که عرض شد «که از میوه های درخت طوبی خلق شد، و این درخت نیز درخت منحصر به فرد بهشتی است که خداوند متعال با دست قدرت خویش آن را کاشته است».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شب معراج از میوه های درخت طوبی تناول فرمود و این میوه ها به صلب پیامبر اکرم منتقل شد و پیامبر اکرم پس از بازگشت به زمین با همسر خویش خدیجه کبری سلام الله علیها همبستر شد و در نتیجه خدیجه کبری علیها سلام به فاطمه زهرا سلام الله علیها باردار شد، و این بود خمیرمایه جسم مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها، و اما خلقت روح حضرت زهرا سلام الله علیها چگونه است.

در حدیثی که از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل شد «حدیث اول که ملاحظه فرمودید»، در رابطه با خلقت روح مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها آمده که:

خداوند متعال روح مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها را از نور عظمت خویش خلق فرمود «خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ».

مبدأ خلقت روح حضرت زهرا سلام الله علیها دیگر درخت بهشتی طوبی نیست، بلکه از نور عظمت خداوند متعال است،

روح چنین روحی و بدن یک چنین بدنی،

و وقتی بین این روح و بدن ارتباط برقرار شود، چنین بشری چه خواهد شد

و فردا که سر از خاک بردارد چه خواهد کرد.<sup>۱</sup>

در کتاب جلوه نور تألیف آیت الله سعادت پرور «فصل ۱۲- صفحه ۱۰۱ - ذیل حدیث چهارم» در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:  
این نور همان نور عظمت الهی است که تمام اشیاء را پُر کرده است، به گونه‌ای که همه اشیاء و موجودات در مقابل آن خاضع و خاشع و ذلیل هستند، چنانکه در دعای کمیل خداوند متعال را چنین می‌خوانیم:  
وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ «مَلَأَتْ» اَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، یعنی:  
خداوندا:

از تو مسئلت می‌کنم به عظمت تو که بر ارکان و شرانش وجود هر چیزی غلبه کرده است «یا آن را پُر کرده است»،  
حال چنانچه خداوند متعال از آن نور به صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها عنایت فرماید «همچنان که از ظاهر حدیث شریف می‌آید»،  
آیا نباید اموری را که در حدیث ذکر شده است در پی داشته باشد، همانگونه که در مقابل حق سبحانه تحقق دارد.

در کتاب جُنَّة العاصمه تألیف آیت الله میرجهانی آمده است که:

خداوند متعال حضرت زهرا سلام الله علیها را از نور عظمت خودش خلق فرموده است، یعنی نور فاطمه زهرا سلام الله علیها از نور خداوند متعال است، و خلقت نور مقدس آن حضرت بر خلقت تمام انبیاء و مرسلین و ملائکه مقدم بوده است، غیر از پدر بزرگوارش و غیر از شوهر گرانقدرش.<sup>۲</sup>

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۱۷ تا ۱۱۹ «مجلس ششم».

۲. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل پنجم، صفحه ۱۴۷ «معانی و اطلاقات ام»، و صفحه ۱۶۶، فصل ششم، خصیصه سوم.

**حدیث دَوم:**

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

شبى که به معراج رفتم خداوند متعال به من فرمود:

ای محمّد:

من از میان همه مردم روی زمین تو را انتخاب کردم و نام تو را از نام خودم

مشتق ساختم،

پس هر جا نام من ذکر می شود نام تو هم ذکر می شود،

من محمود هستم و تو محمّد،

سپس علی بن ابیطالب را از میان همه مردم انتخاب کردم و نام او را هم از

نام خودم مشتق ساختم،

من اعلی هستم و او علی.

یا مُحَمَّدُ:

إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَدِهِ... مِنْ

نُورِي، وَ عَرَضْتُ لِأَيَّتِكُمْ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ،

فَمَنْ قَبِلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ جَحَدَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ، يَعْنِي:

خداوند متعال در شب معراج به پیامبر اکرم فرمود:

ای محمّد:

من، تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از نسل حسین را از نور

خودم خلق کردم، و ولایت شما را به همه اهل آسمانها و زمین عرضه نمودم،

پس هر کس ولایت شما را پذیرفت نزد من از مؤمنین است،

و هر کس ولایت شما را انکار کرد از کافرین شد.

در ادامه فرمایش خداوند متعال به پیامبر اکرم در شب معراج آمده که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

یا مُحَمَّدُ:

لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عَبِيدِي عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَ يَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاهِدًا  
لَوْلَا يَتَّكُمُ مَا غَفَرْتُ لَهُ حَتَّى يَفْرَّ بَوْلَا يَتَّكُمُ، یعنی:

ای محمد:

اگر بنده‌ای از بندگانم مرا آنقدر عبادت کند تا رشته حیات او قطع گردد  
و مرگ او را فرا بگیرد، و یا مثل مَشْکِ خشکیده و پوسیده شود و پس از  
آن به نزد من آید در حالی که منکر ولایت شما باشد، من او را نمی‌بخشم و  
نمی‌آمرزم تا به ولایت شما اقرار نماید.

سپس خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

ای محمد:

آیا می‌خواهی «آیا دوست داری» آن‌ها را ببینی؟

پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض کرد:

آری

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

پس به سمت راست عرش نگاه کن.

پیامبر اکرم در ادامه حدیث شریف می‌فرماید:

من به طرف راست عرش نگاه کردم، و آنجا علی و فاطمه و حسن و حسین  
و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی  
بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی را در  
فضای درخشانی از نور مشاهده کردم «آن‌ها را در میان انوار درخشانی دیدم»  
که در حال نماز بودند،

و در میان آن‌ها حضرت مهدی مانند ستاره درخشانی بود «نور حضرت

مهدی از همه درخشان‌تر بود»،

و در همین حال خداوند متعال به من خطاب فرمود:

ای محمّد:

این‌ها حجّت‌های من هستند، و او «اشاره به امام زمان علیه‌السلام» انتقام گیرنده عترت تو و انتقام گیرنده از دشمنانم می‌باشد.<sup>۱</sup>

این حدیث شریف را بسیاری از علمای شیعه و سنی در کتب خویش نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آن‌ها را ملاحظه می‌فرمایید.

بحرانی	در برهان
سید شرف‌الدین نجفی	در تأویل الآیات «جلد اوّل، صفحه ۹۸، حدیث ۵»
مجلسی	در بحارالانوار «جلد ۳۶، صفحه ۲۱۶، حدیث ۱۸»
خوارزمی	در مناقب
خوارزمی	در مقتل الحسین «صفحه ۹۵»
حموی	در فرائد السمّطین «جلد دوّم، صفحه ۳۱۹»، و... <sup>۲</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که طبق این حدیث شریف خداوند متعال وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهرگرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه‌اش را از نور خودش خلق فرموده است، همچنین طبق این حدیث شریف قدسی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام‌الله

۱. کلیات حدیث قدسی «ترجمه جواهر السنیه» شیخ حرّ عاملی، باب سیزدهم، صفحه ۵۳۹ و ۵۴۰، حدیث ۴۹۶، ۲۸. الغیبه «کتاب غیبت» شیخ طوسی، صفحه ۲۹۶، حدیث ۱۰۹/۹.  
 «روایات خاصّه» روایات شیعه» در این‌که ائمّه معصومین علیهم‌السلام دوازده نفر هستند». خصائص فاطمیّه، تألیف آیت‌الله کجوری مازندرانی، خصیصه ۴۶، صفحه ۸۰۶.  
 ۲. فاطمه زهرا سلام‌الله علیها سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت‌الله رحمانی همدانی، فصل سوّم، صفحه ۵۶، حدیث ۳.  
 اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی، جلد سوّم، باب نهم، فصل ششم، صفحه ۱۷۵، حدیث ۹۴.  
 اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی، جلد سوّم، باب نهم، فصل ۲۷، صفحه ۲۲۲، حدیث ۲۰۹.  
 فاطمه زهرا سلام‌الله علیها سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت‌الله رحمانی همدانی، فصل سوّم، صفحه ۵۶، حدیث ۳.

علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش حجت خداوند متعال بر مخلوقات می باشند و به همه مخلوقات ولایت دارند که انشاء الله در مباحث بعد «بخش مربوط به فضیلت یازدهم و دوازدهم حضرت زهرا سلام الله علیها» به آن اشاره خواهد شد.

### حدیث سوّم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، یعنی:

نور فاطمه زهرا سلام الله علیها پیش از خلقت زمین و آسمانها خلق شد. بعضی از اصحاب سؤال کردند:

یا رسول الله:

پس فاطمه زهرا سلام الله علیها از جنس بشر نیست؟

وجود مقدّس پیامبر اکرم در پاسخ به سؤال اصحاب فرمود:

فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ أَنْسِيَّةٌ، یعنی:

فاطمه زهرا سلام الله علیها حوریّه ای است انسانی، یعنی:

فاطمه زهرا سلام الله علیها حوریّه ای است به صورت انسان.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش

خویش در رابطه با خلقت حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند:

خَلَقَهَا اللهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ نُورِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ، یعنی:

خداوند متعال حضرت زهرا سلام الله علیها را از نور خودش خلق فرمود،

قبل از خلقت حضرت آدم.

از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم سؤال شد که فاطمه

زهرا سلام الله علیها در آن هنگام کجا بود.



وجود مقدّس پیامبر اکرم فرمود:

كَانَتْ فِي حُقَّةٍ تَحْتَ سَاقِ الْعَرْشِ، يَعْنِي:

نور فاطمه زهرا سلام الله عليها در میان حُقّه‌ای در زیر ساق عرش جای داشت «حُقّه = ظرف کوچکی که در آن جواهر یا اشیاء دیگر بگذارند، جُنّة العاصمه، صفحه ۴۴».

از وجود مقدّس پیامبر اکرم سؤال شد که غذای حضرت زهرا سلام الله عليها در آن زمان چه بود.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَحْمِيدٌ «يعني گفتن سُبْحَانَ اللهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ».

این حدیث را سدید صیرفی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

در کتاب فاطمه زهرا سلام الله عليها حلقه وصل رسالت و امامت در ذیل این حدیث شریف آمده است که:

خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله عليها را از نور خودش خلق فرمود «خَلَقَهَا اللهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ نُورِهِ»، و سپس آن نور را در حُقّه‌ای قرار داد. تعبیر حُقّه مهم است، یعنی:

مثل گوهری که در یک گنجینه‌ای بگذارند، خداوند متعال روح مطهر حضرت زهرا سلام الله عليها را در آن حُقّه قرار داد و آن حُقّه را بر طاق عرش

۱. معانی الأخبار شیخ صدوق، جلد دوم، باب ۴۳۰، صفحه ۴۱۸، حدیث ۵۳.

فاطمه زهرا سلام الله عليها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی صفحه ۱۱۹ و ۳۸۵

«مجلس ششم و بیست و هفتم».

جُنّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی، فصل اوّل، صفحه ۴۳، حدیث هفتم.

سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۲۰.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل اوّل، صفحه ۱۷، حدیث اوّل.

فاطمه زهرا سلام الله عليها سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل سوم، صفحه ۸۶، حدیث ۲.

معلق کرد،

و آن روح مطهر فاطمی در آن حال مشغول تسبیح و تهلیل و تحمید خداوند متعال بود، یعنی طعام این روح و این نَفْسِ قُدسی تسبیح و تهلیل و تحمید بود، و هنگامی که از وجود مقدّس پیامبر اکرم سؤال شد:  
یا رسول الله:

پس با این اوصاف فاطمه زهرا سلام الله علیها اِنْسِیّه نیست «یعنی از جنس بشر نیست».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:  
فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ اِنْسِیَّةٌ، یعنی:

دخترم فاطمه زهرا سلام الله علیها حورایی است اِنْسِیّه «یعنی حوریّه ای است به صورت انسان».

در وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها این دو حیثیت جمع شده است، یعنی:

آن حضرت گوهری است مرگب از مُلک و ملکوت،

آن حضرت جامع غیب است و شهود،

آن حضرت جوهری است مرگب از اِنس و مَلک.

فاطمه زهرا سلام الله علیها از نورالله خلق شده است، و

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ «آیه ۳۵ سوره نور»،

و از چنین نوری گوهر وجود فاطمه زهرا سلام الله علیها آفریده شد.<sup>۱</sup>

در کتاب جلوه نور ذیل این حدیث شریف آمده که:

در توضیح این قسمت از حدیث شریف که می فرماید، خَلَقَهَا اللهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ

نُورِهِ باید گفت:

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۱۹ و ۳۸۵ «مجلس ششم و بیست و هفتم».

اهل تحقیق می دانند که هیچ امری از حضرت حق سبحانه ایجاد و بروز و ظهور پیدا نمی کند مگر به اسمی از اسماء الهی،

و اسم نیز از مُسمّی جدا نیست، چنانکه وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در دعای کمیل به پیشگاه خداوند متعال عرض می کند:

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي غَلَبْتُ «مَلَأْتُ» كُلِّ شَيْءٍ،  
وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، یعنی:

پروردگارا از تو درخواست می کنم و مسئلت می نمایم به اسمائت که بر ارکان و شرایش وجود هر چیزی غالب و چیره است «ارکان و شرایش وجود هر چیزی را پُر کرده است»،

و به نور وجه تو که هر چیزی به آن روشن و نورانی است،  
بنابراین:

خلقت نوری وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز به خلقت و ایجاد و اراده حق ظهور یافته است، لذا نمی تواند از نور او جدا باشد.<sup>۱</sup>

### حدیث چهارم:

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ نُورًا مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ قَبْلَ خَلْقِ آدَمَ، فَهِيَ أَرْوَاحُنَا، یعنی:

خداوند متعال قبل از خلقت حضرت آدم، چهارده نور را از نور عظمت خودش خلق نمود و آنها ارواح ما بودند.

خدمت امام باقر علیه السلام عرض شد:

یا بن رسول الله:

نام این چهارده نفر را بفرمایید که این چهارده روح و این چهارده نور چه

۱. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل اوّل، صفحه ۱۸ و ۱۹.

کسانی بودند.

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ وَ تَاسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ، ثُمَّ عَدَّهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ، يَعْنِي:

آنها محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین بودند که نهمین آنها قائم آنها می باشد، و سپس وجود مقدّس امام باقر علیه السلام نام مبارک آنها را بیان فرمود.<sup>۱</sup>

در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

مطلب مورد نظر ما در ذکر این حدیث شریف، خلقت چهارده نور از نور عظمت خداوند متعال می باشد، که یکی از آنها وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، و خلقت این چهارده نور و چهارده روح مقدّس و مطهر چهارده هزار سال قبل از خلقت حضرت آدم، اشاره به خلقت نوری آن ذوات مقدّسه قبل از خلقت مادّی و یا نوری حضرت آدم دارد.<sup>۲</sup>

### حدیث پنجم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

خداوند متعال من و علی و فاطمه و حسن و حسین را قبل از خلقت حضرت آدم خلق فرمود، زمانی که نه آسمانی برافراشته بود، و نه زمینی گسترده شده بود، نه تاریکی بود نه نور، نه خورشید بود نه ماه، نه بهشت بود و نه جهنّم. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

۱. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل نهم، صفحه ۷۸ «ذیل حدیث ششم» صفحه ۲۳۲ «بخش خاتمه کتاب»، شماره ۱۷.

۲. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، صفحه ۲۳۲، توضیح ذیل شماره ۱۷.

هنگامی که خداوند متعال اراده فرمود تا ما را خلق کند، تنها کلمه‌ای را فرمود «تکلم به کلامی فرمود» و با آن کلمه نوری خلق شد، و سپس با ایراد کلمه‌ای دیگر روح خلق شد «پس از آن به کلمه‌ای دیگر تکلم فرمود و روح خلق شد»، آنگاه خداوند متعال نور را با روح درآمیخت و مرا و برادرم علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام را خلق فرمود،

و ما خداوند متعال را تسبیح می نمودیم قبل از آنکه تسبیحی موجود باشد، ما خداوند متعال را تقدیس می کردیم قبل از آنکه تقدیسی به زیور وجود آراسته باشد. هنگامی که خداوند متعال اراده فرمود تا آفرینش را آغاز نماید، نور مرا شکافت و از آن نور عرش را آفرید،

پس عرش از نور من است و نور من از نور خدا است، از این رو نور من افضل از عرش است «برتر از عرش است»،

سپس خداوند متعال نور برادرم علی را شکافت و از آن نور ملائکه را خلق فرمود،

پس ملائکه از نور برادرم علی است و نور علی از نور خدا است،  
 ثُمَّ فَتَقَّ نُورَ ابْنَتِي فَخَلَقَ مِنْهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،  
 فَالسَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ نُورِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَ نُورِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللَّهِ،  
 وَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، یعنی:

سپس خداوند متعال نور دخترم فاطمه را شکافت و از آن نور، آسمان‌ها و زمین را خلق فرمود، پس:

آسمان‌ها و زمین از نور دخترم فاطمه است، و نور فاطمه از نور خدا است، و از این رو دخترم فاطمه افضل از آسمان‌ها و زمین است «برتر از آسمان‌ها و زمین است»،

سپس نور فرزندانم حسن را شکافت و از آن نور، خورشید و ماه را خلق

فرمود، پس:

خورشید و ماه از نور حسن است، و نور حسن از نور خدا است، از این رو حسن برتر از خورشید و ماه است،

سپس نور فرزندان حسین را شکافت و از آن نور، بهشت و حورالعین را خلق فرمود، پس:

بهشت و حورالعین از نور حسین است، و نور حسین از نور خدا است، از این رو حسین برتر از بهشت و حورالعین است،

سپس خداوند متعال، ظلمات و تاریکی را خلق فرمود و به ظلمات دستور داد تا ابرهای تیره و تار را حرکت دهند، و در نتیجه آسمان بر ملائکه تاریک شد، و متعاقب آن ملائکه ضمن تسبیح و تقدیس خداوند متعال ناله سر داده و به خداوند متعال عرض کردند:

خداوندا:

از آن لحظه که ما را آفریدی و ما را با این ارواح آشنا نمودی «ارواح مطهر خمسه طیبه علیهم السلام» هیچ سختی و مشکلی ندیدیم، پس:

خداوندا:

تو را به حرمت و احترام این ارواح مطهر «یعنی ارواح مطهر خمسه طیبه علیهم السلام» سوگند می دهیم که این ظلمات و تاریکی را از ما دور سازی.

پس از این درخواست و تقاضای ملائکه بود که خداوند متعال قنديل ها و فانوس هایی را از رحمت آفرید و آنها را بر عرش آویخت،

و در نتیجه آسمانها و زمین روشن شدند.

ملائکه به خداوند متعال عرض کردند:

خداوندا:

این نور درخشانی که آسمانها و زمین با آن روشن شد از آن کیست؟

خداوند متعال به ملائکه فرمود:

این نور کنیز من فاطمه زهرا است، و کنیز خود را زهرا نام گذاردم، زیرا آسمانها و زمین با نور او روشن و آشکار شد،

و من این نور را از نور جلال و بزرگی خودم برای بندهام فاطمه قرار دادم، و او دختر پیغمبر من و حبیب من و زوجه «همسر» وصی پیامبر من و حجت من بر مخلوقاتم می باشد،

و من ثواب تسبیحات و تقدیسهای شما را تا روز قیامت برای این زن و شیعیان او قرار دادم.

این حدیث را انس بن مالک از وجود مقدس پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۴۰۰، حدیث ۵ «ذیل آیه ۶۹ سوره نساء»

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل اوّل، صفحه ۴۴، حدیث هشتم، فصل پنجم، صفحه ۱۴۷، فصل ششم، صفحه ۱۶۸، خصیصه چهاردهم.

فاطمه زهرا سلام الله علیها سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل سوّم، صفحه ۵۴، فضیلت دوّم، حدیث ۲.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سید حسین همدانی درود آبادی، صفحه ۸۷ تا ۸۹ «ذیل این قسمت از زیارت جامعه که آمده: وَ مُخْتَلَف الْمَلَائِكَةِ».

حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی، صفحه ۹۴ تا ۹۶.





## فضیلت دهم

حضرت زهرا سلام الله علیها سیده نساء عالمین است.

سیده نساء عالم بودن و برترین بانوی بانوان عالم بودن برای وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها فضیلت به شمار می رود، لیکن برای آن وجود مقدس، سیده بانوان عالم بودن فضیلت فوق العاده ای نیست، یعنی: اگر بگوییم که شأن و مقام صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها از مقام همه بانوان عالم از ابتدای خلقت تا روز قیامت برتر و بالاتر می باشد سخن درستی گفته ایم و حقیقتی را بیان کرده ایم، لیکن فضیلت و شأن و مقام واقعی آن حضرت را اظهار ننموده ایم، زیرا:

مگر در بین تمام بانوان عالم از ابتدای خلقت تا روز قیامت، چند زن مقام و موقعیت فوق العاده و ویژه ای دارند که برتر بودن مقام حضرت زهرا سلام الله علیها از آن بانوان ممتاز، فضیلت ویژه ای برای آن حضرت به شمار برود، ضمن این که:

- ۱- وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها مقام عصمت دارد «اشاره به اولین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی»
- ۲- وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السلام از نسل و ذریه اش بهترین مخلوق

خداوند متعال هستند و اشرف مخلوقات می باشند «اشاره به دوّمین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۳- وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السّلام از نسل و ذریّه اش علّت غایی خلقت و علّت بقاء و دوام خلقت می باشند «اشاره به سوّمین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۴- وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السّلام از نسل و ذریّه اش آنچنان مقام و منزلتی در درگاه خداوند متعال دارند که انبیاء عظام الهی هنگام گرفتاری به آن ذوات مقدّسه متوسّل شده و خداوند متعال را به آن بزرگواران سوگند می دادند، و خداوند متعال نیز به احترام آن ذوات مقدّسه گرفتاری آنها را برطرف می نمود و حوائج آنها را برآورده می کرد «اشاره به چهارمین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۵- وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السّلام از نسل و ذریّه اش، مقرب ترین مخلوق الهی می باشند و شراب تسنیم اختصاص به آن ذوات مقدّسه دارد «اشاره به پنجمین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۶- وقتی که خداوند متعال، حضرت زهرا سلام الله علیها را از نور عظمت خویش خلق فرموده است «اشاره به نهمین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۷- وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها حُجَّة الله و ولیّة الله است و دارای مقام ولایت کلّیه می باشد و مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السّلام از نسل و ذریّه اش بر همه مخلوقات ولایت دارد «اشاره

به فضیلت یازدهم و دوازدهم و چهاردهم حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۸- وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وَايَةُ الله است و مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و ائمه معصومین علیهم السَّلام از نسل و ذریه اش مخزن علم خداوند متعال می باشد و به گذشته و آینده علم دارد و از آن آگاه است «اشاره به شانزدهمین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۹- وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها کفو و هم شأن دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام می باشد «اشاره به هیجدهمین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۱۰- وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها رکن مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام می باشد، در حالی که حضرت امیر علیه السَّلام سیّد الاوصیاء و رکن الاولیاء و عماد الاوصیاء می باشد «متن زیارت آن حضرت که صفوان جمّال از امام صادق علیه السَّلام نقل نموده است» «اشاره به نوزدهمین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۱۱- وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها آنچنان مقام رفیعی دارد که پس از رحلت پدر بزرگوارش، امین و حی الهی یعنی حضرت جبرئیل علیه السَّلام کراراً به محضر آن علیا مخدّره شرفیاب شده و با آن حضرت سخن گفته و آن حضرت را تسلی می داد «اشاره به بیست و ششمین فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۱۲- وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها آنچنان مقام و منزلت رفیع و والایی دارد که انبیاء عظام الهی امّت های خودشان را امر به معرفت و شناخت

آن حضرت می نمودند «شناخت آن حضرت به عنوان حُجَّةُ الله و ولیَّةُ الله و پذیرش ولایت آن علیا مخدّره» تا اعمال آن‌ها پذیرفته شود و مقبول درگاه الهی واقع گردد «اشاره به سی‌امین فضیلت حضرت زهرا سلام‌الله علیها در این کتاب شریف فاطمی»، در این صورت:

برای وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام‌الله علیها با داشتن این همه فضائل که فقط به بخشی از آن‌ها اشاره شد، سیده بانوان عالم بودن فضیلت و مقام فوق‌العاده‌ای نیست، لیکن چون احادیث فراوانی از ناحیه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم‌السّلام صادر شده که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام‌الله علیها سیده نساء عالمین و سیده بانوان عالم می‌باشد لذا به تعدادی از این احادیث نورانی اشاره می‌شود.

قابل ذکر است که:

در احادیث شریفی که ملاحظه خواهید فرمود، علاوه بر اشاره به سیده نساء عالم بودن فاطمه زهرا سلام‌الله علیها که محلّ بحث ما می‌باشد «به‌عنوان دهمین فضیلت صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها در این کتاب شریف فاطمی» به بعضی دیگر از فضائل آن علیا مخدّره نیز اشاره شده است که قابل توجّه و تأمل می‌باشد و لازم است با دقّت نظر بیشتری به آن‌ها نگاه شود.

قبل از پرداختن به احادیث مربوط به سیده بانوان عالم بودن حضرت زهرا سلام‌الله علیها لازم است توضیح مختصری در رابطه با آیه چهل و دوّم سوره مبارکه آل عمران ارائه شود، که طبق این آیه شریفه حضرت مریم به‌عنوان سیده بانوان زمان خویش معرفی شده است.

خداوند متعال در آیه ۴۲ سوره آل عمران می‌فرماید:

وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ

وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، یعنی:

هنگامی که ملائکه «فرشتگان» به حضرت مریم گفتند:

ای مریم:

خداوند متعال تو را برگزید و انتخاب نمود،

و تو را پاک و مطهر گردانید،

و تو را بر بانوان جهان برتری داد.<sup>۱</sup>

خداوند متعال در آیه ۳۳ سوره آل عمران می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ، یعنی:

خداوند متعال، حضرت آدم و حضرت نوح و آل ابراهیم و آل عمران

«حضرت مریم و پسرش حضرت عیسی» را برگزید و انتخاب کرد، و آنها را

بر مردم جهان زمان خودشان برتری داد.<sup>۲</sup>

خداوند متعال پس از این که آیه شریفه «آیه ۳۳ سوره آل عمران» فضیلت و

برتری آل عمران یعنی حضرت مریم را به همه زنان و بانوان هم عصر خودش

بیان فرمود، و در آیات بعد «آیه ۳۴ تا ۴۱ سوره آل عمران» راجع به تولد

حضرت مریم و دادن میوه و غذای بهشتی به او مطالبی بیان فرمود، بار دیگر

در این آیه شریفه «آیه ۴۲ سوره آل عمران»، صحبت از حضرت مریم است و

مقامات والای او.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ، یعنی:

هنگامی که ملائکه الهی به دستور خداوند متعال به حضرت مریم «مریم بنت

عمران» گفتند:

ای مریم:

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۶۴.

۲. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۴۰.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۰۳.

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ، یعنی:

خداوند متعال تو را برگزید و تو را انتخاب کرد، یعنی:

**الف:** خداوند متعال تو را برگزید و تو را انتخاب کرد، و تو را به عنوان خادم و خدمتگزار خویش پذیرفت «خدمت در بیت المقدس»، و غذاهای بهشتی به تو فرستاد، و به تو این توفیق را داد که: همواره مشغول عبادت خداوند متعال باشی و از این طریق موجبات رضایت خداوند متعال را فراهم نمایی.

**ب:** خداوند متعال تو را برگزید و تو را انتخاب کرد تا حضرت عیسی فرزند تو باشد، یعنی:

خداوند متعال تو را برگزید برای ولادت حضرت عیسی، آن هم بدون این که شوهر اختیار کرده باشی. هر دو قول که عرض شد می تواند صحیح باشد، زیرا منافاتی با یکدیگر ندارند.

ملائکه الهی در ادامه صحبت خویش به حضرت مریم گفتند:  
وَ طَهَّرَكِ، یعنی:

خداوند متعال تو را پاک و مطهر نمود، یعنی:

ای مریم:

خداوند متعال با دادن ایمان و دادن توفیق عبادت و بندگی خدا تو را پاک گردانید، همچنین:

خداوند متعال تو را از اخلاق زشت و ناروا و هرگونه آلودگی اخلاقی پاک گردانید، همچنین:

گفته شده که:

ممکن است منظور از این که خداوند متعال حضرت مریم را پاک و مطهر

نموده این باشد که «علاوه بر موارد فوق الاشاره»:

خداوند متعال حضرت مریم را از عادت ماهانه پاک نمود تا هیچ وقت عادت ماهانه نشود، تا بتواند همواره در بیت المقدس خدمت نماید.

ملائکه الهی در ادامه سخن خویش به حضرت مریم گفتند:

وَ اصْطَفَاكِ عَلٰى نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ، یعنی:

ای مریم:

خداوند متعال تو را به زنان و بانوان جهان برتری داد، یعنی:

ای مریم:

خداوند متعال تو را به همه بانوان عالم برتری داد.

مقصود از این که حضرت مریم به همه زنان و بانوان عالم برتری داده شده

این است که:

خداوند متعال، حضرت مریم را به تمام زنان و تمام بانوان زمان حضرت

مریم برتری داده است، یعنی:

حضرت مریم در زمان خویش به همه بانوان زمان خودش برتری داشته

است، نه به تمام بانوان عالم از بدو خلقت تا روز قیامت، زیرا:

همچنان که در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود، وجود مقدس صدیقه

کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها سیده نساء عالمین و سیده بانوان عالم می باشد،

یعنی:

مقام حضرت زهرا سلام الله علیها از مقام تمام بانوان عالم برتر و بالاتر

می باشد، از بدو خلقت تا روز قیامت،

و همانطور که در صفحات قبل به عرض رسید، نه تنها مقام حضرت

زهرا سلام الله علیها از مقام تمام بانوان عالم برتر و بالاتر می باشد، بلکه آن

حضرت سوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد و بعد از پدر بزرگوارش و

شوهر گرانقدرش به تمام انبیاء الهی برتری دارد، و مقام آن حضرت از مقام انبیاء الهی و پیامبران اولوالعزم نیز برتر و بالاتر می‌باشد، و حتی مقام آن حضرت از مقام یازده امام معصوم از نسل و ذریه‌اش «از امام مجتبی تا امام زمان علیهم‌السلام» نیز برتر و بالاتر می‌باشد که انشاء الله تعالی در سی و پنجمین فضیلت حضرت زهرا سلام‌الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به آن اشاره خواهد شد.

ممکن است این سؤال مطرح شود که:

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۴۲ سوره آل عمران» فرموده‌اند که:

وَ اضْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، یعنی:

خداوند متعال حضرت مریم را به تمام بانوان عالم برتری داده، نه به تمام بانوان زمان خودش.

پاسخ این است:

احادیث صادره از ناحیه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام صراحت دارند بر این که حضرت زهرا سلام‌الله علیها سیده بانوان عالم می‌باشد از بدو خلقت تا روز قیامت، ضمن این که:

آیات شریفه دیگری نیز در قرآن کریم هست که کلمه عالمین «جهانیان» در آیات شریفه به کار رفته، لیکن مقصود از عالمین، کل هستی و تمام جهان نبوده، بلکه مربوط به یک دوره و یک عصر خاص بوده است.

«عالمین، جمع عالم می‌باشد یعنی تمام جهان هستی، ضمن این که کلمه عالم به تنهایی معنی جمع دارد و معنی آن، جهان هستی است»<sup>۱</sup>.

خداوند متعال در آیات ۴۷ و ۱۲۲ سوره بقره، بنی اسرائیل را مورد خطاب

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۵۴ و ۵۵، ذیل آیه دوم سوره حمد. مفردات راغب.



قرار داده و می فرماید:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، یعنی:

ای بنی اسرائیل:

نعمت‌هایی را که به شما دادم به خاطر بیاورید،

همچنین به خاطر بیاورید که من «خداوند متعال» شما بنی اسرائیل را بر

جهانیان برتری دادم.

قطعاً منظور از فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ در این آیات شریفه «آیات ۴۷ و ۱۲۲

سوره بقره» این نیست که:

خداوند متعال تمام بنی اسرائیل را به تمام انسان‌ها در تمام زمان‌ها برتری

داده است زیرا:

**أولاً:**

همه بنی اسرائیل انسان‌های خوبی نبوده‌اند، بلکه عدّه زیادی از آن‌ها «عدّه

قابل توجهی از آن‌ها» گنهگار بودند، مثلاً:

همین قوم بنی اسرائیل بودند که در غیاب حضرت موسی علیه السلام

گوساله پرست شدند،

برادران حضرت یوسف از همین بنی اسرائیل بودند که حضرت یوسف را به

داخل چاه انداخته، و حتی قصد کشتن او را داشتند.

**ثانياً:**

خداوند متعال، امت اسلام را بهترین امت دانسته و در آیه ۱۱۰ سوره آل

عمران درباره آن‌ها فرموده:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ، یعنی:

شما مسلمانان بهترین امت در همه زمان‌ها می‌باشید «بودید» که خلق شدید

«پدیدار شدید»<sup>۱</sup>.

بنابراین:

معنی **فَضَّلْتُمْ عَلَی الْعَالَمِینَ** در آیه ۴۷ و ۱۲۲ سوره بقره این می شود که: خداوند متعال، بعضی از بنی اسرائیل را به انسان های زمان خودشان برتری داد، نه همه بنی اسرائیل را به همه انسان ها در تمام ادوار از بدو خلقت تا روز قیامت.

با این توضیحاتی که به عرض رسید، معنی این قسمت از آیه ۴۲ سوره آل عمران «**وَ اصْطَفَاکِ عَلَی نِسَاءِ الْعَالَمِینَ**» این می شود که: ملائکه الهی به حضرت مریم گفتند: ای مریم:

خداوند متعال تو را به تمام بانوان زمان خودت برتری داد «نه به تمام بانوان عالم از اول خلقت تا روز قیامت».

آیه بعد «آیه ۴۳ سوره آل عمران» ادامه صحبت ملائکه الهی با حضرت مریم می باشد، و در این آیه شریفه آمده که: **یا مَرْیَمُ اقْنُتِی لِرَبِّکِ وَ اسْجُدِی وَ ارْکَعِی مَعَ الرَّاكِعِینَ**، یعنی: ای مریم:

برای پروردگارت قنوت کن، یعنی: پروردگارت را عبادت کن و در عبادت خویش خالص باش، و خداوند متعال را سجده کن، و همراه رکوع کنندگان رکوع نما.

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با برتری حضرت مریم به بانوان زمان خودش، می پردازیم به احادیث مربوط به صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۷۴ و ۷۵، ذیل آیه ۱۱۰ سوره آل عمران.

عليها مبنی بر این که آن حضرت سیده نساء عالمین و سیده بانوان عالم می باشد از اوّل خلقت تا روز قیامت، و این که آن حضرت بر تمام بانوان عالم برتری دارد، از بدو خلقت تا روز قیامت.<sup>۱</sup>

### حدیث اوّل:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وجود مبارک صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها به این دلیل مُحَدَّثَه نامیده شد که ملائکه الهی خدمت آن حضرت نازل شده و با آن حضرت سخن می گفتند، همانگونه که با مریم بنت عمران «مادر حضرت عیسی» سخن می گفتند.

امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

ملائکه الهی خدمت حضرت زهرا سلام الله علیها نازل شده و به آن حضرت عرض می کردند:

يَا فَاطِمَةُ:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

يَا فَاطِمَةُ:

أُقِنْتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ، یعنی:

ملائکه الهی خدمت حضرت زهرا سلام الله علیها نازل شده و به آن حضرت

عرض می کردند:

يا فاطمه «سلام الله عليها»:

خداوند متعال تو را برگزید،

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۶۵ - ۶۶.

المیزان، جلد ششم، صفحه ۵.

تفسیر نمونه، جلد دوّم، صفحه ۶۳۲ - ۶۳۳.

و تو را پاک نمود و تطهیر کرد «از تمام عیوب و آلودگی‌ها»،  
و تو را به تمام بانوان عالم برتری داد،  
یا فاطمه «سلام الله علیها»:

به شکرانه این نعمت عظیم:

پروردگارت را عبادت کن «قنوت کن»،

برای پروردگارت سجده نما،

و همراه رکوع کنندگان برای پروردگارت رکوع کن.

امام صادق علیه السلام در ادامه بیانات خویش فرمودند:

ملائکه الهی با فاطمه زهرا سلام الله علیها سخن می‌گفتند،

و آن حضرت نیز با ملائکه الهی سخن می‌گفت،

و طی این صحبت‌ها بود که ملائکه الهی به وجود مقدس فاطمه زهرا

سلام الله علیها عرض کردند:

یا فاطمةُ:

إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا،

وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، یعنی:

ای فاطمه:

مریم بنت عمران، سیده نساء زمان خودش بود «حضرت مریم، برترین و با

فضیلت‌ترین بانوی بانوان زمان خودش بود»، لیکن:

ای فاطمه:

خداوند متعال، تو را سرور و سیده بانوان زمان خودت،

و سرور و سیده بانوان زمان مریم،

و سرور و سیده تمام بانوان عالم قرار داده است، از اولین تا آخرین «از

ابتدای خلقت تا روز قیامت».

این حدیث شریف را زید بن علی بن الحسین از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث دَوِّم:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مَلَكِي «فرشته‌ای» از جانب خداوند متعال نزد من نازل شد و به من بشارت داد که دختری فاطمه سیده نساء عالمین «سیده بانوان عالم» می‌باشد. این حدیث شریف را حذیفه از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### حدیث سَوِّم:

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام مفضل بن عمر نقل می‌کند که خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

مرا از فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آگاه کن که آن حضرت درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

إِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها سیده و سرور بانوان عالم است»،

یا بن رسول الله:

آیا فاطمه زهرا سلام الله علیها، سیده و برترین بانوی بانوان زمان خودش بود. وجود مقدس امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال مفضل بن عمر

۱. علل الشرایع، جلد اول، باب ۱۴۶، صفحه ۵۹۵، حدیث ۱.

تفسیر صافی، جلد دَوِّم، صفحه ۱۵ و ۱۶ «ذیل آیات ۴۱ تا ۴۴ سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۲۵، حدیث ۱۳۱ «حدیث ۱۴۷۶».

تفسیر نمونه، جلد دَوِّم، صفحه ۶۳۲ «ذیل آیه ۴۲ و ۴۳ سوره آل عمران».

۲. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۰۲ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

فرمودند:

ذَكَ لِمَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةً نِسَاءِ عَالَمِهَا،

وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، يَعْنِي:

این مقام برای حضرت مریم است که سیده و سرور و برترین بانوی بانوان زمان خودش بود، لیکن:

فاطمه زهرا سلام الله علیها سیده و سرور و برترین بانوی بانوان جهان می باشد، از اوّل خلقت تا پایان «از بدو خلقت تا روز قیامت».<sup>۱</sup>

### حدیث چهارم:

وجود مبارک صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:

يَا فَاطِمَةُ:

أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ لِمَرْيَمَ الْبُتُولُ، يَعْنِي:

ای فاطمه:

تو، سیده و سرور و برترین بانوی بانوان بهشت هستی،

نه مریم بتول «نه مریم بنت عمران».

این حدیث شریف را ابن ابی شیبیه و ابن جریر نقل نموده اند،

و سیوطی نیز «از علمای اهل تسنن» آن را در کتاب خویش «درالمنثور»

آورده است.<sup>۲</sup>

۱. معانی الأخبار، جلد اوّل، باب ۴۱، صفحه ۲۵۳، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۴۹، حدیث ۷ «ذیل آیه ۴۲ سوره آل عمران».

۲. المیزان، جلد ششم، صفحه ۴۵.

«بحث روایتی ذیل آیات ۴۲ تا ۶۰ سوره آل عمران».

## حدیث پنجم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سَادَاتِ عَالَمِيْنَ،

مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ،

آسِيَّةُ بِنْتُ مِزْحَمٍ،

خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ،

وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ».

وَ أَفْضَلُهُنَّ عَالِمًا فَاطِمَةُ، يَعْنِي:

چهار زن، سیّده و سرور بانوان زمان خودشان بودند:

مریم دختر عمران («مریم، مادر حضرت عیسی»)،

آسیه دختر مزاحم («آسیه همسر فرعون»)،

خدیجه دختر خویلد «خدیجه مادر گرانقدر حضرت زهرا سلام الله علیها»،

فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلّم، لیکن:

حضرت فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلّم از حیث

دوران و زمان از آنها برتر و بالاتر است، یعنی:

حضرت مریم و آسیه و خدیجه، سیّده بانوان زمان خودشان بودند، لیکن:

وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها سیّده بانوان عالم

می باشد، از اوّل خلقت تا روز قیامت.

این حدیث شریف را ابن عبّاس از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه

و آله و سلّم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۴۵ «بحث روایتی ذیل آیات ۴۲ تا ۶۰ سوره آل عمران».

**حدیث نیشتم:**

وجود مقدّس امام رضا سلام الله علیه فرمودند:

وقتی که خداوند متعال حضرت آدم را خلق فرمود، و به همه ملائکه دستور داد تا به حضرت آدم سجده کنند «سجده احترام و خضوع، نه سجده پرستش و عبادت»، و بدین وسیله او را گرمی داشت، حضرت آدم در دل خویش با خود گفت:

آیا خداوند متعال، بشری بهتر و برتر از من «افضل از من» خلق فرموده است. خداوند متعال از فکر حضرت آدم و از آنچه که از دل او گذشته بود مطلع شد و به حضرت آدم فرمود:

ای آدم:

سرت را بلند کن و به ساق عرش نگاه کن.

حضرت آدم سرش را بلند نمود به ساق عرش «پایه عرش» نگاه کرد و دید که آنجا نوشته شده:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ،

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

و زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

و الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، یعنی:

خدایی جز الله نیست،

محمد رسول خدا است،

علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین است،

و همسرش فاطمه، سیده و سرور بانوان عالم است،

و حسن و حسین سید و سرور جوانان بهشت هستند.



حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

این‌ها کیستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

هُؤُلَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ،

وَ هُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي،

وَ لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ،

وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ،

وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ،

فَإِيَّاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ،

فَأُخْرِجُكَ مِنْ جَوَارِي، یعنی:

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

ای آدم:

این‌ها از نسل تو و از ذریه تو هستند «یعنی از فرزندان تو هستند»،

این‌ها از تو و از همه مخلوقاتم بهتر و برتر می‌باشند،

اگر این‌ها نبودند، تو و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی‌کردم

«یعنی همه مخلوقات را به‌خاطر این‌ها خلق کردم»، پس:

ای آدم:

مبادا به دیده حسد به آن‌ها نگاه کنی که در آن صورت تو را از جوار خودم

بیرون خواهم کرد.

اما آدم به آن ذوات مقدسه به چشم حسد نگریست و مقام و منزلت آن

بزرگواران را آرزو نمود، و در نتیجه، شیطان «ابلیس» بر او مسلط شد تا این‌که

حضرت آدم از آن درختی که نهی شده بود «از میوه آن درخت» تناول کرد،

و حوّا نیز به فاطمه زهرا سلام الله علیها به چشم حسد نگاه کرد، و در نتیجه، شیطان بر او نیز مسلط شد و او نیز مانند حضرت آدم از میوه شجره ممنوعه «میوه درختی که از آن نهی شده بودند» تناول نمود و در نتیجه خداوند متعال هر دو را از بهشت بیرون کرد، و آن دو را از جوار خویش به زمین فرستاد. این حدیث شریف را عبدالسلام بن صالح هروی از وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

با توجّه به این که حسد فعل حرام است، و انبیاء الهی مقام عصمت دارند، لذا مقصود از حسد در این حدیث شریف، غبطه می باشد، یعنی: حضرت آدم و حوّا به مقام و منزلت خمسه طیّبه علیهم السّلام «حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام» غبطه خوردند، و تمنّای منزلت آن ذوات مقدّسه را نمودند، و همین امر باعث هبوط آنها از بهشت شد.<sup>۲</sup>

### حدیث هفتم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:

۱. عیون اخبار الرضا علیه السّلام، جلد اوّل، باب ۲۸، صفحه ۶۱۸، حدیث ۶۲.

المیزان، جلد اوّل، صفحه ۲۶۷ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۶۵ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۲۷۶، حدیث ۱۳ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۱۴۳، حدیث ۱۱۲ «حدیث ۲۲۶» «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

کلیات حدیث قدسی «ترجمه جواهر السنیّه»، تألیف شیخ حرّعاملی، صفحه ۴۳۹، حدیث ۴۰۹ - ۸۰.

۲. المیزان، جلد اوّل، صفحه ۲۶۸ - ۲۶۹ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۶۴ «ذیل آیه ۳۵ سوره بقره».

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، خصیصه چهاردهم، صفحه ۳۷۶.

ای علی:

خداوند متعال به مخلوق خویش نظر فرمود و در بین همه مردان عالم مرا انتخاب کرد و مرا به همه مردان عالم برتری داد.

خداوند متعال بار دوم نظر فرمود و تو را به همه مردان عالم برتری داد.

خداوند متعال بار سوم نظر فرمود و فاطمه را به همه زنان عالم برتری داد.

خداوند متعال برای بار چهارم به دنیا و به مخلوق خویش نظر فرمود و این بار

حسن و حسین و امامان از نسل حسین را به تمام مردان عالم برتری داد «یعنی

خداوند متعال وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام را به تمام انسان‌ها و

تمام ملائکه برتری داده است، یعنی این ذوات مقدسه اشرف مخلوقات هستند

و افضل همه مخلوقات می‌باشند».

این حدیث شریف را ابوبصیر از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل

نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث هشتم:

هنگام زیارت وجود مقدس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السلام در روز عید سعید غدیر به محضر آن بزرگوار عرض می‌کنیم:

وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَ الْخُطْبُ الْأَفْطَحُ بَعْدَ جَدِّكَ حَقَّكَ، غَضِبُ الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ

سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَدَكَّا، یعنی:

امری عجیب‌تر و حادثه‌ای جانگدازتر پس از انکار حقّ تو «انکار امامت و

ولایت تو»، موضوع غضب فدک سیده نسا العالمین حضرت صدیقه طاهره

فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد.

این زیارت نورانی و شریف از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۸۰۵، حدیث ۳۵ «ذیل آیه اوّل سوره اسراء».

صادر شده و در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

### حدیث نهم:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دختر گرانقدرش صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

دخترم، خداوند متعال به شوهرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فضائلی قرار داده که هیچ کس آن‌ها را نداشته و ندارد.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به گوشه‌ای از فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اشاره نموده و آن‌ها را به صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها بیان فرمودند که به یکی از آن‌ها که مربوط به بحث ما می‌باشد و سیده نساء عالمین بودن حضرت زهرا سلام الله علیها را بیان می‌فرماید اشاره می‌شود.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند:

عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ،  
أَنْتِ يَا فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ زَوْجَتُهُ،  
وَ سَبْطُ الرَّحْمَةِ سَبْطَايَ وَ لَدَائِهِ،  
عِنْدَهُ عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم به حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود:  
علی بن ابیطالب برادر من است در دنیا و آخرت، و این فضیلتی است که  
هیچ کس دارای آن نیست،

دخترم فاطمه، تو که سیده بانوان بهشت هستی همسر علی بن ابیطالب می‌باشی،  
دو سبط من و دو فرزند من یعنی حسن و حسین فرزندان علی بن ابیطالب

هستند،

و علم و دانش اولين و آخرين نزد علی بن ابیطالب عليه السلام می باشد. این حدیث را ابوسعید خدری از وجود مقدس پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث دهم:

وجود مقدس امام باقر عليه السلام فرمودند:

وقتی که زمان مرگ عمر بن خطاب فرا رسید، او موضوع خلافت و تعیین خلیفه بعد از خودش را به یک شورای شش نفره واگذار نمود و مقرر کرد که این شش نفر در یک اطاق نشسته و پس از مذاکره و مشورت با یکدیگر، از میان خودشان یک نفر را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب کنند، و چنانچه یک یا دو نفر در اقلیت واقع شدند و از بیعت کردن با فردی که با رأی اکثریت انتخاب شده مخالفت کردند و از بیعت با او خودداری نمودند باید کشته شوند.

شش نفری که عمر بن خطاب انتخاب نموده بود عبارت بودند از:

۱. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عليه السلام

۲. طلحة بن عبید الله

۳. زبیر بن عوام

۴. عثمان بن عفان

۵. عبدالرحمن بن عوف

۶. سعد بن ابی وقاص

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عليه السلام که تلاش اکثریت را در بیعت با عثمان بن عفان دید، برای اتمام حجت و روشن شدن حقایق، اعضاء شورا را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

سخنان مرا بشنوید،

۱. ارشاد شیخ مفید، جلد اول، باب دوم، فصل دوم، صفحه ۴۴ و ۴۵، حدیث ۱. تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۱۳۹، حدیث ۴۰ «حدیث ۱۰۶۱» ذیل آیه ۱۰ سوره هجرات.

چنانچه سخنان من درست بود و مطابق حق، آن را بپذیرید،  
و چنانچه باطل و نادرست بود آن را انکار کنید.

سپس وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حدود یکصد فضیلت از فضائل بی شمار خویش را به اعضاء شورا یادآوری فرمود که اعضاء شورا بالاتفاق آن فضائل را تأیید نموده و تصدیق کردند که این فضائل منحصر به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در پایان فرمایشات خویش به اعضاء شورا فرمودند:

در صورتی که سخنان مرا قبول دارید و آن را تصدیق می کنید از خداوند متعال و از رسول خدا تبعیت کنید،  
و از مخالفت با خدا و رسول خدا پرهیز نمایید،  
و حق را به اهل آن واگذار کنید.

پس از پایان فرمایشات امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، اعضاء شورا به مشورت پرداخته و پس از شور و مشورت با خود گفتند:

ما به فضل و برتری علی بن ابیطالب علیه السلام پی بردیم و دانستیم که او از همه به خلافت شایسته تر است،  
لیکن علی بن ابیطالب علیه السلام مردی است که کسی را به کس دیگر برتری نمی دهد «بین مردم تبعیض قائل نمی شود، و در نتیجه سهم ویژه ای از بیت المال و مناصب حکومتی نصیب ما نخواهد شد»،  
و اگر او را خلیفه کنیم ما و دیگران را به یک چشم نگاه خواهد کرد،  
پس بهتر است خلافت را به عثمان بن عفان بدهیم، زیرا عثمان همان است که ما می خواهیم،  
و بدین ترتیب عثمان بن عفان به خلافت رسید.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در بیانات نورانی خویش به حدود یکصد فضیلت از فضائل بی شمار خویش اشاره فرمودند که یکی از آنها در رابطه با سیده نساء عالمین بودن حضرت زهرا سلام الله علیها می باشد که موضوع بحث ما در این کتاب شریف فاطمی است «دهمین فضیلت از فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اعضاء شورا را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ:

هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ زَوْجَتُهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ غَيْرِي؟

قَالُوا: لَا، يَعْنِي:

حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا فرمودند:

آیا جز من کسی در میان شما هست که همسرش سیده نساء عالمین باشد (برترین بانوی بانوان عالم)».

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:

خیر، غیر از شما کس دیگری نیست.

این حدیث شریف را جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث یازدهم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به عبدالرحمن بن سمره فرمود:

ای ابن سمره:

هرگاه رأی و نظرها به چند دستگی گرائید «آراء و نظرها متفاوت شد» تو

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۲۷۹، حدیث ۵۵.

خصال صدوق، جلد دوم، صفحه ۳۳۱ تا ۳۴۵، باب خصال چهل گانه و بیشتر، حدیث ۱۸.

از علی بن ابیطالب علیه السلام پیروی کن «بر تو باد که همراه علی بن ابیطالب علیه السلام باشی»،

که او امام امت من است و جانشین من می باشد،

او فاروق است «جدا کننده»، که میان حق و باطل تفکیک می کند «حق را از باطل تفکیک می کند»،

هرکس از آن حضرت سؤال کند «پرسد» آن حضرت پاسخش را می دهد، هرکس از آن حضرت طلب هدایت کند، آن حضرت او را هدایت می فرماید، هرکس به آن حضرت پناه ببرد، آن حضرت به او پناه داده و به او امنیت می بخشد،

هرکس به آن حضرت تمسک نماید «هرکس دست به دامان آن حضرت بشود»، آن حضرت او را نجات می دهد،

هرکس به آن حضرت اقتدا نماید و از آن حضرت پیروی کند، آن حضرت او را هدایت خواهد فرمود.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش به عبدالرحمن بن سمره فرمود:

ای ابن سمره:

آسوده شد کسی که تسلیم آن حضرت شد و ولایتش را پذیرفت، و هلاک شد کسی که آن حضرت را رد کرد و با آن حضرت دشمنی ورزید،

ای پسر سمره:

إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي،

رُوحُهُ مِنْ رُوحِي،

وَ طِينَتُهُ مِنْ طِينَتِي،



وَهُوَ أَخِي وَ أَنَا أَخُوهُ،

وَهُوَ زَوْجُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ،

وَ إِنَّ مِنْهُ إِمَامِي أُمَّتِي وَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ،

وَ تِسْعَةَ مَنْ وُلِدِ الْحُسَيْنِ تَسَعُهُمْ قَائِمُ أُمَّتِي،

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، يَعْنِي:

وجود مقدّس پیامبر اکرم به عبدالرحمن بن سمره فرمود:

ای پسر سمره:

علی بن ابیطالب از من است،

روح او از روح من است،

و طینت او از طینت من می باشد «سرشت او از سرشت من است»،

او برادر من است و من برادر او می باشم،

علی بن ابیطالب همسر دختر من فاطمه است،

فاطمه ای که سیّده بانوان عالم است از اولین و آخرین «فاطمه ای که برترین

بانوی بانوان عالم است از بدو خلقت تا روز قیامت»،

و فرزندانش «فرزندان حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما» دو امام

امت من و دو سرور جوانان بهشت هستند یعنی حسن و حسین،

و نه نفر از فرزندان حسین، که نهمین آنها قائم امت من است،

که زمین را پر از عدل و داد می کند، بعد از این که «همانگونه که» پر از ظلم

و جور شده باشد.<sup>۱</sup>

۱. کمال الدّین و تمام النّعمه، جلد اوّل، باب ۲۴، صفحه ۴۸۲، حدیث ۱.

امالی شیخ صدوق، صفحه ۴۷ تا ۴۹، مجلس هفتم، حدیث ۳.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۵۶۲، حدیث ۱۰ «ذیل آیه سوّم سوره مائده».

### حدیث دوازدهم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

إِنَّ عَلِيًّا وَصِيًّا وَ خَلِيفَتِي،

و زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ بِنْتِي،

و الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ لَدَائِي،

مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَانِي،

و مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانِي، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

همانا علی بن ابیطالب وصی و جانشین من است،

و همسر او فاطمه سیده و سرور بانوان عالم دختر من است،

و حسن و حسین دو سرور جوانان بهشت فرزندان من هستند،

هرکس آن‌ها را دوست بدارد مرا دوست داشته،

هرکس آن‌ها را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است «هرکس به آن‌ها دشمنی

بورزد به من دشمنی ورزیده است»،

هرکس به آن‌ها نیکی نماید به من نیکی کرده است،

و هرکس به آن‌ها بدی نماید به من بدی نموده است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم سپس به خداوند متعال

عرض می‌کند:

خداوندا:

تمام پیامبران تو اهل بیت و خاندانی دارند،

علی و فاطمه و حسن و حسین نیز اهل بیت من هستند، پس:

هرگونه رجس و پلیدی را از آن‌ها دور کن و آن‌ها را کاملاً پاک و تطهیر

فرما.

این حدیث را ابن عباس از وجود مقدس پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث سیزدهم:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ،

هُوَ إِمَامُ الْخَلْقِ بَعْدِي،

وَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ وَ زَوْجُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ أَبْوَالِئِمَّةِ الْمَهْدِيِّينَ،

یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

علی بن ابیطالب از من است و من از او،

علی بن ابیطالب بعد از من امام همه مردم است،

علی بن ابیطالب، امیرالمؤمنین است و خیرالوصیین می باشد،

و همسر سیده بانوان عالم است،

و پدر ائمه معصومین علیهم السلام می باشد،

هرکس علی بن ابیطالب را دوست بدارد من او را دوست می دارم،

هرکس او را دشمن بدارد من او را دشمن می دارم،

من شهر حکمت هستم و علی بن ابیطالب در آن شهر،

دروغ می گوید کسی که می گوید مرا دوست دارد اما بغض علی بن ابیطالب

را در دل دارد.

این حدیث شریف را عبدالله بن فضل هاشمی از وجود مقدس امام صادق

علیه السلام، و آن حضرت نیز از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۹۷، مجلس سیزدهم، حدیث ۱۰.

امالی شیخ صدوق، صفحه ۷۴۷، مجلس هفتاد و دوم، حدیث ۶.

۲. امالی شیخ صدوق، صفحه ۲۰۱، مجلس ۲۶، حدیث ۸.

**حدیث چهاردهم:**

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي،

یا عَلِيُّ:

أَنْتَ وَصِيِّي وَ وَاثِرِي،

یا عَلِيُّ:

أَنْتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ،

یا عَلِيُّ:

أَنْتَ زَوْجُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ فَاطِمَةَ ابْنَتِي وَ ابْنِ أَبِي الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ،

یا عَلِيُّ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَ جَعَلَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِكَ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم به حضرت امیر علیه السلام فرمود:

یا علی:

تو خلیفه و جانشین من بر امت من هستی، در حیات من و پس از مرگ من،

تو وصی و جانشین من و وارث من هستی،

تو امیرالمؤمنین و امام مسلمین هستی،

یا علی:

تو همسر دختر من فاطمه می باشی که سیده و سرور بانوان است،

تو پدر دو سبط من یعنی حسن و حسین هستی.

یا علی:

خداوند متعال، ذریه و نسل هر پیامبری را از صلب همان پیامبر قرار داده

است، لیکن:

خداوند متعال، ذرّیه و نسل مرا از صُلب تو قرار داده است.

یا علی:

دوست نمی دارد ما را مگر کسی که حلال زاده است.

یا علی:

اگر تو نباشی، پس از من حزب الله «حزب خدا» شناخته نمی شود «یعنی شیعیان آن حضرت در زمره حزب الله هستند، و سایرین در زمره حزب الشیطان». این حدیث را عبدالله بن عباس از وجود مقدّس پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث پانزدهم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي،

هِيَ نُورٌ عَيْنِي،

هِيَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي،

هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي،

هِيَ حَوْرَاءُ الْأَنْسِيَّةِ،

مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ، زَهَرَ نُورُهَا لِلْمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا

يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ،

وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ:

أَنْظُرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ أُمَّتِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ،

تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِيفَتِي،

وَقَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي، یعنی:

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۵۸۵، مجلس ۵۸، حدیث ۱۷.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
 اما دخترم فاطمه سیّده بانوان عالم از اوّلین و آخرین است «دخترم فاطمه  
 سیّده و سرور بانوان عالم است از بدو خلقت تا روز قیامت»،  
 دخترم فاطمه جزئی از من است «دخترم فاطمه پاره تن من است»،  
 دخترم فاطمه نور چشم من است،  
 دخترم فاطمه میوه دل من است،  
 دخترم فاطمه روح من است در میان دو پهلوی من «دخترم فاطمه روح من  
 است که در درون من قرار دارد»،  
 دخترم فاطمه انسّیه حوراء است «دخترم فاطمه حوریّه‌ای است در قالب انسان»،  
 وقتی دخترم فاطمه در محراب عبادت در پیشگاه خداوند جلّ جلاله قرار  
 می‌گیرد «به نماز می‌ایستد»، نور او برای ملائکه آسمان می‌درخشد، همچنان‌که  
 نور ستارگان برای اهل زمین می‌درخشد،  
 و خداوند متعال به ملائکه خویش می‌فرماید:  
 ای ملائکه من:  
 به کنیز من فاطمه که سیّده و سرور کنیزان من است نگاه کنید که در پیشگاه  
 من به عبادت ایستاده، و از ترس من بدنش به لرزه درآمده،  
 و درحالی که با قلب خود به من روی آورده به بندگی من مشغول است «با  
 قلبش در عبادت من متوجّه من است».

این حدیث را ابن عبّاس از وجود مقدّس پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۱۸۱، مجلس ۲۴، حدیث ۲.

تحقیقی در زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها، صفحه ۷۷ «توضیحات ذیل نام حضرت زهرا»، تألیف آیت الله  
 سیّد محمد کاظم قزوینی.

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمد حسن میرجهانی، فصل ۱۷، مبحث پنجم، صفحه ۶۵۰.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۲۰، صفحه ۱۴۵، حدیث اوّل.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۸، صفحه ۲۷۳، حدیث ۷.

**حدیث شانزدهم:**

وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند:

وقتی آن دو نفر به منزل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آمده و درباره بیعت با آن حضرت سخن گفته و رفتند «درخواست از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام برای بیعت کردن با ابوبکر»، وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به مسجد «مسجد النبی» تشریف برده و حاضرین در مسجد را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

فلانی و فلانی به نزد من آمدند و از من بیعت خواستند برای کسی که او باید با من بیعت می کرد.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

أَنَا بِنُ عَمِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ أَبُو بَنِيهِ،  
وَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ،

وَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ،  
لَا يَقُولُهَا أَحَدٌ غَيْرِي إِلَّا كَاذِبٌ،  
وَ أَسَلَمْتُ وَ صَلَّيْتُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ،

وَ أَنَا وَ صِیَّتُهُ وَ زَوْجُ ابْنَتِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ  
وَ سَلَّمَ،

وَ أَبُو حَسَنِ وَ حُسَيْنٌ سِبْطِيُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ،  
نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ،  
بِنَاهِدَاكُمْ اللَّهُ،

وَ بِنَا اسْتَتَقَدُّكُمْ مِنَ الضَّلَالَةِ، ثُمَّ رَجَعَ إِلَى بَيْتِهِ، یعنی:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

من پسرعموی پیامبر اکرم و پدر فرزندانم هستم،  
 من صدیق اکبر هستم «راستگوی بزرگ»،  
 من برادر پیامبر اکرم هستم،  
 و اگر کسی غیر از من اینها را بگوید دروغگو است،  
 من قبل از همه اسلام آوردم و نماز گزاردم،  
 من وصی و جانشین پیامبر اکرم هستم،  
 من همسر دختر پیامبر اکرم حضرت فاطمه هستم که سیّده و سرور بانوان  
 عالم است،

من پدر حسن و حسین هستم که سبط رسول الله می باشند «نوه پیامبر اکرم»،  
 ما اهل بیت پیامبر اکرم هستیم که خاندان رحمت هستیم،  
 خداوند متعال به سبب ما شما را هدایت می کند،  
 و به سبب ما شما را از ضلالت و گمراهی نجات می دهد،  
 و سپس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به منزل خویش مراجعت  
 فرمودند.

این حدیث شریف را احمد بن علی از پدرش و او از وجود مقدس امام  
 رضا علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث هفدهم:

وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از خاتمه جنگ نهروان «جنگ با  
 خوارج که در سال سی و نهم هجری به وقوع پیوست» به کوفه مراجعت فرمودند.  
 وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از مراجعت به  
 کوفه مطلع شدند که معاویة بن ابی سفیان به آن حضرت ناسزا گفته و تعدادی

۱. امالی شیخ طوسی، جلد دوم، مجلس بیست و دوم، صفحه ۴۱۱، حدیث ۱ «حدیث ۱۱۷۵».



از اصحاب آن حضرت را نیز به شهادت رسانده است.  
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام پس از اطلاع از این  
قضیه خطبه‌ای ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال فرمودند:  
ای مردم:

عمر من به پایان رسیده و پیک اجل به من نزدیک شده است.

ای مردم:

من شما را ترک می‌کنم «من از دنیا می‌روم»، و آنچه را که پیامبر اکرم صلی  
الله علیه و آله و سلّم برای شما به یادگار گذاشت برای شما به یادگار می‌گذارم:  
یکی قرآن کریم،  
و دیگری اهل بیت و عترتم که اهل بیت و عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه  
و آله و سلّم می‌باشند.

ای مردم:

من، برادر و پسرعموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشم،  
و کسی هستم که هرگاه روباه صفتان از اطراف پیامبر اکرم می‌گریختند و آن  
حضرت را تنها می‌گذاشتند «مثل جنگ اُحد و..» یک تنه میدان گسترده جنگ  
را در اختیار می‌گرفتم و سرِ ماجراجویان و بدخواهان آن حضرت را در فضا  
پرتاب می‌کردم «سر از تن مخالفین جدا می‌کردم».

ای مردم:

من در مقابل هیچ پهلوان و قهرمانی زانوی عجز بر زمین نردم، بلکه با  
یورش‌های برق‌آسا آن‌ها را از مرکب حیات به زیر انداختم،  
و هرکس را که به خداوند رحمان کفر می‌ورزید به هلاکت رساندم.  
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایشات  
خویش فرمودند:

أَنَا سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ وَصِيُّ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ،  
 أَنَا بَابُ مَدِينَةِ الْعِلْمِ وَ خَازِنِ عِلْمِ رَسُولِ اللَّهِ وَ وَارِثِهِ،  
 أَنَا زَوْجُ الْبُتُولِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ النَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الزَّكِيَّةِ،  
 حَبِيبَةَ حَبِيبِ اللَّهِ وَ خَيْرِ بَنَاتِهِ وَ سُلَالَتِهِ وَ رِيحَانَةَ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْنِي:  
 مَنْ، سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ هَسْتُمْ،

مَنْ، وَصِيٍّ وَ جَانَشِينَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ وَ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ هَسْتُمْ،  
 مَنْ، دَرَوَازِهِ شَهْرِ عِلْمِ وَ خَزَانَهُ دَارِ عِلْمِ رَسُولِ اللَّهِ وَ وَارِثِ أَنْ حَضْرَتِ مِي بَاشْمِ،  
 مَنْ، هَمْسِرِ بَتُولِ هَسْتُمْ،

مَنْ، هَمْسِرِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ هَسْتُمْ كِه:  
 پَرِهِيْزْكَارِ وَ بَرْكَزِيْدِهِ وَ پَاكَ سَرَشْتِ اسْتِ،  
 مَنْ، هَمْسِرِ فَاطِمَةَ هَسْتُمْ كِه أَنْ حَضْرَتِ سَيِّدِهِ وَ سَرُورِ بَانَوَانِ عَالَمِ اسْتِ،  
 مَنْ، هَمْسِرِ حَبِيْبِهِ حَبِيبِ اللَّهِ وَ رِيْحَانَهُ رَسُولِ اللَّهِ هَسْتُمْ،  
 «مَنْ هَمْسِرِ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ هَسْتُمْ كِه حَبِيبِ خَدَاوَنْدِ مَتَعَالِ يَعْنِي پِيَامْبِرِ اَكْرَمِ  
 أَنْ حَضْرَتِ رَا دَوْسْتِ مِي دَاشْتِ».

این حدیث شریف را جابر جعفی از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل  
 نموده است.<sup>۱</sup>

### حدیث هیجدهم:

حاج شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان در بخش مربوط به صلوات بر حجج  
 طاهره «صلوات بر وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» به نقل از کتاب  
 مصباح المتهجّد شیخ طوسی می نویسد:

یکی از اصحاب امام عسکری علیه السلام به نام ابو محمّد عبدالله بن محمّد

۱. معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد اول، باب ۲۸، صفحه ۱۳۲، حدیث ۹ «معنی اسامی مبارک حضرت محمّد،  
 علی، فاطمه، حسن، حسین و سایر ائمه معصومین علیهم السلام».

عابد بدالیه نقل می کند که:

سال ۲۵۵ هجری در سامرا در منزل مولای خودم وجود مقدس امام حسن عسکری از آن حضرت تقاضا نمودم تا کیفیت صلوات فرستادن بر پیامبر اکرم و اوصیاء آن حضرت را بر من املاء فرماید.

پس از این درخواست و تقاضای من، وجود مقدس امام عسکری صلوات الله و سلامه علیه نحوه صلوات فرستادن به وجود مبارک چهارده معصوم علیهم السّلام را به من املاء فرمودند و من نیز آن‌ها را نوشتم.

در بخش مربوط به نحوه صلوات فرستادن به صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که اشاره به سیده نساء عالم بودن آن علیا مخدّره دارد آمده است که:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ،

حَبِيبَةَ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ،

وَ أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ،

الَّتِي أَنْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، یعنی:

خداوندا:

درود فرست بر صدیقه طاهره حضرت فاطمه علیها سلام که دارای نفس

زکیه است،

خداوندا:

درود فرست بر صدیقه طاهره حضرت فاطمه علیها سلام که محبوب حبیب

تو می باشد «محبوب و مورد علاقه پیامبر اکرم می باشد»،

خداوندا:

درود فرست بر صدیقه طاهره حضرت فاطمه علیها سلام که مادر دوستان

تو و مادر برگزیدگان تو یعنی مادر ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد،

خداوندا:

دروود فرست بر صدیقه طاهره حضرت فاطمه علیها سلام که او را برگزیدی،  
و آن حضرت را فضیلت و برتری دادی بر تمام زنان عالم.

### حدیث نوزدهم:

وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام فرمودند:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در آخرین ساعات  
عمر مبارک خویش دست صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها را در دست  
امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام قرار داد و به آن حضرت فرمود:

یا اباالحسن:

هَذِهِ وَدِيعَةُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٌ عِنْدَكَ،  
فَأَحْفَظُ اللَّهَ وَأَحْفَظُنِي فِيهَا وَأَنْتَ لِفَاعِلِهِ،

یا علیّ:

هَذِهِ وَاللَّهِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

یا علی:

أَنْفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةَ، يَعْنِي:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در آخرین ساعات  
عمر مبارک خویش دست صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها را در  
دست مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام قرار داد و به  
آن حضرت فرمود:

یا اباالحسن:

فاطمه زهرا ودیعه و امانت خدا در نزد تو است، پس:

این ودیعه و امانت خدا و رسول خدا را حفظ کن،

و تو این کار را خواهی کرد،

یا علی:

به خدا قسم فاطمه زهرا بانوی بانوان بهشت است از اولین و آخرین «فاطمه زهرا سیده و سرور بانوان بهشت است، از اولین آنها تا آخرین آنها»،  
یا علی:

هر دستوری که فاطمه به تو داد آن را انجام بده.<sup>۱</sup>

### حدیث بیستم:

وجود مقدّس ابا عبدالله الحسین سلام الله علیه فرمودند:  
وقتی که فاطمه زهرا سلام الله علیها از دنیا رفت، وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آن حضرت را پنهانی به خاک سپرد و قبر آن حضرت را ناپدید کرد و سپس از جا برخاست و رو به جانب قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمود و به آن حضرت عرض کرد:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي،  
وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ،  
قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَن صَفِيَّتِكَ صَبْرِي،  
وَ عَفَا عَن سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلُّدِي،  
قَدِ اسْتُرَجِعْتَ الْوَدِيعَةَ،  
وَ اخَذْتَ الرَّهْيْنَةَ،  
وَ اخْلَسْتَ الزَّهْرَاءَ «وَ اخْتَلَسَتْ الزَّهْرَاءُ»،  
يَا رَسُولَ اللَّهِ:  
أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ،  
وَ أَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ،

۱. تحقیقی درباره زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمد کاظم قزوینی، صفحه ۱۸۱، «پیامبر اکرم حضرت زهرا را از حوادث آینده آگاه می کند».

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل هفدهم، صفحه ۴۷۷ تا ۴۸۰، حدیث دوم.  
فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله احمد رحمانی همدانی، فصل چهارم، صفحه ۹۲ و ۹۳، حدیث ۳.

وَسَنُنَبِّئُكَ ابْنَتِكَ بِتَظَاوُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا،  
فَأَخْفِهَا السُّؤَالَ وَاسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ،  
فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَيْتِهِ سَبِيلًا،  
وَ سَتَقُولُ وَ يَحْكُمُ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، یعنی:

پس از این که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حضرت زهرا سلام الله علیها را به خاک سپرد رو به قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمود و به آن حضرت عرض کرد.

سلام بر تو ای رسول خدا از جانب من،  
و سلام بر تو ای رسول خدا از جانب دختری،  
ای رسول خدا:

صبر و شکیبایی من از فراق برگزیده تو کم شد «صبر و شکیبایی من از فراق دختری حضرت زهرا سلام الله علیها کم شد و به سر آمد»، و توان و استقامت و خویشتن داری من از دوری و فراق سیده و سرور بانوان عالم از بین رفت، همانا ودیعه و امانت پس گرفته شد «هم اکنون ودیعه و امانت به صاحبش برگردانده شد»،

و زهرا از دستم ربوده شد «زهرا از دستم رفت»،  
یا رسول الله:

حزن و اندوه من همیشگی است «هیچگاه حزن و اندوه من پایان نخواهد یافت»،

و شب های من بیداری است «شب های من در بی خوابی سپری خواهد شد»،  
یا رسول الله:

به زودی دختری فاطمه زهرا سلام الله علیها به تو خبر خواهد داد که چگونه امت تو دست به دست هم داده و با یکدیگر همدست شدند و به او ظلم نموده

و حقّ او را ضایع نمودند «حق او را خوردند»،  
یا رسول الله:

همه سرگذشت و همه وقایع را از دخترت فاطمه زهرا پیرس و گزارش را از او بخواه «از دخترت فاطمه زهرا سلام الله علیها پیرس و با اصرار و با پافشاری از او سؤال کن تا درد خود را به تو بگوید»،  
زیرا چه بسیار دردها و ناراحتی‌ها در سینه داشت اما راهی برای بیان نمودن و بازگو کردن آن‌ها نمی‌یافت،  
ولی اکنون آن‌ها را بازگو خواهد کرد،  
و خداوند متعال داوری می‌فرماید،  
و خداوند متعال بهترین داوران است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

**الف:** ملاحظه فرمودید که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از به خاک سپردن صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها رو به سوی مرقد مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمود و به آن حضرت عرض کرد:

قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي،  
وَ عَفَا عَنْ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلُّدِي، یعنی:  
یا رسول الله:

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۵۶، حدیث ۳ «حدیث ۱۲۳۸».  
امالی شیخ مفید، مجلس ۳۳، صفحه ۳۸۳، حدیث ۷.  
امالی شیخ طوسی، جلد اول، مجلس ۴، صفحه ۲۳۳، حدیث ۲۰ «حدیث ۱۶۶».  
سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۲۴۲.  
تحقیقی درباره زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمد کاظم قزوینی، صفحه ۴۱۴ «مراسم تغسیل و تکفین».  
جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۲۶، صفحه ۱۸۹، حدیث اول.

صبر و شکیبائی من از دوری و فراق برگزیده تو «یعنی از دوری و فراق حضرت زهرا سلام الله علیها» کم شد و به سرآمد، و توان و استقامت و خویشتن داری از دوری و فراق سیده و سرور بانوان عالم از بین رفت.

این فرمایش حضرت امیر علیه السلام به سه مطلب اشاره دارد:

۱- حضرت زهرا سلام الله علیها صفتی و برگزیده خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

۲- حضرت زهرا سلام الله علیها سیده و سرور تمام بانوان عالم می باشد از بدو خلقت تا روز قیامت، که در این کتاب شریف فاطمی به عنوان دهمین فضیلت آن علیا مخدّره مورد بحث می باشد.

۳- این فرمایش امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همچنین اشاره به شدت مصیبتی دارد که به آن حضرت وارد شده است،

یعنی:

حضرت امیر علیه السلام به عرض پیامبر اکرم می رساند که:

یا رسول الله:

با آنکه همواره هنگام مواجه شدن با مصائب و مشکلات صابر بودم،

لیکن اینجا صبر و تحمل من کم شده است،

نه بدین جهت که همسری را از دست داده‌ام، بلکه از آن جهت که وجود

مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها برگزیده خداوند متعال است،

همچنین از آن جهت که فاطمه زهرا سلام الله علیها سیده و سرور تمام بانوان

عالم است، از بدو خلقت تا روز قیامت.<sup>۱</sup>

---

۱. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۲۶، صفحه ۱۹۱، حدیث اوّل «بند چهارم».



ب: در حدیث نوزدهم ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز بیست و هشتم صفر سال یازدهم هجری و در آخرین ساعات عمر مبارک خویش دست حضرت زهرا سلام الله علیها را در دست امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قرار داد و به آن حضرت فرمود:

يا أَبَا الْحَسَنِ:

هَذِهِ وَدِيعَةُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٌ عِنْدَكَ، يَعْنِي:

یا علی:

دخترم فاطمه زهرا سلام الله علیها ودیعه و امانت خداوند متعال، و ودیعه و امانت من است که آن را به تو می سپارم.

در حدیث بیستم ملاحظه فرمودید که:

وقتی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، فاطمه زهرا سلام الله علیها را به خاک سپرد، از طرف خودش و از طرف حضرت زهرا سلام الله علیها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض سلام و تحیت نمود و سپس فرمود:

قَدْ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِيعَةُ، يَعْنِي:

همانا ودیعه و امانت پس گرفته شد، یا:

هم اکنون ودیعه و امانت به صاحبش برگردانده شد، لیکن:

زمانی که حضرت امیر علیه السلام ودیعه و امانت خداوند متعال و پیامبر اکرم را تحویل گرفت،

و زمانی که پیامبر اکرم روز بیست و هشتم صفر سال یازدهم هجری، این ودیعه و امانت الهی را به حضرت امیر علیه السلام سپرد، آن ودیعه و آن امانت در صحت و سلامتی کامل بود، و فرزند پسری به نام محسن در رحم داشت، اما:

وقتی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هفتاد و پنج روز و یا نود و پنج روز بعد، ودیعه و امانت خدا و رسول را به پیامبر اکرم بازگرداند، محسن امانت خدا و رسول خدا سقط شده بود، پهلوی امانت خدا و رسول خدا شکسته شده بود، بازوی امانت خدا و رسول خدا ورم کرده بود، صورت امانت خدا و رسول خدا کبود شده بود، حقوق امانت خدا و رسول خدا پایمال شده بود، ارث امانت خدا و رسول خدا غصب شده بود، و همه این فجایع طبق فرمایش صریح مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به وسیله امت اسلام صورت گرفت، آن دسته از امت اسلام که از پذیرش امامت و ولایت مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام امتناع کرده و سراغ دیگران رفتند. در حدیث بیستم صراحتاً به این مطلب اشاره شده که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از به خاک سپردن فاطمه زهرا سلام الله علیها رو به قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نمود و به آن حضرت عرض کرد:

وَسَتْنَبِيَّكَ ابْنَتِكَ بِتَطَافِرِ أُمَّتِكَ عَلَي هَضْمِهَا،  
فَأَخْفَهَا السُّؤَالَ وَاسْتَخْبِرَهَا الْحَالَ، يَعْنِي:

یا رسول الله:

به زودی دخترت فاطمه زهرا سلام الله علیها به تو خبر خواهد داد که چگونه امت تو دست به دست هم داده و با یکدیگر همدست شدند و حق او را ضایع و پایمال نمودند، و به او ظلم کردند، و در نهایت نیز او را به شهادت رساندند،  
یا رسول الله:

همه وقایع و اتفاقات را از دخترت فاطمه زهرا سلام الله علیها پرس و از او گزارش بخواه، یعنی:

از دخترت فاطمه زهرا سلام الله علیها پرس و با اصرار و با پافشاری از او سؤال کن تا درد خود را به تو بگوید، زیرا:

فاطمه زهرا سلام الله علیها در این مدت کوتاه هفتاد و پنج روزه و یا نود و پنج روزه بعد از رحلت شما چه بسیار دردها و ناراحتی‌ها در سینه داشت، اما راهی برای بیان کردن و بازگو نمودن آن‌ها نمی‌یافت، ولی اکنون آن‌ها را برای شما بازگو خواهد کرد.



## فهرست احاديث

- ۹..... إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا،
- ۱۰..... يَا عَلِيُّ: مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ،
- ۱۰..... مَا عَرَفَ اللَّهُ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ،
- ۱۰..... وَ مَا عَرَفَنِي إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ،
- ۱۶..... نَحْنُ الْكَلِمَاتُ الَّتِي لَا تُدْرِكُ فِضَائِلَنَا
- ۱۶..... مَوْ إِلَيَّ لَا أَحْصِي ثَنَائِكُمْ،
- ۲۱..... يَا عَلِيُّ: أَنْفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ،
- ۲۱..... أَنْفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ،
- ۲۳..... فَاطِمَةُ هِيَ الصِّدِّيقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى،
- ۲۳..... عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى،
- ۲۳..... إِنْ اللَّهُ يَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا،
- ۲۴..... هُمْ أَهْلُ بَيْتِ التُّبُوءَةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ،
- ۲۴..... هُمْ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا
- ۳۰..... اَللّٰهُمَّ هُوَ لَا ءِ اَهْلُ بَيْتِي وَ عِثْرَتِي،
- ۳۱..... فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً،
- ۳۱..... اَللّٰهُمَّ هُوَ لَا ءِ اَهْلُ بَيْتِي وَ عِثْرَتِي،
- ۳۳..... اَللّٰهُمَّ هُوَ لَا ءِ اَهْلُ بَيْتِي وَ عِثْرَتِي،
- ۳۵..... إِنْ أَبْتَنِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،

- اللَّهُمَّ هُوَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَعِزَّتِي، ..... ٣٧
- كُونِي مَكَانَكَ يَا أُمَّ سَلَمَةَ، أَنْتِ إِلَى خَيْرٍ، ..... ٣٨
- اللَّهُمَّ هُوَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَعِزَّتِي، ..... ٣٩
- اللَّهُمَّ هُوَ لِأَهْلِ بَيْتِي، ..... ٤٣
- نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» وَ فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ  
 حَسَنَ وَ حُسَيْنَ، ..... ٤٤
- اللَّهُمَّ هُوَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَعِزَّتِي، ..... ٤٧
- إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، ..... ٥٤
- إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ حَبْلَيْنِ، ..... ٥٧
- مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، ..... ٥٨
- مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، ..... ٥٨
- مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، ..... ٦٠
- سُتْفِرَّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، ..... ٦٣
- اللَّهُمَّ إِنَّ هُوَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي وَ حَامَّتِي، ..... ٦٥
- لِحُمُّهُمْ لِحْمِي وَ دَمُهُمْ دَمِي، ..... ٦٥
- يُؤْلِمُنِي مَا يُؤْلِمُهُمْ وَ يَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ، ..... ٦٥
- أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ سَلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ، ..... ٦٥
- إِنَّهُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ، ..... ٦٥
- هُمُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ، ..... ٦٧
- هُمُ فَاطِمَةٌ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا، ..... ٦٧
- هُمُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ، ..... ٦٨
- هُمُ فَاطِمَةٌ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا، ..... ٦٨
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا، ..... ٧١

- ٧١ ..... الهى بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا.
- ٧٩ ..... هُوَ لَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، هُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي،
- ٧٩ ..... لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ،
- ٨١ ..... هُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي،
- ٨١ ..... لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ.
- ٨٥ ..... وَ هُمْ أَفْضَلُ الْخَلْقِ،
- ٨٦ ..... هُوَ لَاءِ أَحِبَّائِي وَ أَوْلِيَائِي وَ حُجَجِي عَلَى خَلْقِي
- ١٠٩ ..... هُوَ لَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ،
- ١٠٩ ..... هُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي،
- ١٠٩ ..... لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ.
- ١١١ ..... هُوَ لَاءِ أَحِبَّائِي وَ أَوْلِيَائِي وَ حُجَجِي عَلَى خَلْقِي وَ أُمَّةٌ بَرِيَّتِي،
- ١١١ ..... مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ،
- ١١٢ ..... لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ،
- ١١٢ ..... هُوَ لَاءِ خَزَنَةُ عِلْمِي وَ أَمْنَائِي عَلَى سِرِّي،
- ١١٤ ..... هُوَ لَاءِ خَمْسَةٌ مِنْ وُلْدِكَ،
- ١١٤ ..... لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ،
- ١١٤ ..... هُوَ لَاءِ خَمْسَةٌ شَقَقْتُ لَهُمْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِي،
- ١١٤ ..... لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ،
- ١١٤ ..... فَأَنَا الْمَحْمُودُ وَ هَذَا مُحَمَّدٌ.
- ١١٤ ..... وَ أَنَا الْعَالِي وَ هَذَا عَلِيٌّ،
- ١١٤ ..... وَ أَنَا الْفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ،
- ١١٤ ..... وَ أَنَا الْإِحْسَانُ وَ هَذَا الْحَسَنُ،
- ١١٤ ..... وَ أَنَا الْمُحْسِنُ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ،

- هُؤْلَاءِ صَفْوَتِي،..... ١١٤
- بِهِمْ أَنْجِيهِمْ وَ بِهِمْ أَهْلِكُهُمْ..... ١١٤
- نَحْنُ سَفِينَةُ النَّجَاةِ،..... ١١٤
- فَمَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَسْأَلْ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ،..... ١١٥
- يَا أَحْمَدُ: لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتَ الْأَفْلَاكَ،..... ١٢١
- لَوْلَا عَلَيُّ لَمَا خَلَقْتِكِ،..... ١٢١
- لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا،..... ١٢١
- اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي وَ حَامَّتِي،..... ١٣٢
- لَحْمُهُمْ لَحْمِي وَ دَمُهُمْ دَمِي،..... ١٣٣
- أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ،..... ١٣٣
- يَا مَلَائِكَتِي وَ يَا سُكَّانَ سَمَاوَاتِي،..... ١٣٤
- إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَ لَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً إِلَّا فِي مَحَبَّةِ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ..... ١٣٤
- يَا رَبِّ: وَ مَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ..... ١٣٤
- مَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ..... ١٣٤
- هُمُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ،..... ١٣٤
- هُمُ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا،..... ١٣٤
- نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ خُلَفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ..... ١٤١
- نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى،..... ١٤١
- نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ وَ أَعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ،..... ١٤١
- بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا،..... ١٤١
- بِنَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ،..... ١٤١
- نَحْنُ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ..... ١٤٢
- نَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ،..... ١٤٢



- بِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، ..... ١٤٢
- بِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَنْشُرُ الرَّحْمَةَ، ..... ١٤٢
- لَوْلَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، ..... ١٤٢
- السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، ..... ١٤٣
- بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، ..... ١٤٤
- بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ، ..... ١٤٤
- بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ، ..... ١٤٥
- أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي، ..... ١٤٥
- أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ رُوحِي، ..... ١٤٥
- بِيَمِينِهِ رَزَقَ الْوَرَى وَبِوَجُودِهِ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، ..... ١٤٦
- الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ، ..... ١٤٦
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا عَفَرْتَ لِي، ..... ١٥٧
- هُؤْلَاءِ أَحِبَائِي وَأَوْلِيَائِي وَحُجَجِي عَلَى خَلْقِي وَائِمَّةُ بَرِيَّتِي، ..... ١٥٨
- مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ، ..... ١٥٨
- لِمَنْ تَوَلَّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتِي، ..... ١٥٨
- لِمَنْ خَالَفَهُمْ وَعَادَاهُمْ خَلَقْتُ نَارِي، ..... ١٥٨
- فَوَلَايَتُهُمْ أَمَانَةٌ عِنْدَ خَلْقِي، ..... ١٥٩
- لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ، ..... ١٦١
- هُؤْلَاءِ خَزَنَةُ عِلْمِي وَآمِنَائِي عَلَى سِرِّي، ..... ١٦١
- هُؤْلَاءِ خَمْسَةٌ مِنْ وُلْدِكَ، ..... ١٦٤
- لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ، ..... ١٦٤
- هُؤْلَاءِ خَمْسَةٌ شَقَقْتُ لَهُمْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِي، ..... ١٦٤
- يَا آدَمُ: هُؤْلَاءِ صَفْوَتِي، ..... ١٦٥

- يا آدَمَ: فَإِذَا كَانَ لَكَ إِلَىٰ حَاجَةٍ فَبِهَوْلَاءِ تَوَسَّلْ، ..... ١٦٥
- فَقَالَ النَّبِيُّ: نَحْنُ سَفِينَةُ النَّجَاةِ، ..... ١٦٥
- هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ ..... ١٧٤
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنْهَا، ..... ١٨١
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَمِنْتَنِي، ..... ١٨٧
- اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ بِحَقِّ عَلِيِّ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، ..... ١٨٨
- يا مُوسَى: أَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ إِذَا عَرَفْتَ مَنْزِلَتَهُ وَ مَنْزِلَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ، ..... ١٩٣
- أَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ إِذَا عَرَفْتَ مَنْزِلَتَهُ وَ مَنْزِلَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ، ..... ١٩٣
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْغَرَقِ، ..... ٢٠١
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، ..... ٢٠٧
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي، ..... ٢١٢
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْغَرَقِ، ..... ٢١٢
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا نَجَّيْتَنِي، ..... ٢١٣
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَمِنْتَنِي، ..... ٢١٣
- نَحْنُ رَحْمَةٌ مِنَ اسْتَرْحَمَكَ، وَ غَوْثٌ مِنَ اسْتَعَاثَ بِكَ، ..... ٢١٩
- كُلَّمَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَوْلِهِ إِنَّ الْأَبْرَارَ، ..... ٢٥٦
- عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ ابْنَاهُمَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ..... ٢٦٨
- اِقْتِرَافُ الْحَسَنَةِ مَوَدَّتْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، ..... ٢٦٩
- السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، ..... ٢٧٤
- لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، ..... ٢٧٤
- مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، ..... ٢٧٥
- مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، ..... ٢٧٦
- عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ ابْنَاهُمَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ..... ٢٧٨

- ٢٧٩.....مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا،
- ٢٧٩.....أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا،
- ٢٨٢.....لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ بَيْنَ الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ،
- ٣٠٥.....ذُرِّيَّةِ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
- ٣٠٦.....إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ
- ٣١١.....إِبْنَيْ هَذَانِ إِمَامَانِ قَامَا أَوْفَعَدًا،
- ٣١٢.....أَتَانِي جَبْرِئِيلُ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ أُمَّتِي سَتَقْتُلُ ابْنِي هَذَا،
- ٣١٣.....جَائِنِي جَبْرِئِيلُ فَعَزَّانِي بِابْنِي الْحُسَيْنِ
- ٣١٣.....أَسْرَى بِي فِي هَذَا الْوَقْتِ إِلَى مَوْضِعٍ مِنَ الْعِرَاقِ يُقَالُ لَهُ كَرْبَلَاءُ،
- ٣١٣.....فَارَيْتُ فِيهِ مَضْرَعَ الْحُسَيْنِ ابْنِي
- ٣١٥.....سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي،
- ٣١٥.....إِنَّ فِي بَيْتِكَ لَسَخْلًا يَقْتُلُ بِنِ رَسُولِ اللَّهِ،
- ٣١٨.....السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى، وَ حَجَّجَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ
- ٣٢٣.....فَمَا قَبَلْتُهَا قَطُّ إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا،
- ٣٢٥.....أَتَى أَيْبُتُ عِنْدَ رَبِّي وَ يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِينِي،
- ٣٢٦.....طُوبَى شَجَرَةٌ عَرَسَهَا اللَّهُ تَعَالَى بِيَدِهِ
- ٣٢٧.....سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا،
- ٣٢٩.....فَإِذَا أَنَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رِيحَ فَاطِمَةَ،
- ٣٣١.....فَكُلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ، شَمَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ
- ٣٤٠.....شَجَرَةٌ أَصْلُهَا فِي دَارِي وَ فَرَعُهَا عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ،
- ٣٤٠.....شَجَرَةٌ أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَ فَرَعُهَا عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ،
- ٣٤٠.....إِنَّ دَارِي وَ دَارِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ فِي الْجَنَّةِ بِمَكَانٍ وَاحِدٍ،
- ٣٤٣.....خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ،

- ٣٤٥..... إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ،
- ٣٤٥..... هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي، وَ أُخْرِجُ مِنْ ذَلِكَ الثُّورِ أُمَّةً،
- ٣٤٩..... يَا مُحَمَّدُ: إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ ... مِنْ نُورِي،
- ٣٤٩..... إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ ... مِنْ نُورِي،
- ٣٥٠..... يَا مُحَمَّدُ: لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِي عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ.....
- ٣٥٠..... لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِي عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَ يَصِيرَ كَالشَّيْنِ الْبَالِي.....
- ٣٥٢..... خَلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ،
- ٣٥٥..... إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ نُورًا مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ.....
- ٣٥٧..... ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَ نُورَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللَّهِ،
- ٣٧١..... يَا فَاطِمَةَ: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،
- ٣٧١..... إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،
- ٣٧٢..... أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكِ وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ،
- ٣٧٤..... يَا فَاطِمَةَ: أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ لِامْرِيئِ الْبَتُولِ،
- ٣٨٠..... عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ،
- ٣٨٠..... أَنْتِ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ زَوْجَتُهُ،
- ٣٨٣..... هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ زَوْجَتُهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ غَيْرِي؟
- ٣٨٤..... إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي، رُوحُهُ مِنْ رُوحِي،
- ٣٨٥..... هُوَ زَوْجُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،
- ٣٨٦..... إِنَّ عَلِيًّا وَ صَبِيَّ وَ خَلِيفَتِي،
- ٣٨٦..... وَ زَوْجَتُهُ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ بِنْتِي،
- ٣٨٧..... إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ،
- ٣٨٧..... هُوَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ وَ زَوْجُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
- ٣٨٨..... يَا عَلِيُّ: أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي،

- ٣٨٨..... أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي،
- ٣٨٨..... أَنْتَ زَوْجُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ فَاطِمَةَ ابْنَتِي،
- ٣٨٩..... أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،
- ٣٨٩..... هِيَ نُورُ عَيْنِي، هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي،
- ٣٨٩..... أَنْظَرُوا إِلَيَّ إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ إِمَائِي،
- ٣٩١..... أَنَا وَصِيَّهُ وَ زَوْجُ ابْنَتِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ،
- ٣٩١..... نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ،
- ٣٩١..... بِنَاهِدَاكُمْ اللَّهُ، وَ بِنَا اسْتَقْدَكُم مِّنَ الضَّلَالَةِ،
- ٣٩٤..... أَنَا سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ وَصِيُّ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ،
- ٣٩٤..... أَنَا زَوْجُ الْبَتُولِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّكِيَّةِ،
- ٣٩٥..... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الصِّدِّيقَةَ فَاطِمَةَ الرَّكِيَّةِ،
- ٣٩٦..... يَا أَبَا حَسَنٍ: هَذِهِ وَدِيعَةُ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ مُحَمَّدٌ،
- ٣٩٦..... هَذِهِ وَدِيعَةُ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ مُحَمَّدٌ عِنْدَكَ،
- ٣٩٦..... يَا عَلِيَّ: هَذِهِ وَاللَّهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،
- ٣٩٦..... هَذِهِ وَاللَّهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،
- ٣٩٦..... يَا عَلِيَّ: أَنْفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ،
- ٣٩٦..... أَنْفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ،
- ٣٩٧..... قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي صَفِيَّتِي صَبْرِي،
- ٣٩٧..... قَدْ اسْتَرْجَعْتَ الْوَدِيعَةَ، وَ أَخَذْتَ الرَّهْيَنَةَ،
- ٣٩٧..... يَا رَسُولَ اللَّهِ: أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ،
- ٣٩٧..... أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ، وَ أَمَّا لَيْلِي فَمَسْهَدٌ،
- ٣٩٨..... وَ سَتُنَبِّئُكَ ابْنَتَكَ بِتَظَاوُرِ أُمَّتِكَ عَلَيَّ هَضْمِهَا،



## منابع و مأخذ

### ۱. تفسیر مجمع البیان

تألیف: امین الاسلام طبرسی  
ترجمه: جمعی از علماء و فضلا  
تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی

### ۲. تفسیر المیزان

تألیف: علامه سید محمدحسین طباطبایی  
ترجمه: جمعی از علما و فضلا  
قم: انتشارات مؤسسه مطبوعات دارالعلم  
تهران: کانون انتشارات محمدی

### ۳. تفسیر نمونه

تألیف: جمعی از علما و فضلا، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی  
تهران: دارالکتب الاسلامیه

### ۴. تفسیر صافی

تألیف: عالم ربّانی آیت الله محمد محسن فیض کاشانی  
ترجمه: جمعی از علما و فضلا، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی  
قم: نشر نوید اسلام

## ۵. تفسر برهان

تألیف: علامه سید هاشم بحرانی

ترجمه: دکتر رضا ناظمیان، دکتر علی گنجیان و دکتر صادق خورشیا  
تهران: نشر کتاب صبح با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور

## ۶. تفسیر نورالثقلین

تألیف: علامه حویزی

ترجمه: جمعی از علماء و فضلا، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی  
قم: نشر نوید اسلام

## ۷. اصول کافی

تألیف: محمد بن یعقوب کلینی

ترجمه: سید جواد مصطفوی

تهران: انتشارات علمیة اسلامیة

## ۸. احتجاج طبرسی

تألیف: ابومنصور احمد بن علی طبرسی

ترجمه: بهزاد جعفری

تهران: دارالکتب الاسلامیة

## ۹. عیون اخبار الرضا علیه السلام

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»

ترجمه: علی اکبر غفاری، حمید رضا مستفید

تهران: دارالکتب الاسلامیة



## ۱۰. معانی الاخبار

تألیف: محمّد بن علیّ بن بابویه «شیخ صدوق»  
ترجمه: عبدالعلی محمّدی شاهرودی  
تهران: دارالکتب الاسلامیه

## ۱۱. کمال الدّین و تمام النّعمه

تألیف: محمّد بن علیّ بن بابویه «شیخ صدوق»  
ترجمه: منصور پهلوان  
قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث

## ۱۲. خصال

تألیف: محمّد بن علیّ بن بابویه «شیخ صدوق»  
ترجمه: محمّد باقر کمره‌ای  
تهران: انتشارات کتابچی

## ۱۳. علل الشّرایع

تألیف: محمّد بن علیّ بن بابویه «شیخ صدوق»  
ترجمه: سیّد محمّد جواد ذهنی تهرانی  
قم: انتشارات مؤمنین

## ۱۴. امالی

تألیف: محمّد بن علیّ بن بابویه «شیخ صدوق»  
ترجمه: کریم فیضی  
قم: انتشارات چهارده معصوم علیهم السّلام

## ۱۵. امالی

تألیف: محمّد بن حسن طوسی «شیخ طوسی»  
ترجمه: صادق حسن‌زاده  
قم: انتشارات اندیشه هادی

## ۱۶. امالی

تألیف: محمّد بن محمّد بن نعمان «شیخ مفید»  
ترجمه: عقیقی بخشایشی  
قم: انتشارات نوید اسلام

## ۱۷. ارشاد

تألیف: محمّد بن محمّد بن نعمان «شیخ مفید»  
ترجمه: سیّد هاشم رسولی محلاتی  
قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

## ۱۸. ارشادالقلوب

تألیف: حسن بن ابی‌الحسن محمّد دیلمی  
ترجمه: علی سلگی نهاوندی با تصحیح و پاورقی علامه شعرانی  
قم: چاپ امین

## ۱۹. کَلِّیَّاتُ حَدِیْثِ قُدْسِی «ترجمه کتاب جواهر السنّیه»

تألیف: شیخ حرّ عاملی  
ترجمه: زین‌العابدین کاظمی خلخالی  
تهران: انتشارات دهقان

۲۰. بصائر الدرجات

تألیف: محمّد بن حسن صفار قمی  
ترجمه: علیرضا زکی زاده رنانی  
قم: انتشارات وثوق

۲۱. سوگنامه فدک «شرح خطبه فاطمه زهرا سلام الله علیها»

تألیف: آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی  
تهران: انتشارات قائن

۲۲. شرح زیارت جامعه کبیره

تألیف: آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی  
تهران: انتشارات قائن

۲۳. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»

تألیف: آیت الله جوادی آملی  
قم: مرکز نشر اسراء

۲۴. شرح زیارت جامعه کبیره «ترجمه کتاب شمس الطالع»

تألیف: علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی  
ترجمه: محمّد حسین نائیجی  
قم: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

۲۵. شرح زیارت جامعه کبیره «حبل متین»

تألیف: آیت الله سیّد محمّد ضیاءآبادی

تهران: انتشارات بنیاد خیریه الزهراء سلام الله عليها

## ۲۶. فضائل فاطمه زهرا سلام الله عليها

تأليف: عبدالحسين اميني «علامة اميني»

تهران: نشر استقلال

ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## ۲۷. امیر المؤمنین علیه السلام نفس نفیس خاتمت

تأليف: آیت الله وحید خراسانی

قم: مدرسه الامام باقر العلوم علیه السلام

## ۲۸. فاطمه زهرا سلام الله عليها حلقه وصل رسالت و امامت

تأليف: آیت الله وحید خراسانی

قم: مدرسه الامام باقر العلوم علیه السلام

## ۲۹. حدیث لولا فاطمة

تأليف: آیت الله محمد علی گرامی

ناشر: دفتر آیت الله محمد علی گرامی

## ۳۰. جنة العاصمه

تأليف: آیت الله سیّد محمد حسن میرجهانی

تهران: موسسه فرهنگي هنري شمس الضحی

## ۳۱. فاطمه عليها سلام سرور دل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

تأليف: آیت الله رحمانی همدانی

ترجمه: مهدی جعفری  
تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر

۳۲. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام  
تألیف: آیت‌الله سیّد احمد مستنبط  
قم: نشر الماس

۳۳. جلوه نور  
تألیف: آیت‌الله سعادت‌پرور  
تهران: شرکت انتشارات احیاء کتاب

۳۴. تحقیقی درباره زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها  
تألیف: آیت‌الله سیّد محمّد کاظم قزوینی  
ترجمه: سیّد محمّد صالحی  
تهران: نشر محمّد

۳۵. خصائص فاطمیّه  
تألیف: آیت‌الله کجوری مازندرانی «معروف به ملاّ باقر واعظ تهرانی»  
قم: انتشارات اندیشه هادی

۳۶. آل الله در کتاب الله «فضائل و مناقب چهارده معصوم علیهم السّلام در قرآن کریم»  
تألیف: نیره السّادات علوی حسینی  
قم: انتشارات طوبای محبّت